

م بانڈ یانڈ جیل

Duncan Heaster

www.carelinks.net

Carelinks,

PO Box 152

Menai

NSW 2234

AUSTRALIA

م باذ يانجيل

در نهفته آرامش و لذت بآزيبا بي جهت مطالعاتي راهنماييك
واقعي مسيحييت

خدا ملكوت مورد در مطالبي: اول قسمت

خد: 1 فصل

ا

ا فرشتگان | خدا خصوصيات و عناوين | خدا شخصيت | خدا وجود
هليروسش

خدا روح: 2 فصل

هليروسش | هدايا اس ترداد | القدس روح هداياي | الاهام | تعريف

خدا هلي وعده: 3 فصل

به خدا هلي وعده | نوح به خدا هلي وعده | به شد تي هلي وعده | مقدمه
هليروسش | داود به خدا هلي وعده | ابراهيم

مرگ و خدا: 4 فصل

داوري | رس تاخيز | است خفته گي مرگ | روح | جان | سانان فطرت
| خدا بر رابر در اند سان مسؤلويت | زمين؟ يا به شت: پاداش مكان |
هليروسش | دوزخ

خدا ملكوت: 5 فصل

گذشته در خدا ملكوت | نيست ملكوت زمان اي نك | ملكوت تعريف
هليروسش | هزاره | آينده در خدا ملكوت |

بدي و خدا: 6 فصل

هَلپ ر سش | ديو هلا | ابل لیس و شديطان | بدی و خدا

مسیح عیسی مورد در مطال بی: دوم ق سمت

مسیح منشاء: 7 ف صل

| مقدس ب اکره زایش | مسیح در باره ع تبق عهد هلی پ یش گوید ی
هَلپ ر سش | "ب ود کلام آغاز در" | خدا ب زمانه در مسیح نقش

مسیح ف طرت: 8 ف صل

انسانیت | مسیح ف طر | مسیح و خدا ب ین هلی ت ف اوت | مقدمه
هَلپ ر سش | مسیح با خدا رابطه | مسیح

مسیح سوی به ت عمید: 9 ف صل

ت عمید معنای | بشویم؟ ت عمید غسل چگونه | ت عمید حیاتی اهمیت
هَلپ ر سش | مجدد ت عمید: انحراف | رسد ت گاری و ت عمید |

مسیح آغوش در زندگی: 10 ف صل

Published by:

Carelinks

PO Box 152

Menai Central

NSW 2234

AUSTRALIA

www.carelinks.net

email: info@carelinks.net

خدا وجود 1-1

خدا که باشد داشته ایمان بیاید، خدا بسوی می خواهد که هر "میده پدرش هست تندی، او جس تجوی در پاك دلې با كه آنانی و به هست به كه است ی آنهایی به كمك مطالعات این از منظور. (11:6 ع بران یان) بنا بر این، "دارد وجود او كه" دارند به اور اول مرده در و آورده روی خدا نمی خدا وجود به ایمان تا بیید منظور به مدارك ارائه و بحث وارد را خود، (139:14 مزامیر) انسان بدن پیچیده ساختار مورد در تفکر، كنیم فضا عظمت به شدن خیره گل، يك درگرفته صورت آشكار طراحی به شمار ظریف هلیكته و موارد این تمام بر، بی شب يك در می نکرده بی اور را خدا وجود عدم فاسد فزندگی، مورد در دیدگری وجود به اع تقاد از بی شد تر خدا وجود عدم به اع تقاد شك بدون سازند در نهایی معنای یا هدف نظم، هیچ خدا بدون دارد ایمان به نیازی منعکس ملحد رد زندگی در شك بی حاصل خلاء و شد تهداد وجود جهان اند سازها اثر که نیست عجب اصلاً موضوع این به توجه با شود می که جوامعی در حقی - دارند اع تقاد خدا به حدی تا که نند می اع تراف است شده تبدیل مردم زندگی در غالب، خدای به گرای می مادی

پاداشی از اطمینان بیا برت رن بیروی وجود از مبهمت صورتی داشت تن اما زیادی تفاوت شود، می دریافت او جانب از صادقانه خدمت ازای در که ما است، آمده 11:6 ع بران یان در نکه ته این آورد می وجود

هست (خدا) که باشد داشته ایمان بیاید "

و

"میده پدرش هست تندی، او جس تجوی در پاك دلې با كه آنانی و به

اسرائیل بی نی قوم خدا، بندگان داس تان مقدس کتاب اعظم قسمت می را خدا وجود اگر چه آنها که شده تکرار نکه ته این بارها است. بناد شد تند ایمان او هلی وعده تحقق به اندازه هان به ولی پی نیرف تند، و آری در خاطر امروز پس: "گفت آنها به موسی آنها الا شأن عظیم رهبر هیچ و است زمین خدای هم و آسمانها خدای هم خداوند، که نکرید فراموش شما به امروز که راقواند بی بیید شما ندارد وجود او از غیر خدای می (4:39.40 تندی) "که نید اطاعت میدهم

به نسد بت دروني آگاهي: ميشود اشاره نكته هين به هم ايد نجا پس
 كافي خدا سوي از ما شدن پذيرفته براي پروردگاريك وجود
 خالق واقعا كه باشد يم داشته نظر توافقي جدي طور مبرر است
 آگاهي مجموعه اين هدف: "كذيم اطاعت او قواني از نتيجتا" بايد داريم،
 جس تجوي به راس تا اين در آنهاست از پيروني نحوه و قواني اين از
 سبب كار اين كه مي بريم پي و پردازيم مي مقدس هلي كتاب در
 :شود مي داو نده وجود به ما ايمان ت قويت

(10:17 روم يان) آيدمي ب وجود انجیل مؤده شدن ايدمان ايد نحال، با

مورد در خداوند پيشگويي چطور كه ميدهند شان نيز 12، 9:43 اشعيا
 (13:43 اشعيا) "هست خدا من" كه بداند يم ما كه شود مي سبب آيد نده
 صديح كاملا "هست تم كه آن هست تم": ميگوييد خدا كه هانگونه ي معني
 در اكنون كه آبره نام به شهري به نبي پو لس (14:3 خروج) است
 انجیل موعظه به هيشه ماندند او رفت است شده واقع يوزان شمال
 گفته صرفاً ايد نكه جاي به مردم ولي پرداخت، خداوند (ديكو هلي مؤده)
 گوش (پو لس نه و خدا) پيغام به اشد تياق با "ب پذيرند، راپو لس
 بدينند تا خوانند مي دقت بار آسماني كتاب روز ره و ميدانند
 از زيادي عده ترتيب اين به نه ياهست خدا كلام مطابق هلي شگفته
 سبب به آنها ايدمان (12، 11:17 ر سولان اعمال) "آوردند ايدمان آنان
 با انجیل در (روزانه) مرتب و (هگفته آن دن بال به) منظم جس تجوي
 به خداوند كه ن بود چيزي حقيقي ايدماني حصول پس بدد باز ذهني
 آنها به خدا كلام از خارج و قلب معنوي جراحي نوعي باناگهاني طور
 ادبياي جلسه يك به ترواندمي چطور جهان مردم پس باشد كرده القا
 خارج آن از "مومن" وگذاشته قدم گراهم بيلي نهضت ياپ نجاه عيد
 قرار ك نكاش مورد مقدس بك تا حد چه تا موارد ي چنين در شوند؟
 شك بدون انجیل برپا به حقيقي ايدماني يك فقدان است؟ گرفت
 روي ديگري كيش به كه افراد اين از بس ياري كه است خلائي دل
 روي دل و يابندمي خود آيد نده مسيحي ت جارب در اند آورده
 باشدمي پروتستان حركتهاي از بس ياري بر گردانند

جس تجوي جهت چهارچوبي ساختن فراهم، مطالعاتي دوره اين هدف
 مي شما آوردن ايدمان در نتيجه و شما خودت وسط مقدس كتابهاي منظم
 ب بين ارتباط به انجیل هلي موعظه در اوقات از بس ياري باشد
 :است شده اشاره حقيقي ايدماني داشته ت و واقعي انجیل شدن

بدتعم غسل و آوردند ايدمان مسيح به قرن تساهلي از بس ياري
 (8:18 ر سولان اعمال) بگرفتند

ر سولان اعمال) "آوردند ای مان آن به و شدن پند را انجیل پی یغام" مردم
15:7)

اول). "آوردید ای مان آن به نیز شما و کردیم اعلام شما به را انجیل ما"
15:11) قرن تیان

منظور در حال یک، (8:11 لوقا) خداست کلام بزگ، تم ثیل در "زیه"
از مذکور ای مان مشاهده، (17:6 لوقا) می باشد ای مان ل، خرد درخت از
" صدیح تعلیم و ای مان کلام "، (10:8 روم بیان) " ای مان کلام " پی زیرش
کلام و خدا به ای مان پی زیری که دل پی درون از (4:6 تیموتائوس اول)
می گزیرد نشأت (4:2 ع بران بیان - 2:2 غلاط بیان) اوست

ای نچنین مولای مان ندگی زهلی ننگاشد ته مورد در حواری پی ودنای
پی ودنا) " پی یورید ای مان شاید تاگفت را راستی او" که می گوید
گفته (17:17 پی ودنا) " راستی " خدا کلام به ترتیب بدین و (19:35)
پی یوریم ای مان شاید تا شود، می

خدا شخصیت 1-2

و واقعی شخصیت شکل به خدا وجود بر مبنای انجیل شهادت
باشد می عظمت با و شکوه ند بسیار است، جسم دارای که فیزیکی
نکه که این بر دال مسیحیت عقیدتی مبنای هچنین موضوع این
دارای مادی موجودیک خداوند اگر خداست پی سر عیسی که می باشد
دقیق مظهر " که باشد داشته پی سری که است غیر ممکن نباشد، (جسم
فقط "خداوند" اگر به علاوه، (1:3 ع بران بیان) باشد " او شخص
فضا ارتفاعات خلاء در روح جنس از موجودی بوده ما ذهن در مفهومی
می مشکل " خداوند " با شخصی و زنده رابطه یک برقراری باشد،
غیر و غیر واقعی ذهنی پی دارای ادیان اکثر که موضوع این شود
است از گزیر غم بسیار هستند خدا از فیزیکی

که است درک قابل رو این از و است بزگتر ما از اندازه پی خدا
بر مبنای خدا شفاف و واضح هلی وعده پی ذی رفتن از مردم از بسیاری
اسرائیل بنی قوم و رزندی امتناع دید خواهیم را او نهایتاً این که
این و (5:37 پی ودنا) نشأت را خداوند " شکل " دیدن جهت کاف پی ای مان
فیزیکی ل شکل یک خداوند که است این نشانه گر و صوح به گفته
او کلام داشته تن باور و خداوند شناخت از ایمانی چندین دارد واقعی
می گزیرد منشاء

(5:8 م تي) "ديد خواهند را خداوند زي را پاك دلان، خوشايد حال"

و ديد خواهند را او روي و كرد، خواهند پسرش را او خدا خدمت گزاران
"ب و د خواهند و شده شان پيشاني روي (3:12 مكا شده - خدا نام) او نام
(22:3،4 مكا شده).

تاثير باشد يم داشته ايمان حقيقتاً آن به اگر شدگفتي، اين انتظار
داشت خواهان زندگي در عميق عملي

و پاك دلي و بر يدي سر صفا و صلح در مردم هه با تا ب كوشيد
خداوندن باشيد، مقدس و پاك تا زي را باشديد، داشته مقدسي زندگي
(12:14 ع بران يان) "ديدن خواهيد را

در ميخوريد، قسم آسمان به وقتي و "كه چرا بخوريم قسم نبايد
قسم است نشده ته تخت بر كه خدا خود به و خدا تخت به واقع
باشد، نداشته جسماني وجودي خداوند اگر (23:22 م تي). ميخوريد
شود مي معني بي كاملاً آيه اين

دارد ايمان حقيقت اين به كه ره ديد خواهيم هست كه هانگونه را او
ي و حنا اول) "است پاك نيز مسيح كه زي را بماند، پاك تا ميكوشد
(3:2،3)

باولي است ناقص بسيدار زندگي اين در آسمان يمان پدراز مادرك
مي زندگي، اين پيچيده درهم تاريكي آن سوي به داشته تن چشم
خداوندكي في بزي مشاهده باشد يم او ديدار انتظار و اميد در توانيم
كه ب و داي نگونه ب و د خواه هراه او از بالاتري ذهني درك با قطعاً
ميد برد، سر به انساني رنج و درد اعماق در حال يكه در "اي وب"
با آخر روز در كه خداوند با شخصي كاملاً ايرابه طه وعده از توانست
آيد و جد به كند، تجربه كامل طور به ب و د

من ايدد خواهم را خدا بسوسد، هم من بدن هاي نك از بعد تي ميدانم
(19:26،27 اي وب) "ديد خواهم را او چشمانم اين با خود

زندفرياد پريشاني و درد از مملوديدگر زندگي از "نبي پولس" و

را چيزه روزي اما است، مبهم و تارت صوتري ميدينيم، آنچه
(13:12 قرن تيان اول) "ديد خواهيم روشن و واضح

اساسي فضاھلي كه است كه ليدې خداوند، از صديحي درك شتندا
 كندمي بازانسان روي به را انجيل ته عمليات از ديدگري به سيار
 برداشت يك شود، مي ديگر دروغي به منجر دروغ يك كه هانطور ولي
 ك تابهائي توسط كه را حقيقي تي سديست نيز خداوند از نادرست
 قانع به خشن اين كه مع تقديد اگر . سازدمي م بهم شودمي ارائه مقدس
 "آيدمي پيش سوال اين، است كه زنده قانع حدي تا حدي يا ك زنده
 عمليات در بيش ترا ك نون" شناسيد؟ مي را خداوند واقعا يا
 كرد خواهيم كاوش او در باره انجيل

خدا خصوصيات و عناوين 1-3

رتدي وي كه كه نيم فكري است منطقي باشد، داشته وجود خدايي اگر
 داريم اعتراف ما به گويد سخن ما براي خودش از بتواند تا باشد کرده
 كه داريم باور و شودمي آشكارانسان براي انجيل در خداوند كه
 از كه است دليل اين به اند شده فاش انجيل در خداوند خصوصيات
 خدا كلام (1:23 پطرس اول) است شده ياد او "ذريه" عنوان به خدا كلام
 كه كندمي خلق مادرون را جديدي موجود و گذاشته تاثير ما ذهن در
 (5:17 قرن تيان دوم و 1:18 يعقوب) است خداوند خصوصيات داراي
 آن عمليات از و كنيم عمل خدا كلام به بيش تر هچ به ناپاين
 (8:29 روميان) " او پسر تصوير مطابق " بيش تر بريم، بهره
 خدا عيني تصوير صدييات، خصوصيات از خداوند پسر شد خواهيم
 مقدس كه تاب تاريخي هلي قسمت مطالعه ارزش (1:15 كولس يان) بود
 مقدس كه تاب تاريخي هلي داستان در است نهفته كه اين در
 خصوصيات و شده داده شرح به ارهامل و افرا در با خداوند در خورد
 است يكسان هواره در خورد ه اين اصلي

اطلاعاتي يا او او خصوصيات لامعموم فرديك نام عبري، زبان در
 واضح مثال چنند. كردمي منعكس راوي در مورد

خواهنگ ناهلنشان از را خود قوم او زيرا - "منجي" = "عيسي"
 (1:21 متي). رهندي

بسيار قومهاي در راتومن - "كثيري جمعيتي پدر" = "ابراهيم"
 (17:5 پيدايش) "ميسازم"

در زیادی اطلاعات خداوند نامهایی و عناوین که رود می‌اند تظار رو از این و اهداف که چرا دارد نام یک از بیش خداوند در واقع بدهند ارائه او مورد مطالعه حال هر به است بسد یاری هلی جن به دارای وی خصوصیات احساس و درک چرا که می‌شود، پیش نهادت عمید از پس خداوند نام دقیق که است چیزی شده اب راز وی عنوان در که آنطور خدا خصوصیات جهت این به یابد ادامه مولای مان آغوش در ما زندگی طول تمام در بابد کرد تا لقی مقدمه یک زیادی حد تا بابد رازیرم تون که است.

و برمی بسر خود زندگی از سختی بسد یار دوره در موسی که زمانی تتر قوی منظور به خداوند بسد بت تری عمیق شناخت جس تجوی در خدای من» فرمود و داد نداد را خدا مقدس نام "ای فرشته بود، خود ای مان امین خدای پراحسان، و دیرخشم خدای مهربان، و رحیم خدای توهستم، راگناه ولی میبخشم، راگناه و خطا و میکنم رحمت نفرهار به که کرد تا لقی مقدمه یک زیادی حد تا بابد رازیرم تون که است.

خصوصیات خداوند نامهایی که کند می ثابت روشنی به موضوع این که کند می ثابت خصوصیات چیزی نشان و شود می شامل را او بتواند روح جنس از وجودی که استدلالی چنین است: شخص یک خدا یافت قابل نیز از سانهادر که باشد، دانشته را خصوصیات چیزی چنین معناست بی است.

شناخته نام آن به را او مردمش که کرده اند تخاب را خاص نام یک خداوند و خلق برادر روی هدف از ای خلاصه نام این باشد دانشته یابد به و از سانهاست پیدایش.

به بابد آنها مورد در خداوند هدف و بوند برده مصر در اسرئیل بی آنها به را خداوند نام که شدگفته موسی به میرسدگوششان سرفر کرده ترک را مصر که شود ادایج ای انگیزه آنها در تا بگوید نیز ما (10:1) قرن تیان اول) که نند آغاز را موعود سرزمین سوی به اصول خداوند ملکوت سوی به خود سرفر شروع و تعمید از قبیل بابد یک نیم درک را خداوند نام به مربوط اولیه.

که آن هستم "یعنی یوه، او نام که گفت اسرئیل بی به خداوند خواهم که بود خواهم هانی من "کنیم ترجمه تر صدیح اگریا "هستم خداوند": شدداده شرح کمی نام این سد پس است (3:13.15 خروج) "بود خدای یعنی (یوه) خداوند بیگواسرئیل بی به فرمود موسی به و است من جاودانه نام این... یعقوب و اسحاق اب راهیم، خدای شما، اجداد (3:15 خروج). شناخت خواهند نام این به امر نسلها تمام

است " خداوند " خدا کامل نام به ناب رایان

ترجمه هنگام به ما و بده ع بری زبان به ع تبق عهد اعظم ق سمت
از به س یاری ناگ زیر "خدا" به رای شده به رده کار به ع بری کلمات
به که ع بری معمول کلمات از ی کی. ک نیم می حذف را جزئیات
"مق تدران" به عنی که است "الوهیم" شود می ترجمه "خدا" از گ ل ی سی
یاد به ع نوان آن به را او می خواهد که نامی خدا، "یادب ود" به ناب رایان
است نام این به باشدیم، داشته

الوهیم بهوه

به عنی

شد خواهد ظاهر مق تدران جمع در آن که

در خود وجودی ذات و خصوصیات نمودن آشکار خدا هدف به ناب رایان
از به رخی خدا، کلام از اطاعت به ما است مردم از زرگی بی بگ روه
به س یار حد در خدا پس ک نیم می ای جاد خود درون را او خصوصیات
از به یشدگویی خدا نام اما. شود می ظاهر دن یا این واقعی مومنان در کمی
خصوصیات نظر از هم که به ود خواهد مردمی از پر زمین که به وده زمانی
به خواهیم اگر. (1:4 پطرس دوم) می باشدند او نمان ط به یعت نظر از هم و
در اب دت او باشدیم، ناپذیر ف ناخدا ماند و به پیوندیم خدا هدف به
کار این راه به پیوندیم او نام به به بای د ک نیم، زندگی اخلاقی کمال
به دین. (28:19 متی) الوهیم بهوه به عنی است، نام این به به شدن تعمید
می (27:3-29 غلاطیان) اب راهیم ("ذریه") نوادگان به به هچنین و س یله
کردند دریافت را زمین اب دی وراثت وعده که نوادگانی پیوندیم،
("الوهیم") "مق تدران" گ روه هان آنها. (4:13 رومیان و 17:8 پیدایش)
در مس ذله این دهند می تحقق خدا نام پی یشدگویی به که هس تند
است شده داده شرح به یشد تر 3-4 فصل

ف رشد تگان 1-4

در ایم، داده قرار به ررسی مورد ف صل این در حال به تا که آنچه تمام
شود می جمع ف رشد تگان به ررسی:

ف یزی کی اشخاصی

خداوند نام حامل

که ند می اجرا را خود اراده آنان طریق از خداوند روح که اب زاری

خداوند خصوصیات و هدف با مطابق

خداوند نمایانگر نتیجتاً و

که ع بری کلمات تری ن معمول از ی که ی که ردیم ک عنوان 1-3 فصل در
به در واقع که است "الوهیم" شود می ترجمه "خدا" از گلا یسی به
می حمل را خدا نام که را "مق تدران" این به شد می "مق تدران" معنای
آنها نامیدن یز "خدا" او با شان نزدیک یی سبب به ت وان می ک نند
هستند فرشتگان

که است این از حاکمی پیدایش ک تاب اول به اب در جهان خلق ماجرای
" شد انجام و " کرد، صادر خلق مورد در دستورات ی خداوند
کردند می اجرا را فرمانها این فرشتگان

تا هست تید خداوند فرمان به گوش که توانا فرشتگان هه ای"
(103:20 مزامیر) "نمایید اجرا را دستوراتش

"خدا" ت وسط جهان خلق مورد در که هذ گامی که است منطقی به نا پراین
ت وسط در واقع کار که ک نیم برداشت طور این ک نیم، می مطالعه
است موضوع این مؤید دن یز 4:38-7 ای وب است شده انجام فرشتگان
پیدایش ک تاب اول به اب در که را خلق و قایع که است مناسب اکون
ک نیم به بیان خلاصه طور به است، شده داده شرح

(3 آیه) " شد رو شنای ی و «ب شود رو شنای ی» دف رمو خدا" ی ک روز

در آسمان تا شوند جدا هم از به خار هلیت وده» ف رمود خدا س پس " دور روز
(6،7 آیه) " شد چنین و ...» شوند ت شکیل پایین در اقیانوسها و بالا

تا شوند جمع ی کجا آسمان زیر آبهای» ف رمود خدا آن از پس " سه روز
(9 یه) " شد چنین و «آید پدیدد خشکی

و «... باشدند درخشانی اجسام آسمان در» ف رمود خدا س پس " چهار روز
(14،15 آیه) " شد چنین

و ... شوندد پر رزنده موجودات از آبها: فرمود خدا سد پس پ نج روز
بدين را موجودات تمام خدا و... درآيد ندب صدا آسمان برف راز پ رندگان
". شد چنين" يعني (21، 20 آيه). آفريدت رت بيب

و اهلي ديوانات و... جانوران انواع زمين،»: فرمود خدا سد پس " شش روز
(24 آيه). شد چنين و... «آورد ب وجود را خزندگان و وحشي

را انسان»: فرمود خدا سرانجام". شد خلق دشمن روز هان در ان سان
آيه اين مورد در 1-2 فصل در (1:26 پ بدياش) "ب سازيم خود شد بيه
اي نجادر "خدا" كه كه نيم اشاره تهنك اين به است لازم اما. داديم نظر
را انسان " بفرمايديم چرا كه ندارد، اشاره خداوند شخص خود به فقط
يك از بيش به "خداوند" كه ميدهندشان ب بيان اين و "ك نيم خلق
"الوهيم" ع بري كه لمه ترجمه "خداوند" كه لمه اي نجادر. دارد اشاره شخص
كه مسئله اين. دارد هاشار فرشته تگان به كه است "مقتدران" معني به
آنها كه معناست بدين اندكرده خلق خود تصوير از ما فرشته تگان
آنها ب ناپراين باشند ما ظاهر هاند جسماني ظاهري داراي ب ايدنيز
خدا ط بيعت هان كه هسند حقيقي و ف يزيكي و جسماني موجوداتي
باشند مي دارا را

ساختار جهت به شخص چگونه "ط بيعت" از منظور اي نجادر
حكيم كه لمه معنای دارد، وجود "ط بيعت" دو انجيل در. است او ف يزيكي
ذيست ممكن واحد آن در مذکور ط بيعت دوه داشته تن كه كند مي

("الهي ط بيعت") خداوند ط بيعت

90:2 مزامير به رجوع 6:23 و 9:14 روميان (كمال) كندگناه ت و اندنمي
1:13 ي عقوب و 5:48 متي

(6:16 تيموتاؤوس اول) جاودانگي يعني ب پذيرد، ف ناته و اندنمي

(40:28 اشعيا) اندرزي و نبرو از سرشار

ب عذاب كه است ط بيعتي و است فرشته تگان و خداوند ط بيعت اين
مكاشد ف و 13:34 رسولان اعمال) است شده داده او به مسيح رسد تاخيز
شده داده وعده ما به كه است ط بيعتي هان اين. (1:3 ع بران بيان و 1:18
(31 و آيه 40:28 اشعيا و 1:4 پ طرس دوم و 20:35، 36 لوقا) است

از سان ط بیعت

گناه به را او (23:7-21 مرقس و 17:9 ارمیا) فاسد ط بیعی ذهنی یک
(13:1-15 بیع قوب) کند می و سوسه

اول و (5:12، 17 رومیان) ف ناپذیری عنی است، مرگ به محکوم
(15:22 قرن تیان)

قدرت (10:23 ارمیا) ذهنی نظر از هم و (40:30 اشعیا) انی جسم نظر از هم
دارد محدودی بسیار

باشد می بدو خوب از اعم از سانها، هه ط بیعت مذکور، ط بیعت
است ط بیعتی هان این. (6:23 رومیان) است مرگ ط بیعت این پایدان
و (14:2-18 عبران یان) بدو دارا خود اند سانی زندگی طول در مسیح که
(10:18 مرقس و 2:25 یوحنا و 8:3 رومیان)

از تواند می: است م بهم نسبتاً زب ان این در "ط بیعت" لغت متاسد فاده
بزرگ وار ط بیعتی یوحنا" که نیم است فاده جمله این در که لمه این
مورد در اوقات بعضی ولی. نیست او ط بیعت در پستی دارد،
بیعت ط از ناشی موضوع این لاد که ند، می فخر احساس اتوم بدیش
"ط بیعت" که لمه برای ما که نیست کاربرد این اما. "او است انسانی
داریم نظر در مقالات مجموعه این در

فرشتگان ظاهر

و گناه از عاری باید بد نابراین و بدو خداوند ط بیعت از فرشتگان
رومیان) داردند بال به را مرگ گناه که ایم دیده باشند، ناپذیر فنا
دل این به باشد جسمانی و فیزیکی نوع از بایدها وجود. (6:23)
انسانهای شکل به کردند، ظهور زمین در فرشتگان وقت که است
بدون معمولی

او به را خداوند کلام تا آمدند اب راهیم نزد فرشتگان -
آنان با اب تدار اب راهیم و اند شده تو صدیف "مرد سه" آنها برسانند
ای" بدو گنده بدین آنها ظاهر از بر کرد رف تاران سان سه ماند
درخت این سایه زیر در کرده، توقف اندکی می کند تمنا سروران
".آورمی آب شما پاهای شد تن برای و میروم من. که نید است ترحمت
(18:4 پیدایش)

رف تندرلوطنزد سدوم شهر به سد پس فرشتگان آن از تن دو -
 عادي مرداني هان که کردند صور سدوم مردم و لوط نيز به بار اين
 را شب که کرد دعوت آنها از لوط و "آمدند سدوم به فرشته دو". هس تند
 ل حني به او آمدند او خانه به سدوم مردان اما به گذرانند او منزل در
 "هس تند؟ کجا آمدند تو و نزد امشب که مرداني" پرسيدند آميز تهديد
 "مردان" نوانع به آنها از "نکندت جاوز مردان آن به" :کرد خواهش لوط
 لوط و "آوردند پيش رادس تان شان (فرشته تگان) مردان": است شده ياد
 به راي را ما پروردگار ... گف تندرلوطن به مردان و "دادند نجات را
 (13،12،10،8،5،1:19 پيدایش) "است فرستاده سدوم کردن نابود

کندمي تايدنيزوقايع اين مورد در جديد عهد هلي نوشده
 غري به با که نکنديد راموش "بديدانسان شکل به ان فرشته تگ که
 به راي) به عضي زيرا که نيد، پذيرايي اي شان از و باشيد مهربان ها
 از باشنده، متوجه خودشان که آن بي کار، اين به (لوط و ابراهيم مثال
 (2:13 ع برانين) "اندکرده پذيرايي هلفرشته

کشتي به يگانه مردی به ارا شب تمام به عقيب
 به وده فرشته يک او که شدگفته ما به بعداً و (24:32 پيدایش) ف تگر
 (4:12 يوشع) است

در که نندهخيره و درخشان ل باسهاي به اوش سدويد مرد دو
 اعمال) مسيح معراج محل در آنها (24:4 لوقا) شدند ظاهر اي شان مقابل
 به وندد فرشته آنها که است واضح باشد تند حضور (10:1 رسولان

مرد، يک اندازه "شودمي به رداشت نيز آيه اين از عمومواين
 (17:21 مکاشفه) "فرشته يک اندازه به عني

کندندمي گناه فرشته تگان

ديده نيس تندفناپذيرنتيجتاً و به وده خداوندطبيعت از فرشته تگان
 آنها که گرفت نتيجه توانمي پس است گناه عاقبت ف ناکه ايم
 ترجمه "فرشته ته" که ع بري و نبي ونااصلي کلمات کندندمي گناه
 خدمت به اوران پيام فرشته تگان هس تند "آور پيام" معنای به اند شده
 اي نکهت صور بنابر اين و کندمي اطاعت او از به وده، خداوندگزاران
 "فرشته ته" که "آجلوس" يوناني که لمه است غيرممکن کندنگناه
 "آور پيام" رفته کار به ان سانها مورد در که هنگامي شود، مي ترجمه
 اوران پيام و (10:11 متي) دهنده تعميدي حبي مثل است، شده ترجمه

راحاب مراقب که مردانی و (9:52 لوقا) مسیح اوران پیام (7:24 لوقا) او که زمانی، "فرشته تگان" که است ممکن ال به نه و (2:25 یعقوب) بودند پیام اند سانهایی مورد در "آجلوس" یونانی که لمه هان یعنی لفظ این بر اشاراتی چندین هفت واقع در پس بک زندگی ناه رود، می بد کار آور بداشدمی هس تند، اند سان که اوران پیام گ ناه

فقط نه) فرشته تگان تمامی که ده می نشان و ضوح به زیر متون همین به و آنها ست ط بیعت این هس تند، خداوند مطیع (آنها از بعضی بک زندگی ناه نمی تواند جهت

آنجا از و است داده قرار آسمانها در را خود فرمانروایی تخت خداوند در خداوند بر رادر در طغیان یعنی) می کند حکمرانی موجودات هس بر فرمان به گ و ش که ت و انا فرشته تگان هه ای. (زیست ممکن آسمان ای بک نید ستایش را او نماید، اجرا را دستوراتش تا هس تید خداوند سد پاس را او خداوند، متگزاران خدای آسمانی، نیروهایی هه سد (19:103-21 مزامیر) بگ وید

آسمانی، ل شکرهایی هه ای ک نید، ستایش را خداوند فرشته تگان، هه ای" (2:148 مزامیر) بک نید ستایش را او

و کمک براری و هس تند، خدمتگزار روحهایی فقط هس فرشته تمامی" مای اند مک شوندمی فرستاده (آوردنگ ان ای مان) ک سانی از مراقبت (14، 13:1 ع بران یان) "نمایند دریافت را الهی نجات

یک که دست ته دوبه فرشته تگان که ده می نشان "تمامی" که لمه تکرار درک اهیت اندن شده تقسیم باشند گ ناهکار دیدگری و پاک دست ته بری بهره مؤمنین پاداش که است این در فرشته تگان ط بیعت صحیح است مهمی نک ته این (36، 35:20 لوقا) است ط بیعت هان از قادر فرشته تگان اگر (16:2 ع بران یان) می برد نمی هوگ ز فرشته تگان بازگشت زمان در پاداش لایق که آنانی پس باشند، کردن گ ناه به از و بد خواهند گ ناه به قادر نیز شوندمی داده تشخیص مسیح بنابر این (23:6 رومیان) دارند بال به را مرگ گ ناه دانیم می که آنجا باشد، ممکن کسی براری گ ناه اگر بداشت نخواهند جاودانه زندگی آنها که حرف این گ فتن پس است پذیر امکان او براری نیز مردن زندگی بر مبنی خداوند وعده هس تند کردن گ ناه به قادر فرشته تگان از بری بهره مای پاداش دیدیم که چرا می کند، معنای بی جاودانه (36، 35:20 لوقا) "فرشته تگان" به اشاره است فرشته تگان ط بیعت

تقسیم گناهکار یا پاك گروهي به فرشتگان که میدهد نشان دارد وجود فرشته گرويك تنها و اندن شده بدي.

در عادلانه اقدام در خداوند باشند گناه به قادر فرشتگان اگر کرده ماعلا او دانیم که چرا ماند می ناتوان دنیا امور و مازندگی خداوند. (19:103-21 مزامیر) که نمی عمل فرشتگانش توسط که است روح طریق از را کاره که معنا این به "کرده روح به تبدیل" را آنها مزامیر) دهد می انجام شود، می اعمال فرشتگان توسط که خود (قدرت) غیر ممکن خداوند از فرشتگان فرمان برداری عدم بنابر این. (4:104 و زمین در خداوند ملکوت است تقرار برای هر روزه به ای دم سید بیان. ستانیز زمین در فرمان است حکم آسمان در که هانگونه الهی اراده این که ناچار خداوند فرشتگان اگر. (10:6 متی) که نند دعا شود، فرمان حکم اراده بگیرند، قرار گناهکار فرشتگان برادر آسمان در بد و نند در وضعیت همین نتیجتاً و شود اجرا کامل طور به توانست نمی الهی که دنیا بی در ادیت گزاندن بد و صادق نیز خداوند آید نده ملکوت جذاب می ذمی دور باشد اطاعت و گناه بین هیشگی جنگ به به نیست ای نظور که البته صد اما نیست،

؟ ... ولی

نیز فرشتگان که دارند عقیده "مسیدیت" هلی فرقه از بسد یاری فرشتگان که باورند این بر آنها. هست نند کردن گناه به قادر می زمین روی مشکلات و گناهن مسئول که دارند وجود گناهکاری بحث مورد پیشتر 6 فصل در را شد تباه برداشت این ما باشند: که نمی می اکتافازیر شرح به نکته چند ذکر به فعلاً داد خواهیم

اول باب در که خلقتی یعنی ما، خلقت از قبل که است ممکن - ممکن هچنین باشد بدیده گری خلقت شده، ذکر پیدایش کتاب وضعیت مشابه وضعیت در زمانی فعلی فرشتگان که است و نیکي "به نسبت زندگی آن از بدیده زندگی این در مافعلی از برخی که امکان این باشند کرده پیدای آگاهی (5:3 پیدایش)" بدی قابل باشند، کرده گناه کردند می زندگی زمان آن در که ودات می موج برخی که هست نند فرضیات فیقط تماماً اینها ولی نیست اندکار که را آنچه انجیل اما. شوند می بین مبالغه با اندسانها توسط اوقات می اذعان و گوید می ما به بداندیم فعلی وضعیت به راجع است لازم کاملاً فرشتگان تمامی ندارد وجود اهکاری گن فرشته هیچ که دارد هست نند خداوند مطیع.

مي خداوند که چرا ندارند وجود آسمان در گناهکار موجودات -
 ح ب قوق) "ب نگرده گناه به که است آن از تر پاك تو و چشمان" فرماید
 که نپس تي خدایي تو و "بگ وید مي 5:4،5 مزامیر راستا هین در (1:13)
 دیدن تحمل تو و ک نی تحمل را شرارت و بداری دوست را گناه
 توسط شرارت تحمل عدم منظور که (5:4،5 مزامیر)" بداری را متکبران
 فرشتگان که عقیده این است آسمان در بدی عینی وی منزل در خداوند
 مخالف کاملاً باشند کرده طغیان خداوند بد را در آسمان در گناهکاری
 است هلاک این ذات بد

پایام معنای به شود می ترجمه "فرشته" که یونانی کلمه
 داشته اشاره نیز از سانه به تو و اند می دیدیم که هانطور است "آور
 کند گناه تو و اند می ال به ته "آور پایام" از سانهایی باشد

هلی جن به تمام مورد در که گناهکاری و شرور موجودات وجود
 الحاد در ایچر بسیار عقاید از یکی باشند مسئول زندگی منافی
 که شده مکاتبی وارد کریسمس مورد در ملحدان عقاید که هانطور است
 وجود پیرامون ملحدان عقاید از دست ته این دانند، می "مسیحی" را خود
 اند شده وارد مکاتب بدی بعضی به نیز گناهکار و شرور موجودات

عقیده مؤید نظر به تفاهم سوء اثر در که اندجیل از آیاتی
 شمار از گشت باشند، حاضر عصر در گناهکار شدت گان فر وجود
 توسط که "ابلیس جسد تجوی در" کتاب در مذکور موارد است
 نباید اما اندگرفته قرار بر رسی مورد است تهیه قابل ناشیرین
 غنی تعلیمات ناقض غلط، تفسیر با آیاتی چندین که داد اجازه
 بد گریزد قرار اندجیل

هلی ر سش: 1 فصل

کرد؟ خواهد تو قویت بدیشتر خداوند به را ما یمانا چه یزی چه 1-

کلیسا به رفتن - الف

دعا با همراه اندجیل مطالعه - ب

مسئله بیان با کردن صحت - ج

ط بیعت مشاهده - د

2- خداوند از تعریف تریح زیر تعریف از کدام یک است؟

دارد وجود ما ذهن در که ای اندیشه صرفاً - الف

ف ضادر وجر جنس از موجودی - ب

ندارد وجود خدایی - ج

حقیقی و مادی شخص یک - د

3- خدا آیا

است واحد - الف

است ثلاث - ب

است غالب یک در خدا چندین - ج

نیست تعریف قابل وجه هیچ به - د

4- کلمه این معنای است، "الوهیم یوه" خدا اسماء از یکی چیست؟

بود خواهد که او - الف

شد خواهد ظاهر دران مقت جمع در که او - ب

الشان عظیم - ج

قدرت - د

5- معناست؟ چه به "فرشته" کلمه -

انسان هاندند - الف

ب مال داراي - ب

آور پ ڀام - ج

ڀاور - د

ڪ نند؟ گ ناه ت وان ندمي فر شد ت گان آيا - 6

ب له - الف

خير - ب

خدا روح: 2 فصل

تعریف: خدا روح 1-2

و احساسات داراي پس است حقیقی و فیزیکی شخص یک خدا احساساتش و هواسدته نحوی به که رود می اندتظار و بده عواطفی بیا که طریق قی به و گداشتته در میان فرزندانش، یعنی ما، بارای تمامی خداوند که دخالت مازندگی در است سازگار او خصوصیات شناخت خواستار اگر میدهد انجام خود "روح" طریق از کارها این روح" که بداند ایم است لازم باشد ایم، او با پویا ای رابطه داشته تن و خدا که ند می عمل چگونگی و چیست "خداوند

اگر مثال عنوان به نیست آسان "روح" کلمه معنای دقیق تعریف که که نید نظر اظهار اینطور است ممکن بود عروسی جشن یک به چنین از اشم منظور "بود؟ حکم فرما آنجا در خوبی بسیار رودیه" جشن هلی جنبه تمام و بود برقرار خوبی جو که است این حرفی بود، خوب غذا و دند، پوشیده لباس خوبی به هه بود مثبت شده زی با عروس کردند، می صدمت یک کدیگر بامدبت با حاضرین غیره و بود.

روح دهند می تشکیر را جشن "رودیه" مخ تلف جوانب این هه مجموعه عهد در که عبری کلمه او است مخ تلف جوانب مجموعه نوعی به نیز خدا "قدرت" یا "انفس" معنای به لغت در است، شده ترجمه "روح" عتیق و بده خداوند ذات دقیقاً یعنی، "انفس" خداوند روح بنابر این است مثال، چند اراده با 3-4 فصل در می باشد او ذهن که زنده منعکس بررسی را فدی که ذهن یا خلق به هه اشار هنگام "روح" کلمه کاربرد روح که دریافت واضح بود می توان روم بیان 15:19 آیه از که نیم می "خداوند روح قدرت" بنادار اشاره او عریان نیروی به فقط خداوند

اعمالش در انسان ت فکر که است این اندجیل مشهودت عملیات از یک می مؤید خود کردار نپیرامو مانند شیدن، (23:7 متی) یابدمی روز را آن سپس و که نیم می فکری عملی در باره بود خواه موضوع این است هینطور نیز خداوند روح بزرگتر، مقیاسی در دهیم می انجام و خلق خود، وجود ذات آن طریق از خداوند که است قدرت ی خداوند روح اما نچرا کاری سپس و کرده فکری خداوند می سازد نمایان را خود هدف

"شد خواهد واقع یه قین به امکرده تقدیر و نموده اراده آنچه": بده می (14:24 اشعیا).

خداوند قدرت

می شناخته او قدرت با وضوح به خداوند روح آیات از بسیاری در تاریک هلیت وده روی خدا روح" جهان، آفرینش جهت مثال طور به. شود روشناهی و «بشود روشناهی»: فرمود خدا. کردم حرکت آب بخار (1:2.3 پیدایش). شد

آورد وجود به رانور، منجمله چیز، هه که بود قدرت ی خداوند روح هلاک را تیزرو مار او دست و ده می زیانت را آسمانها او روح دستور او آمد بود وجود آسمانها خداوند فرمان به". (26:13 ایوب). می کند بنابر این (33:6 مزامیر). آمدند جود و ستارگان و ماه و خورشید و داد: است آمده زیرت عاریف خداوند روح تو و صیف در

او نفس

او کلام

او دست

پس یابدمی دست چیز هه به خود قدرت طریق از خداوند بنابر این ای نکار و (1:13 یوحنا) شوند می متولد دوباره خداوند اراده به مؤمنین طریق از خداوند اراده. (3:3.5 یوحنا) و دش می انجام خداوند روح طریق از اما" که خوانیم می طبعیت کامل خلق با رابطه در. می گردد اجرا او روح طراوت زمین به و می شوند زنده به خشی، می جان مخلوقات به که زمانه ی نهانه قدرت، عبارتی به یا و روح این. (104:30 مزامیر). بخشدند می به اسد تناد با باشد می نیز آنها هه به قاء عامل به لکه چیزه خلاق کنیم فرکر اگر ایم شده است تباه این دچار سادگی به تعریف این یابدمی ادامه خداوند روح فعال دخالت بدون اندگ یزغم زندگی این این از که مردی هان ایوب، به دیدگری پیام براموضوع همین نفس و روح که ندک اراده خدا اگر": شدی بادآور بود، شده بنابر زندگی به او و ماندند می باقی او در زندگی از اثری به گیرد، اندسان از خود (34:14.15 ایوب). بگردمید از خاک

جهان تمام و ما به خداوند جاذب از که روحی که دید خواهیم 3-4 فصل در "زندگی روح نفس" ما باست زندگی بقای مایه است، شده داده خلقت

خداوند سوي از تولد هذ گام که (7:22 پيدایش) داریم خود درون در را تعریف این پس (2:7 پيدایش و 104:30 مزامیر) است شده هیده ما به و (27:16 اعداد) میده او به را "بشراف رادت مامي روحهاي خدای" لقب بوده خلقت جهان بقاء سدب و حیات نیروی خداوند (12:9) ع بران بیان دست حقیقت این به داود دارد حضور جا هه در او روح جهت همین به و هراهش رفت، می او که هجا به دائماً خود روح طریق از خداوند که یافت داود ذهنی و تفکر زوایای هه از خود قدرت یا و روح طریق از و بود از ولی دارد، حضور آسمان در شخصاً چه اگر خداوند پس بود مطلع است حاضر جا هه در خود روح طریق

پوشیده و از من فکری آگاهی من برخاستن و نشستن از تو و "بالبهای بر اگر بگریزم؟ می توانم کجا به تو و حضور از... نیست حضور نیز آن جادوگر، پرواز دریاهای سویی به و شوم سوار سحر مزامیر) "کرد خواهی هدایت مرا خود دست نیروی با و داری (139:2.7.9.10) .

ل قدس روح

دارد و سیدعی مفهوم خداوند روح که است داده نشان ما به بر رسی این به خداوند که است قدرتی همچون و بوده او ذهنی و خلق خداوند روح خود دل در اندسان هچه" کند می مبدل عمل به را خود افکار آن واسطه خداوند ترتیب همین به و (23:7 امثال) "است همان نیز خود کند، فخر خویش روح همان خداوند که معنی این به است خداوند افکار همان نیز یک عنوان به خداوند که نیست معنای دان این اما (4:24 یوحنا) است خداوند روح و سیدعی مفهوم بر رسی در ال به ته ندارد وجود شخص بد میخوریم "ال قدس روح" اصطلاح به اوقات بعضی

در شود می یافت جدید عهد در فقط تقریباً "ال قدس روح" اصطلاح است، گرتفته قرار است فاده مورد باره "مقدس روح" اصطلاح اندجیل نشان و وضوح به جدید هلی نسخه که هانطور صدیح ترجمه ولی روح" اصطلاحات معادل اصطلاح این است "ال قدس روح" هان میدهند، ابب از موضوع این است عتیق عهد در "پروردگار روح" یا "خداوند بر ال قدس روح شدن جاری که رسولان اعمال 2 باب ماند هلی بدگردد می استن باط کاملاً میده، شرح را پنج روز در حواریون نبی، یوئل پیشگویی در واقع این که است داده تو صدیح پطرس اعمال) بود شده و صف داده، شرح را "خداوند روح" شدن جاری که روح از سرشار که در حالی مسیح نیز و قال 4:1 آیه در (2:17 رسولان مسیح آیات همان ادامه در میگردد باز اردن از است، بوده "ال قدس

به ود آمده اشعيا 61 آيه پيشه گويي در واقع اين كه شود مي يادآور
به سيار موارد در و) مورد دو هو در. "است من هراه به خداوندگار روح"
ع تيق عهد در " خداوند روح" لاح صط همان معادل ال قدس روح (دي گري
است.

خداوند قدرت معادل زير آيات در ال قدس روح كه ك نيد ت وجه ال به ته
است شده داده قرار

سايه ت و ب ر خدا قدرت و شد خواهد نازل (مريم) ت و ب ر ال قدس روح"
1:35 لوقا) اف كند خواهد

"15:13.19 روم يان)" خدا روح قدرت و هلد شانه... ال قدس روح قدرت به ا"

"ال قدس روح در و قدرت، در... فر رس تاديم را (انجيل) به شارتهاي مان"
(1:5 ت سالوند يك يان اول)

است فاده آيه اين از مي توان حواريه ون به ال قدس روح وعده به يان در
24:49 لوقا) ك ند مجهز به الا از الهي قدرت به ا را شما": كرد

اعمال) "م يداد ش فا و قدرت و ال قدس روح به ا" ن يز مسيح خود
(10:38 ر سولان).

خود هلي موعظه ت آي يد جهت خداوند قدرت ناپذير اند كار ظواهر از پ و لاس
خدا قدرت و روح از اين شانه ... سخنانم و پ يام": است کرده است فاده
(2:4 قرن ت يان اول). به ود

2-2 الهمام

شده انجام اعمال با كه او خلق و ت فكر قدرت، به ا را خداوند روح ما
در هچن بين. ايم کرده ت تعريف گ رنده، مي نمايان ن دخداو روح ت و سط
او روح": كرديم ا اشاره خلقت هنگام خداوند روح عمل كرد به ق بل به خش
ت اريك هلي ت وده روي خداوند روح. (26:13 اي وب) "م يده زير نت را آسمانها
(1:2 پ يدايش) آيد به وجود حاضر موجودات ت ام ي كرد حرکت آب به خار
خلق "خداوند گ فته به" دن يا كه خواند يم مي ن يز دي گري جاي در ولي

که است آغازین هلی آیه موضوع این از دید گری مثال و (33:6 مزامیر) شد
 به نابراین. شدای نظور و شود خلق آن که "گفت خدا" شود می گفته
 هانطور - است منعکس او کلام و گفته در زیادی حدت ا خداوند روح
 ما درونی افکار و ه خواسته زیادی دقت با ما هلی گفته که
 این به خرمدندی با مسیح بکند می بیان را (ما واقعی شخصیت)
 متی) "او است باطن دهنده شان انسان سخنان" بکند می اشاره موضوع
 اول بیا بد با شیم مسلط خود هلی برگفته به خواهیم اگر پس (12:34)
 به از تاب خداوند کلام به نابراین بکنیم تلاش خود افکار تغیر در
 مکتوب شکل به اندجیل در خداوند کلام داشتند و او است، روح یار افکار
 معجزه در خداوند است بزگی به رکت خداوند، روح یا ذهن درک جهت
 واژه بگرداست فاده الهام از کتب کلام شکل به خود روح بیان
 می ریشه (spirit) روح کلمه از (inspiration) الهام انگلیسی
 گبرد.

می فرود در معنی به "الهام" دمیدن، یا "فسن" یعنی روح
 "الهام" تحت که کلماتی که است معنی بدین موضوع این باشد
 است به وده خداوند روح کلام است، شده نشود ته انسانها و وسط خداوند
 با اش آشنائی ندهد اجازه که کند می یا ادوری تیموتائوس به پلاس
 که کند فراموش ان گیش گفتم که ته این شود سبب اندجیل
 صحیح شناخت جهت که را ه آنچه نتیجتاً و به وده خداوند روح کلام اندجیل
 بگنارد می ما اختیاری در باشدیم، داشتند نیز خداوند

به که تاب این ایگرفته فرار اقدس ک تاب کودکی از نیز خودت"
 ایمان راه از نجات به یافتن دست که بدانی تاب خشیده حکمت و
 خدا را مقدس ک تاب هلی قسمت تمام واقع در است پذیران امک مسیح به
 زیرا می باشد، مفید به بسیار ما به رای جهت این از است فرموده الهام
 می قرار سرزنش مورد را نادرست اعمال آموزد، می ما به را راست کار هلی
 می هدایت خدا پندانه زندگی به سوی را ما و کند، می اصلاح و ده
 ه به تا سازد می مجهز و آماده جهت هر از را ما کلامش به وسیله خدا نماید
 (3:15,17 تیموتائوس دوم) "نماییم نیکی

در الهام تحت نگار شهای که جامع شناخت سطح این به ته وجه با
 دادن نشان جهت "درونی نور" نوعی به نیازی گنارد، می ما اختیاری
 و تجارب از مردم که ایم شدند به بسیار چه اما بداریم خداوند حقیقت
 می یاد خداوند شناخت جهت مذبعی عنوان به خود شخصی احساسات
 خداوند الهام تحت نگارش به داشتند تن ایمان و پذیرفته تن اگر کند؟
 به نیازی ده، ارائه افرا به مسیحی زندگی بیک جهت کافی شناخت
 باشد، نیازی چنین اگر بداریم زندگی ایمان در دیگر صلاحیت هیچ

اما است پس ولس وعده خلاف این که است نه بوده کاف بی او نذخد کلام پس که باشدیم داشت ته باور و بگ ییریم خود دستان در را انجیل که این قوم بر خورد دارد والا ایمانی به نیاز است خداوند روح کلام واقعاً کنجکاو و علاقه نوعی با هراه خداوند کلام با اسرئیل بی نی نیز امروزه "مسیدیان" از س یاری بی بر خورد و است بده عقلا نی ع بران بیان 4:2 آیه مورد در دقت به بیاید ماهه پس است چنین بگ ویدمی که بی یندی شیم

سرزمین وعده اسرئیل قوم به موسی، زمان در خدا که هان گونه زیر را" می که است داده را خوش خبر این ما به نی نیز حاضر زمان در داد، را موعود به نی فعی اسرئیل، قوم به خدا وعده اما بخشدب نجات را ما خواهد "ن یاور دند ایمان آن به و ن کردند باور آدان زیر رانر ساند، ای شان

او به که خداوند روح یا کلام قدرت به کامل ایمان حصول جای به ان سان معنوی میان بریک که گ یرد می پیش را تری جذاب راه شود، می ارائه ناشی رنج و درد ت جربه جای به که دکن می اسد تدلال ای نگونه با است شکل به خداوند کلام از اطاعت جهت در ان سان زندگی ت غیری از دلها یمان بر خداوند روح راستین گ ذاری تا آن تیجه که آگاهانه خداوند مقبول را ما و شد خواهد نازل بر ما صلاح نیرویی روزی است، ساخت خواهد

خداوند کلام در که عظیمی نی معنوی نیرویی پذیرش به میلی بی این که را امر این "مسیدیان" از بی س یاری که است شده سبب است نهفته پرسش مورد باشد، شده نگارش خداوند الهام تحت واقعاً کتاب تمام انجیل در که مطالبی از بی س یاری که است این بر نظر آنها دهند قرار اما است نه فرزا و عاقل بی یر مردانی شخصی نظریات کنیمی مطالعه کند می رد را ناقص و مبهم اسد تدلال این خوبی به بی طرس

و دیده چشم به اند، گفته اند بیاء که را آنچه ما که کنید ملاحظه پس" نوشد ته به اگر نیز شما دارد حقیقت آنان گفته تار که ایم کرده ثابت می خوبی بی س یار کار نمایید، توجه بی شد تری دقت با ای شان هلی از آسمانی، کتاب هلی بی یش گوی بی از هیچ یک که بداند ایدار این... کنید مردان این وجود در القدس روح بی لکه نکرده، تراوش اند بیاء خود فر کر بازگ و تا کرد می عطا ای شان به را حقیقت و گرفت می قرار خدا (19:1-21) بی طرس دوم) نمایند

الهام تحت انجیل که باشدیم داشت ته باور که است این تر مهم هه از است شده نوشد ته

انجيل كاتا بان

خداوند الهام تحت كاملاً انجيل كاتا بهاي كه اين به قاطع اعتراف كاملاً اندنوشده ته را انجيل كه مرداني است ضروري اند شده نگارش شد مك توب كه آنچه نتيجه در بده خداوند روح الهام و تاثير تحت شامل و (17:17 وحناي) بده حقيقيت خداوند كلام بن بود آنان خود كلام هين به و (3:16.17) تيموتاوس دوم) باشدمي نيز ملامت و تادي ب نداشت ته آن شدن بدن به اي علاقه مردم از بسدياري كه است طبعي علت دل بده پيام برارميا باشد دردناك مي تواند حقيقيت كه چرا باشد به و شد روبرو بسدياري مخالفت با خداوند الهام تحت گفتن سخن جايي شود، مي الهام او به كه را كلامي گرفت تصميم دل بيل هين خداوند كلام نوشدن كه آنجا از اما بكنندت بلايغ و نكرده ثبت القدس روح تاثير تحت" او بده، انساني ميل نه و الهي اراده نتيجه صبح و ام شده مردم مسخره من". نداشت مورد اين در اي چاره و "كرد عمل رات و كلام نخواهم اگر رديگر طرف از... بنندمي من به هه شب تا مثل من دل درت و كلام آنگاه بگويم، سخن توجانب از و كنم اعلام نمي و سوزاندمي را اس تخوانهايم مغز تا كه ميشود و شعله آتش، (20:7.9) ارميا) بگيرم آرام تو انم

گرفتند، مي قرار الهام مورد كامل نه و نسي طور به افرادين اگر آنها آنچه اگر نداشت تيم دس ترسي خداوند روح حقيقيت كلام به ما بپايده شود مي گرفت نتيجه باشد، خداوند كلام واقعاً اندنوشده باشد، گرفت ته قرار كامل الهام مورد و خداوند روح كنترل تحت كاملاً باشدمي خداوند كلام خلاص طور به كار حاصل صورت اين غير در مابه اوست، به متعلق كامل طور به خداوند كلام كه امر اين نيز رشپ آزموده تو كلام". بدهمي آن از اطاعت و مطالعه جهت بيشد تري انگيزه (119:140 مزامير) "دارم دوست را آنچه قدر است، پاك و شده

الهام خداوند روح تو سطوب و بده خداوند اثر انجيل كاتا بهاي بنابر اين صحت نپسندند انساني ادبيات حاصل انجيل يك تابه اند، شده عتيق عهد هلي نوشده به جديد عهد كه موارد ب رسي در موضوع است نمايان كند، مي اشاره

است شده نوشده پيام بران طريق از "چگونه اين كه از متي 2:5 آيه است نوشده را خود كلام آنان طريق از خداوند بگويد مي سخن "

رسولان اعمال) "...کرد پدیشد گوی بی المقدس روح طریق زان بی داود"
(3:7) ع بران یان و مزامیر آیات از پطرس قول و نقل ای نجا در 1:16
شود می داده شرح .

اهیت قدیم مسیحیان بر رای انجیل انسانی کات بان جهت بدین
خداوند روح الهم تحت آنان کلام آنکه نمود می مهم آنچه . نداشتند زیادی
شدمی نوشتند .

خداوند کلام قدرت

قدرت به به لکه داشتند، اشاره او ذهن پیاو خلق به به نهانه خداوند روح
روح کلام که رومی اند نظار نتیجتاً دارد اشاره نیز او افکار بیان
باشند پویایی قدرت دارای و ن بوده او ذهن اظهارت فقط خداوند

ب سازد آن اجرائی به مشد تاق را ما بای قدرت این عظمت صدیح درک
در احکام این اجرائی بار ابطه در شرمندگی یا خجالت احساس هوگ و نه
لازم قدرت ما به خداوند کلام از اطاعت که مطلب این از ما آگاهی بر ر
رستگاری سویی به پدیشروی و زندگی کوچک مسائل از گریز جهت
مورد این در بسدیاری تجربه با پولس . شدمی بر طرف میدهند،
است نوشتند :

خداست قدرت چون ک نم، می اف تخار مسیح عیسی انجیل به من زیر را "
(1:16 رومیان) "ب یاورند ایمان که کسانی تمام نجات بر رای

خدا بر رای زیر را" : ک ند می اشاره موضوع همین به نیز لوقا 1:37 آیه
" این دست محال کاری هیچ

پویاست فرایندی زندگی ایمان در آن گیری کار به و انجیل مطالعه
هچنین و خدا شناسان علمی و خشک بر خورد به فرایند نای
طور به را آیه چند که ک لیساه از بسدیاری "گنران خوش" مسیحیت
بر کارگیری یا آیات این درک جهت تلاشی ولی کرده، نقل مختصر
زنده و بدانند فوذا کلام " ندارد شد باهتی کنند، نمی زندگی در آنان
به وقت پیغام، این " (3:1، 12:4 ع بران یان) " او نبرومند کلام " . است
تسالونیکیان اول " . ک ند می دگرگون را شما زندگی آوردید، ایمان آن
بر روز ساعات تمام در فعال طور به خود کلام طریق از خداوند . (2:13)
گ ذاردمی تأثیر واقع مؤمنان ذهن

قدرت آموزید، می‌اندازد اصل‌ی پیام عنوان به آنچه بناید رایان تاؤیر زندگی پتان در دهید، اجازه آن به اگر است، خداوند واقعی خداوند ذهن یا و روح بکنند تبدیل خداوند فرزند به را شما و گذاشته جهت در تغیر بر رای را شما و کرده نمایان شما زندگی در حدی تا را شود، می‌نمایان مسیح بزنگشت هذنگام که خداوند معنوی طبعیت و روح نمایان جهت در" پو لاس هلی موعظه (1:4 پطرس دوم) سازد می‌آماده (2:4 قرن تیان اول) بود "قدرت

هستند، مسیح به تعهد مدعی این که با ما اطراف بیان از بسازی طور به آنها دارند خداوند کلام عنوان به اندازیل به ناقص این مانی عنوان به را اولی دارند، اع تقاد خداوند به که کند می‌ادعا مشابهی زمان کامل الهام وجود انکار با پذیرند می‌حقیقی شخص یک ما، شخصی احساسات و عقاید بر آن مطلق تسلط و اندازیل نگارش هلیگفته رابطه این در کند می‌انکار را خداوند قدرت واقع در آنها افرا دی ظاهر به" بگوید می‌که آید می‌ذهن به تیموتائوس دوم 3:5 آیه خواهند این مانی الهی قدرت هب نسبت باطن در ولی مؤمن، است اندازیل کلام قدرت همان الهی قدرت از منظور" بود

خواهید نمی" گپرد می‌قرار جهان تمسخر مورد ما بنیادگی رای در موضوع هین ولی، ("بکنید؟ می‌فکر اینطور واقعاً که بگوید که دانمی بخوبی من" بود صادق نیز او که شدیشان و پو لاس مورد رسد می‌ب نظر احمقانه چقدر روند، می‌هلاکت بسوی که انی آن بر رای فدارا خود جان صلیب روی بر مسیح عیسی که شنود می‌وقتی می‌پیش نجات راه در که ما بر رای اما بخشد نجات را انسان تا کرد "خداست قدرت نشانه پدیغام این روی،"

(1:18 قرن تیان اول).

نمی‌آید مطالب این تمام داشت تن دیاب به با که است مطرح سوال این حال با و بگپریم دست در بیدش ترا حترامی با را اندازیل توانیم دهیم؟ قرار مطالعه مورد آن، از اطاعت و درک جهت بیدش ترا شد تیاقی

خداوند کلام با خدا خلق بر خورد طرز

تنها نه اندازیل کات بان که دهد می‌نشان اندازیل کتایهای دقیق مطالعه کات بان سایر مورد در بکه هستند، الهام تحت که بود و دزد پذیرفته این برجسته مثال مسیح مولایمان باشد تندرنا نظر همین نیز اندازیل این کرد، قول نقل را داود مزامیر آیات مسیح که هذنگامی است موضوع

م تي) " ... داود در روح " : کرد اضافه مذکور آیات آغاز به را که لمات الهام تحت داود هلي گفته که داشت ان اذع تر تيب بدين او . (22:43) است گفته سخن نيز موسي " مک توبات " از مسيح است شده بپان که تب شخصاً موسي او اع تقاد به که داده نشان و (5:45.47 يودنا) رده " اصطلاح به مسيحيد بيان . است نوشد ته را ع تيق عهد پ نجگانه به مسيح نظر ولي اذد ، ب رده سؤال زير را موسي نوشد تن سواد " ب الا فرمان " را موسي مک توبات او . است ب وده اين از غير واضح طور از عاري شدکاکان از دسه نه هان . (7:8.9 مرقس) است ناميده " خداوند است ، ب وده اف سانه ع تيق عهد از بسدياري که ک نذمي ادعا صداقت هذگام مسيح . ندا شد نذ نظري چنين پ ولس و مسيح در حال يکه پذيرف ته تاريخي واقعه يك عنوان به آنرا سباء ملکه از صحت قصه ، مطابق " : است نگفته او . (12:42 م تي) است کرده ياد شده ، " ... سباء ملکه

آنها ببارز مثال ي ودمسح نظر بامشابه نيز حواريون ب ر خورد مسيح کلام شنيدن از اش شخصي تجربه گويدمي که است پ طرس گرفت ته قرار " تر عقاط هلي پذير شد گويي " الا شعاعت تحت خودگوش با ساير ر هان نذ نيز پ ولس هلي نامه که ب وده عقیده اين بر پ طرس است در معمولاً اصطلاح اين و است ب وده مقدس ک تابی " مقدس ک تابهائي هلي نامه پ طرس ب ناب راين ... رودمي ب کار ع تيق عهد هلي نوشد ته مورد ميدانست معتبر و موثق ع تيق عهد اندازه به را پ ولس

ب ارها مکاشفه و جديد عهد هلي نامه رسولان ، اعمال آیات از ري بسيدار م تي و 13:51 رسولان اعمال مثلاً) است شده اشاره ع تيق عهد ک تب به يك الهام تحت آنان هگي نهانه که ده مي نشان موضوع اين و (10:14) از نيز ع تيق عهد هلي نوشد ته حتي ب لکه اذد ، شده نوشد ته واحد روح اول در پ ولس . اذد شده مک توب الهام تحت جديد دهع کات بان ديد لوقا و (ع تيق عهد در) 25:4 ت نذ به آيه هودواز 5:18 تيموتاوس ت کيه نکه ته اين بر پ ولس ب نذمي ياد " مقدس ک تاب " عنوان به 10:7 غلاطيان) خودش سوي از نه و است مسيح سوي از پ يامش که ک نذمي اين به نيز ديد گر حواريون . (3:15 11:23 2:13 قرن تيان اول و 1:11.12 آيه در پ ولس هلي گفته از 4:5 ي ع قوب آيه و اذد داشت اذعان موضوع ب نذمي ياد " مقدس ک تاب " عنوان به 5:17 غلاطيان

ن يازي ب ناب راين ، " است کرده صحت " ما بامسح طري ق از خداوند شودمي ديدده . (1:2 ع بران بيان) ن يست ديد گري (آشکار سازي) هيچ به موجود اکون که ديد گري الهام از ناشي هلي نوشد ته به اندجیل که

ناتان، هلي نو شد ته يا شر، ک تاب مثلاً) .ک ندمي اشاره نيز نيسد تند اين از حاكي يودنا، سوم رساله و کريدنث، به خطاب پ ولس الينجان، از دي وترفيس که نو شد ته ک لپسا به نامد فوظ اي نامه يودنا که است نمازده مد فوظ ما ب راي هلنو شد ته اين چرا .(است دهکر خودداري آن اطاعت مي ب ناب راين .ن بودند مان ياز مورد هلنو شد ته اين که است واضح اند؟ مد فوظ است، لازم ما ب راي که را آنچه خداوند که باشد يم مطمئن ت و ان يم .است داشت ته نگه

به تدریج به نيز جديد عهد ک تابهاي که شود مي ادعا اوقات ب رخي حقيقت اين ولي اند شده پ ذيرف ته الهام از ناشي هليو شد تهن عنوان ادعا اين دانستند مي الهام از ناشي را ي کدي گمر مک توبات حواريون که آميز معجزه اي هديه ب صورت خداوند روح اي نبار .ک ندمي رد را هليو نو شد ته و هلنامه سدقم و صحت ب ررسي امکان که ک ندمي خود نمايي اول) آورد فرامه را اند شده مک توب الهام تحت شد مي ادعا که ب ود بدين که ته اين .(2:2 مکاشفه و 4:1 يودنا اول و 14:37 قرن تيان . شدند مي داده ت شخيص ب لاف اصله الهام از ناشي هلي نامه که معناست ان سازي ان تخاب نوعي است، شده انجیل وارد که مطالبي ان تخاب اگر نداشت اع تباري هيچ مقدس ک تاب ب ود، مي هدايت ب دون و

ال قدس روح هداي اي 2-3

خود قدرت از است فاده جهت ان سازها به مخ تل في زمانهاي در خداوند هوگ زاخ تيارات ت حويل اين ولا يکن .است داده وکالت ("ال قدس روح") کرده قادر را آنها که نيست اي نظرون بوده "سفيد چک" يک شکل به هواره ال قدس روح از است فاده دهند ان جام دارند ميل که هوکاري که باشد هدف به دست يابي از پس که است گ رفته صورت خاصي منظور جهت داشت ته ياد به باي د شدمي گ رفته تپس ب از ال قدس روح هديه نظر مورد مي عمل خداوند ذهي اهداف پيش برد جهت در خداوند روح که باشد يم براي مدت امکوت رنج و درد موارد از بس ياري در خداوند اهداف .نمايد فصل به) داندمي مجاز مدت ب لند اهداف به يابي دست جهت ان سازها، ال قدس روح که است ب يني پيش قابل ب ناب راين ،(ک نيد مراجعه 6-1 .ک ندمي عمل زندگي اين در ان سازي رنج و درد کاهش جهت در الزاماً منظور به خداوند روح سوي از ادتمالي ت سکين و کمک هوگ ونه پس ب باشد مي ما به خداوند خاص ب يان عالي تر، في ه

مسجد بیت رایج هلی فرقه فعلی عقیده مخالف و ضوح به دیدگاه این به اعتراف که کندی القا یطور آنها باشد میال قدس روح مورد در که بیماریها درمان مثل دنیا، این در آن فراید سدب به مسجد به است ارزشمندگ برد، می صورت ال قدس روح تو وسط شود میگفته اوگاندامانندستیز و جنگ محل ک شور هلی در که است دل یل هین روح از بیماریها درمان تو ان که کندی ادعا مردم از بس یاری تعداد معمولاً ادعاهلی چنن که ده می نشان تاریخ و شده هدیه آنها به ال قدس این است بد و دب سد یارب شری نیاز مندیهای و مشکلات با هزمان تسخیر از حاکمی ادعاهلی صحت در کردن شك جهت تنهایی به موضوع ای تجربه دنیا بال به کسی اگر است کافی الهی روح تو وسط شدن چنن به یابی دست ادعای باشد، بشری فعلی وضعیت از فراتر است ساده شرایطی.

خداوند روح سویی از که کندی ادعا امروزه "مسجد بیان" از بس یاری است تعداد دقیق هدف که هنگامی ولی اند، کرده دریافت معجزه ان تو همراه ای ملاحظه تردید قابل با آنان پاسخ شود، می پرسیده آنها الهی و خاص اهداف به دست یابی جهت وی جانب از هواره خداوند روح است واقعاً که اف رادی که است دل یل هین به است شده فرستاده معینی این کاربرد بد و دزد، کرده دریافت خداوند روح از یی است تعداد چنن در آنان موفقیت هوگ زنتیجه در و دانستهمی دقیقاً را است تعداد تجربه اما است نبوده ناقص یا نسی است تعداد این از است فاده مدعی امروزه که اف رادی تو وسط ناقص درمانهای و بس یار هلی شکست کندی ثابت را این خلاف هستند درمان الهی است تعداد از برخوردار

اعطای برای معینی دلایل و اهداف وجود از حاکمی هگی زیرمناهایی صاحبان موارد این از یک هیچ در باشند می الهی است تعداد هلی از است فاده به قادر هوگ زون بوده هدف بی الهی است تعداد هلی روح به راجع که آنجا از اندن بوده خود دل خواه شکل به خود است تعداد هلی این از انسان مسد تقیم است فاده امکان کنیم، می صحت خداوند اف رادبعضی به قدرت این که است واضح نیست درک قابل قدرت این که نه و کند عمل خداوند معین هلی خواسته بر خیی به تا شده اعطای بگردد بهره آن از خود امیال جهت در است تعداد این موقت صاحبان (40:13) (ارمیا).

داده فرمان آنها به اسراندیل، بنی تاریخ آغازین هلی دوره در -
 اشدیاء دیگر و عهد صدنوق نگهداری جهت ("مرقد") مجهز چادری که شد
 تمام ساخت نحوه و شد داده مفصلی دستورات بسازند مقدس
 شد داده شرح کاملاً بدو، نیاز مورد خداوند پرسشش برای که اشدیاء ی

چند بدن به را خود روح هف این به دس تیابی ورم نظ به خداوند
امداده زندگی در مهارت و اسد تعداد که "کسانی به فرستادان سان
(28:3 خروج) "کند تهمیه را هرون لباسهای به دس تور

ساخته پر خود روح از را" نیل بصل نام به مردان آن از یکی -
(خروج) "است سد تادا صندع تی هو و جواهر سازی خراطی کار در او ام.
31:3).

فرستاده قدرت و روح از بخشی که دارد می اظهار اعداد 17-11-14 آیه
اسرائیل بنی قوم بزگان به و شدگرفته او از موسی براری شده
کند قضاوت عادلانه و بررسی را مردم شکایات بتوانند تا شد داده
الهی هدیه این نماید تحمل را کمتری کاری فشار موسی نتیجه در و
نیز او تا شد منقل و شع به او از موسی مرگ از قبل ای لحظه
(34:9 تذیه) کند هایت بایدمی که آنطور را خدا بندگان بتواند

زمان تا خود سرزمین به ورود زمان از اسرائیل بنی قوم -
دور که مردانی حاکمیت تحت، (شاول) پادشاهشان اول بین حکومت
مورد بارها آنها زمانی، دوره این در کردند می زندگی شدند، می نامیده
میدهند نشان داوران کتاب اما ند، گرفته قرار دشمنان شان سد تم و ظلم
طور به تا شد فرستاده داورها از بعضی بدن به خداوند روح که
عتن - دهد نجات دشمنان تجاوز از اسرائیل بنی قوم آمیزی معجزه
نمونه (11:29 داوران) یفتاح و (6:34 داوران) نجدعو، (3:10 داوران) نیل
هستند مورد این از هلی

کشد تن جهت نیز سامسون نام به دیگری داور به الهی روح -
کردن پاره و (14:19 داوران) مرد 30 کشد تن، (14:5.6 داوران) شیریک
روح". شدا عطا نیز (15:14 داوران) بود شده بسدته آن با که طنابهای
به دس تیابی منظور به بلکه نماذ باقی سامسون جسم در "القدس
شد بازگرفته سد پس و شده فرستاده او بدن به معین اهدافی

بکار بردن توانایی و اسد تعداد که دهد می نشان و ضوح به فوق موارد
نزیست زیر معانی از یک هیچ به معین هدفی جهت خداوند روح

- رسد تگاری تضمین

- بماند باقی خصش عمر پایشان تا که چیزی

- آنهاست درون که آمیز اسرار نیرویی

ب. بیاید دست " شخصی تجربه" یک راه از که چ بزی -

هدایای و الهی است تعداد هلی مورد در زیادی هلی ابهام که است ذکر به لازم
"ال قدس روح دریافت" مدعی مردم از بسد یاری دارد وجود ال قدس روح
ف کرد که آنانی نزد شیشک که لیساه از بسد یاری در و اندب وده
می سر را " الهی هدایای دریافت" وعده آواز هس تند، " مسیح پذیرش"
کدام که است این گ برد قرار تا که ید مورد بسد یاری اما بده
است تعداد هلی چه دارای که داند نمی دقیقاً انسان که نیست شکی هدایا؟
شد ددها شیری یک که شد تن و انبایی و است تعداد سامسون به است
می دقیقاً شد رو بروک نان غرش شیری یک با که زمانی او، (14:5.6 داوران)
قطعاً بگ رفت قرار اخ تیارش در منظور چه به الهی روح که دانست
امروزه که اف راد از بسد یاری مورد در اما بداشت وجود او ذهن در شکی
لعم هیچ ان جام به قادر اما هس تند، ال قدس روح هدایای دریافت مدعی
شده داده آنها به است تعدادی و هیله چه که دانند نمی و باشند، نمی خاصی
است متفاوت کاملاً وضع است.

اول قرن اعطای الهی هدایای دلایل

به جهان سراسر به آنان عزیز مت حواریون به مسیح فرمان آخرین
این به نیز آنها (16:15.16 مرقس) بدم مقدس کتاب موعظه منظور
خود پیام اصلی محور را مسیح رسد تاخیز و مرگ و رزق عمل فرمان
آنچنان جدید عهد زمان، آن در که باشد یاد داشته به ولی بداند قرار
بازارها در آنها که دانست تانی بداشت وجود میشناسیم، را آن امروزه که
می تعریف بدم وزارت الهی که مسیح نام به مردی از هاک نپسه و
بني قوم از جاری دانست تان رسید می نظر به بعج احتمالاً کردند،
پیشگوی دقیق تحقق را ستای در بده، کمال دارای که اسرائیل
اکنون و گرفتار رسد تاخیز مورد بسد یاری و سپرده جان عتیق عهد
کنند ببال را او راه و شده تعمیر که خواهد می آنان از

هلی آیین و بملکات نهادن بنادر سعی بسد یاری اف راد روزها آن در
میشد ثابت دنیا به شکلی به بسد یاری دن تیجه در بدمود نمی مخ تلف
گروه یک فلسفه و بده خداوند شخص جاذب از مسیحیان پیام که
بست اسرائیل شمال از ماهیگیر

نشده از خداست، پیامهان پیامان که امر این اثبات جهت امروزه ما
آن در اما بگیریم می کمک مسیح آیین و اعمال مورد در جدید عهد هلی
داد اجازه واعظین به خداوند بود، موجود و مک توب جدید عهد که روزها
کمک ال قدس روح از هلی شانگفته صحت و حقیقت بر تا که بد جهت

چشم مقابل در الهی هدایای از است فاده معین دل بیل و هدف بیگ برزد
 ت قویت جدید عهدک ت بی ن سخ ف قدان بی و دم س نله همین جهاندیان
 راه کرد می روبرو مشکل بانیز را مؤمنین از جدیدی هلی دس ته ایمان
 وجود آمدی پیش آن جمع در که متعدد عملی مشکلات بر رای حلی
 ایمان شان ت قویت جهت آنان ار شاد بر رای کمی بیس یار مراجع و نداشت
 در اله قدس روح هدایای الذکر ف وق دلایل به به بی و دس ترس در مسیح به
 پیامهای الهام باو گرفت ته قرار مؤمنین از دس ته اول بین اختیار
 در مسیح تعلیمات و پیامها این ای نکه تا شد فرستاده آنان بر رای
 شد مذشر و مک توب جدید عهد

: شدند بیان فراوان وضوح با اله قدس روح اعطا دلایل ال سابع ق ف ی کما

یاهدا مردم به به ازگشت، آسمان به ظ فرمانده (مسیح) او وقت تی" -
 ایمانداران که به خشدید ما به هدف این بار ا هدایا این مسیح... به خشدید
 پی شرفت باعث و ک نند خدمت را او به تر بی توان نند تا شوند مجهز
 "بیرسد لازم کمال و رشد به ک لیس او گ ردد او بدن یعنی ک لیس
 (4:8.12 اف سد سیان)

بسیار زی را" :نوشت رم مؤمنین به ای نامه نیز پ ولس
 بر خوردار خدا برکات از را شما بی توانم تا هس تم دارت ان دی مش تاق
 (1:11 رومیان). "شوم ایمان تان ت قویت باعث و سازم

مقدس ک تاب ن صایح ت ای بد جهت الهی اس تعداد هلی از است فاده مورد در
 که است آمده:

وکلمات را آن نمودیم، اعلام شما به را انجیل پیغام که زمانی"
 گوش آن به به بسیار علاقه با اب لکه شد تید، ن پندا معنی پی سخنانی
 (1:5.6 قرن تیان اول 1:5 ت سالوند یک یان اول) "دادید فر را

قرار ای و سدیله مرا مسیح" که گفتم می سخن این از پ ولس
 رفتاری انجیل، پیام با من خدا بی سویی یهودیان غیبر هدایت بر رای داده
 را شان ای هس تند، خدا جاذب از هلی ن شان که معجزاتی و شاید س ته
 (15:18.19 رومیان) "نمودم هدایت خدا بی سویی

علامت، بانیز خدا" که است آمده مقدس ک تاب ن صایح مورد در
 اله قدس روح که عطایای پی و گ و ناگون معجزات انجیل، شد گفتم کار هلی پی
 "کردن تابت را ای شان کلام صحت به خشدید، می خود اراده مطابق
 (2:4 ع بران یان)

ق برسر در مقدس ک تاب واعظین از یی شد ت ی بان به معجزاتی -
قدرت از دید، را این فرماندار وقت ی "نتیجه در که گرفت صورت
(13:12 ر سولان اعمال)". آورد ایمان و شد متدیر خدا پ یام

مورد آیین به او که شد سبب گرفت ته صورت معجزات ب نابراین
ایشان به خداوند "نیز قویه در ب گذارد زیدادی اح ترام تعلم
ر سولان اعمال)". دهند انجام آورد یرت و بزگ معجزاتی تا داد قدرت
(14:3)

طور به دین، ت بل یغ و موعظه فرمان از حواری ون اطاعت به اشاره در
به را انجیل پیغام رفت، ته، جاهه به شاگردان "که است آمده خلاصه
عطا که معجزاتی با و کردمی کار ایشان بانیز خداوند ر ساندند همه
(16:20 مرقس). کردمی ثابت را ایشان پیغام نمود، می

معین زمانهای در معین کارهای

هدایای که گرفت نتیجه توانمی فوق شد تهدات مجموعه از حال هو به
اند شده اعطا معین زمانهای در معینی کارهای انجام جهت الهی
تا که ب وده دائمی ای تجربه معجزه الهی هییه که ادعای این ب نابراین
پطرس، منجم له حواری ون، شودمی رد یابد، می دوام شخص عمر پ ایان
روح از سرشار "مسیح معراج از پس کوتاهی مدت و پ نگاه جشن در
جهت آنها که ب ودا این الهی هییه (2:4 ر سولان اعمال) ب وندد "القدس
به ت کلم به قادر شکوهند ای گ و نه به مسیحیت مقدس ک تاب موعظه
در سعی حکومتی مأمورین که هذنگامی ونددب خارجی زیدانهای
"ب ودا القدس روح از سرشار که پطرس" داشتند، آنان دستگبری
اعمال) کند قانع را آنان خود پسخ با شد موفق الهی هییه ب وس پله
به که ساخت قادر را آنان الهی هییه زندان از آزادی از پس (4:8 ر سولان
جرات با را خدا پیغام و شدند پرسال قدروح از آنان". دهند ادامه موعظه
(4:31 ر سولان اعمال) "ر ساندند مردم به

گفته که شویدمی متوجه کنید مطالعه را مقدس ک تاب دقت با اگر
را کارهان "ب وندد القدس روح از سرشار ق بل از که آنها" که شودمی
ان آن اختیار در کارها پرخي انجام منظور به القدس روح دادند انجام
ب عدی هدف به دست یابی منظور به باید ولی ب و د گرفت ته قرار
خود تعمید هذنگام نیز پ ولس. شدمی اعطا آنها به مجدداً خداوند
کور ب با ب تواند تا که شید طول سالها ولی ب ودا "القدس روح از سرشار"
"القدس روح از سرشار" مجدداً وی تذبیه منظور به شوری مرد کردن
(13:9 و 9:17 ر سولان اعمال) باشد

مؤمنان که است نوشده ای نگونه معجزه ف یوضات باراب طه در پ ولس
یونانی کلمه ب و دزد دارا "مسیح میزان و دید صلاح ط بق" را آن اولیه
که ب و دمسیح ف قضا است "محدود مقدار یا درجه" معنای به "میزان"
یا راخت دارای ای نکه ی عنی ب و د، دارا محدودی تی هیچ ب دون راهیه این
ی و دنا) نمای داس ت فاده دی دمی صلاح که آن گونه آنها از تاب و د کامل
(3:34).

به قادر میلادی اول قرن در اف راد از ب عضی که را معجزاتی ما ای نک
ک: ک نیمی ت و صیف ب و دزد، انجام

اول قرن هلی معجزه

گ و ی ی پیش

کلمات ت و اندمی که است ف ردی معنای به "پ یام بر" یونانی کلمه
الهام وی به که ف ردی ی عنی - نمای د ب ازگ و وقوع از قب ل ار خداوند
پیش شامل اوقات گاهی که ب یورد، زبان به را خداوند کلمات تا شده
(شود رجوع 19:1-21 پطرس دوم به ه). شدمی هم آید نده و قایع ب ی نی
از ب و دزد، نبوت هدیه دارای آنان که ی عنی پ یام بران،" ب ناب رای ن
ب و د، اغاب و س نامش که آنان از ی کی "بذآمدان تاک یه به المقدس ب یت
کرد پ یشگوی ی خدا روح الهام ب او ب رخاست عبادتی مجلس ی ک در
این . شد خواه سخ تی قحطی دچار اسرائیل سرزمین ب زودی که
پس . شد عارض ق یصر «ک لودی و س» ف رماذ روای ی زمان در قحطی
ای هدیه خود ت و انای ی حد در هر کس گ رف تندت صمیم آنجا مسیح بیان
(29 ر سولان اعمال) "ب فرستند یهودیه مسیحیان ب رای ت ا هب د
در کرد، پ یدات حقق سال چند ظرف که خاص پ یشگوی ی این (11:27)
باشند می پ یشگوی ی ت و ان دارای می کنند ادعا ای نک که آنان ب ین
اف رادی که داشت تند اطمینان ت احدی اول یه ک ل ی سا هلی . شود نمی دیده
که سخ ت یهای ی ب ردن از ب ین ی ب را که باشند می هدیه این دارای
چنین ت و ان می کم تر ب یداند در اپ و ل شان و زمان شد، می پ یشگوی ی
یافت امروزی "روح از سرشار" اصطلاح به ک ل ی سا هلی در هلی ی نمونه
کرد.

ب خشد ین شد فا

روی خداوند کامل ملکوت ظهور ب شارتهای مورد در ر سولان در حال ی که
نیز ای معجزه پ یامشان اثبات ب رای ب ای د نمودند، می صحت ب زمین
ب و د خواه چ گونه خداوند، ملکوت ی عنی زمان، آن ده ن شان که کردند می

شدنوارا کران گ و شهاي و ب ينارا کوران ب ياي ده، چشهاي او وقتي" (35:5.6 اشعيا) "کرد خواه خيز و جست آهومانند لنگ. ساخت خواه 5 فصل ب خداوند ملکوت شرايط مورد در بيشتر اطلاعات ب راي تحقق شود، ب رپ از مین روي خدا ملکوت هنگام يکه بک نيز رجوع ملکوت وجود ب ارا ب طه در ابهامي هيچ و ماندنمي ناقص هلي يوعده چنين ملکوت پيام آساي معجزه تاييد ب ناب راي نماندند خواه باقي زمين در قابل وجه هيچ به که ب و د نهائي و قطعي نحوي به خداوند جاذب از شد فائها در که معجزاتي از بسدياري روهين از باشد، مین انکار عموم که ب و د نحوي به گرفت، مي انجام اوليه مؤمنان ت و سبب خشدین نمودنمي مشاهده را آن مردم

صبح روز هو که چلاق، گدایي ب خشدین شد فاهان کلاس يك مثال يك اعمال آيه ب و د پطرس ت و سبب ک شد، مي دراز مع بد در جلوي در ب راي تا گدانش تنمي آنجا روز هو را وي که دارمي ب بيان 3:2 لانرسو با و پطرس ت و سبب در حال يکه او بگردد آشنائي منظره به تبدال هه از" يافت شد فاب و د کرده اعطاء پطرس به خدا که اي هيه از اس ت فاده با س پس افا تاد ب راه و ايس تاد خود پ اهلي روي ايل حظه پريد، جا او وقتي ب و دند، آنجا که اشخاصي. شد خدا خانه داخل ي و دنا و پطرس گدای هان که ب رددن پي و ک ندمي شکر را خدا و رومي راه که دي دند را بيش شدست، مي خدا خانه «زي بای» دروازه ک نار روز هو که است لنگي او و ب رددن هجوم «سلیمان ايوان» ب طرف هه پس بگردند ت عجب اندازه احد ترم ب اآنگاه! است چس بیده محکم ي و دنا و پطرس پ به که دي دند را اعمال". شدند خيره عجب واقع اين به حيرت با و ايس تادند مورد در صحت به ب لاف اصله س پس پطرس (3:7-11 رسلان و قطعي سندي که مردمی ب پرداخت عمومي انظار در مسيح رس تاخيز تند، داش رويد شان پيش در راي اف ته شد فاگ داي يك شکل به حتمي مع بدروازه بگردنمي قبول خدا کلام ب عنوان را پطرس کلمات مطمئناً مائل در ست ميشد، مردم از لبريز (3:1 رسلان اعمال) "دعا ساعت" در رامکانی چنين خداوند. شد به روز يك صبح در خريد مرکز يك واضح معجزه يك طريق از شدمي موعظه که را سخناناش که کرد ان تخاب که خواند يممي 5:12 رسلان اعمال آيه در شکل هين به يذمات تاييد ادعاهلي". بگردنمي آوري حيرت و زياد معجزات مردم، ميان در حواريدون" ب ارا ب طه در اغلب اف رادي چنين و پ نجاه هلي شد فادهنده معمول مؤمناني چشمان جلوي در و اف تاده دور ک ل ي سا هلي در که ب و ده معجزاتي و اف تاده، اتفاق ب و دند مع تاد معجزه يك اف تادن فاقات ان تظار به که انداي س تاده خيابان در که ب اور سخت عادي اف راد مقابل در نه

مطرح در توجیهی قابل تجزیه دارای نویسنده این که به گوید یم به این د شاهد نیز بوده الهی قدرت های امروزی مدعیان به ما باحث این کردن که نیست ادتیاج حال این به ما شدبمی رابطه این در زی ادعاهای نتیجی هلید خشدیدن شفا مشاهده به رابطه در من شخصی اظهارات هر شوند داده شرح مشخصاً "نقاص درمانهای" موارد به ترین دریا و خیلی مسائل این که به ود خواهد معترف که لیساهل این از صادقی عضو خود پناه و ستانده به من مواقع از به سبب در شوندمی دیده زیاد این دارای شما شاید که کنم به اور حاضر من: "امگفته ای نگونه نشان وضوح به هیشه خداوند ولی باشدیدانگیز شدگفت قدرت های به باشدمی آن فاقد کسبی چه و داراست راوی قدرت کسبی چه است داده به را قدرت تان که به خواهم شما از که نیست منطقی غیر بنابر این که را شما تعالی یم که شوم قانع به یشتر شاید تا به دهید مایشن من نمایم به اور بدانم، مقدس کتب به منطقی تو و اندمی حاضر در حال است نشده عرضه من به "روح و قدرت واضح نمایش" یک هوگ زاما

اول قرن به متعلق ارتدکس هلیدیهودی مخالف، و مقابل رفرم تاری در آسای معجزه روحی های ای دارای هلیدی مس شاید که امر این به نسبت آنها حتی حال این به با به و دزد ای به سته افکار دارای باشدند، خداوند یودنا) "کندمی به بسیار معجزات شخص این" که شوندمی معترف نیز نمی که ما کنیم؟ چه ایشان به: «پر سندی یکدیگر از آنان" و (11:47) آن از همه اور شدیم درنچو شویم؟، به بزرگ معجزه این منکر تو و اندیم تکلم که آنها یی ترتیب هین به (4:16 ر سولان اعمال) "به اخبرند (2:6 ر سولان اعمال) "ماندمی متحیر و مات" شنیدند، می را حواری و ن شوندمی مواجهه عملی عکس چنین به امروزه به نگاه هلیدی و بی یاهو می گرفتند قرار رنمد های پناه معروض در که مردمی که حقیقت این اندکار را آنان بین در واقع هلی معجزه وجود منطقی به طور تو و اند یک خبر اگر به باشدمی به حث این در شاخص ای که قطعاً نمایند، فکر که نیست منطقی شد، می پخش المقدس بیت سراسر در معجزه پارک یاولندن ترافالگار میدان در واقع معجزه یک اگر کنیم امروزه این که از جهان سراسر افتد، اتفاق ناپروبی روی یاهرو خواهند صحبت دارد، قرار افرا در خداوند آسای معجزه های ای کرد؟

می ما خود روانی و روحی و ضعیفیت نتیجه پناه هلیدی خشدیدن شدفا موضوع، این به برخلاف اما خداوند روح مستقیم دخالت نه و باشد در که مردمی شفا بی رای معجزه واقعی به از که به ود قادر پطرس معجزه (5:15 ر سولان اعمال). نمایم دست فاده و دزد، اف تاده خیابانها لستره شهر مشرک بین از به سبب یاری تو وسط بر این که علاوه پ ولس های

که دولت وزیر ریگ تو وسط (8:14-13 رسولان اعمال) بدود، شده مشاهده
 (12:13 رسولان اعمال) بدو و شده مشاهده هم نداشت باور را مسائل این
 انظار در آن انجام الهی، هدایای طبعیت و هدف لازم که هانطور (13)
 اینکه از غیر بداد، شدنمی آن برای تو ضدیحی هیچ بدود، عمومی
 معرض به بدنگ انش تو وسط خداوند قدرت اینجا در که شویم معترف
 ایدش مسیح درمانی معجزات از یک اثر است شده گذاشته نمایش
 را خدا هم (دیدند در اصدنه آن که آنهایی) شدند متعجب هم: "که بدود این
 "» بدویم ندیده چیزی چنین بحالتا: «میگفتند و میگردند شکر
 (2:12 مرقس)

زبانها

مأموریت این بدودند، ای ساده گبران ماهی آنها از برخی که رسولان
 موعظه را انجیل بدرونند یا سراسر به که داشتند را بزنگ
 که بدوده این آنها العمل عکس اولین شاید (16:15 مرقس). نمایند
 نمی دتی آنها "نمیدانم را دن یا هلی زبان تمام من ولی" بگویند
 آنها که چرا "بدود ضعف زبانم درس مدرسه در من": که گفتند
 که است شده نشد ته آنها هم در باره بدودند حرفه مدرسه هیچکدام
 دتی و (4:13 رسولان اعمال) "بدودند عامی انسانی بی و بیسواد آنها"
 زبان محدودیت هم (پولس مانند) کرده تحصیل کنندگان موعظه برای
 دین یک به گرویدن برای تبلیغ هنگامیکه میامد نظر به ترسناک
 غیاب در) تهذیب برای یکدیگر به اتکای به نیاز گرفت، می انجام
 یک یکدیگر زبان فهمیدن که بدو معنای دین (مکتوب جدید عهد
 با شد می بزنگ مشکل

خارجی زبانهای به کردن صحت هدیه اصل، بر این غلبه برای
 این بین مشخصاً شد عطا آنها به خداوند سویی از فهم قدرت و (زبانها)
 بسیاری "شده متولد دوباره" هلی مسیحی زبان و "زبانها" از دیدگاه
 بدیورند، در از خود درآمدن وجد به مهندگراف همی غیرقابل صدا هلی که
 دادن نشان با اتوانمی را نظراختلاف این دارد وجود زبانی تضاد
 می "خارجی زبانهای" هان "زبانها" از مقدس کتاب تعریف این که
 نمود بر طرف باشد،

آسمان، به مسیح عروج بدواز درست هلی، یهودی پناه ضیافت در
 سخن به شروع بار اولین برای و دشمن پرال قدس روح از "حواریون
 آن... ندا شد تند آشنایی آنها با که کردند مخالف زبانهای به گفتن
 به سرزمینها تمام از عید مراسم برای دیدنار یهودیان روزها،
 وقت (هدایا از عمومی نمایش یک دوباره) بدودند آمده اور شدیم

و تماگ ویدند، می سخن این شان زبان به عیسی شاگ ردان شد پیدند
 این با است؟ ممکن چگونه این» بگفتند تعجب با آنان اما ندند مبهوت
 تکلم ما مدلی زبانهای به ولی هس تند، جلیل اهل از اشخاص این که
 ما (می باشد 'languages' یونانی که لمه معادل رفته به کار که) کندی
 به اشخاص این که شنوید مهمی هه هس تیم، ... و ماده و هلا ارب از که
 "بوندند تدیر هه...!گ ویدند می سخن خدا عجب ایب اعمال از ما خود زبان
 مردم تعجب روی مجدد تاکید لزوم نتیجه در (2:4-12 رسولان اعمال)
 به درست باشند، شنیده نام فهمی الفاظ فقط آنها ای که علت به
 گفتند سخنان درک از اطمینان و حیرت جای به امر این. مذمیر سدنظر
 دهنده نشان است، شده تجربه رسولان اعمال دوم اب در که شده
 باشد می تفاوتی پی و تمسخر

اعمال در "خارجی زبانهای" و "زبانها" بین واضح ترادف از جدا
 قسمتهای دیدگر در که شود می یافت مشهود طور به 4:2-11 رسولان
 است فاده "خارجی زبانهای" معنای هان به "زبانها" که لمه جدید عهد
 در مکاشف در بار پنج "زبانها و ملتاهم مردم"، هلی واژه است شده
 مکاشف (است شده برده به کار زمین افراد تمام از گفتن سخن
 نسخه در "زبانها" یونانی که لمه (7:9 ؛ 10:11 ؛ 11:9 ؛ 13:7 ؛ 17:15
 به کار خارجی زبانهای معنای به (Septuagint واژه) عتیق عهد یونانی
 پیدایش ؛ 28:49 تا 1:4 دان یال به شود و عرج). است شده برده
 10:5)

از است فاده با رابطه در فرمان چندی ن شامل قردن بیان اول 14 باب
 اشعیا آیه از قول نقل باب این 21 آیه باشد می زبانها هیه
 علیه شهادت برای هیه این از است فاده چگونه گی مورد در 11:28
 را ای پیکانه قوم خدا که فرمایدمی آسمان کتاب: بگویدمی هلی هودی
 "... که ندانم آنها به پیکانه زبان به را او پیغام تا فرستاد خواهد
 اسرائیل که ندانم آنست صرف که گردد از می اصل این به 11:28 اشعیا
 ترادف می کردند صحت هلی هودی با دانستند می که زبانهای بی به
 زبان معنای به "زبانها" که میدهند نشان "لا بها" و "زبانها" بین
 قردن بیان اول 14 باب در دیدگری بسیار هلی نشان است بده خارجی
 سوء مورد در پو لاس الهام تحت آن تقاد به راجع قسمت این دارد وجود
 نیز گرفت می انجام بدوی که لیساهلی در که الهی هدایای بی از است فاده
 الهی ای هلی طبیعت به نسد بت پیش تری اطلاعات ال به و باشد می
 مورد این در کوتاهی شرح ما ای نک. نمایدمی اراده پیش گوئی زبان
 داد خواهیم

ب. باشد می که لیدی آیه 37 آیه

را اله قدس روح عطایای سایه ری او نبوت عطای که که نیدمی ادعا اگر " گویم، می آنچه در بابید که باشد یک سی اول بین باید پس داری د، "است خداوند خود احکام

باید پس باشد، می معجزه الهی هدیه از برخوردار می مدعی که سی اگر قدرت این از است فاده نحوه مورد در فوق دستورات که که نند فبول اطاعت دستورات این از امروزه آند که است شده الهی خدایوندت وسط می زیر پاره را خداوند جانب از شده الهام فرامین وضع بطور که نند، نمی 17: تا 11 هلی آیه بگزارند

من بازبانه این از یکی به که سی اگر. آورم سردنمی آنها از من و " او بر رای هم من و است بیک گانه یک همچون من بر رای او بگوید، سخن

طالب هستی، اله قدس روح عطایای مشد تاق حد این تا که حال پس . شویید واقع مفید که لیسات مامر شد بر رای تا باشدید آنها به ترین

خدا تا که نند دعا بایددارد، را غیر زبانه های به مت کل عطای که سی اگر بدهند نیز را زبانه های این ترجمه عطای او به

می دعا من روح واقع در فهم، نمی را آن که که نم دعا زبانی به اگر زیر ا خبرم بی گویم، می آنچه از خودم و که نند

هم معمول زبانه به هم و که نم دعا غیر زبانه های به هم باید که نم؟ چه پس ب. فهمنده تا عادی زبانه به هم و بخوانم سرود غیر زبانه های به

می خودتان روح فقط که گوید شکر زبانی به را خدا شما اگر زیر ا آمین شما گزاری شکر دعا به ب. تواند ندید گران چگونه فهد، گویید؟ می چه فهمند نمی حال یک در بگوید،

اما گوید، می شکر را خدا عالی بسیار شما که نیست شکی "بازند نمی بهره حاضرین

گوید یی او. است فایده بی فهمند، نمی حاضرین که زبانی به تکل اند تهای در تان نمی که چرا است بیهوده نام فهم اصوات ای جاد و "آمین" یک بر استی شده ت شکیل نام فهم سخنانی از که "دعای" "بباشد نظوری" یعنی "آمین" که باشدید داشته یاد به بگفت واقعی

دارم ق بول شده گ ف ته دعا در که را آنچه قطعاً من ای نکه معنای به
را آنان فهمند، نمی ب رادران تان که زبانی به ت کلم گ وی دمی پ ولس
ک نذمی ت قدیس

19: آیه

کلمه پنج دهمی ت رجیح ک نم، می ع بادت را خدای گران باوقه تی اما"
که این تا ک نند، س ت فاده و ب فهمنده که ب گویم سخن زبانی به
"فهمند می ک سی که ک نم ت کلم غیر زبانهایی به کلمه هزاران

زبان به و مسیح مورد در کوه ماه جمله یک است ساده خیلی موضوع
موعظه به ساعتها ای نکه تا دارد ب ی شد تری فایده من ب رای ان گلیسی
دهم ف را گوش ف هم غیر قابل زبان یا خارجی زبان به ف ردی

22: آیه

ب رای خدا قدرت نشانه زبانهها، به گ ف تن سخن که ب ی نذمی س پ"
ن بوت، اما ای مان بی ب رای ای ست نشانه ب لکه ن یست، داران ای مان
ب رای ب لکه ن سیت ای مان بی ب رای خدا، جاذب از ب یغام آوردن ی معنی
"ای مان داران

انجیل از هلی موعظه ب رای اساساً خارجی زبان از اس ت فاده ب ناپ رای ن
مورد در ادعاها ک ثر امروزه حال این ب ا م یرف ت خارج به که ب ود
شخصی هلی ت جربه و ت نهایی در مؤمنان میان در زبان هدیه ت صرف
صدمت قدرت ب ا راب طه در اف راد این ب بین مآلهایی بی با شدمی آنان
ذرت به به س یار انجیل اشاعه ب رای خارجی زبان به آسامعجزه کردن
اروپای در مسیح موعظه ب رای فرست 1990 مده اوایل در شومدی دیده
ب خاطر ب ای د انجیلی (اصطلاحاً) ک لیساهلی ولی شد، مهیا شرقی
پخش ان گلیسی زبان به را خود ادبیات زبانی، محدودیتهای
آیا است، ب وده آنان ت صرف در زبان الهی هدیه اگر مسلماً ب می کردند
شد؟ می اس ت فاده آن از ای نجا در ن باید

23: آیه

شما جمع به ن دارد، را عطا یا این که ک سی یا ای مان بی یک گ را پ س"
یقیناً ک نذمی ت کلم غیر زبانهایی به ه ه شما که ب شتود و شود داخل
"ای ددی وانه که کرد خواهد ت صور

به طور ديگر هلي مسيحي غير و مسلمانها. افتاد ات فاق هين دقيقاً ادعای غربی آری قاسر سردر که را آنا که عجب رفته تار مشابیه حدتی. اندداده قرار تمسخر مورد داشتند، رازبان الهی هیده ت صرف قاعدتاً بزنده، پناهگاه ردهای بی یک به سری شعور با مسیحي یک اگر باشند می دی وانه حاضر اعضایی که کندی فر

27 آیه

تعدادشان بزنده، حرف غیر زبانهای به خواهند می کسائی اگر " نیز فریک نبودت به هم آن باشد، نفر سه یادواز بیش نباید "کندت رجمه رازبانها این باید

خارجی زبانهای به نفر 3 یا 2 که بوداد تیاج فقط مراسمی هر در تکلم زبان تنوع جمعی هر که است به عید کندند صحت مراسمی هر در که بود قرار اگر باشد زبان 3 از بیش حاضرین از مراسم هاهنگی شود، ترجمه بار 2 از ترپیش سخنران صدبتهای مردم که لندن مرکز در گردهای بی یک در زبان هیده اگر به برفت بین هم آلمانی و فرانسیسی و ریست چندین و هس تندران انگلیسی سخنران احتمالاً بود، سخنران ت صرف تحت باشند، می حاضر به کرد آغاز اینگونه

(انگلیسی) Good evening: بپیشوا

(فرانسو) Bon soir: مترجم اول بین

(آلمانی) Guten abend: مترجم دوم بین

هم صحت و کندند صحت سرهم پشت ترپیب به باید آندان طبیعتاً طبعیت بخاطر حال این با. شومی جمع شدن گیب باعث آنها زمان صحت از دیده این، "خارجی زبانهای به کردن صحت" اساسی ام کرده مشاهده را این من آیدمی پیش افرازاب سبیری زمان هم کردن تا زیرتحت سرعت به به قیه کندی صحت نیز فریک هنگامیکه که دهند انجام را کارهان که گیزندی قرار

پایم تا شومی است فاده پیشگوی هراه به اغلب زبان، الهی هیده زبان یک طریق از پیشگوی هیده واسطه خداوند طرف از شده الهام برای مثالی. شود ارائه سخنران برای (زبان هیده توسط) خارجی مشاهده 19:6 رسولان اعمال درتوان می را مذکور هیده 2 از است فاده

هلي شونونده داراي كه ل نندن، در گ ردهاي ي ي ك در اگ ر حال اين ب ا بدمود
 صد بت فرانسه زبان به سخنران باشد، فرانسوي و انگليسي
 گ بزندمي را لازم ت عمل يمت حاضر ي سي ان گل اف راد ك ند،
 هه تا باشد داشته وجود ب ايد زبانهها ترجمه الهي هيه ب ناب راين
 به فرانسوي از هلك فته ب ايد مائل در ي شوندد سخنان م توجه
 اف راد ازي كي ت وسط اگ ر شكل هين به . شوندد ترجمه انگليسي
 فرانسه الهي هيه سخنران ايد نكه باشد، مطرح سوالي فرانسوي
 نمي كمك ب دون ولي كرده، ت صرف ناخودآگاه ب طور را كردن صد بت
 الهي هيه كه ايد نجا ست در و ب شود شده مطرح سؤال م توجه ت واند
 است لازم ت ترجمه

زبان الهي هيه از است، ترجمه الهي هيه داراي كه فردي وجود ب دون
 ك ندمت رج رازبانهها اين ب ايد نيز ن فر ي ك ...": شوندمي اس ت فاده
 و خود ب اسكوت در ب ايد ايشان ك ند، ترجمه كه ن باشد ك سي اگ ر اما
 اين (14:27.28 قرن تيان اول) "گ وي نند سخن غ ير زبانههاي به خدا ب ا
 به جدي د عصر "زبان" اس تعداد مدع ايان از ب س ياري كه حقيقت
 از و نيس تند آن فهم به قادر دي گران كه ك ندمي صد ب تي زباني
 راد س تورات اين از ناف رمان ي حكم قطعاً ك نند، مي ن اس ت فاده هم م ترجم
 دارد.

: 32.33 هلي آيه

ب ايد دارند، نبوت عطاي كه ك ساني كه باشد داشته ب ياد ب علاوه"
 ذوبت م ن تظرو ب نشد ب نند ساكت كه باشد داشته هم را قدرت اين
 و نظم و هاهنگي ب لكه ندارد، دوست را مرج و هج خدا ب باشند خود
 "را ت رت بيب"

انسان كه اي تجر به بان بايد ال قدس روح هداي اي ت صرف ناب راين ب
 در روح ب پس شود، مرتبط سازد، مي خارج ط ب يعي واقعي ته اي از را
 كه قدرت ي اخ تيار در نه ك ندمي اس ت فاده آن از كه است ك سي اخ تيار
 ادعا شد ت به ب طور اغلب .دهند ان جام غ ير ارادي عملي آنها شومدي ب اعث
 شوندمي رس تگار كه را آناني " شدياط بين روحيه اي اهي من كه شده
 روح و، (شود رجوع 3-6 فصل به) دهندمي قرار خود ت صرف ت حت
 اول آيه در كه روحي قدرت ولي ب ما يدمي ت صرف را مؤمنان نيز ال قدس
 ت حت خاصي دل ايل ب راي شود، مي صد بت آن از 14:32 قرن تيان
 اين كه ايد داده ن نشان هم قبلاً ب راين، علاوه ب ودم ت صرف ك نترل
 تا شد مي اها حواري ون به خاص زمانهاي در ال قدس روح قدرت ته اي

قدرت این دأتم به طور ای نکه نه دهند، انجام را خاصی کارهایی به تواندند
باشند دارا را

34 آیه

به گویند سخن نه بایه آنها باشند ساکت بایه دلست در زنان
فرموده تورات که تاب که طورهان نماینده، اطاعت و کزندگان و ش به لکه
است."

زنی که است مسلم شك به دون الهی، هدایای از است فاده مفهوم این در
ک نونی پدید آید. نمایه است فاده هدیه این از نه بایه دلست در
شونده جمع یک در که هیجانی احساس به رحسب نام مفهوم صد به تهای
پس ده، باش ت و ضیح قابل یابد می اند تقال دیه گر فرده به فریدی از
زنان، نه گزیرد قرار ت وجه مورد عمدتاً فرمان این که رود اند تظار به ای د
تأثیر تحت ت و اند می آماده فری به حاضر هر شخص ال به ته و هله چه
خود از رانام فهمی صدایی نه تیجه در و به گزیرد قرار محرکی چنین
شود ت لقی زبان هدیه که به یورد در

زبان به کردن صد بت " هدایای از به خورداری در زنان به رتری
آیه این که واضیحی دس تور به مدرن که لیساهی در "نبوت" و "خارجی
زنان از پ ولس که مسخره و احمقانه نظریه این نه یست منط بق میدهد،
که که نیومی ادعا اگر": شومی نه فی جلوله رایه چند در به وده، متذفر
ولینا به بایه پس دارید، رال قدس روح عطایای سایه ریاون بوت عطای
اول) "است خداوند خود احکام گویم، می آنچه دریابد که به اشیدک سی
به ولس شخصی فرامین نه و، (14:37) قرن تیان

هدایا است تردد 2-4

توسط مجدداً مسیح به ازگشت از پس خداوند روح آسای معجزه هدایای
است فاده مورد خداوند ملکوت به که نونی دن بایه تبدیل به رای مؤمنان
گرفت خواهند قرار

نامیده (6:4.5) ع بران بیان) "آیه نده عالم ن پروهلی" را هدایا این هین، ب رای بی نی توبه ب عداذ الهی هدایای فراوانی 26:2-29 یونیل آیات و اند ب عداذ هدایا که حقیقت این نمایدمی ت و صیف را اسرئیل تحت ای نك كه ك ندمی ثابت شود، می داده مؤمنان به مسیح بازگشت و مقدس ك تب از كه مسیحی ه به و باشندندمی دمهر ت صرف می زدیك مسیح بازگشت كه دهمی نشان دارد آگاهی دنیا ات فاقات (شود رجوع 3 ضمیمه به) باشد.

قرن ب بین زمانی در كه میدهند نشان و ضوح به انجیل هلیگ وی پیش مجدد ظهور و بودند، ت صرف تحت (قدرتها) هدایا هنگام یکه اول، :شوند می بازگیری یا هاد مسیح،

رسید خواهد آنها به روزی ب خشد، می ما به خدا كه عطایای ه" پایان روزی اسرار، و علم دانستن و زبانهها به گفتن سخن نبتوها، و علم عطایا، این تمام وجود با حاضر در حال پذیرفت خواهد شدیم، کامل جهت هو از كه زمانی اما بنار ساست و جزئی مانبتوها "رفت خواهند بین از هه و بودند خواهد عطایا این به ن یازی دیدگر می "موقت" هدایا كه است مسلم ن تیجه در (8:13-10 قرن تیان اول) (G.N.B) باشند

است کامل كه آنچه هنگام یکه" باید شده داده اول قرن در كه الهی هدایای زمان به ت واندندمی موضوع این. شدند می بازگیری "نماید ظهور بایدهدایا زمان آن در كه چرا باشد، داشت اشاره مسیح بازگشت به شده ترجمه "کامل" ك لمه به كه یونانی ك لمه. شوند اهدا دوباره كه چیزی معنای به لزوماً و" باشد کامل و پر كه است چیزی آن" معنای ن بست باشد، می گناه از عاری

مسجد بیان كه اقصین معرفت جایگزین، "کامل چیز این" واقع در داشت یاد به. شد خواهد بودند، دارا هلیگ پیشگوی بی خاطر اولیه، خداوند كلام الهام تحت كردن بیان قدرت هانگ وی، پیش كه باشدید دهمی ت شكیل را مقدس ك تاب كلمات، هین مك توب پس است

اینك ما كه را جدید عهد از كوچكي ك سر معمولی مؤمن یك اول، قرن در از راهلیگ پیشگوی از برخی وی. شناخت می هس تبم، آگاه ن از نمای او. شد ندیمی عملی مبحث چند به راجع و كلیسایش بزرگان نامه دویا یك هلیگ و شد ته شاید و دانست می را مسیح زندگی كلی هان كه نبت كلمات هنگام یکه ولی ب و شدند پده را پ ولس منذ تشرس و شده ت م توب و بودند خداوند الهام تحت هلیگ پیشگوی

ا د تياجي دي گړن تيجه درگ یرد، قرار هگان دس ترس در تاگ رید د
باشداشته ت صرف تحت ران بوت الهي هیه کسي که نه بود
شده، الهي هادي واي و ازار جای گزین و ب ود کامل که چ یزي آن ب ناب رای ن
ب و د جدید عهد هان:

این از است ودهف رم الهام خدا را مقدس ک تاب ق سم تهایی تمام واقع در"
می ما به را راست کارهایی زی را با شده، می م فید ب س یار ما ب رای جهت
ما و ک نده، می اصلاح و دهمی قرار سرزنش مورد رانادر ست اعمال آموزد،
ما کلامش ب و س یله خدا نمای دمی هایت خدای سندانه زندگی ب سوی را
دوم) "ای یم ن یکی هه به تا سازدمی مجهز و آماده جهت هوز را
(3:16.17) ت یموت اوس

پس است "کامل مقدس ک تاب" دارد هراه به را تا کامل که چ یزي آن
آن" درآمد، مک توب ب صورت الهام، تحت "کامل مقدس ک تاب" هنگام یکه
آسامعجزه الهي هادي واي و رسیده ما دست به "ب و د کامل که چ یزي
شدند ب ازگ یری .

نمای دمی حل خوبی به را معم این 8:4-14 اف سس میان آیات اک نون

...ب خشد ید هادي اي مي مردم به ... شد زنده مرگ از پس (عیسی) او وقتي
هه سرانجام تا ید شوند مسیح بدن پ یشرفت باعث ب دی نوس یله تا
ر شد به او در هه و (ایمان یک ی عني) باشدیم داشت ته ی کسان ایمان ما
دی گرت آن صور ... شویم پ ر کاملاً او از که ب طوری ب رسیم، کامل
که دروغهایی و دی گران سخنان اثر در که ب و دن خواهیم اط فال ماندند
تغیر ایمانمان به ن سبت لحظه هرگ وید نده، می ماگ مراهی ب رای
"ب دهم عقیده"

در و شد می اهدا ان سان ب لوغ یا کمال زمان تا ب ای د اول قرن الهي هادي ا
این و "است کامل خدا مرد" که است آمده 3:16.17 ت یموت اوس دوم آیات
در ب اشدمی مقدس ک تب ق سم تهایی تمام راهنمایی کردن ق بول ب دل یل
می ب دست خداوند کلمات اجابت از ت کامل که آمده هم 1:28 کول س میان آیه
هیچ دی گرب گ یرد، قرار دس ترس در مقدس ک تاب ت تمام هنگام یکه آید
توسط که ای چ ندگانه ت عالیم سبب به سردرگمی ب رای ای به هانه
ندارد وجود شود، می ارائه مخ تلف یل یساهلک

و (17:17 ی و دنا) "است راست ت و کلام" و دارد وجود انجیل یک ف قط
ایمانی هان ب یابیم، را "ایمان احدیت" ت و انیم می آن مطالعه طریق از
ب ناب رای ن است شده صحت آن از 13:4 اف سس میان آیه در که

به واسطه و اندیداف ته دست حدوا ایمان آن ت صرف به واقعی مسیح بیان
ت کامل خداوند، کامل و مک توب کلام هان یا "است کامل که چه یزی آن"
اندیداف ته

قرار داد شد تن قرار 4:14 اف سد بیان آیه چه گونه که باشد پیدا شد ته ت وجه
ط فولایت به را اند سان دست در آسامعجزه های ای و اب زار داد شد تن
به ناست چه گونه یگ وی پیش مورد در ای نکه و کرده ت شد به یه معنوی
13:11 قرن ت بیان اول آیه در . شونددگ یری به از پس آسامعجزه های ای
ت صرف سبب به فخر ف روشی است شده گ فته مطلب همین ن یز
خواننده که پ یشرف تی به اشذنمی معنوی به لوغ ن شانه الهی های ای
خداوند، مک توب کلام ت رع میق درک ی اب ده، دست به دان به ای دک لمات این
و کلامش طریق از ما به خداوند مکاشفه کمال به خاطر به ردن لذت
است ت واضع با ت و ام اطاعت طریق از آن به جواب گوی ی

هپ ر سش: 2 ف صل

1- باشدند؟ می "روح" واژه معانی زیر ک لمات از کدام یک

قدرت (الف)

مقدس (ب)

دم (ج)

غ بار (د)

2- چیست؟ اله قدس روح

اند سان یک (الف)

قدرت (ب)

الهی قدرت (ج)

لیشتت از به خشی (د)

3- شد؟ نوشته چگونه مقدسک تاب

نوشته تندر را خودشان عقاید مردم (الف)

نوشته تندر خداوند معنای به راجع را عقایدشان مردم (ب)

نوشته مردم توسط الهی روح الهام طریق از (ج)

نوشته الهام بدون آن از بخشی و شدگرفته الهام آن از بخشی (د)

4- باشد؟ می آسمعجزه هدایای دایه دلایل ذیل هیجمله از کدام یک

انجیل مطالب شد فاهی هیموعظه تأیید بر رای (الف)

اولیه کلساهلی ایجاد بر رای (ب)

باشند صالحی افرا که مردم ساختن وادار بر رای (ج)

شخصی مشکلات از حواریون نجات بر رای (د)

5- بیاوریم؟ را خداوند حقیقتتوانیم کجا از

خودمان فکرهاهی طریق از حدیث او قدسمکتاب طریق از تاحدی (الف)

انجیل خواندن از جداالقدس، روح مسد تقیم هیگفته طریق از (ب)

انجیل طریق از فکط (ج)

مذهبی پیشوایان وکشیدشان طریق از (د)

خداهای وعده: 3 فصل

مقدمه: خدا هلي و عده 3-1

نحوه و خداوند از وسيعي درك با مطالعات مان از مرحله اين تا ما زمينه اين در ابهام موارد مسير اين طبي در و ايم شده آشناوي عملكرد انجام با و ترم ثبت ديدي با خواهيم اي نك. اي مپ ردا شد ته ميان از را داده وعده خود دوس تداران به " خداوند كه چيزهلي به وي فرامين (14:15 ي ودنا). ك. نيم نگاه (2:5 و 1:12 ي عقوب)" است

مسيد بيان واقعي اميد كه است چيزهلي عتيق عهد رد خداوند هلي وعده آماده اي نكه و آينده اجر به راجع اش محاكمه در پ ولس. ك. يردب رمي در را اين ولي " مي كورد صحت بت به دست از آن به راي را چيزش هه كه است آن انجام ان نظار در من كه است علت اين به زنده، من به كه تهمت هه من در را آن... كه اميدي هين... است داده ما اجداد به خدا كه با شمي اي وعده موعظه به را اش زندگي اك ثر او (26:6.7 ر سولان اعمال). ك. نذمي محكوم شما به را پ. يغام اين تا اي آمده اي نجا به هين به راي ما". ب. ودگ نرانده هان اين است كرده زنده را عيسي خدا كه به گوييم و برسانيم نيز كرده و ف آن به ما زمان در حالا و داد ما اجداد به خدا كه ي ست او وعده داشت ن باور كه دادمي تو وضوح پ ولس (13:32.33 ر سولان اعمال). است ملكوت و قضاوت، به راي مسيح دوم ظهور مردگ ان، ادبياي اميد هه، وعده آن (28:20.31 و 24:25 ر سولان اعمال). ك. نذمي زنده دلها در را خداوند ي

بدي تاريخ ف قط عتيق عهد كه را اف سانه اين ف وق، به ارز مصاديق كند، نذمي صحت بتي ابدي زندگي به راجع و است اسرا نيل از هفي تصميم ناگهاني به طور پيش سال 2000 خداوند يردمي بين از به لكه كند، عطا ابدي زندگي ما به مسيح طريقي از كه نكرفت :است دا شد ته اول از را ق صد اين خداوند

به ود، داده جهان آفرينش از پيش حتي خدا را جاويد زندگي ينا وعده) زمان در اما ك. وي نذمي دروغ هوگ ز خدا كه است مسلم ما هه به راي و آشكار انج نيل به خشنجات پ. يغام در را وعده اين خدا مناسب، (1:2.3 ت يطوس). ساخت

آشكار ما به ر را خود و آمد خدا جاذب از به خشديات كلمات اين " (1:2 ي ودنا اول). ف رمود

به ابدي زندگي اعطاي ق صد اب. تدا از خداوند اي نكه به ته وجه با مردمانش با كه سالي 4000 طبي در وي كه ندارد امكان دا شد ته، مردمانش

مورد این در است، رسیده ثبت به عتیق عهد در و داشت ته سروکار و هلگ ویدی پیش پراز عتیق عهد واقع در باشد کرده اختیار سکوت خداوند که را امید این از بید تری جزئیات هوکدام که است هلی و عده درک که است دلایل همین به میدهند نشان کرده، مدیاب ندگانش براری حیاتی رسد تگاریمان براری یهودی مان پرلهی به خداوند هلی و عده افسس آوردندگان ایمان به پولس که است حدی تا این و می باشد مسیح از جدا کاملاً" بدانند را چیزهای این یزکه از قبل که کردید باوری هلی و عده از هیچ یک و بدوند خدا فرزندان دشمنان و کردندی زندگی نامید و خدای و گمراه آنها شدند حالشان شامل خدا بخشامید که می کردند فکرها شک بدون حال این با (2:12) افسس بیان) "بدوند آنها به را خدا و میداده امید آنها به هم انقبایش مسیحانه غیر باور هلی عهد در خداوند هلی و عده نشناختن اهیت ولی است می کرده معرفی بدون و امید نداشتن "معنی به واقع در و است جدی بسیار عتیق امید چگونه پولس که یادآوری به باشد می "ذیاد مازدن خداوند به خداوند که ای و عده آن": نمودت و صیف شکل این به را مسیحیت (26:6 ر سولان اعمال) "است داده (یهود قوم) ما اجداد

عتیق عهد قسمتهای این به کلی ساهاز کمی تعداد که واقعبیت این است غمناک بسیار باشد این عکس بایدرحاله یک کزند، می تأکید آن، از بدتر حرتی و جدی عهد بر اساس مذهب یک به مسیحیت مسیح است یافته تهنزل جدید، عهد آیات از کمی دادت بر اساس موسی سخنان به اگر": است کرده تا یک صدیح گرایش بر مشخصاً اگر حرتی، (دوشت وی که اول کتاب پنج) ندارند وجهی اندی و کردند خواهند توجه او سخنان به برود، ایشان نزد هم مردگان از کسی (16:31 الاوق) ". شدند خواهند هدایت راست راه به

رسد تاخیز به ایمان که برسد نتیجه این به است ممکن عادی فر عهد قوی درک بدون که است گفته مسیح ولی باشد، می کافی مسیح ندارد وجود کامل بصورت امر این اجرای امکان عتیق،

مسیح ساختن مصلوب به عداز حواریون باور سقوط مسیح عقیده به است بده عتیق هع به آنها کافی توجه عدم بخاطر

این قدر چرا! همدتید نادان شما چقدر: «فرمود ایشان به عیسی آنگاه "ایشان آیا بیاوردید؟ ایمان اندی سخنان به که است دشوار برایتان و عزت به آنکه از پیش مسیح که اندن کرده پیشگوی بروشنی تمام سپس» «بپند؟ رازحمت این تمام بایستی برسد، خود جلال

سایر کتاب‌های و تورات در خودش در باره که را هلی‌ی‌گ و ی‌ی‌ش‌پ‌ی (24:25,27 لوقا) داد شرح آنان بر رای بد، آمده اند بیا

عهد تمامي کردن صحت بر نحوه چگونگی که باشد بداد شد ته ت وجه هرگز حواریون که نبوده این چنین که ندمی تا یکید خودش از عتیق هیچ‌گاه قاعدتاً ولی باشدند، نشدیده یا خوانده را عتیق عهد کلمات را آن واقعی بطور نتوانستند نتیجه در و کرده درک عمیقاً را آنها آن خواندن فقط نه و خداوند کلام صحت درک بنابر این نماید بد اور رابطه در هلی‌هودی باشد می ضروری واقعی ایمان یک پیش برد بر رای (15:21 رسولان اعمال) بدندم تعصب شدیداً عتیق عهد خواندن با کردند، ندمی درک انجیل و مسیح مسائل به آنرا ربط آنجا یک از ولی گفتم آنها به مسیح بنابر این و نداشتند واقعی بد اور آن به

ایمان هم من به داشتید، اگر چون نداری، ایمان موسی به حدی شما" نشد ته من در باره تورات کتاب در موسی که این بر رای آوردید، ندمی ایمان نیز من به نداری، قبول را او هلی‌ذو شد ته چون و است (5:46,47 یوحنا) "آورد

کردند، می مطالعه بسیار خیلی را مقدس کتاب آنها ای که رجم علی در حال یک دیدند، ندمی بد و مسیح به راجع که را آن واقعی پیغام ولی است شده تضمین رسد نگاری شان که کند ف کردا شد تند دوست گفتم می آنها به ای دب مسیح

چون (17:11 رسولان اعمال) بد خوانید، دقت با را آسمانی کتاب شما» "هان که صورتی در بدهمی جاوید زندگی شما به که دارید عقیده (5:39 یوحنا) "نمایدمی معرفی شما به مرا و ک ندمی اشاره من به کتاب

آگاهی ارایی‌داف رادی که از بسیار یاری با رابطه در تو اند می امر این صدق نیز هسند عتیق عهد تعالییم و وقایع از برخی از مختصر اند کرده دریافت اتفاقی بطور آنها که است معرفی تی این بنماید درک هنوز را خداوند ملکوت انجیل و مسیح انگیزه‌عجاب پیغام آنها معانی نماید با را شما که است این قسمت این در ماقصد اند کرده آوریم بد بیرون موقعیت این از عتیق عهد اصلی هلی وعده واقعی

- بهشت باغ در

- نوح به

- اب راهیم به

- داود به

تا پیدایش) انجیل اول که تاب 5 در مباحث این بار اب طه در اطلاعات یافت شده، نوشته عتیق عهد پیمبران و موسی و سبط که (تذنیه نمود پیدای نجات وان می را مسیحیت انجیل عناصر تمام شود می آن غیراز چه یزهیچ انجیل به راجع او موعظه که میدادت و ضیح پ ولس ای نکه و باشد نمی اندگفته پیمبران و موسی که را چه یزهی می می تا عظیم مردم به موسی و خدا پیمبران که است هان من پیمغام" که باشد کسی اول بین و بکشدرنج و درد پیمستی که مسیح دادند، غیریهود و یهود زندگی به وسیله، این به تا شود زنده مرگ از پس آخرهم روزهی در حتی و (26:22,23 ر سولان اعمال)" بکشدر و شنای عیسی و خدا ملکوت در باره پ ولس" بدمانده باقی هانطور هاگفته ک تاب پنج از عصر تا صبح از او کرد صحت ای شان بر ای مسیحی اعمال)" آورد می دل یل خود سخنان یی را پیمبران کتب و موسی (28:23 ر سولان

ما به که باشد امیدی هان باید دالشان، عظیم مسیح آن پ ولس، امید و نل انتهای در پر شکوه نور هان که چرا بخشد؛ می انگریزه با باشد هینطور هم واقعی مسیحی هو بر ای باید و بد زندگی پیش". بکاویم را آسمانی متون" ت و انیم می ای ننگ ما انگریزه این

به شدتی های و عده 2-3

مار است شده بیان پیدایش 3 فصل در انسان تا اذران گیزداستان عدم در حوا و سوسه و خداوند کلمات اش ت باه بازگویی بی برای بزرگ از اطاعت عدم برای زن و مرد شدن فرین خداوند از فرمان برداری مار به رازیر کلمات خداوند هنگامیکه ولی شدند مجازات الهی فرمان: شود می تاریکت صویر این وارد آمد از ای اشعه گویدمی

گدارم می خصومت زن، ذریه و ت و ذریه بین نیز وزن، و ت و بین" "زد خواهی راوی باشد نه ت و کوبید خواه رات و سرزن ذریه (3:15 پیدایش)

ایچیزه دقت به به ای دما و باشد می پر م فهم به س یار آیه این معنای به "ذریه". نماییم مشخص هست تندذیل آن در که را مخ تل فی به که مردمی به ت واند می حال عین در ولی می باشد زادگان یا ف رزند "ذریه" که دید خواهیم بعداً به رگ ردد باشد می مرید و ط خاص "ذریه" آن در "تعمید طریق از ما اگر ولی، (3:16 غلاطیان) به ودمس یح اب راهیم، "کلمه. (29-3:27 غلاطیان) هست تیم هم آن ذریه پس هست تیم مسیح" (1:23 پطرس اول) به می گردد هم اسد پر م سئله به ضمن در "ذریه" به و خواهد دارا را پدرش هلی مشخصه واقعی ذریه یک به نابراین

شد باهت دارایی که به ازگ ردد چ یزهلی آن به به ای دمار ذریه اساس براین به باشد مار به خاندانگی

- خداوند کلمات تحریف
- گفتن دروغ
- گناه به دیدگران تشویق

را کارها این که نیست واقعی شخص یک که دید خواهیم فصل در ما دارد وجود ذیل اف راد ما درون بلکه کند می

- (6:6 رومیان) به و دگ ناه اسدیر که "ماق بلی بدن"
- (2:14 قرنتیان اول) "ایمان بی انسان"
- فریبنده شہوات بر اثر که آلودگ ناه و کهنه ط بیعت" (4:22 اف سدس بیان) "شود می فاسدت روفاسد"
- (3:9 کولس بیان) "اعمالش با شما فاسد و کهنه ط بیعت"

ذریه که است مقدس کتاب "شیطان" همان ما درون گناهکار "مرد" این به باشد می مار

راوی باشد نه تو" میداشت خاصی اندحصاری حالت به ای دزن ذریه از راگ ناه همان یامار، ذریه به ای دفر داین (3:15 پیدایش). "زدواهیخ بامار، سر بر زدن" کوید خواهد رات و سرزن ذریه" - بر دمی بین

تو نهيا. است مرگ علامت باشده، مي مغزش حاوي مار سر ايه نكه به تو وجه
است مسيح باشدن ذريه تو واند مي كه فردي

بنا بر اين و) بر د ب ب ين از (ب صلي ب و س يله) را مرگ مسيح عيسي
به ورود راه ما به و" (6:23) روميان بر د ب ب ين از نيز را گناه قدرت
اوست انجيل پيغام به آوردن ايمان هانا كه داد نشان را جاويد دزدگي
(1:10) تيموثائوس دوم)

به ما اند ساني بدن ماند بذي در را مسيح عيسي خود فرزند خدا
سلطه تحت ما بدن مثل او بدن كه تفاوت اين با فرستاد، جهان اين
(8:3) روميان) مار ذريه يعني "ن بود گناه

"سازد پاك را ماگ ناهلن بتواند تا شندان سان مسيح كه دانيد مي اما"
(3:5) يوحنا اول)

خود قوم او چون نهاد خواهي (دهنده نجات يعني) عيسي را اونا م تو و"
(1:21) متي) "برهنگي خواهگ ناهلن شان از را

هان يعني (4:4 غلاطيان) "بود شده ساختن زن يك از" واقع در مسيح
حالات اين در بنا بر اين ب و دوي پ در خداوند حال اين بامريم، پسر
بوجود ديگري مرد هيچ كه اي بگونه و خدات و سبط ايه نكه وي نيز
تاموق باي دزن ذريه اين باشده مي زن ذريه ولي شده آفريده نيامده،
خواهي راوي باشده تو" شدمي مجروح مار ذريه هان يا گناهت و سبط
مقايسه در بر زدن يش را ان سان پاي مار يك اگر (3:15) پيدايش) "زد
از بس ياري. شوم مي محسوب موقت جرح يك سرما بر كوبيدن با
سرت بر" بمثال براي مي باشندن مقدس ري شه داراي اصطلاحها
قاعدتاً (چيزي يا امري كامل كردن متوقف اي معن به) "خواهكوبيد
شده ريزي پايه كوبيده بر سرما كه مسيح رسالت اين بر اساس
است.

مسيح شدن قريناني تو و سبط اساساً مار، ذريه هان يا گناه، محكوميت
بالا آيات در كه باشيد داشته تو وجه. شد حاصل صليب روي بر
صديت گذشت ته يدس تور زمان در بر رگ ناه مسيح پيروي از چگونه
اشاره واقع در مسيح پاي موقت جرح از منظور بنا بر اين است شده
دارد روز 3 مدت به وي مرگ به

ضرب تي با مقايه سه در وي جرح كه كه ندمي ثابت مسيح مجدد احياي سوابق در كه است جالب است ب وده موقت تي زده گ ناه بروي كه كه شده مگفت باشد، ندمي مقدس ك تاب به مرده و ط كه تاريخي پاپاشدنه طريقت از و ميخ ت وسط شوندمي مصلوب كه هلي قريباني مرگش طي در مسيح ب ناب راين بگردد ندمي متصل صلب ب به كه شده داده شرح 53:4.5 اشعيا در "ب وده شده مجروح پاپاش پاشدنه" گشته مجروح صلب ب روي مرگش طي در و خداوند ت وسط مسيح كه دارد 3:15 پيدايش يي پيشگو به اشاره سادگي به اين است را كارش خداوند نهايتاً اگرچه، شد خواهد مجروح مار نزيه ت وسط مسيح در ولي داد، ان جام ب وده شده روبرو آن با مسيح كه شيطاني طريقت از اشعيا). است شده ت و صيف داده ان جام را جرح كه كسي بعنوان اينجا كه شيطاني نبروهلي كردن كنترل طريقت از را كار اين وي (53:10) از هچنين خداوند ب ناب راين و داد ان جام كردند مجروح راپ سرش ك ندمي عمل هم فرزندانش از هوكدام شيطاني ت جارب طريقت

امروزي تضاد

مسيح اگر "ب كه باشد آمده پيش ب رايتان سؤال اين است ممكن ولي هم امروز حتمي اينها چرا پس برده بين از را (مار نزيه) گناه و مرگ صلب ب روي ب ر مسيح كه است اين سؤال اين جواب "دارند؟ دوجو بار اب طه در اساساً و يي پيش ب رده بين از را در خودش گناه قدرت را ماوي چون كه معناست بدان اين است گناه و مسيح ب بين تضاد ت و انديمي هم مانهايتاً پس باشد يم سه يم اش پيروزي در كه كرده دعوت پيروزي در شدن سه يم ب راي كه آنهايي م شوي غالب گناه و مرگ ب ر كماكن ال به كه نند ندمي قبول راپيش نهاد اين يا و ن شدند دعوت ايمان ت وسط گناه و مرگ اينكه با كرد خواهند ت جربه را مرگ و گناه به تعميد طريقت از زن نزيه با پيوندشان ت وسط واقعي، اورنگان از ت و ان ندمي آنهايي ول (27:3-29 غلاطيان) شوندمي ت جربه هم مسيح نجات است گناه ت رجه كه مرگ از نهايت در و شوندمي ك ناهلنشان ب بين از را مرگ" صلب ب روي مسيح اي چنه از ب ناب راين يابند ديگر مردم هنگامي فقط حال اين با ولي (1:10 تيموتاؤوس دوم) "ب رده با خداوند كار كه شوندمي ديده زمين در مرگ ديگر و ميرند ندمي مرحله اولين در) مسيح سلطنت زي را". شوندمي مام هزاره آخر در زمين سازد ناب و در خود دشمنان هه كه ب وده خواهد زماني تا (خدا حكومت اول)". شوندمي ناب و د مغلوب بايدهم آن كه است، مرگ او دشمن آخرين (15:25،26) قرن تيان

در که هلی یی وعده پس شویم می "تعمید مسیح درون" به ما اگر آمده، 3:15 پیدایش در که هلی یی وعده ماندند شده، داده مسیح با رابطة ک تاب جالب پخشهای ف قطب دیگر آنها. شوندمی نیز ما به مرد و ط داده ما به مستقیماً که هستند هلی یی وعده بلکه شدند خواهند ت لقی مقدس بر ای رابرخودمان گناه پبروزی زن ذریه به عنوان نیز ما است شده پیدایش از مسیح ماندند نیز ما و نمود خواهیم ت جریه دستم کوتاه ما زندگی زمان در خداوند آنکه مگر مرد، خواهیم و شد خواهیم مجروح خواهد موقت جرح، این پس هست تیم زن ذریه واقعاً اگر ما ولی بیازگردد به تعمید درست، بشکل آب بر شدن غرقه طریق از آنها یک به و در خاص تن نماد طریق از وی، ادیای و مرگ به را خود شوندمی مسیح (کذیر جوع 3:6-5 رومیان به) سازند می مرتبط آب از

3:15 پیدایش کلمات زندگی یمن پس هست تیم زن واقعی ذریه ما اگر غلط و صدیح بین تضاد دائمی احساس یک و - کرد خواهد منعکس را تضاد یک بزگ، حواری پولس، داشت خواهد وجود ما درون درونش که را واقعیش خویش شد تن و گناه بین و اراسک یزوف رنی (14:7-25 رومیان). می کرد ت و صدیف داشت طغیان

وجود در طبیعی بطور که گناه با تضاد این بر تعمید غسل بعداز ما زندگی روزی تمام در افزایش این و شوندمی افزوده باشد می ما است زیاد گناه رتقد که چرا است مشکل خیلی طرفی از بیاید ادامه مسیحی با همراه که بیتم می ما که چرا نیست مشکل هم طرفی از ولی توجه است شده پبروز تضاد این در و جنگیده قبلاً که هست تیم اند، شده ت و صدیف زن بصورت مؤمنان چگونه که باشد پیداشته اف سسسیان). هست تیم زن هان ب و دن، زن ذریه با ما ای نکه مثل درست (23:5-32)

خواهند می که است آنها یی و مسیح دهنده نشان زن ذریه که نظورها شد یطمان) گناه از حکایت مار ذریه باشند داشته را وی هلی مشخصه به را مار و گناه هلی مشخصه آزادانه که دارد آنها یی و (مقدس ک تاب و گرفتند شده را خداوند کلام افراد اینگونه بگزارند می نمایش از دوری و گناه ننگ آنها بر ای نهایتاً که نمایند، می تخریف را آن یا حوا و آدم بر ای که است اتفاقی هان این دارد، همراه به را خداوند را مسیح که ب و دزدی یهودیان این واقع در ای نکه به ت وجه با اف تاد که می رود انظار - ساختند مجروح پانادیه از رازن ذریه - ک شدند تعمید دهنده حیاتی و سطا مریان باشند مار ذریه اولیه مثالهای آنها است شده تأیید مسیح و

قوم رهبران و مظاهر روحان یون از زیادی عده که دیدید حیاتی اما "زادگان، افعی ای بگفت ای شان به گبرند، تعمد تا آید نمی او نزد "بگریزید؟ خدا آید نده غضب از تو اندید می که گفتم شما به کسی چه (3:7 متی)

که شما مارها، ای... فرمود کرد، می درک را ای شان فرکر که عیسی "درست و نیکو سخنان تو اندید می چگونه است، بدای نقر باطنان (12:25، 34 متی) "بیاورید؟ بزبان

می باشد مارگ و نه هلی مشخصه این دارای هم مذهبی دنیای حیاتی دنیای، پیوند در زن مزی با اند شده تعمد مسیح به آنها یک فقط نحوه باشد نمی مار ذریه مخلف هلی درجه در بقیه و هس تند باشد مال گوی بداید و دند مار ذریه که مردمی با مسیح برخورد

- اما می کرد، موعظه آنان برای واقعی اهدیت و عشق روح باوی
- تحت راوی آنها عمل و فرکر نحوه که گداشت نمی حال این با و بگذارد، تأثیر
- نشان را خداوند مهربان شخصیت زندگی بیش نحوه طریق از میداد

برای او تلاش بد و دندم تن فر مسیح از آنها بین خاطر حال این با حیاتی اندگ یخت برمی را آنها حس خداوند از فرمان برداری (6:66 یوحنا) وی نزدیک دوستان و (3:21 مرقس و 7:5 یوحنا) خانواده دوری وی از حیاتی برخی و کردند ای جاد اصلهف مسیح و خود بین و سختی هنگام زمانی که سازیکه برای هنگامیکه هم پولس بگریزند کرد تجربه را امر بین کرد می زاری بد و دند وی کنار در خوشحالی

16- غلاطیان) "دانید؟ می خود دشمن مرا چرا گویدم، می را حقایق اگر" (4:14)

با کردن زندگی و آن دانستن - باشد نمی هگانی هیچگاه واقعبیت هم گاهی و کندی ای جاد ما برای مشکل نوعی هیشه بداید که آنطور آن: شود می شخص اذیت و آزار به منجر

آزار که نیز، پسراسماعیل، دست از وعده، پسراسحاق، که همچنان و "انانی دست از ای می، یافته تولد و از القدس روح از که نیز میدید، می

"بیداریم می آزارک نند، ت حمیل بر ما را یهود شریعت خواهند می که
(1:23) پطرس اول - خداوند کلام واقعی شناخت با (4:29 غلاطیان)

از ایگو و شه باید هدستیم یگانه مسیح با واقعی بطور ما اگر
بزرگش اجر در بتوانیم تا که نیمی تجربیه که شده وی که راجر هلی می
آورده رابطه این در هتابی مثال یک پولس بازمه بیداریم سهیم هم
است:

بیداریم زحمت اینها از بیش خدا بر گزیدگان راه در حاضر من اما
اگر بیداریم مسیح عیسی از را جلودانی جلال و نجات نیز ایشان تا
زندگی آسمان در شوم، که شده او راه در و بیداریم زحمت مسیح با خاطر
می تسلی و تقویت رام واقعی این گرفت سرخواه از او با را
بسیار او به کردن خدمت دنیا، این در که که نیمی می فریاد اگر بیداریم
در که رسید خواه فرار روزی که آوریم بیداریم است خوب است، دشوار
دوم) "بمورد خواهیم سلطنت او با و نشدست خواهیم او که نار
(2:10-12 تیموتاموس)

را شما دن یا مردم... کرد خواهند اذیت نیز را شما کردند، اذیت مرا اگر
(15:20,21) و دنا) "مذید آن از شما که این نرواز کرد، خواهند اذیت

رسولان اعمال) ایم شده ت عمید مسیح با نام ما که چرا: یعنی -
(8:16 و 2:38)

انسان که است اندگیز و سوسه هلی می آیه چندین با شدن روبرو هذنگام
یا مسیح، با دادش تن ارتباط اگر "بکه میگوید بیش را منطق این
نداشد ته ارتباطی که میدهم تجیح است مقوله این در زن، ذریه هان
که دهیم انجام کاری که رود نمی انتظار ما از هیچگاه البته ولی "باشم
برای حال عین در بیداریم ندادش ته را آن ت حمل قدرت منطقی نظر از
و بیداریم گزشتگی از خود به احد تیاج مسیح با کامل ات حاد
ک نونی آزار هلی" که داراست را شکوه ندی اجر چنان وی بان پیوست
و "بید خواهد ناچیز شد خواهد متجلی بر ما که شکوهی با مقایسه در
از کردن دعا با که که نیمی کمک ما به وی گزشتگی خود از ای تک حتی
و بیداریم قدرت احساس خداوند که نار در و بگذریم زندگی مصائب
مقدس که تب از بیداریم در که را کوهی ش با اطمینان ت و انیم می
بنماییم اضافه آن به شده تا که بیداریم Carelinks

توانایی حد از بیش که گذارد نخواهد خدا که باشد پیداشد ته اطمینان
در بتوانید تا بخشد خواهد قدرت شما به و شوید، و سوسه خود
(10:13 قرنتیان اول) "بیاورید تا بتاب آن در برابر

با اندی این در باشد آسوده خیالتان تمامگفت را چه یزها این
شجاع حال این باشد؛ خواهد بود روفراوان زحمات و مشکلات
(16:33 یوحنا) "ام شده پیروز دنیا در من چون باشد،

با خدا اگر بگویم؟ چه عالی، چه یزهایی این تمام مقابل در پس
(8:31 رومیان) "باشد؟ ما ضربه تاندمی که سی چه ما ست،

روح به خدا هلی و عده 3-3

طور به انسان حوا و آدم از پس بشریت تاریخ پیشرفت با
قدرتی تمدن و رسیدن ایمرحله به چه یزها بگشت شرور روزافزونی
آن تمام گرفت تصمیم خداوند که بدو شده آشفته اخلاقی نظر از
دستور نوح به ببرد بین از اش، خانواده و نوح از غیر به را نظام
بگذارد آن روی حیوان هو از ای نماینده و بسازد ای که شدتی که شد داده
به ماند نزنده آنها میروید بین از سیل و واسطه دنیا هنگامیکه تا
کتب هلی گفته بر علاوه که دارد وجود زیادی علمی دلایل البته
داشته توجه است افتاده اتفاقاً سیل این که میدهد نشان مقدس
فقط و زرفت بین از کلی به (واقعی کره اینا) زمین که باشد پید
زمین روی جانداران هه": رفت بین از زمین در برقرار شرور نظام
هلاک آدمیان با پرندگان و خزندگان وحشی، و الهی حیوانات یعنی
12- پطرس دوم) پطرس و (24:37 متی) مسیح (7:22 پیدایش) ". شدند
هنگام که آنچه با مشابیه را نوح دنیا یی بر شده نازل داوریهود (3:6)
زمان در انسان شرارت بنابر این دید داد خواهد رخ مسیح دوم ظهور
بازگشت با است قرار که باشد می ما کنونی دنیا یی با مطابق نوح
شود مجازات مسیح.

در که ویرانگری خود بر نامه و انسان آورشرمگناهکاری بخاطر
است شده پدیداریدیان مس بین در حقیقتی باور این شده، شروع دنیا
دهنده نشان واضح بطور عقیده این رفت خواهد بین از زمین این که
فکر در دائماً خداوند که است مقدس کتاب پیام این به احترام عدم

ملکوت که گ ردمي ب از مسيح ب زودي و است کره این ات فاقات شود هداد اجازه ان سان به اگ ر ب نمايد ب رپ ازمين اين روي را خداوندي کرد عملي ت وان زمي را ه و عده اين پ س ب برد ب ين از را کره اين که زمين ب ر خداوندي ملکوت که است امر اين م ب ين ت وجهي قابل شواهد ذيل هلي آيه فعلاً است شده ذکر 5 و 4-7 مطالعات در که شد خواهد ب رپ ا دارند ب ر در را شمسي منظومه و زمين ت خري ب عدم ب ر کافي سندنيت

جاودانه دن يا، پ اب رجاي و محکم کوههاي مان ندر را خود مقدس خانه آن جار د" (78:69 مزامير) "بمود ب رپ ا

هچان دن يا ولي روند، مي و آي ندمي دي گري از پ س ي کي هذريه " (1:4 جامعه) "است ب اقي

اب د ت اراهه او ... آسمانها ... درخشان س تارگ ان ... ماه و آف تاب هوگ ز است نموده ت ايت او آنچه و است دهندمو ت ايت ب رجاي شان (6-148:3 مزامير) "کردن خواهد ت غير

زي را داشت، ن خواهد وجود خدا مقدس کوه در گ زندي و ب دي هيچ" پ ر خداوند شناخت از جهان هچنان است، پ ر آب از دري ا که هانگونه که چرا است، مشکل ب اور اين (14:21 اعداد و 11:9 اشعيا) "شد خواهد ان جام وعده پ س نمايد و ويراني خود زمين که ب ده اجازه خداوند اگ ر است ن گرف ته

جهان او است نموده اس توار را آنها و آف ري ده را زمين و آسمانها خداوند" ساخت ته را آن زندگي و سکونت ب راي ب لکه نياف ري ده، ب يهوده را که آف ري در زمين ف قط خدا اگ ر ن تيجه در (45:18 اشعيا) "است است ب وده ع بث وي کارهلي پ س ب نگر در آن شدن ويران

شايد ب و داده وعده نوح ب په پ يدايش ک تاب در را اي نهاهه خداوند ولي سيل ب را ت ر که جدي دي دن ياي در را مجدش زندگي هنگام يکه نوح هم دي گري ک لي ناب ودي يک که ت ر س يدمي کرد آغاز ب وده شده درست ذهنش از ف کر اين گ ر ف ته مي باران که بار ه شاي د ب اشد پ يش در ات فاق اين که داد وعده سري يک خداوند ب عد و است گ نش ته مي داد نخواهد رخ دوباره

حيوانات، ت مام باحتي و شما آي نده هلي ذريه ب او شما ب امن" زنده موجودات هوگ ز اين ب عداز که ب ندم مي عهد خزندگان و پ زندگان جاي ب سيار ک نيد ت وجه "من" ک لمه هب) ن کنم هلاک طوفان ب و سيله را

نيز رازمين و (ادهمي قول پذيرف نانا سان به خدا كه است تعجب
"من جاوداني عهدن شان است اين بنمايم خراب طوفان اثر بر ردي گر
(9:12-9:12 پيدايش)

: شدند تا ايديكمان رن گين به واسطه ه وعده اين

شود، ديده كمان رن گين و بگسد ترانم زمين بالا ي را ابره و ق تي"
و آورد خواهيم ياد به ام داده جانداران تمام و شما به كه را قول ي آن گاه
شدن خواهند هلاك طوفان به وسيله زنده موجودات تمام هرگز ردي گر
روي زنده موجودات تمام به است من عهدن شان كمان رن گين آري،
(13:9-17:9 پيدايش) "زمين

ابدي زمين جانوران و مردم نده، خدا و بين ه وعده اين آنجا ييكه از
كه به باشد داشته ديواناتي و انساها ب ايدي زمين كه را امر اين هستند
خود خودي به موضوع اين دارد دن بال به كنند زندگي آن روي ابدت
نه و شد خواهيم بر زمين بر خداوند ملكوت براي نكه است اذباتي
به هشت در

و است ملكوت انجيل اساس شده داده نوح به كه هلي و عده به ناب راين
وي چگونه و شده متركز بر زمين چگونه خداوند توجه كه ميبه نشان
را رحم هم غضب در حتي خداوند دارد آن به نسا بت ابدي نيك
حتي كه است هچنين وي عشق و (2:3 عبران يان) كنند نمي فراموش
به و عرج 9:9 قرن تيان اول). باشد مي قائل اهيت هم ديوانات براي
(11:4 يونس)

اب راهيم به خدا هلي وعده 3-4

نظر از شدمي ابلاغ مردم به فرس نادگان و مسيح ت وسط كه انجيلي
نداشتت فلو تي به و دكرده درك اب راهيم كه چيزي آن بازي ريد ناي
موعظه اب راهيم به انجيل از قبل "مقدس كتب طريقت از خداوند
پطرس كه به و ندم مهم دريقت به ه وعده اين (8:3 غلاط يان) "ميكرد
مي تمام و شروع آنها به است نناد با را انجيل عمومي هلي ابلاغيه
اب راهيم به كه را آنچه به توانيم ما اگر (25:13:3 رسولان اعمال) كرد
انجيل از اي اوليه تصويرت وانيم مي بعدا نمايم درك شدت دريس
ب يان گر كه دارد وجودي گري هلي نشان ه. نمايم مجسم را مسيحيت

آغاز مسیح زمان از فقط که نبوده چیزی از جیل که است اصل این باشد شده

شما به را پیغام این تا ایم آمده ای نجابه هین برای برنابا و من" همان این است کرده زنده را عیسی خدا که بگویدیم و برسانیم نیز کرده و فآن به ما زمان در حالا و داد ما اجداد به خدا که است ای وعده (13:32،33 ر سولان اعمال) "است"

مثال برای خود اند بیاء تو وسط دور زمانهای از را اش وعده که اند جیلی (1:1،2 روم بیان) "ب و داده آسمانی کتاب در (7:20) پیدایش در اب راهیم

که کسانی به یعنی مردگان به حتی اند جیل پیغام جهت، هین به " یعنی (4:6 پطرس اول) ". شد علام اند مرده نوح طوفان هنگام به اند جیل پیام اند، مرده و اند کرده زندگی اول قرن از قبل که مؤمنان را بدند کرده دریافت را

سرزمین وعده اسرائیل قوم به موسی، زمان در خدا که هان گونه زیر را" می که است داده را خوش خبر این ما به نیز حاضر زمان در داد، را موعود در اسرائیل بینی یعنی - (2:4 ع بران بیان) "ب خشد نجات ار ما خواهد سینا صحرائی

باشند می اساسی اصل 2 دارای شده داده اب راهیم به که هلیی وعده

1) (مخصوص زادگان) اب راهیم ذریه مورد در مسائل لی

2) ب و شده داده وعده اب راهیم به که سرزمینی مورد در مسائل لی

ما سبب است به توجه با و شده صحت پدجده عهد در ه وعده این مورد در دهت و ضیح را خودش که مقدس کتاب به دادن اجازه از عبارت است که تصویر بتوانیم تا نماییم می ترکیب هم بار ا عهد دو هر درس ب یوریم بدست شده داده اب راهیم به که هلیی وعده از کاملی

امروزی اقرا در روت مند شهری ب و د، اور به متعلق اب راهیم اصلیت مردم که ب وده تمدنی ب الای سطح دهنده نشان مدرن شناسی باستان شهر این در بدند یافتند دست آن به اب راهیم زمان در شهر این دانشته وجود مر و طه سازمانهای و اجتماعی خدمات بانکی، سیدست باشد داشته دیدگری زندگی از تصوری این که بدون اب راهیم است ب وده دنیوی امور الهی دانیم ما که جای بی تا ویدست می شهر این در

کندمی حکم که میرسد وی به خداوند اله عاده خارق ندای بدعده وی است. آغاز موعود سرزمین به راه را سد فری و کند ره را م تجدید زندگی این او این نهایتاً بدو شده مشخص دقیقاً "چیز چه" و "کجا" که این نماید جای سرزمین این و شدت بدیل مایلی 1500 مسافرت یک سد فریه امروزی اسرانیل هان یا کنعان جز نبود.

وعده و شده ظاهر او مقابل در خداوند موقعی در اب راهیم حیات زمان در زیر بنای هوعده این است داده افزایش حتی و کرده تکرار را هلیش راهیم اب رای که ندای هان بنابر این و هس تند مسیحتیت اندچیل گوید می که است صادق هم واقعی مسیحتیان عنوان به ما بر رای آمده و بروید پیش باورتان با و کند ره را زندگی فانی مسائل که به ما نهد ارزش کلامش بر اساس زید ستن با را خداوند هلی وعده به سرفش طی در چگونگی اب راهیم که کنیم تصورت و انیم می رادتی خدا به که ای مانی خاطر به نیز اب راهیم". است اندید شده هوعده که (کنعان) سرزمین سوی به اوراز" و کرد اطاعت را او دعوت داشت، می کجا به بداند آن که بدون او اف تاد راه به بدو، داده را اش وعده خدا (11:8 ع بران یان) "گفت ترک را خود دیار و شهر رود،

کنیم، می مرور را خداوند ایه وعده به اول بین بر رای ما حال یک در ملکوت که کنیم مجسم دقیق بطورت و انیم نمی که کنیم می احساس خداوند به ما باور وی بدو خواهد چگونگی شده داده وعده که خداوندی نماید بیم فرماند بری اشتیاق با که باشد بدانگونه بداید

نای کردن امتحان از به تری کار که نبود سرگردان کولی یک اب راهیم بنیادی نظر از که بدو فرزندگی به متعلق او باشد نداشت هوعده دهنده عذاب و مشکل هلی تصمیم است داشت ته مازمان بازیدادی تشابه که هس تندگی بریهایی تصمیم با مشابه بدو روید و آن باوی که ای شویم روید و آن با خداوند هلی وعده به عمل و بول هذگام هم ما شاید... (شده مؤمن چه او) هلسایه مکارانه نگاهایی و هکاران بعجی نگاه اندگیزه حتماً است شده مواجه آنها با هم اب راهیم که هس تند چیز هلی قوی خیلی کشیده، می باید که هلی سختی تمامت حمل بر رای اب راهیم به سرفش طولانی سالهایی تمام در که چیزی تنها که چرا است بدو را کلمات این حتماً او است بدو خدا هلی وعده بدو خشد، می اندگیزه وی می کردا شدته برایش که معنایی در باره سرفهذگام و کرده حفظ است کرده.

مانندت و انیم می هم ما آن به کردن عمل و مشابه ای مانی داشت تن با اشعیا) شویم شناخته خداوند دوست بنام و شویم مفرخ اب راهیم

امید به و (18:17 پیدایش) که نیم که سب را خداوند معرفت، (8:41) می تا که یزدید گریه بار یک بیایم دست ملکوت به اب دی زندگی پایه اب راهیم به خداوند هلی وعده به را ساس مسیح انجیل که که نیم پیم به واقعی ایمان به توانیم ای نکه به رای هم ما است شده گزاری داده اب راهیم به که راهی وعده به ای د به یاوریم، به دست را مسیحتیت به نادر این به و دن خواه واقعی ایمان ما ایمان آنها به دون به شناسیم شده و خداوند به بین شده انجام صد به تهایی مکرراً مشد تاق چشمانی به اب ای د ما به خوانیم را اب راهیم

سرزمین

که سرزمینی به ...کن ره را خود خوی شویدی و پدري خانه ولایت،" (1:12:1 پیدایش) "به رونمود همخواه ایت به دانجارت و من

به بیت طرف به و شمال سوی به خود سفر به هراهنش و اب رام" (2: به دقت به با ف رمود اب رام به خداوند ...دادند ادامه (اسرائیل مرکز) ای ل توبه اب دتا بی نی، می که را سرزمین این تمام کن؟ نگاه خود اطراف شمار بی نزمی غبار مان ندرات و نسل به خشم می ت و نسل و می توبه را آن که سرزمین این سراسر در و برخیز ...می گردانم (14، 3:13-17 پیدایش) "به گردد به خشم

از را سرزمین این من به ف رمود و به ست عهد اب رام به خداوند آرزو" (3: 15:18 پیدایش) "به خشم می ت و نسل به ف رات رود تا مصر مرز

به اب دتا هس تی، غریب نادر اک نون که را که نعان سرزمین ت مامی" (4: پیدایش) "به و دخواهم ای شان خدای و به خشدید خواه ت و نسل و ت و (8:17)

"به بخشد ای شان به را جهان که داد وعده او نسل به و اب راهیم به خدا" (5: 4:13 رومیان)

کرد مشاهده را اب راهیم به وحی نزول مراحل ت وان می ای نجادر:

1- به روی آنجا به دارم دوست که هست سرزمینی

2- هیشه به رای فرزندانت و ت و برسدیدی منطقه آن به ای نکت و اب دی حیات وعده که به باشدید داشته ت وجه کرد خواهید زندگی ای نجا

شك ب دون اند سان زوي سنده يك است شده ثبت شكوه و تاك يد ب دون است خورده مي را جمله اين فريد ب

3- مي ذكر تري بيش مشخصات با شده داده وعده سرزمين منطقه گردد

4- حيات اين در را هلو عده كه داشت مي اند تظار ن بايد اب راهيم ب ود قرار اگ رچه ماندمي غريب سرزمين در بايد دوي نماي د دريافت ب عدوميردمي او كه مفهوم اين به ك نذ زندگي آنجا عمر اند تهاي تا نماي د دريافت را هلو عده ب تواند تا شود مي ادياء

5- كه را هلي ي وعده وضوح به ب ود، شده ملهم رحال يكهد پ ولس، مشاهده زمين تمام از وي ارث صورت به ب ود داده اب راهيم به خداوند نمود

وعده اجراي اب راهيم كه نماي ندي باوري ما به اي نكه ب راي مقدس ك تب مي منحرف خود اصلي مسير از نكرد دريافت حياتش زمان در را هلو شونذ

هاخيمه در رهگذر يك ماندر سيد، موعود زمين سر به وقتي حتي " يافت خدا از را وعده هرين كه نيز يعقوب و اسحاق كرد مي زندگي مي سپري را خود زندگي هاخيمه در او مانند ب و دند، (11:9 ع بران يان) كردند

هان با شايد كرد، زندگي سرزمين در غريب به يك صورت به وي كند مي حس سپاسي پ ناهنده يك كه غريب بي و ناامني نهاني احساس وي " كرد مي زندگي سختي به خودش سرزمين در و خودش نريه با او آنان ب راي هلو عده كه ك ساني هان) يعقوب و اسحاق زانگ انش هراه هه ب و دند نكرده دريافت را هلو عده در حال يكه و ايمان در (شدت كرار اذعان آنها شدند شاد ريفاتشان دميد به ديه، دور از را آنها اما مردند، بلكه نيست، ايشان واقعي خانه زودگ در دنياي اين كه داشتند مي ايات در (11:13 ع بران يان) " هس تند غريب و رهگذر دنيا، اين در ب باشد داشته توجه زير مرحله 4 به فوق

- ميدهيم انجام مطالعات اين در ما كه كاري هان - هلو عده شناخت

- ترغيب بايد ست مي هم اب راهيم اگ ر - آنها ب ر دنش ترغيب ك شيد؟ خواه طول چقدر ما ترغيب پس شود

(27:3-29 غلاطيان) مسیح به ت عميد طريق از - آنها پ ذير رف تن -

خانه دن يا اين كه زندگ يمان نحوه طريق از دن يا به اع تراف -
زندگي آمد خواه زمين به كه آي نده عصر اميد به ما و نديست ما واقعي
ك. نيم مي.

مال گوي و قهرمان به ت بديل اب راهيم ك نيم تحسد بين را اي نها ما اگ ر
مي صورت آي نده در هلو عده انجام اي نكه نهاي تي تشخيص . شومي
ب باي د او . داد رخ ه سرش مرگ ه نك گام خسته و پير مرد اين ب راي گ يرد
دفن آن در راه سرش تا خريدمي را شده داده وعده سرزمين از قسمتي
(7:16 ر سولان اعمال). ي دنما

قول او به اما بن داد او به را زمين اين از وجب يك ح تتي روز آن در " خدا
اعمال) ". شد خواه او نسل و او از آن سرزمين اين تمام سرانجام كه داد
ب راي كه را زميني در حال يكه هم اب راهيم ك نوني ذيره (7:5 ر سولان
ممکن ك نند مي اجاره يا خرندمي ب ود شده داده وعده آنها به اب دي زندگي
نمايد نذنا سازگاري حس است.

تمام و اب راهيم كه ميايد روزي . ك ندمي عمل هليش وعده به خداوند ولي
ايات گ . يرندمي را خود پ ادانش شده داده وعده آنها به كه ك ساني
كه ميرسد اينجا به 11:13.39.40 ع بران يان

دريافت را خدا هلي وعده مامت آن كه ب دون مردند هه اي مان، مردان اين "
ب ركات آن به ما هراه تا اب ماند ندمن تظر اي شان كه خواستمي خدا ك نند،
ع بران يان) ". است گ رف ته در نظر ما ب راي او كه ب رسند ب ه تري
(11:13)

شد، خواه داده پ ادانش هزمان ب طور واقعي مؤمنان تمام به ب نا پ راي ن
م تي و 4:1.8 تا اوس تيمو دوم). آخر روز در وقت ضاوت مركب دري عني
حيات ب باي دشندن قضاوت ب راي چون و (5:4 پ طرس اول و 34-25:31
ب باي دميدانستند را هلو عده آن كه ك ساني تمام و اب راهيم پ سداشت
راهلي شان وعده هنوز آنها اگ ر . شونذ اد ايع قضاوت روز از ق بل
زمان وقت ضاوت و اد ايع ب عداز ف قطوباشدند نكرده دريافت
قبول جزاي نكه نديست اي چاره ك نند، دريافت را آنها مسيح ب ازگشت
ظهور اند تظار در و اندخ فته حاضر در حال اب راهيم امثال كه ك نيم
ك ليه ساها در نكگي اي شيشه هلي موزائيك حال اين ب با باشد، مي مسيح
مي آسمان در اب راهيم كه ميبده ن شان كه نمادي ب عنوان اروپا سرا سر در
ب از زندگي عمر يك ازاي به شده داده وعده شپ ادا تجربه در حال و باشد

از سال صدها طی در و ن فر هزاران است شده شناخته باشد، می ایمان
قبول را نظریات این مذهبی نظر از و اندک نشسته عکسها این جالوی
شده ریزی پایه شجاعت شما آیه است مطرح سؤال این حال اند کرده
هست تید؟ دارا خودتان راه از شدن خارج برای را مقدس کتب بر اساس

ذریه

مسیح مورد در اولاً ذریه وعده شده ت و ضیح 3-2 به خش در که هاند طور
ذریه به عنوان نتیجه در و اندی یوس ته مسیح با آنان که مورد در ثانیاً و
کند می صدق شوند می محسوب اب راهیم

هه...دهم می برکت رات و بگردانم می بزگی امت پر رات و من"1)
(3:2،12 پیدایش) "یافت خواهند برکت و از دن یا مردم

می ت و نسل و ت و به اب دتا بینی می که را سرزمین این ت مام"2)
پیدایش) "می گردانم به ی شمار زمین غبار مان در رات و نسل به خشم
(16:15،13)

را آنها ت وانی می آیا ب بین و بزگر را آسمان سد تارگان"3)
این من...ب و دخواه شمار بی چنین نیز ت و نسل...ب شمار بی؟
"ب خشم می ت و نسل به فرات رود تا مصر مرز از را سرزمین
(18:5،15 پیدایش)

به اب دتا هس تی، غریب آن در اک نون که را کنعان سرزمین ت مامی"4)
پیدایش) "ب و دخواه ای شان خدای و ب خشد خواه ت و نسل و ت و
(8:17)

شدهای و آسمان سد تارگان مان نندت و لذس که دهم برکت چنان رات و"5)
برکت موجب شده، پیروز خود دشمنان بر آنها بگردند به شمار دریا
پیدایش) "ای کرده اطاعت مرا ت و زیر را گشت، خواهند جهان ق و مهایی هه
(18:17،22)

یافت به سطای روزده جلوب طور "ذریه" از اب راهیم درک، به از هم

بی تعداد دارای وی ایگ ونه به که شدگفته وی به ف قطا اول 1-
آموزیده زمین ت مام وی ذریه طریق از ای نکه و شد خواهد فرزند شماری
شد خواهد .

2- شامل که به ود خواهد ای ذریه دارایی که شدگفته و به به بعد
که سرزمینی در ووی که نار در اف راد این به ود خواهد به سیاری مردمان
(کنعان نها) داشت خواهند اب دی حیات شده آن وارد

3- خواهد آسمان سد تارگ ان اندازه به ووی ذریه که شدگفته ووی به به
معنوی فرزندان دارایی ووی که به ود این معنای به ووی به رای این شد
راستین فرزندان درک نار هم آن به ود خواهد زیادی (آسمان سد تارگ ان)
("زمین به رغ بار" ماند)

4- که اف راد از یی به سیار ای نکه از اطمینان دادن باق بل هلی وعده
داشت ته شخصی را به طه خداوند به ات واند نمی شوند می ذریه از قسمتی
به وند شده به مشخص باشدند

5- شد خواهد به بیروز دشمناناش مقابل در ذریه

مردم که به یاور در انعماتی به ای ذریه که باشد پیدا شد ته ته وجه
آمزش ای ده مقدس که تاب در نمایند است فاده آن از به توانند سرزمین
به زرگترین این به الاخره به باشدگ ناھن به خشش به ارا به طه در غلبا
از چه یزھلی می ما سد پس بکرد خواهد آرزو خدا پرست یک که است نعمتی
خطاھیش و شده آموزیده گ ناھنش که کسی حال به خوشا" ق به یل
قرن تیان اول) "به رکت به یاله" (32:1 مزامیر) "است شده به خشیده
از است مسیح خون نمایان بگر که را شرابی جام که خواندیم (10:16)
نمایدمی تو و صدیف باشد می پذیر امکان به خشایش آن طریق

عرضه دنیای به را گ ناھن به خشایش که اب راهیم نواده ته نهال به ته و
وعده به ارا به طه در جدید عهدت و ضیحات و باشد می مسیح است کرده
به باشد می اصل به رای ن مس تحکمی سند اب راهیم به خداوند هلی

داد هلی می وعده او فرزند به و اب راهیم به نیز خداترتیب، همین به
خواه او فرزندان به را هلو عده این نه فرمود خدا که باشد پیدا شد ته ته وجه
او فرزند به را هلو عده که فرمود به لکه باشد؛ یهودیان منظور که داد،
(3:16 غلاطیان) "است مسیح عیسی منظور که کرد، خواهد اعطا

روی مردم تمام که است داده وعده اجدادت ان ماندن نیز شما به خدا و...
که است ای وعده همان این بدهد به رکت اب راهیم نسل به و سیدله را زمین
شما، زده از اول را خود خدمت گزار خدا جهت این از داد اب راهیم به خدا
به از گ راند آودت انگ ناه راهایی از را شما تا فرستاد اسرائیل، به نی
(26، 3:25 رسولان اعمال) "دهد به رکت شما به و سیدله این به و

و ت و ض یح را 22:18 پ یدایش چ گونه پ طرس که باشد پیداشده ت وجه
ک ند می ت فسیر

مسیح = ذریه

گ ناهن ب خشایش = (آمزش) نعمت

کرد خواه غل به دشمناناش ت مام ب ر ذریه، هان یا مسیح، ای نکه وعده
معنا ب یشتر شود مطالعه وی گ ناه ر پ یروزی ب ا ر ا طه در اگ ر
در و خدا ب ندگان دشمن ب زرگ ترین گ ناه که چرا کرد خواه پ یدا
می باشد مسیح ت یجه

ذریه به شدن ملحق

مسیحیت انجیل اساسی عناصر که باشد شده روشن ب اید ای نك
به حیاتی هلی وعده این ولی است ب وده شده درک اب راهیم ت وسط
حیاتی چی؟ ب قیه پس ب وده، شده ادهد مسیح اش ذریه و اب راهیم
خاص ذریه آن از قسمتی خودکار ب طور هم اب راهیم ف یزی کی ف رزندان
صورت به ای گ ونه به ب اید ما (9:7 روم بیان و 8:39 ی ودنا). شدن خواهند
شده داده ذریه به که هلی وعده در ت ادر آیم مسیح از محرم ب خش
میسر مسیح در ت عمید طریق از که (6:3-5 روم بیان). شویم سهیم
گ یردمی انجام وی نام در ت عمید که خوانیم می اکثرأ ما می باشد
به رانکه ته این 29-3:27 غلاط بیان (5:19 و 10:48 و 8:16 و 2:38 روم بیان)
میکنند ت و صیف نوحوبه ترین

را مسیح و ایم شده مسیح وجود از جزئی ایم، گ رف ته ت عمید که هه و"
غیریهودی، یا باشد یم یهودی که ک ند می ف رقی دی گ ر ای چ و شیده
در مسیحیان ماهه زی رازن، یا باشد یم مرد آزاد، یا باشد یم غلام
ایم، شده مسیح آن از که اک نون و هس تیم، ی کی مسیح عیسی
که راهلی ی وعده ت مام ت یجه در و باشد یم می اب راهیم واقعی ف رزندان
(29-3:27 ط بیان غلا) "گ یردمی ت علق ن یز ما به داد، اب راهیم به خدا

"نعمت" دریافت طریق از زمین در اب دی حیاتی وعده -
ما که است ذریه، هان یا، ت عمید طریق از مسیح طریق از ب خشایش
که است ب دی نگونه و شویم می سهیم شده داده وی به که هلی وعده در
خواندمی "مسیح ب امش ترك وارثان" را ما 8:17 روم بیان آیه

از زمین ذقاصت مام در و مردم ت مام به آمزش كه به اشد ید اشد ته ید اده به از وسع گ روهی به ت بدیل ید ید ذریه و گ یردمی ت علق ذریه طریق دن بال به را این و آسمان سد تارگان و سواحل ماسه ماند شد، می مردم از قس می ید تواند نند تا ك نند دریافت را آمزش ید ید اول آنها كه دارد می نسل ید ك خداوند نظر از واحد ذریه ید ك نای نای . شونذ ذریه به اشد (22:30 مردم، مزام یر ت مام معنای به) ید اشد

ذماید یم مرور داد اده راهیم به خداوند كه را ای وعده نوع دو ت واند یم می ما

(1) سرزمین

سرزمین ید ردارد در را آنها مسیح آناذ كه و مسیح اش، ذریه و اده راهیم تا و گ رفت خواهند را زمین ت مام به عد و ید رد خواهند ارب به را ك نعان دریافت زندگی ای این در را وعده این آنها ك کرد خواهند زندگی آنجا اده آن به گ ردمی ید از مسیح هذ گام ید كه و آخر روز در ولای ك کرد ن خواهند ر سید خواهند

(2) ذریه

ید بین از به شر (دشمنان) گ ناهلن وی طریق از و ید وده مسیح اساساً ذریه ید گ یرند قرار جهان یدان ت مام دسد ترس در خشای شب نعمت تا م یروند . شویم می ذریه از قس می ما مسیح نام به ت عم ید طریق از

ذیست آورت عجب و شده مطرح هم جدید عهد هلی موعظه در موضوع دو این می را ت عیامت این هذ گام ید كه مردم اغلب كه شده تبت ای نگونه كه این دریافت ید رای راهی ت عم ید كه چرا . شند می ت عم ید گ رفتند، به عنوان ید ولس كه به فهمیم ت واند یم می حالا ما هست و ید وده هلو عده امید" به عنوان را امیدش چگونه ید وده شده روبرو مرگ ید كه ید یرمردی داشته ت وجه (28:20 رسولان اعمال). کرد می ت و صیف " اسرائیل ید اشد می هلی هودی اول ید امید هان مسیح بیت واقعی امید كه به اشد ید (4:22 ید و حنا)" به اشد می هلی هودی از رس تگاری " كه مسیح گ فته اسد فاده ید رای روحانی هلی هودی به شدن ت بدیل لزوم به ید ید اده ید هودی ید دران به كه مسیح طریق از رس تگاری هلی وعده از ید ردن . شود داده نسد بت است، شده داده نوید

اند کرده موعظه زیر موارد در باره اول ید مسیح یدان كه خوان یم می ما

1- و خداوند ملكوت به مر و ط مسائل "

2- (8:12 ر سولان اعمال). " مسیح عیسی نام

داده ت و ضیح هم اب راهیم به مخ تلف نسبتاً ع ناوی نی تحت مطلب دو این
است شده:

1- سرزمین هلی وعده

2- ذریه هلی وعده

و ملکوت با رابطه در (جمع) "مسائل" که کزید ت وجه با الا مطالب در
آیه به رجوع 8:5 ر سولان اعمال) "ک زنده موعظه عیسی" به عنوان یسی ع
دارد دوست را شما عیسی" به صورت آیه این اوقات اغلب است آمده (12)
وی که داشت تید باور که به گوید یک کاف یست فقط شود می تعبیر "
ک زنده بیان وضوح به "مسیح" واژه ولی! شوی در هات آمده شما برای
به شارت باشد می ظهورش در حال ملکوت و وی ردمو در مواردی تدریس
اولیه هلی موعظه در بود شده موعظه اب راهیم به که ملکوت این مورد در
است کرده می ای فاء را بزرگی نقش اندجیل

باورفت می یهود ع باندت نگاه به ماه سه مدت به "پ ولس کوری نت، در
در؛ (8:19 ر سولان اعمال) "کرد می اعلام را اندجیل پیغام شجاعت
و کرد می موعظه (25:20 ر سولان اعمال) "خدا ملکوت" مورد در او اف سس
در پ ولس": است ب وده گ و نه همین به هم در صد به تهاش آخرین
پنج از... کرد صد بت ای شان برای مسیح عیسی و خدا ملکوت با ره
ای نکه (31، 23، 28 ر سولان اعمال) "پ یام بران ک تب و... موسی ک تاب
که ده می نشان ب وده، آن مورد در کردن صد بت برای موضوع آن قدر
که نه بوده این فقط مسیح و ملکوت مورد در اندجیل اصلی پیغام
و حی بی یورد زبان به را "باشید داشته باور را مسیح" جمله ان سان
وی به که هلی وعده و ب وده این تراز م فصل خیلی اب راهیم به خداوند
می باشد واقعی مسیحیت اندجیل اساس شده داده

کند می ذریه از ق س م تیرا ما مسیح، نام به ت عمید که ای داده نشان ما
(27:3-29 غلاطیان) باشد یم سهیم هلو عده در ت و ان یم می نت یجه در و
شده، داده وعده رسد تگاری آوردن بدست برای ت نهایی به ت عمید ولی
و ان یجت ت با مان یم مسیحیت در و ذریه در باید ما باشد نمی کاف ی
ت عمید با راین باشد یم سهیم شده داده ذریه به که هلی وعده در
باید بد عده که شوی می ای مساب قه وارد ت عمید با ما است، راه آغاز فقط
بودن اب راهیم ذریه فقط که نکزید فراموش ک نیم دودن به شروع
هم ها سرائیلی است کرده قبول را ما خداوند که نیست معناب دین

می که نیست معنا بدان این ولی همد تند، اب راهیم ذریه یذحوبه
 اب راهیم و مسیح راه در خود زندگی تسلیم و تعمید بدون توانند
 بگفت هلیهودی به عیسی (4:13.14 و 9:7.8 رومیان) یاب ندرهلی
 وجود، این با همد تید اب راهیم فرزندان شما که دانم می بلی،
 بر ای جای شما دل در چون، بکشید مرا خواهید می شما از بعضی
 "دهید انجام ای دآموخته خود پدر از هرچه... شود نمی اپید من پیام
 ذریه مسیح، و خداوند به ایمان با اب ایست می که (8:37،39 یوحنا)
 (6:29 یوحنا) می کرد زندگی شده، داده وعده

بخواهیم ما اگر باشد دارا پیدین یانش مشخصات بید "ذریه"
 ایمان بلکه شویم تعمید بیدت نهاده باشد می اب راهیم اقی و ذریه
 بر ای باشد ایم داشت هوی، خود ماند در دست خداوند، هلی وعده به واقعی
 نجات و دارند ایمان خدا به که کسان پدر "نام به راه را که است هین
 رومیان) "گذاشت تندوی ایمان راه در پاکه کسان... اندی بافته
 نظر در که بر می می پی نکته این به ای نجاز" بندخوا می (4:11،12)
 در (کردن باور دل ته از معنای به) است مطرح ما ایمان فقط خدا،
 ایمان خدا به که همد تند آنها یی اب راهیم واقعی فرزندان نتیجه،
 (3:7 غلاطیان) "دارند حقیقی"

در شود داده نشان عمل نوعی طریق از باید واقعی ایمان
 به ایمان ما (2:17 یعقوب) نیست ایمان خدا نظر از غیریان صورت
 تعمید طریق از مرحله اول بین در کردیم مطالعه که راه وعده این
 دهیم تعمیم خود شخص به راه آنها بتوانیم که می دهیم نمایش
 داریم؟ ایمان خداوند هلی وعده به واقعاً شما آیا پس (3:27-19 غلاطیان)
 خود از زندگی ایمان طول تمام در مکرراً بید ما که است سؤالی این
 بپرسیم

جدید و قدیم پیمان میثاق

انجیل اب راهیم به خداوند هلی وعده که باشد مشخص الان تا بید
 که است آنها یی خداوند اساسی هلی وعده دیگر کند می بپان را مسیح
 نظر از آنها به گردد، می اراده موسی قوانین بصورت و یهودیان به
 وعده هیچ (28 تذییه) شود می ارزانی لطف دیات این دریجسمان
 وجود "پیمان" یا هلی وعده سری این در مسد تقیم بطور اب دی دیات
 است شده داده وعده سری دو که بید می می ما پس است نداشت ته

1) در اب دئی حیات و ب خشایش وعده وی، نریه و اب راهیم به
داود به و آسمان در وعده نای. مسیح مجدّد ظهور ب عداوز خداوندی ملکوت
ب ود شده داده ن بیز

2) زندگی در شادی و صلح وعده موسی زمان در یهودی مردم به
موسی به خداوند که توانی از آنها فرمان بری صورت در ک نوزی
ب ود داده

ب ود داده را ملکوت در اب دئی زندگی و آمرزش وعده اب راهیم به خداوند
که خواندیم ما ب ود عملی مسیح شدن قربانی طریق از ف قط این ولی
را اب راهیم به خداوند هلی وعده دل بیل همین به صلایب روی مسیح مرگ
دوم و 9:27 دان بیل و 15:8 رومیان و 3:17 غلاطیان) ک ندمی تایی بید
(1:20) قرن تیان

انذ نام بیده (26:28 متی) "جدید عهد خون" را وی خون همین ب خاطر

مداوم ب طور که گفته ما به مسیح که شیم ادا شد بید به بای دما و
هلی وعده این بید تا ب نو شیم است، وی خون نماد که را، شراب جام
دهندن شان بیلاه این" (ک نیدن گاه 11:25 قرن تیان اول به) ب اشیم
این اگر (22:20 لوقا). "شودمی مهر من خون ب که خداست تاز به پیمان
هیچ اعمالش و مسیح ادی به "نان شکستن" ن کنیم درک را مسائل
ب دارد ای فاید

امکان را ملکوت در اب دئی زندگی و ب خشایش مسیح شدن قربانی
" او شد مطمئن هلی وعده بابت از اب راهیم ب نایراین و ساخت پذیر
آیه ب ود (7:22 عبرانیان) "بهم تروپ پیمان عهد برای تضمینی
اولین" مسیح که ک ندمی صحت اصل این مورد در 10:9 عبرانیان
نشان این "نمای دگ ذاری بایه را ب تواند دومین تا ب رداشت را پیمان
او کرد تایی بید را اب راهیم به خداوند هلی وعده مسیح هذ گام بکه که میدهد
شده داده موسی طریق از که هلی وعده هان بید بگر پیمان سراغ به
مسیح مرگ ب واسطه جدید پیمان یک تایی بید بیره هالیه رفت ب ود
وی که ب وده قدیمی پیمان یک که دهیمی نشان این و کردندمی حبتص
(8:13 عبرانیان) است گ ذرانده را آن

تا ولی آمد، اول مسیح به مر بوط پیمان اگر چه که معناست ب دان این
پیمان را آن همین برای ب ود ن شده اعمال کامل ب طور مرگش زمان
شده اعمال موسی طریق زا که "قدیم" پیمان بیت انذ نام بیده "جدید" د
وعده به ای مانده است ساختن نمایان و مسیح کار هلی دادن نشان ب ود

دیگر طرف از و (3:19.213 غلاط یان). است بدوده مسیح به مرید و طه یی
 تأیید شده داده موسی به که را قواندینی واقعیت مسیح به ایمان
 اجازه: "کندیم جمع را اینها ماهواره به طور پلاس (3:31 رومیان). میکند
 الهی همچون الهی احکام: بهم شرح دیگری طور را مطلب این بدید
 راه از را ما و بیاید مسیح که زمانی تا کرد می مراقبت ما از که بدود
 که است منظور این به (3:24 غلاط یان)". سازد خدا مقبول ایمان،
 می باشد سودمند ما بر این مطالعه و شده حفظ موسی قواندین

را مطالب تواندیم می ما بدیست آسان اول نگاه در مطالب این رکند
 بنماییم خلاصه ذیل بصورت:

- داده ایم راهیم به خداوند که مسیح با رابطه در طه یی وعده
 جدید پیمان

- به که قواندینی با که داده اسرئیل به خداوند که طه یی وعده
 قدیم پیمان - دارد پیمان است شده داده موسی

- 17- کولسیان). است یافا ته خاتمه قدیم پیمان مسیح رگم
 است شده پیمان جدید پیمان (2:14)

از و سبت مقررات اجرایی عشریه، قبیل از مسائل لی دلایل همین به
 به - ندارند الزامی دیگری بدودند قدیم پیمان از جزئی که قبیل این
 کند بهت و اسرئیل که هنگامی جدید پیمان. شود مراجعه 5-9 مطالعات
 رومیان و 31:31.32 ارمیا) خواهگرفت انجام نماید قبول را مسیح و
 را کار این که یهودی هوالا به ته (26:37 و 62:16 حزقیال و 9:26.27
 شود جدید پیمان وارد فوراً تواندمی شود تعمید مسیح نام به و بد کند
 - ندارد وجود مسیحی و کلمی غیر و یهودی بدین تفاوتی آن در که)
 (29-3:27 لاط یانغ)

بدون حقیقی متوجه ما که شود می باعث مسائل این واقعی رعایت
 موعظه ای ناعادلانه به طور بدبین افرا. شویم را خداوند طه یی وعده
 کرده متهم مثبت پیمانهای بلاغ عدم به را اولیه مسیحی کزندگان
 مرگ طریق از خداوند طه یی وعده تأیید بد خاطر که گفت پلاس بدودند
 برانگیز شک مسئله یک کند می صحبت آن از آنها که امیدی مسیح
 بد پرسید است ممکن حال". است بدوده حتمی کاملاً امری بد لکن بوده
 از بد یاری هاند نیابد و دم دل دو آید. کردم عوض را خدا تصممیم چرا که
 نه منظورشان بدلیگ و بدندی که وقتیکه ام شده دنیای این مردم
 اعتماد قابل و راست سخنانش که خدای این بدیست چندین نه، است؟

وقتی و با شد می اعتماد قابل نیز ما سخنان که است شاهد باشد، می عیسی خدا، فرزند زید را است بلی هان منظورمان بلی گوییم می باشد، نه منظورش بلی گوییم وقت که نیست کسی مسیح، ما موعظه و پیغام و دهد؛ می انجام را هان گوییم، می هرچه هواره بلی که بلی و دکسی چندین یک در باره تیموتاموس، و سلوانوس و منیعنی می عملی باشند، بلی ساری که هرچند را، خدا هلی وعده تمام که است هلیش وعده به نسبت چقدر او که ایم کرده اعلام جاهه نیز ما و سازد، (1:17-20 قرن تیان دوم) "یاب دجلال او تا است، وفادار و امین

این تمام در باید واقعیت مقداری قاعدتاً، خوب" ایده گفته این قطعاً کند؟ می خراب را "باشد داشته وجود

داود به خدا هلی و عده 3-5

وعده کننده دریافت که افرا دیدی مگر از بلی ساری و ابراهیم ماند داود، یک فرزند کوچک ترین او بداشت آسانی زندگی بلی و دزد، خداوند هلی ظهور از قبل سال هزار اسرائیل در امر این و بلی و بلی زری مخانواد بلی رادران از گرفتار تن دستور و کردن چوبانی معنای به مسیح به زمان این طی در وی (15-17 سموئیل اول) بلی و دزورگ و بلی زری تر سطح این به کمی افرا تا اکنون که رسید خداوند به ایمان از ای درجه اندر رسید ایمان از

طرف از بلی زری طی بی بارزه با اسرائیل که رسید فرار روزی جنگجویان از یکی از روبرو شد فاسطین، پر خاشاکر شان، همسایه و بلی جنگ فاسطین، قهرمان بلی زری، جالوت با که شد دعوت اسرائیل کمک با کرد می حکومت بلی زنده بر می شد، پیروز بلی برد که هرکس این و ساخت مغلوب را جالوت سنگ قلاب یک از اسد فاده با داود خدا بلی شد تر شاول پادشاهشان از حتی وی موبوبیت که شد باعث (6:8 سلیمان غزلهای غزل) "است ناب و دک زنده مرگ ماندند سادت". شود طریق از بلی عدی سال 20 طی در شاول توسط داود آزار با کلمات این شد ثابت اسرائیل جنوب در موش مثل وی کردن دنبال

در خود به نسبت خداوند عشق از قردانی و بلی رای شد اپادش داود نهایتاً معبد یک خداوند بلی رای که گرفتار تصمی اش، سرگردانی دوران طی بلی سازد را معبد سلیمان، داود، پیسر که بلی و داین خداوند جواب بلی سازد

13- سموئیل دوم) بی سازد ای خانه داود بی رای خواست می خداوند ای نکه و که را کلماتی نهانه که آمد خداوند رفظ از م فصل وعده یک بعد (7:4) هم را بی گری جزئیات بی لکه کرد، می تکرار بی ودگفته اب راهیم بی بی رداشت در

را بی سرانته از بی کی من شوی، ملحق اجدادت بی و بی میری ت و وقتی "هان او بی کنم ت بی بیت را او حکومت و می سازم ت و تخت و تاج وارث بی تارا او سلطنت من و ساخت خواهد من بی رای ای خانه که است ک سی اگر اما بی ود، خواهد من بی سر او و او بی در من بی کرد خواهد بی دار اب د او از من محبت ولی بی کرد خواهد مجازات سخت را او شود، گناه مرتکب که گریدی بی باعث و شد دور شادول از که آنطور شد، نخواهد دور بی باقی اب بی تات و خاندان که بی دان شود من ت قل ت و بی او سلطنت (16 الی 12 آیات)" بی کرد خواهد سلطنت من حضور در و ماند خواهد

بی باشد مسیح هان "ذریه" که بی رود ان تظار بی ایدمان ق بی ملی مطالعات از تأیید را این (7:14 سموئیل دوم) خداوند بی سر بی عنوان وی مشخصات نیز مقدس ک تاب دردی بی مطالب از بی سیاری که هان گونه کند، می نمایدمی تأیید را این

- (22:16 مکاشفه) "هستتم داود بی سر... من" بی گفت عیسی

- مسیح عیسی ما خداوند بی عنی خدا، فرزند درباره مؤذنه این " رومیان) " آمدن بی بی داود نسل از نوزادی بی صورت که باشد می (1:3)

- اسرائیل بی به را اش وعده خدا که ای دهنده نجات آن عیسی، و" (13:23 رسولان اعمال) "است بی پادشاه داود ه بین نسل زاداد،

- و" بی گفت عیسی بی سرش درباره بی اکره مریم بی به فرشته سلطنت... بی کرد خواهد واگزار او به را داود جدش سلطنت تخت خداوند آیه بی اشاره مطلب این (1:32، 33 لوقا) "بی بافت نخواهد بی این هگز او... دارد مسیح بی عنی داود ذریه بی به شده داده هی وعده و 7:13 سموئیل دوم

نیز جزئیات از بی رخی شده مشخص مسیح بی عنوان قطعاً ذریه که حال شوند می مشخص

1- ذریه

را او حکومت و سازم می تو تخت و تاج وارث... را پسرانت از ی کی
 داود به تو و "بود خواه من پسر او و او پدر من... ک نم می ت ث بیت
 خواه او تاج و تخت وارث فرزندانش از ی کی هه پیش که فرمودی وعده
 (11، 10: 132 مزامیر و 14، 12: 7 سموئیل دوم) ". شد

این با اولی بد و داود فیزیکی و واقعی زواده نریه، همان یامسیح،
 که هانطور باکره، زایمان طریق از ف قط این بد و پدرش خداوند حال
 از مریم، حمسی مادر است؛ عملی شده، داده تو و ضیح جدید عهد در
 نداشت انسان بد صورت پدری او ولی (1: 32 لوقا) بد و داود، نوادگان
 و کرد ای معجزه مسیح آوردن دنیا به به رای مریم با رابطه در خداوند
 خدا قدرت و شد خواه نازل تو و بر ال قدس روح" بگفتند فرشتگان
 خدا فرزند بد و ده، مقدس زوادی، آن رو این از اف کند خواه سایه بدرت و
 شد می که بد و راهی ت نه "باکره زایمان" (1: 35 لوقا) ". شد خواه و اندوخ
 کرد بد یاده کامل بد طور بد و شده داده داود به که را ای وعده

2- خانه

را او سلطنت من و ساخت خواه من بد رای ای خانه که است ک سی هان او "
 میدهند نشان آیه این (7: 13 سموئیل دوم) ". کرد خواه پایداری دار بد به تا
 و ساخت خواه معنوی و واقعی معبدی خداوند بد رای مسیح که
 ملکوت بدیدایش اول سال هوار) هواره در چگونه که ک ند می تو و صدیف
 المقدس بدیت در معبدی (زمین به مسیح بازگشت بدعاز خداوند
 ک ن زندگی است حاضر وی که است جای خدا "خانه" . شد خواه ساخت
 مقابل در که مردمانی قلب در که گ وید می ام به 2، 1: 66 اشعیا آیات و
 مسیح بد نابراین کرد خواه زندگی آوردن در رود سفر رامینش
 سکونی آن در تا سازد می خداوند بد رای واقعی مؤمنان از معنوی معبدی
 اول) خداوند معبد زیر بنای سنگ بد عنوان مسیح مشخصات بگزینند
 (2: 5 پطرس اول) معبد سنگهای بد عنوان مسیح بیان و (4: 2-8 پطرس
 ک ند می بدیدام مفهوم اینک

3- سلطنت تخت

تخت و (داود) او خانه... کرد خواه پایداری دار بد به تا را او سلطنت من و "
 رجوع 7: 13 سموئیل دوم) ". بد و پایداری دار خواه هیشه بد رای... سلطنتش
 (7: 6.9 اشعیا به

بد و خواه اسرانیل در داود ملکوت بد را ساس مسیح ملکوت بد نابراین
 واقع در است، ظهور در حال که خداوند، ملکوت که معناست بدان این

بیشتر اطلاعات بر رای - بود خواه اسراء یل حکومت از نو ب ناڈی
بر ب ای دمسیح وعده این انجام بر رای بک نید مراجعه 5-3 مطالعات به
و است ب وده المقدس بیت در واقع در که به نشد پند داود سلطنت تخت
کامل اجرایی بر رای زمین روی ملکوت نایب لزوم بر است دیدگری دل یل
هل وعده این

4- (ملکوت)

من حضور در و ماند خواهند باقی اب د به تا ت و خاندان که ب دان"
(7:16 سموئیل دوم) "کرد خواهند سلطنت

خواهد مسیح اب دی ملکوت بر پ ای یی شاهد داود که میدهد نشان آیه این
بازگشت در وی که ب وده مس تقیم غیر وعده یک این ب نابراین بود
و ملکوت جهانی بر پ ای یی خودش چشمان با تا شد خواهد ادیا مسیح
نمایدمشاهده را المقدس بیت از مسیح حکومت

از داود بنمایم درک را شده داود به که هلی یی وعده که است مهم ب سیار
و من پیمان... هیدگی پیمانی" ب صورت و شادی با مسائل این
به مسائل این کرد می صحت (5:23 یل سموئیل دوم) "من آرزوی
تمام ب ای د آنها به ب ستن دل متقابلاً و شوند می مرید و طهم مار س تگاری
این که شود می مطرح مسئله این دوباره ب نابراین باشد ما شد تیاق
مسیحیت عالم در که است فاجعه یک این هس تند مهم تعالی
می تضاد را عاده قف و واقعه یی تهایی این با که شود می داده تعالی
ب باشند

اینکه ی معنی داشته، حیات قبلاً فیزیکی نظر از مسیح اگر -
که وعده این پس داشته، وجود انسان یک ب صورت تولدش از قبیل
داشت نخواهد مفهوم بود خواه داود زاده یا و "نریه" مسیح

تواند نمی مسیح پس بود خواه آسمان در خداوند ملکوت اگر -
تخت از تواند نمی و سازد ب نادوباره را داود، ملکوت اسراء یل،
ب وده زمین روی واقعه ب طور چیزها این بکند حکمرانی داود سلطنت
ب بگردد انجام جاها در ب ای دمجددشان ب نایب نابراین اند،

سلب پیمان؟ در شدن آورده بر

بود شده داده داود به که را هلی یی وعده از ب خشی داود، حقیقی پسر
خداوند بر رای (5-8 پادشاهان اول) حقیقی معبد یک او نمودت کمیل

دنيا ته مدنهي ته مام به ودم ترقي به سياره لمرويك داراي و ساخت اول) فرستادن زمين ندي سلايمان به احد ترام ادبي به راي وجود زيادي معنوي آموزش معبد، از اسد ت فاده به واسطه و (10) پادشاهان وعده از قسمتي اجابت دهنده نشان سلايمان حكومت به ناب راي نداشت . شد خواهد ديده مسيح ملكوت در و به ود شده داده داود به كه است هلي به

به طور به ود، شده داده داود به كه هلي به وعده كه دارند ادعا فراد از به رخي نيل به دلایل موضوع اين ولي يافت، تحقق سلايمان توسط كامل بنديست درست

نه و به وده مسيح "ذريه" كه ميدهد نشان جديد عهد فر اوان شواهد سلايمان

به و داده وي به خداوند كه را هلي به وعده داود كه ميآيد نظر به پيدایش = 17:27 ت واريخ اول) به و داده رب طاب راهيم هلي وعده به (22:17.18)

ملكوت در صورت يكه باشد ابدي به و به نا "ذريه" ملكوت بن بوداي نظور سلايمان

ابدي زندگي به ارايه در هلو عده كه به و داده ت شخيص داود شدن مي شامل را نزيدي كش به ستگان به نسبت نوع هر كه به و نند پيمان به من با خدا وليكن بنديست همراه خدا با من خانه چه آگر " (23:5 سموئيل دوم) "است به سته هيشديگي

ميگناهنن از رهك ننده يا موعود مسيح هان داود ذريه ولي (7:42 يونس و 33:5.6.15 ارميا و 22:22 و 9:6.7 اشعيا) باشند شريك اسرائيل اميد در آنان كه به ازدواج به خاطر به عدل سلايمان روي خداوند از (13:26 زحميا و 11:1-13 پادشاهان اول) ن بودند، به رگ رداند

هلي ر سش: 3 فصل

راستي و گناه به بين دائم نزاع يك خداوند هلي وعده از كداميك كنند؟ مي به يني به پيش را

۱. شد داده نوح به که هلی یی وعده – الف

۲. شد داده به شت در که هلی یی وعده – ب

۳. شد داده داود به که هلی یی وعده – ج

۴. شد داده اب راهیم به که هلی یی وعده – د

۲- داده به شت در که هلی یی وعده با رابطه در زیر جملات از کدام یک باشدند؟ می صدیح شده

دباش می شیطان مار ذریه – الف

هستند زن ذریه صالحان و مسیح – ب

شد مجروح موقت به طور مسیح توسط مار ذریه – ج

شد زخمی مسیح مرگ به واسطه زن ذریه – د

۳- داشت؟ خواهد اب دی زندگی کجا در اب راهیم ذریه

به شت در – الف

المقدس بیت در – ب

زمین در – ج

به شت در زمانی و زمین در زمانی – د

۴- بود؟ شده داده وعده داود به ذیل موارد از کدام یک

کرد خواهد حکومت هیشه به رای به زرگش نواده که – الف

داشت خواهد ملکوتی به شت در اش ذریه که – ب

بود خواهد خداوند پدر اش ذریه که – ج

زندگی بهشت در زمین در شدن زاده از ق بل مسیح، اش، ذریه که - د
کرد خواهد.

مرگ و خدا: 4 فصل

از سان فطرت 1-4

تو فکر و اندیشه صرف را کمی وقت از سانه‌ها که اثر می‌رسد نظر به است مرگ اصلی علت که خویش درونی ماهیت یا مرگ، پیرامون در و شود می‌ماند تهی خود شناسی عدم به خودنگری چنین عدم می‌کنند، آلاء اساسی و شوند می‌خارج حیات مسدود از سانه‌ها نتیجه به هرچند که امتناعی بگردد می‌تواند صمیمیت خویش ذاتی تملکات که واقعه‌یت این پیرامون تو فکر به نرسد بت است، شده پنهان شدت مرگ زود خلی و باشد می‌کوتاه بسد پیر از سان حیات و زندگی پایش چه فرادانید می‌چه شما" دارد وجود گردید می‌فرار اما همه حتمی تو ان می‌را آن ایله حظه که است صد بگاهی مه‌مانند شما عمر آمد؟ خواهد می‌یرم می‌ماهه سرانجام". شود می‌ناید و محو به عداً حظه و دید تو ان می‌دیگر ریخت که آب شود، می‌ریخت ته زمین بر آب مثل ما عمر شدک فدی و (جوانی) روی فدی صبح که گاهی مانند". کرد جمع را آن 14:4 سموئل دوم و 4:14 یعقوب". شود می‌خشتک و پژمرده عصر و واقعه‌یت این متفکر، معنی تمام به انسانی موسی، (6، 90:5 مزامیر و ما عصر بدانیم که به یاد ما به" که کردت قاضا خدا از و کرد درک را "که نیم زندگی خرید مندی با کوتاه عمر این در تا گنراست زود چه ما زندگی، ناپایداری و کوتاهی به نظر با بنابر این (90:12 مزامیر) دهیم قرار اول اولویت در را واقعی خرد سبک باید

از بر خلی باشد می‌متفاوت مرگ حقیقت به نرسد بت ان سانه‌ها و ان نش زندگی از قسمتی به را و عزاداری مرگ انکرده سعی فرهن گها .دهند کاهش را دل تنگی و فنا حس طریق این از تا کند تبدیل رسد بزند چندی این به باشد می‌مسیحی که فرهن گها این بیدشتر که باشد می‌خود در فنانا پذیر جزئی یا ابادی روحی دارای ان سان که به توجه با میدهد ادامه خود حیات به پاداش و جزا مکان در مرگ به عذاب می‌انسان تجربه انگیزتیرین غم و مسئله تیرین اصلی مرگ که این در راهی یافتن برای را به شرف کر مرگ، که رود می‌انظار باشد، رشتت سر کند مشغول خود به خلی آن ذهنی تأثیر کاهش جهت سرچشمه اینجاست ان سان ماهیت و مرگ با رابطه در کذب نظریات تمام محک انجیل با بایدن نظریات این موارد، دیدگرمانند گردید می‌شود آشکار حیات و مهم موضوع این در ناب حقیقت تا شوند زده شده ذکر انجیل در که دروغی اول بین تدریس که شود یادآوری باید

خداوند صریح سخن بدرخلاف است بهشت بداغ در ابد لیس دروغ است، بدیدایش) "شودگ ناه مرت کب اگر مرد، خواهد مطمئناً ان سان": بفرمود که (3:14 پدیدایش) "مردن خواهد مطمئناً" که؛ کرد پداف شاری ابد لیس (2:17) گپردمی صورت مرگ کلبیت و قطعیت ان کار جهت در که تالاشی که است بدیهی است شده دروغ و کذب مذاهب تمام ویدژگی به تبدیل دروغی به منجر دروغ و کذب نظریه یک زمیننه، این در بد خصوص دیدگری مطلب صدق مطلب یک بدعکس و شودمی... ویدگر و دیدگر نشان 17-15:13 قردن تیان اول آیات توسط بطوری که دارد، پی در را می دیدگری حقیقت به حقیقت یک از پدولس نجای در. شد داده ("...اگر...اگر...اگر" کزیدت وجه) رسد

انجیل که آنچه به باید ما خودمان، واقعی ماهیت درک و شناخت بدرای ساده زبان به موجود متون کزیم توجه گویدمی ان سان خلقت مورد در ماهیت دقیقاً این که مورد در را ما شک شود، معنی اللفظی تحت اگر به مرید و ط 18 معترضه جمله به) کزندی بدطرف چیدست ما وجودی (کزیدرجوع مقررات در پدیدایش سدفر اللفظی تحت معنی

بدازخواهی خاکی هان به سرانجام... سرشت را آدم زمین، خاک از خداوند" خاک به و شدی سرشت ته خاک از توزیرا شدی، گزرف ته ان از که گشت ای اشاره مطلقاً آیات این در (3:19 و 2:7 پدیدایش) "گشت بدخواهی هم او از جزئی حیات ادامه یان سان در ذاتی جاودانگی وجود به شودمی بدعازمرگ

از اساساً ان سان که کزندی تکید حقیقت بدراین آشکارا مقدس کتاب (64:8 اشعیا) "هستیم گل ما" است شده ساخت ته ناچیز خاک

سرشت" (15:47 قردن تیان اول) "شد آفریده زمین خاک از اول، آدم" "گرددمی بداز خاک به دوباره او و" (4:19 ایوب) "است خاک از ان سان" "خاکی و ناچیز" او که پذیرفت ابراهیم (15، 14:34 ایوب) دس تور از آدم نافرمانی از پس بدلاف اصله (18:27 پدیدایش) است میوه از اشتگدن باید... کرد بدیرون را او "خدا بهشت در خداوند اگر (22، 3:24 پدیدایش) "بماند زنده ابدت او بد خورد حیات درخت در پس باشد، ابدی و فناناپذیر جزئی دارای فطری طور به ان سان بد باشد می لازم و ضروری امر، این انجام صورت این

مشروط ابدیت و جاودانگی

تمسك به اذعان و انديمان كه است اين انجيل مكرر و مسدود نمي يام
 اين كنند پيدا جاودانگي و ابددي حيات سوي به راهي مسيح سديره به
 كند، مي صحت بت آن در باره انجيل كه است جاودانگي نوع تنها
 كتاب در مصداقي گون و نه هيچ بديون گناهت حمل و آگاهانه جاودانگي
 دستورات از اطاعت جاودانگي به رسيدن راه تنها ندارد وجود مقدس
 به باشنندمي خدا فرمان بردار و مطيع كاملاً كه افرازي و است خداوند
 رسندمي كمال حد در جاودانگي خود، پرهيزكاري و تقوي پاداش

هان باشد، مي جاودانگي مشروطيت به ركافي گواهي ذيل جملات
 نديستيم به خوردار آن از فطرتاً ما كه جاودانگي

همدر را مرگ قدرت او ... مسيح عيسي ماندهنده نجات ظهور به"
 ايمان هان كه داد نشان را جاويد زندگي به ورود راه ما به و شكست
 (1: يوحنا اول و 1:10 تيموتائوس دوم) "است انجيل پيغام به آوردن

نمي هوزن نو شيد، را او خون و نخوريد در مسيح بدن ت"
 را بدندم كه كسي ولي باشد پيدا شده جاويد زندگي خود در توانيد
 را او قيامت روز در من و دارد جاويد زندگي بشود را خونم و بخورد
 دشمن به اب در شده آورده مطالب (54، 53:6 يوحنا) "كرد خواه زنده
 و باشنمي "زندگي نان" عيسي كه دارد امر اين به دلالت يوحنا
 اميد جاودانه زندگي به توانمي وي به صديح پاسخ واسطه به فقط
 (58، 57، 51، 50، 47:6 يوحنا) داشت

در حيات اين و کرده، عطا جاويد زندگي و حيات ما به خداوند"
 جاودانگي به اميد (11:5 يوحنا اول) "است مسيح عيسي او فرزند
 مسيحيت طريق از فقط باشد "مسيح يان غير" براي تواند نمي
 رسولان اعمال) "بخش حيات مرد" است او: است پذيرامكان جاودانگي
 "نمايند مي اطاعت او از كه سازد آذاني يبنص را ابددي نجات" (15:3
 مسيح شروط به عمل از اند سازها جاودانگي به نابراين (9:5 عبران يان)
 شد مي حاصل

هيده او عمل اين پاداش و است جاودانگي جس تجوي در واقعي معترف
 نديبببي آن از بال فطره او كه چيزي باشد، مي ابددي زندگي
 و ابددي" بامدافاتي جسم (28:10 يوحنا و 23:6 و 7:2 روميان). است
 مسيح بازگشت در ال به (53:15 قرن تيان اول) "شود جاودانه
 ما ختيار در الان كه است شده داده وعده امري جاودانگي به نابراين
 نديست

تیموتائوس اول) "میردزمی هوگ ز که است ک سی ت نها خدا" -
(6:16)

جان 4-2

یا جاودانه و اب دی جان یک وجود باید شد نکر بالا در که واقعه ی تی با
جا این در باشد غیر ممکن از سان در ف نانا پ ذیر بالا فطره جزء هو
ب ر طرف را جان ک لمه پیرامون موجود ابهامات که است این بر ما تلاش
کنیم.

به اند شده ترجمه اندجیل در جان، ک لمه به که یونانی و عبری کلمات
می ترجمه نیز ذیل صورتهای به (Nepheesh و Psuche) ترتیب
شوند:

جسم نفس

موجود قلب

ذهن شخص

خودش

جمله این یک ندمی اشاره خوی شد تن یا جسم، شخص، به جان بنابر این
مرگ از را ما "معنی به روشنی به به ده، نجات را ما جانهای" که معروف
تمام عصاره یا است، خصش هان جان بنابر این باشد می "بده نجات
که است درک قابل پس دهند می تشکیل را شخص یک که چ یز هلی ی
از ندرت به (N.I.V. مثال بر ای) اندجیل جدیدنسخ از بسد یاری در چرا
ترجمه "شخص" را ک لمه این در عوض میشود، اسد ت فاده "جان" لغت
عنوان با اندجیل در است، کرده خلق خداوند که حیوانات ی از اند کرده
برده نام (1:20، 21) پیدایش "زنده موجودات انواع ... چنده موجودات"
nepheesh شده ترجمه "موجود" به اندجیل در که عبری لغت میشود
است شده ترجمه هم "جان" معنای به که باشد می.

که است شده گفته 2:7 پیدایش آیه در مثال بر ای

جان يك ان سان ب ناب راين (2:7 پ يدايش) " شد زنده جان يك ان سان ... " و ان سان ب ين ت فاوت ت نها هس تند جان ح يونات كه هانطور است، ب رت ري صاحب ب رح يون ف كري لحاظ از ان سان كه است اين در ح يون ب ه 1:26 پ يدايش) م ب با شد خداوند جسم از ت صويري ان سان است؛ ت ا شوند مي ب رگ زنده ان سانها از ب عضوي و ،(ك نيد رجوع 1-2 ب خش گ شوده آنها ب رروي جاودان گي ب ه اميد دري چه وحی دريافت ب ا و ما اصلي ط بيعت و ماهيت ب ه ت وجه ب ا (1:10 ت يموت اذوس دوم). شود ندارد وجود ح يون و ان سان ب ين ت فاوت ي ما مرگ ماهيت

مي و دهند مي جان دو ه عاقبت است، ي كي ح يون و ان سان عاقبت " دهند شان كه شده آورده اقب بتع ك لمه دوبار كه ك نيد ت وجه) م بزند، ب ر ب رت ري هيچ ان سان پس ... (ب ا شدمي موضوع اين روي ت ا ك ييد خاك از ،(مرگ) روندمي جا يك (ح يونات و ان سانها) هه ... ندارد ح يون شده ملهم ك تاب (20، 19:3 جامعه) " گ رندمي ب از خاك ب ه و ان دامده ب وجود رادشوار ح ق يقت اين ت ا كن كمك ان سانها ب ه خداي ا كه كرد دعا Ecc " ب نيس تند ح يون از ب يش تر كه ب فهمند (ان سانها) ت ا " دريابد نند، ب ه پ ي زيادي اف راد كه رود، مي ان تظار ب ناب راين (3:18 جامعه) مي ح ق يقت اين درك واقع در ب بزند ح ق يقت اين ق بول دشواري سان ب ه خود ط بيعت و ماهيت ب واسطه ما كه ب ا شد آور شرم ت و ان د مي زندگي جان ح فظ ب راي غرايز هان ب ا آنها مان نند هس تيم ح يونات جدي دن سخته در دارد سازگاري مديط ب ا كه ماندمي ن سلي ما از و ك نيم درك ب ا را ان سان خداوند ب كه ب ي نيممي 3:18 جامعه آيه ت رجمه انجيل كه ك ساني ي عني كرد؛ امتحان نيس ت ب يش ح يوناني كه ح ق يقت اين ان سانهاي ب ا شدند ت سلايم و خاشع خداوند ب راب ر در ق دركافي ب ه اما ك نند، مي درك را اب ت لا اين ح ق يقت كه هس تند او واقعي شوند مي مردود آزمائش اين در ن با شدند ت سلايم و خاشع كه ان سانهاي ي مي والا ي اهيت و ارزش داراي ان سان ي عني گ را يي ان سان ف لسفه است ي اف ته گ س ترش كاملاً دن يا سرا سر در ب يس تم قرن در ب ا شد ك لمت ب ا شد مي مهمي وظ يفه جهان، در ف لسفه اين ت ا تير زودن دهندمي ياري را مازم ي نه اين در 39:5 مزامير آيه ساده

مزامير) " گ رددب رنمي و آيد ب رمي كه است ن فسسي همچون ان سان عمر " " ك نند ت ع يين را خود زندگي كه ندارد ت واناي ي اين ان سان " (39:5 (10:23 ارميا)

كه است اين دان يمي ان سانها ما كه موضوعاتي ت رين ب ديهي از ي كي ك ش يده مرگ كام ب ه س ران جام زنده موجودات هه واقع در و ان سانها ت مام

از ما اند تظار خلاف در ست این و میرد، می هم "جان" بد ناب رای ن . شوندمی
 از سوم یک تقریباً که نیست تعجب جای بد اشد می اب دی که است چه یزی
 مرید و ط اند شده ترجمه "جان" بد به اند چیل در که لغاتی است فاده موارد لک
 "جان" که لمه از است فاده نحوه این بد اشد می جان ناب ودی و مرگ بد به
 بد اشد اب دی و ف نانا پذیر چه یزی ت و اند می "جان" که میدهند نشان

- (18:4 حزق یال) "مرد خواهد خودش ف قط بد کند گ ناه هر که"

- آیات دیدگر (10:28 متی) "کند هلاک را شما جان ت و اند می خدا"
 و 22:27 حزق یال: از عبارت ند جان رفتن بد بین از بار اب طه در موجود
 23:30 لاویان و 6:32 امثال

- می که شد ته شمشیر بد اب و دند جازر شهر در که «جانهای» ت مام
 (10:30-39 یوشع). شدند

- جوعر 16:3 مکاشفه) ". شدند که شد ته زنده موجودات جانهای ت مام"
 (78:50 مزامیر بد به)

- بد بعضی از که هجانی که کرد می امر موسی شریعت مکرراً
 (15:27-31 اعداد مثال بد رای). شود که شد ته بد ای د که ند نافع زمانی قواندین

- که فهمید ف قط ت و ان می جان شدن گرفت ته بد به مرید و ط موارد از
 (7:15 ایوب و 22:25 و 18:7 امثال) بد میرد ت و اند می جان

- (22:29 مزامیر) "دارد نگاه زنده را جانش اندت و نمی کس هیچ"

- ارمغان بد به گ ناهن آموزش ت ا کرد قربانی را جانش" مسیح
 (53:10.12 اشعیا) "آورد

"جان" آن که دهد می نشان بد اشد می "جان" که لمه آنها در که آیات بد ای اکثر
 هلی نمونه، مادرون اب دی ب ارقه بد به نه کند می اشاره بد دن یا شخص بد به
 هس تند ای نهایی بد دو مشخص

- (2:34 ارمیا) "جانها خون"

- مورد در ولی بد اشد داشت ته اطلاع جرمی وقوع از ک سی هوگ اه"
 ای نشان نجاست ک سی هوگ اه... ندهد شهادت دادگ اه در شدنیده یا کرده آنچه

را آن که به خوردن سم و بدهد قولی نسنجیده کسی اگر... که ندلمس را
(5:14 لاویان) "آورد به جا"

- جان ای یکن سداش را خداوند... من وجودت مام ای... من جان ای"
مزامیر) "کندمی سدییر خوب هایدعمت بامرا جان که کسی ای... من
(103:1,2,5)

- حاضرانچیل، نجات بخش پام به خاطر و من به خاطر هرکه"
کندت لاش هرکه ولیداد، خواهد نجات را آن کند، فدارا جاننش باشد
(8:35 مرقس) "داد خواهد دست از آن مایدن حفظرا جاننش"

انسان درون روحی هجزء به "جان" که است کافی تا حدی دلایل این
به فقط (psyche و نانی لغت) "جان" اینجا. شود نمی منسوب
زیر آیه در که شکل همان به باشد می انسان سمایی حیات معنی
است شده بیان:

"حیات" یک توانند می افرا از گروهی هکده می نشان 21:4 اعداد آیه
جاودانگی بارقه به توانند می "جان" بنابر این باشد داشته
کند اشاره ما از هی که فریدی

انسان روح 3-4

سردرگمی "روح" و "جان" بین انسانها از بسیاری ذهن درم تأسد فانه
یاندگیس کلمات انجیل هلی ترجمه و زبانها از بعضی در دارد وجود
را موجود سردرگمی امر این که دارند معادل یک فقط "روح" و "جان"
کند می اشاره شخص یک اجزاء که لیه به اساساً "جان" کند می تشدید
معمولاً هرحال، به شود داده نسبت نیز "روح" به توانند می گاهی که
معنی در تفاوتی رفت به کار انجیل در که گوندهان روح و جان بین
"شده تقسیم نیمه دو" توانند می "روح" و "جان" ددار وجود
(4:12 عبران بیان) باشد

به (Pneuma و Ruach ترتیب به) "روح" عبری و یونانی کلمات
اند شده ترجمه نیز زیر صورت های

حیات روح

ذهن به اد

نفس

به دخداون دادیم قرار مطالعه مورد 2-1 به خش در را روح تصور ما می آنها کمال بد در را خود روح اند سان از جمله زنده موجودات ح فظ منظور می او در حیات نیروی نشانه به نابراین اند سان در خدای روح این دمدم آدم بی نی در خداوند" (2:26 یه عقوب) "است مرده روح به دون به دن" باشد ایش پید) "شد ای زنده موجود آدم، و به خشد ید جان او به دمیده، حیات روح (27:3 ایوب) کندی صحت "من بی نی در خدا روح" در باره ایوب (2:7) به تولد به دو از زندگی / حیات روح رو، این از (2:22 اشعیا به رجوع ماند می به باقی ما در است زنده ما خاکی جسم مادامیکه و شود، می داده ما می نابود فوراً چیز آن شود گرفت هر چه یزی از خدای روح زمانیکه کند اراده" خدا اگر است زندگی و حیات نیروی روح این چون شود، به باقی او در زندگی اثری به بگرد، اند سان از را خود نفس و روح که "کنگوش داری، فهم اگر حال بگرد می به از خاک به او و ماند می اند سان که کندی اشاره دیدگر به آخر جمله (34: 14-16 یه عقوب) به بسیار اشواقی ماهیت آشکار حضور این قبول که شود می متوجه به باشد می دشوار

نه کند، می خارج ما کمال بد از مرگ هنگام در را خود روح خداوند وقت را ما هوشیاری و حواس تمام به لکه دهد، می خاتم ما جسم حیات به فقط که کرد هدایت را او خدای روح این از داود قدر دانی و سپاس بگرد می آیات خودش مثل ضعیف مخلوقات به نه که نداع تمام خداوند به تنها به "باشد می گرایان اند سان ادعاهای به سخت جواب ی (3: 146-5 مزامیر به قادر و هس تند فانی هگی آنها نکند، توکل اند سانی رهبران تمام و گردندی به از خاک به میرندی آنها وقت بیستند دادن نجات خدای که کسی خوشاب حال اما! شود می به ربانقشه هلی شانقشه "باشد می او خدای یهوه، به رامیدش و اوست مددکار به عقوب

و به رگردد شده سر شد ته آن از که زمین خاک به به دن" مرگ هنگام در پیش (7: 12 جامعه) "کند پروز کرده اعطای آن که خداوند بسوی روح است حاضر جا هر رد خود روح واسطه به خداوند که دادیم تو وضیح تر از" ما مرگ هنگام در (24: 4 یو دنا) "است روح خدا" که مفهوم این به می ترک را ما جسم خدا روح یعنی "شویم می خارج خود خاکی قالب دور تا دور در که خدا روح در است، کرده ترک را ما به دن که روحی کند

خدا طرف به روح "مرگ هذگام به ناب رای ن شود؛ می باشد جذب می ما
"گردد از می."

نیز مرگ فرآیند هر بین دهد، می تشکیل را خلقت تمام خدا روح چون
روح یک دارای حیوانات و انسانها با تمدنی اتفاق حیوانات برای
و انسان عاقل بت باشد نمی شان در جسم حیاتی نیروی یک یا واحد
هیچ انسان پس میزند، می و دهند می جان دو هست، یکی حیوان
می ادامه مطلب این بانوی سنده (3:19 جامعه) "ندارد حیوان بر رترب
و انسانها روح که مکانی بین تشکیلی قابل تفاوت که دهد
که شرح این (3:21 جامعه) ندارد وجود روند می آنجا به حیوانات
می شویه یک به و دارند که سانی روح حیوانات و انسانها آن به واسطه
به آمیزی که ناپه اشاره رسد می نظر به (7:15 و 2:7 پیدایش) میزند،
سدیل در یکسان مرگی با انسان و حیوانات هلاکت چگونگی شرح
خزندگان وحشی، و اهلی حیوانات یعنی زمین روی جانداران هه" دارد
به و تشکی در که ای زنده موجود هر شدند هلاک آدمیان با پرندگان و
"کرد محور زمین روی از را دهن موجودات تمام خدا بدینسان شدن ناب و
90:5 مزامیر آیه چطور که کنید توجه پیمان در (7: 21-23 پیدایش)
به پیدایش 7 باب در موجود مدارک کند می تشک به سدیل به را مرگ
در موجودات تمام ماند انسان حیاتی، در مواقع که دهد می نشان روشنی
باشد می گ روه هان

مانند انسان در که است دلایل این به "زند هر جسم... بدنهای تمام"
دارد جریان واحد حیاتی روح یک حیوانات

است خفتگی مرگ 4-4

ادامه باید دید اندک رفتیم، "روح" و "جان" مورد در تاکنون که آنچه از
اگرچه می باشد هوشی و حس بی کاملاً شخص مرگ هذگام در که دهیم
مانند خواهد خدا یاد به سئول ندیم خداوند برابر در که آنانی اعمال تمام
اند جای هیچ در اما، (6:10) بران بیان و (20:12) مکاشفه و (3:16 ملاکی)
اظهارات رابطه این در شود می تائید مرگ هذگام بشهر هوشیاری
گزارند می باقی سوالی و بوده واضح به سبب زیار

نقشه تمام و گزیدند از می خاک به میزند می آنها وقت "تی"
(146:4 مزامیر) ". شود می برآب نقش، هلی شا

هه احساسات شان، و ن فرت شان محدب تشان، ... دان نذمي چيزي هلمرده"
"ندارد وجود مردگان علام در فهم بدن" (6، 5:9 جامعه) "رودمي ب بين از
ذيسد تند هوشيار نتيجتاً ك زند، نذمي ف كر مردگان - (10:9 جامعه)

اي وب) "است نداشت ته وجود كه از نكار" مرد، وقت تي كه گويدمي اي وب
عدم و حواس و هوش ف قدان كامل، ف راموشي عنوان به راه مرگ او (10:18)
دارد تولد از قبيل انسان كه وضعي تي يعني شناخت، مي وجود مطلق

باشد بناگرو (18:3 جامعه) ميردمي ديوان ماندن نيز انسان -
مورد در ب ايد و عموض هه بين روند، بدر سلام مرگ از انسان حواس و هوش
بين از علم هم و مقدس ك تاب هم حال يكه در باشد صادق نيز ديوان
اندورزيده امتناع ادتمالي چنين

هچون و علف ماندن انسان عمر هس تيم خاك ما كه داندمي "خدا
بوده، كه مكاني آن در ديد نگر و رودمي ب بين از ... باشدمي صحرا گل
(103: 14-16 يرمزم) ". شودنمي ديدده هگ ز

اين و انده، كرده تقاضا بيشتر عمر طول او از مكرراً خدا خدمت نگران
كامل ف قدان نيز صالحين براي حتمي مرگ كه است اين نشان نگر خود
حساب به حواس و هوش ف اقدرا مردگان آنان كه چرا است، حواس و هوش
نيایش و ستايش به قادر ديد نگر مرگ از پس كه دانست نذمي و آورده
6:4، 5 مزامير) داود و (17:38-19 اشعيا) حرق يال بوندن خواهند پورندگان
از باشنذمي موارد چنين از خودي مثلهاي (17:115 و 13:39 و 9:30 و
عنوان به مكرراً بكار و صلاح انسانهاي نوع دو هوب براي مرگ
دان يال و (17، 13، 11:3 اي وب). است شده ياداست تراحت و خفتگي
12:13).

نظريه كه داريم اظهار صراحتاً تا داريم دست در كافي مداركي و ناكند
آسمان در پاداش و سعادت به صالحين دست يابي پسندت وده
فطرت واقعييت بگيرنذمي نشأت انجيل از مرگ از پس بلافاصله
و درده آن از پس كنذمي هديه انسان به زيادي آرامش مرگ، و انسان
دست كامل ف راموشي به قهر در انسان زندگي، طول در بشري رنج
ف راموشي اين انده، شناخت ته را خدا واجبات كه آناني براي يابدمي
بارتأسف و ناكام طبعي زندگي اين خاطرات بوندن خواه ابدي
طبعي ذهن بيهوده اميددهلي و هلبيم شد؛ نخواهد بازگ و هگ ز ديد نگر
يافت نخواهند تحقق هگ ز بشر

باید که دارد وجود واقعیات سیدست تمیک مقدس، که تاب مطالعه در مقدس که تاب به توجه عدم دلایل به متأسفانه حال این باشد. شود که شفتلاشهای دارد وجود نیز انسان مذهبی تفکرات در خطا سیدست تمیک که است شده باعث مرگ قطعیت نمودن شیرین براری بشریت مصمم هذگامیکه است "ناپذیرف ناروان" یک دارای که کند باور انسان گردد، واقعقبول موردانسان درناپذیری فناعصرچنین وجود می ضروری رفت خواهد جای به مرگش به عذاب شرکته تفکر این مرگ زمان در حتماً که دارد دنبال به رات تفکر طرز این امر این گردد برای داشت خواهد تفاوت پر رهیزکار فرد و شرورانسان سز و شت به مکانی حتماً شده گیری نتیجه اینگونه مسئله این و دن هم ساز جهنم نام به مکانی و "خوب ناپذیرف ناروانهای" براری به شت نام وجود که دادیم نشان قبلاً ما دارد وجود "بذناپذیرف ناروانهای" براری بار این نک است غیر ممکن مقدس که تب نظر از "ناپذیرف ناروان" بنماییمی تا دلیل و تجزیه را اها شد تب عمومی عقاید دیدیگر

- 1- روان عزیزمت" صورت به مرگ زمان در مان زندگی پاداش ای نکه
شود می داده خاص مکانی به ما "فنا ناپذیر
- 2- می صورت مرگ زمان در پر رهیزکار و شرور جدایی ای نکه
گ یرد
- 3- باشد می به شت به رف تن پر رهیزکار پاداش ای نکه
- 4- به یا هه پس باشند "فنا ناپذیرانرو" دارای هه اگر ای نکه
به شت به یا و میروند جهنم
- 5- جهنم نام به مکانی به مجازات براری شرور روانهای ای نکه
میروند

نظر در با باشد نمی منافی بر خوردن قطعات دلیل و تجزیه هدف از بسازی توانیم ما تمام بصورت نکات این گرفتارتن واقعی تصویب از حیاتی بخش که را مقدس که تاب واقعی تهایی که نیم بیان هس تند، بشرط بیعت به مربوط

رسد تاخیز 4-5

و ادیاء زمان در پرهیزکاری پاداش که شده تا اكد مقدس ك تاب در رسد تاخیز (4:16 تا سالوند يك بیان اول). شد خواهد داده مسیح بازگشت پاداش می مسیح اقدام اول بین (شود رجوع 4-8 به خش به) مس نول مردگان به مرگ زمان در جان اگر داشت خواهد دن بال به راق ضاوت امر این که گفنت پلاس به و دن خواهد ادیاء به اکتیاجی هیچ برود به هشت می به بیهوده خداوند از اطاعت پرای ما تملاش تمام نباشد، ادیاء اگر از وی پاداش که داشت باور او اگر مسلماً (15:32 قرن تیان اول) باشد نمی اسد تدلال این نگونه شد، خواهد داده به هشت به جانش رفتن طریق پاداش تنها بدن ادیاء که داشت باور وی که است این آن مفهوم کرد در مؤمنان زندگی پاداش که انتظار این طریق از مسیح پاداش می (14:14 و قلا). کرد می ت شویق را ما پاداش می "ادیاء" زمان

دیاتی و عن هیچ مقدس ك تاب که شود مطرح نکته این باید به از هم خداوند، مورد در موضوع این - ده نمی ت عملیم جسمانی دیات از غیر بازگشت هنگام در مسیح. کندی صدق به شرف و رشد تگان مسیح، پرجلال بدل شکل به و ساخت خواهد دگرگون را ما فانی بدنهایی این "دارای این نکی و آنجایی که از (21، 20:3 فی لید پیان) "آورد خواهد در خود می انرژی روح از خون جای به خالصانه که پاداش می دقتی بدن یک قضاوت روز در به و خواهیم سهیم مشابهی پاداش در هم ما پس گبر، دوم) شویق قضاوت جسمانیمان دیات چگونگی بابت ما شان فانی بدن به و دن بدن یوی دیات یک دارای آنان که (10:5 قرن تیان در حالیکه گردد، تبدیل ارغب به تا شومی تجزیه و ماندمی باقی و گشت جایگزین را روح دیات شان زمان در کردند سعی که آنان که خواهد در را جاودان دیات خدا روح از" بدن یک صورت به بدن خون (8:6 غلاطیان) کرد

داده جسمانی بصورت پرهیزکاران پاداش که دارد وجود فراوانی شواهد دیاتی اه بیت گردد، واقع بقبول مورد نکته این هنگامیکه شود می از مرگ زمان در را دیاتش ما کنونی بدن به و خواهد مشهور رسد تاخیز به راناپذیر فنانا و بدی زندگی فانی بتوانیم ما اگر بدهد دست تا بیهوشی حالت نوعی بایدمرگ پس نمایم، تجربه جسم حالت شود، دمیده در آن خداوند طبعیت بعد و شود خلق مجدداً ما بدن زمانیکه باشد

صحت رسد تاخیز جزئیات تمام از قرن تیان اول کتاب 5 باب در می بخشد نتیجه بسیار دقت با آن خواندن هیشه واست آمده بعمل ما چگونه که میدهد توضیح 15: 33-44 قرن تیان اول آیات باشد که شوید می بلند زمین از چگونه، شوید می افشانه ذریه به عنوان می بلند صورت همین به هم مردگان و کندان اعطاء جسم ما هب خداوند از مسیح که هانطور بنمایند دریافت پاداش به عنوان را جسم تا شوند شد، تبدیل ناپذیر فنا جسم یک به اشفانی جسم و شدید لندق بر ما (3:21 فیلیپیان) بدو خواهد سهیم پاداش این در هم واقعی مؤمن هر باور این و بنده می پیوندد ادیاء، و مسیح مرگ با تعمید طریق از دریافت ادیاءش طریق از وی که پاداشی در هم ما که می دهیم نشان را وی عذابهای در اینک ما اگر (6: 3-5 رومیان) بدو خواهیم سهیم کرد که هانگونه" بدو خواهیم سهیم هم وی پاداش در پس باشدیم سهیم دوم) "داریم قرار مرگ خطر در واره منیز ما شد، روبرو مرگ با مسیح مرگ از پس را مسیح عیسی که خدای روح اگر و" (10:4 قرن تیان پس نیز را شفافانی بدنهایی خدا هان باشد، شما وجود در کرد، زنده "کرد خواهد زنده شماست، وجود در که روح همین به وسیله مرگ از جسمان شدن ناپذیر فنا طریق از هم ما آرزو این با (11:8 رومیان) بدو خواهیم (23:8 رومیان) "رنج و درد از شدن آزاد" مدنظر

روزهایی از خداوند بندگان توسط حقیقی جسم بر رای پاداش آرزوی هان به او که بدو شده داده وعده اب راهیم به بدو شده درک اولیه حکومت آن سراسر بر رفت، می راه کنعان سرزمین در که قطع می تیان به وی ایمان (3-4 بخش به شود رجوع 17:13 پیدایش) کرد خواهد به آینه در جشمش کند باور که داشت همراه به را این ضرورت هوعده هوعده پیوستن به وقوع امکان تا شد خواهد ناپذیر فنا ایگ ونه یابد ت حقق

در بدنش این که با که را مطلب این درک چگونه و صوح به ایوب جسمانی درحالات را پاداشش ولی شود می خورده مهاکرت توسط بر زنده امر هانده که دانمی من اما" است کرده بیان کرد، خواهد دریافت که این از بعد حتمی دانمی و ایستاد خواهد زمین بر سرانجام واست (27- ایوب) "اگر شکوهی امید چه ایند خواهم را خدا بپوسد، من بدن (19:25)

اندخفته زمین خاک در که کسان می" است بدو هین دقیقاً هاشع یا امید (26:19 اشعیا) "داد خواهند سر شادمانی سرود شده، بیدار

هم مسیح، دوس تان از یه کپی، ای لعازر مرگ به اراپ طه در مشابیه کلمات و دهه ت سگین را مرد آن خواه ای نکه به جای مسیح است شده یافت می صحت ادیاء روز به راجع، رفت به هشت به روانش که به گوید خواه مرتاف وری العمل عکس". شد خواه زنده دوباره تو به رادر": کرد مورد اول یه مسیحیان تو وسط حد چه تا امر این که میدهند شان ای لعازر در به رادر که دادم می ال به ته به لی، بگفت مرتا": است به وده تحسین درست وی (11:23، 24:24 حنای و)". شد خواه زنده دی گران ماندند قیامت روز در پر سعادت زندگی به ای پروازه مرگ که نداشتند بول ای وب ماندند رجوع) به ود "آخر روز در" ادیاء دن بال به واقع در و باشد می به هشت صدای که کسان ی": که است داده وعده مسیح (ای وب "آخر روز" به که نید می من وی بس به یاموزند، او از را را س تی و به شنود را پ در خدای "آی ند"

(6:44.45) یه ودنا

داوری 4-6

ترین اساسی از یه کپی قضاوت به اراپ طه در مقدس کتاب تعالیم شود درک کاملاً تعمیر از قبیل به ای دکه باشد می فرد ای مان اصول روز" از مکرراً مقدس کتاب در (2:6) عبران یان و (24:25 رسولان اعمال)، (6) یهودا و 3:7 و 2:9 پطرس دوم و 4:17 یه ودنا اول مثال به رای) "داوری را خود پاداش کردند پیدارا خداوند معرفت آنان که که زمانی به عنوان وقت ی از قبیل "به ای دای نهاتمام است شده صحت میدارند دریافت به رای ما (14:10 رومیان)". شد یندمی داوری کرسی به مسیح که باشد حضور در به ای د": جسمانی به صورت زندگی انیمان غرامت دریافت (5:10 قرن تیان دوم)". شویم محاکمه تا به ای س تیم مسیح

این از یه کپی شامل مسیح مجدد به ازگشت به نسدبت دان یال دیدگاه (7:6 دان یال) به ود سلطنتی تخت صورت به داوری جای گگاهی سازندمی واضح را امر جزئیات مرده و طه، اخلاقی داسد تانهایی از وی پرسش و سرفرازه صاحب بخا به ازگشت مورد داسد تانهایی داسد تان (14:25-29 م تی) مایه تاج صرف چگونگی مورد در خدمت کاران تمامی که کندی ت شد به ماهیگری توری به را اندجیل ندای دیدگری خوب از را به ماهی و نشد یندمی انسان س پس که ند، می جمع را اند سانهایی

په ايمان در" :است واضح مطالبه اين ته فسدير (47:13-49 م تي) که ندمي جدا
"کرد خواهند جدا حق ميان از را شر و آمد خواهند پيش فرشتگان دنيا

به عذاب که کرد فرضت وانمي شده دیده تاکنون که چيزي آن از
به که سنايکه تمام خاص مکاني و زمان در مسيح احياء و بازگشت
را مسيح آنجا در و آي ندمي که ردهم اند شده فرخوانده اند چيل طرف
کرد خواهد مشخص مسيح و داد خواهند پس حساب آنان که ندمي ملاقات
خبر ياب و خواهند دارا ملکوت به ورود پاداش است تحققات آنها آيا که
در اينها تمام که بيز ندمي را پاداششان پرهيزکاران فقط زمان اين در
او، که هنگامیکه" :است آمده که ردهم به زه و گوسد فندان اخلاقي داس تان
فرشتگان تان تمام به همراه و خود جلال و هشد که باموعود، مسيح
به بيت در داودت خت) بذشت خواهد خود به شد که برتخت آنگاه به يابد،
مي که ردهم او مقابل در مردم تمام و (1:32.33 لوقا به رجوع المقدس
هم از را اي شان او و" (28:19 م تي) به رجوع دنيا مردم تمام به معني) آي ندم
مي جدا به زه از را گوسد فندان پان، چوپیک که هاند طور کرد، خواهد جدا
طرف در را به زه و دهمي قرار را ستنش طرف در را گوسد فندان کند،
هستند او راست طرف در که که سناي به پادشاه، عنوان به آنگاه چپيش
به رکات در را شما تا به يابد ايدرم عزيزان اي به يابد بگفت خواهد
به براي دنيا شافري ن آغار از که به رکات يگردانم، سهيم خدا ملکوت
(25:31 - 34 م تي) "به و شده آماده شما

پرهيزکاران پاداش به راهيم، هلي وعده در شراکت و خدا ملکوت به ورود
مسيح به بازگشت زمان در که داوري به عذاب فقط اتفاق اين ولي است
فنا به مربوط وعده دريافت به نابراين داد خواهد رخ باشد، مي
به باشد مي غير ممکن مسيح به بازگشت از قبل به دنيا پذيرش شدن
مؤمن احياء، تا مرگ زمان از که که نيم که بيز ندمي به ايدما به نابراين
به باشد مي غير ممکن جسم به دنيا حيات که چرا ندارد آگاه حيات

شد خواهد داده آن از قبل نه و مسيح به بازگشت زمان در پاداش اي نکه
:است شده تکرار مقدس کتاب در که است اصولي از يکي

په ايمان را شما آيد، مي (عيسي) عظيم شديان که روزي در تا"
په طرس اول) "سازد شريك خود پايان به يشد که و جلال در و کند عطا
(1:13 به رجوع 5:4)

خواهد داوري را مرگ ان و گمان زنده روزي... مسيح عيسي"
خود به بازگشت روز در عادل، داور آن مسيح، ما خداوند که تا جبي... فرمود
(4:1، 8) "تيموت ائوس دوم) "فرمود اهو اعطامن به

آنان از بسد یاری: "آخر روز هلی در مسیحا با ازگشت هذگام در -
شد، خواهند زنده (3:19) پیدایش به رجوع) اندامیده زمین زیر در که
خواری و شرمساری باری برخی و جاودانی زندگی باری بر عضی
(2:12 دان بال)" جاودانی

قبر از اند، مرده" آنا که کند می آغاز را داوری مسیح هذگام یکه
بر سندن جاوید زندگی به اند، کرده خوبی که کسازنی آید، می بیرون
(5:25-29 یودنا) "گرددند محکوم اند، کرده بدی که کسازنی و

زودی به من باشدید، راه به چشم: فرمایدمی مسیح عیسی "
اشد فهمک) "آورد خواهی اداشی اعمالش مطابق هکس باری و آیم می
از را آن مسیح - روی می به شت به پاداش دریافت باری ما (22:12)
میآورد ما باری به شت.

در ما پاداش که میدهندنشان میآورد خود با ما پاداش مسیح این که
زمین به ما باری آنرا نوم ظهور در مسیح ولی است، شده تهمیه به شت
داده وعده به راهیم به که سرزمینی "مال کیت" رابطه این در میآورد،
و توکل خداوند به که آنجا از است، داشد تهنه آسمان در" است شده
به سلامت به را شما خود، عظیم قدرت با نیز او اید، کرده اعتماد
روز در ولی، بکنید دریافت را ارث این تارسانید خواه آسمان
(1:4.5 پطرس اول) "شد خواهید جاودان دیات وارث شما قیامت،

در تفاهم بر سوء بخش یک که میدهند قدرت ما به موضوع این درک
(عیسی من) "بنمایم تفسیر صحیح طور به را 14:2.3 یودنا آیات
به رجوع) شد آماده چیزه وقتیکه نمآمده شما باری را آنجا تارومی
خواهم را شما وگشت بازخواهم، ("آسمان در شده حفظ مکان" پاداش
مسیح (3، 2:14 یودنا) "باشدید نیز شما هستم من که جای بی تاب رد،
را ما پاداش تا کرد خواه ظهور دوباره که گوید می هم دیگر درجای
داده وی داوری زمان در پاداشها که ای مدیده ما و (22:12 مکاشفه) به ده
"همیشه باری" المقدس بیت در داود سلطنت اری که بر او شد خواهند
و بد خواهند زمین روی ابد تا او (1:32.33 الوق) کرد خواه حکومت
هانجام ما بر زمین، خداوند ملکوت در یعنی بد و خواه وی که آنجایی
می توان را "خودش با ما بردن" با رابطه در وی وعده بد و خواهیم
تلقی داوری روز در وی توسط ما هستی بول از تو و ضیحی به عنوان
با رابطه در 1:20 متی آیه در "شخود با ما بردن" یودانی جمله نمود
است آمده نیز سرش به عنوان بر خود مریم دریافت وی و سف
مسیح طرف به جسمانی حرکت معنایی به ضرورتاً واژه این بنا بر این
باشد نمی

داده مسیح ب ازگشت هذگام در داوری زمان در ف قطب اداش که آنجایی از به مرگ ب عدازدو هر پ رهیزکار و شرور که شودمی نتیجه شد خواه قائل آنان مرگ در ت فاوتی هیچ و رفت خواهند ق بری یعنی مکان یک ک ندمی ت آید پدرا امر این ذیل مطالب . شد نخواه

- حال این باب و د ب د کردار شائول اما ب ود پ رهیزکار ی و ن ا ت ان (1:23 سموئیل دوم) "ب شدند جدا هم از مرگ در"

- جای که به مرگ زمان رده گی سموئیل وی و ن ا ت ان شائول، (29:19 سموئیل اول) رفتند

- هان یا "مردمانش به ه" مرگش زمان در پ رهیزکار اب راهیم (25:8 پیدایش و 24:2 یو شع) ب و د ن د پ ر س ت ب ت آنها پ یوست، اجدادش

- را مرگ نوع یک هودو هس تند احمق یا عاقل روحی نظر از آنکه (2:15.16 جامعه) ک ندمی ت جربه

تعالیم دارند زیادی تضاد مسوم مسیحت ادعاهایی با اینها تمام لزوم مرگ زمان در بهشت به پ رهیزکاران رفتن به ارباطه در آنها در مسائل این که ای مدیده ما ولی ب ردمی بین از راهیاء و داوری انجیل پ یامهای در ب نابراین و رسد نگاری پ رای خداوند ب برنامه فریدی که است این رسوم عقیده ب اش ندمی حیاتی و قیامع و گ یردمی را پ ادا شش بهشت به رفتن طریق از و میردمی پ رهیزکار پ پیدا ادامه مردم ب قیه به ارباطه در ب عد سال و ب عد ماه ب عد، روز این ب ا پ رهیزکاران تمام که مقدس، ک تاب تعالیم با مس ذله این ک ندمی ب اش دمی کامل تضاد در گرفت خواهند را خود پ اداش زمان یک در و هم

- شوندمی جدا ب زهازی کی کی گوسد فنند داوری، زمان در وی راست سمت که گوسد فنندلهیی تمام به مسیح داوری اتمام ب عدازد بگ وی دمی اندگ ردا مده

خدا ملکوت ب رکات در را شما تا ب یاید ای درم عزیزان ای ب یاید "هم طور به گوسد فنندان تمام ب نابراین (25:34 متی) "بگ ردا تم سه یم (15:52 قرنتیان اول) . شد خواهند ملکوت ملاک زمان

- راه در آنان که تمام مسیح ب ازگشت و داوری "ب ردا شت زمان" در متی به رجوع (4:35.36 یوحنا) . "میاید ندگ ردهم" اند کرده عمل انجیل (13:39)

را مردگان که است آن وقت" :که میدهد نشان 11:18 مکاشفه آیه -
هم با مؤمنان تمام یعنی - "ذمایی داوری

تمام از فهرست تی بران بیان کاتب 11 باب از قسمتی در
آمده اینطور 13 آیه در است شده ثبت عتیق عهد پرهیزکار اف راد
دریافت را خدا هلیو عده تمام که این بدون مردند، همه ایمان مردان این "
به و دور طریق از رسد نگاری با رابطه در راهیم به که "کند
نتیجه اینگونه و (8:11-12 ع بران بیان) بدو شده داده خداوند ملکوت
دریافت برای بهشت به پکی پکی مرگ زمان در اف راد این که شومی
مؤمن، اند سانهایی این " :آمده 40 و 39 آیه در امر این دلایل نرفند پاداش
برکات هیچ یک اما شدند، واقع خدا مقبول ایمان شان بسبب که این با
بماند منظر این شان که خواست می خدا زی را بنیافتند را خدا موعود
گرفتند نظر در مابرای او که برسدند به تری برکات آن به ما همراه تا
بخطربود شده داده وعده آنها به که پاداشی دریافت درتأخیر "است
مطور به و هم با ای د مؤمنان تمام خداوند هلیو برنامه طبق به و د این
رخ مسیح بازگشت یا داوری زمان در هم این و برسدند تکامل به زمان
داد خواهد

زمین؟ یا بهشت: پاداش مکان 4-7

مکان کندی ف کر که هستند کساز می هنوز بالادلایل علیرغم اگر
داده وعده پاداش هان منظور زمین، نه و بدو خواهد آسمان خداوند ملکوت
کندند توجه هم یلذذ کات به باید است، شده

یعنی) کندی را خداوند ملکوت آمدن آرزوی دعا هلیو در مسیح -
آن در خداوند هلیو خواهد که آن موجب به که (مسیح بازگشت برای دعا
تحقق زمین روی گیرند، می انجام آسمان در این که آن گونه زمان،
یرو خداوند ملکوت که کندی دعا ما همین برای (10:6 متی) یابند
هیچ بدون ف ردهاران که است آوردت سفخیلی بگردد پزمین
براین هنوز در حالیکه کندی تکرار روز هر دعا این ف کری
زمین و شده بر آسمان در کامل بطور این نک خداوند ملکوت که باورند
شد خواهد نابود

"بگشت خواهند جهان ت مام ملاك ايد شان زي راف روت نان، حال به خوشا"
 مزامير 37 باب به كه رومى آسمانها به روحشان كه اين نه و (5:5 م تي)
 پرهيزكاران نهائى پاداش كه كندمى تاكيد كه امر كلى يادارد، اشاره
 از شروران كه مكاني هان در پرهيزكاران. شد خواهد داده زمين روي
 خواهند را ابدي زندگى پاداش بوند ب رده لذت موقت شان حكومت
 آن از داشتند، تسلط تحت شروران زماني كه رازميني هان و گرفت
 خدا بركات از فرودن اشخاص اما" (37:34،35 مزامير). نمود خواهند خود
 به باشد آنها بر خداوند بركت كه كساني ... شد خواهند بر خوردار
 تا بورد خواهند ارث به رادنيان يكان، كرد خواهند زندگى سلام تي
 ابدي زندگى (29،22،11:37 مزامير) "نمود خواهد سكوت آن در ابدي به
 زندگى كه معناست ب دان شده داده وعده سرزمين هان يا زمين روي در
 باشدمى غير ممكن آسمان در

...ماست ميان در جاهين هنوز نيزق برش و شددفن مرد، داود"
 پطرس عوض، در (2:29،34 رسولان اعمال). "ذرفت آسمان به هرگز داود
 مى مسيح ب ازگشت زمان در مردگان اديان اميدش كه دادت و ضيحه
 (2:22-36 رسولان اعمال) باشد

باشدمى بشر بار اب طه در خداوند عمليات ميدان زمين
 "ب خشيديان سان به رازميين اولي باشدند، مي خداوند آن از آسمانها"
 (115:16 مزامير)

در هنگامي كه پرهيزكاران كه كندمى بيان 5:9،10 مكاشفه آيه
 براي را ايشان و "بگفت خواهند چه گيرندمى قرار داورى ميز جلوي
 زمين براي نرواز رساندي، سلطنت به و ساختي كاهن ما خدائي
 بركردن حكمراني تصوير (5:9،10 مكاشفه) "كرد خواهند سلطنت
 در ماتنوع از ما كه مبهوم اين از كاملاً زمين روي خداوند ملكوت
 است شده بر داشت به رده خواهيم لذت آسمان در مكاني

را سياسي قدرتهاي در توالي يك دان يال 7 و 2 هوي باب
 خداوند ملكوت مسيح ب ازگشت زمان در نهايتا كه كندمى مشخص
 بود خواهد "آسمان ت مام زي ر" ملكوت اين قلمرو. شد خواهد آن جاي گزي
 (44 آيه به رجوع 7:27 و 2:35 دان يال). كرد پرخاها را "زمين ت مام" و
 "شد خواهد واگذار متعادل خدائي ب رگزيديگان به" ابدي ملكوت اين
 بركه است ب رملكوتى ابدي زندگى آنان پاداش پس (7:27 دان يال)
 شد خواهد بر پ آسمان زيرو زمين روي

خدا ب رابر در اند سان مسؤل بیت 4-8

که است مجبور باشد، "ناپذیرف ناجانی" دارای بشر اگر طبیعتاً محل دریا و پاداش محل دریا باشد داشته باشد، در هر دو شت یک درجایی در همدند مسؤل خداوند ب رابر در هر هه که است این نتیجه مجازات ماند اند سان طبیعت که آموزد می ما به اند جیل که دادیم نشان مقابل تصویري اند سانهها برخي به اما است ف ناپذیر ذاتاً یعنی حیوانات، هو است بدیهی است شده ارائه خداوند قلمرو در جاودانه زندگی از در شد نخواهد محشور کرده می زندگی زمین روی بر زمانی که اند سانی خاک درون و میرد می و کرده زندگی حیوانات ماند نه اند سان حقیقت و رف تعقیر ارگ دایری موردن یا آن در اند سانهها چون اما شود می تجزیه شوند می داده پاداش جاودانه زندگی ب رابر برخي و شده محکوم برخي و دایری منظور به بشر اف راد از خاصی ط به که گ بریم می نتیجه می شوند محشور پاداش

ب رابر در او مسؤل بیت به نه، یا شد خواهد محشور فردي آیا این که به چطور که است بر این ما دایری اساس دارد بستگی دایری می مسیح ای مکرده عمل (خدا فرمان) خدا سخن ب رابر طه در معرفت مان بداند گذرفت نشد نیده مرا سخن و کرد رد مرا دعوت که کسی: «گ وید امگ فته من که سخنی: می گ یرد قرار دایری مورد سخنان این با که ی و دنا) گرفت خواهند قرار دایری مورد آن با آخرت روز در که است همان نکرده درک و ندانست ته را مسیح سخنان که آندی ب نابراین (12:48) دایری حیث از و اندند داشته (خدا) اوردی اقبول بر ای فرصتی اند خدا قانون دانستند ب دون که آندی بداشت نخواهند مسؤل یتینیز و ب میزدند یز قانون ب دون ب اید شدند، گ ناهکار (خدا شناخت ب دون) گ ناهکار دانستند شدند دایری ن یز قانون ب اید (شدند حیوانات مرگ ب سان مرگ شان دانند می را خداوند مقررات که ک سانی زیر پ را خداوند قانون بین دانستند که ک سانی هذگام این در است آن با شدن روبرو بر ای و گ یرند می قرار دایری مورد اندگ داشته شوند می محشور دایری

به گ ناهی باشد، ندانستند وجود قانونی زمانیکه "خداوند دیدگاه از از سرپ یچی معصیت حقیقت در" "شود نمی داده نسبت اف راد" است گ ناه شناخت دانش قانون، در کنار پس خداست (امر) قانون قانون از هی آگ اب دون (3:20 رومیان و 3:4 ی و دنا اول و 5:13 رومیان) ندارند، آگاهی خدا هلی قانون از اف رادی که: «وی کلام طریق از خداوند

نگرفته قرار داورى مورد پس. «شودنمى داده نسد بت آنها ب رگ ناهى باقى مرده دان ندمى را خدا (سخن) كلام كه اى نان. شوندمى محشور و موقعيت اين درهم آدان زير راگ ياهن، و حيوانات ب سان مانده خواهند مى ديوان مانده سرانجام شكوهش، تمام وجود با ان سان آرى،" هس تند هلاكت سوي به كه هس تندگ و س فندانى آنها" (49:20 مزامير) "ميرد (49:14 مزامير) "روندمى پيش

اوب رابر در اعمالمان خاطر به را ما كه است خداوندقواندين فراگيرى كرسى ب رابر در ظهورمان و شدن، رمحشوب نابراين. سازدمى مسؤل كه پرهيزگاران، نهانه كه دانست بايد اى نجاز بگ ردمى لازم داورى ب رابر در خداوندقواندين از معرفتشان سبب به افرايى كه تمامى آياتى اينجا ر. شداوند محشور دن يا آن در هس تند، مسؤل خداوند است آمده انجبل از:

هراه به مسؤل يت كلام دانسد تن كه گويدمى 15:22 يوحنايه
دمى تقصديريگفتم، ندمى سخن مردم با و آمدنمى من اكر "اوردمى اى بهانه و عذرگ ناهنشان ب رايديگر ام، آمده كه حال اولي. داش تند علم كه داردمى ابراز 1:20-21 روميان آيات ترتيب به "ندارد ك ندمى سلب ان سانه از را بهانه آوردن خدا به

اوازارا ستي و بشوندر ا پ در خدائى صداي كه ك ساني"
(6:44، 45 يوحنا) "ميايند من سوي به به ياموزد،

گمراه راهن از (ريابى) خالصانه كه را ك سانه يكه اعمال خداوند
مى را (طريقه) راهن ك سانه يكه اعمال به اما بگيردمى ناديدده اند، شده رسولان اعمال) دارد پ اسخاند نظار فر داز و نگردمى بدقت اند شناخته
(17:30)

سختي به نكند، عمل بدان و بداند را خودوظيه كه خدمتكارى آن"
كم ترده، انجام خلافى عمل ندانسد ته كسى اكر اما. شد خواه مجازات شود، سپرده وي به بزرگ ترمسؤل يت هوكه و. شد خواه مجازات امانت هوكه نزد آمد، خواه عمل به او از نيز بيشد ترمى بازخواست
لوقا) "شد خواه نيز بيشد ترمى مطالعه شود، گداشته بيشد ترمى
(12:47، 48)

روز ب راي) را خود اما داندمى را خداوند خواست اى كه بنده «
با هاناك ندمى عمل او خواست بر طبق و سازدمى آماده (داورى

و دانندمی که آن کس اما . شودمی مجازات شلاق ب سد یار ضربات هسد تند شلاق ضربات خور در که شودمی اعمالی مرت کب ندانسد ته می باقی مرده مثال برای) . شودمی مجازات شلاق ضربه چند باتنها ب ازخواست او از ن یز ب یشد تر شده داده ب یشد تراویه که هوکس (ماند در حقیقت (ب یشد تر بر رفش ب یشد تر، ب امش هوه که) شودمی ب ازخواست آنها از ن یز خداوند اند شده زیادی اعمال ت کبمر ان سانهای که خدا؟ ب یشد تر اندازه چه - (12:47،48 لوقا) ". کرد خواهد ب یشد تری

درست کاری چه بداندید اگر که ن بریدید اذرا این پس،"
- (4:17 یعقوب) "ای دکرده گناه ندهید، انجام را آمان اما است،

به پاسخ خدا، ابر بر در اسرئیل قوم ویژه مسؤولیت
- (3:2 عاموس) است ب وده خداوند سویی از بر آنها شده نازل الهامات

از ب وده تر برایش "پذیری، مسؤولیت اصول این وجود بدل شده سد پرده او به که مقدسی احکام به سد پس ب شناسد را مسیح ای نکه این در دیدگر مضامینی (2:21 پطرس دوم) "بزند پاپ شت است، هوشع و 1:13 تیموتائوس اول و 3:19 و 9:41 و ودنایات شامل رابطه ب اشدمی 1:39 تئذیه و 4:14

. سازدمی مسؤول داوری کرسی بر رابر را ما خدا دانش شناخت . شد ن خواهند محشور ن دارند را (دانش) شناخت این که آذانی درن تیجه یم سد بب (شناخت عدم) دانش فقدان دارند شدن داوری به ن یاز چراکه آیات، در بین (20:49 مزامیر) «بمیرند چهارپایان هاند» که شود زندگی زمین روی افرا دید که تمام ای نکه از است واضحی هلی ن شانه : شد ن خواهند محشور اندکرده

شد، ن خواهند محشور مرگ ب عذاب بابل باسد تانی تمدن مردم
- (43:17 شعیا و 51:39 ارمیا) اند ب وده غافل حقیقی خدای از آنها زیر

(اسرئیل) خداوند ای: "می دهد دل گرمی خود به ای نگونه ن بی اشعیا و فسطینیان مثال برای) اندکرده حکومت بر ما ب سد یاری اربابان ب باز (دوباره) دیدگر هگزورف تند بین از و مردند آنان... (بابل) و کردی ناب و دور ساندی اعمال شان سزای به را آنها ت و بگردد ندمی که ک نیدت وجه (14،13:26 اشعیا) ". ساختی محو خاطر ه از را انامش زنده دوباره ن باید است شده تا کیدای نان شدن محشور بر بار سه

در . شود ف راموش ب اید آنها خاطرہ ... شد ن خواهند ب ران گ یخ ته ... شوند
 را اف راد شدن مدشور از ت صویری اسرائیل دین مقابل ن قطه
 مردگان اما" . است داده حقیقی خدای از (شان دانش) شناختشان ب رحسب
 (26:19 اشعیا) "خواست ب ر خواهند خاک از شده، زنده (اسرائیل) ت و قوم

مسیح ب ازگ شت روز در سرانجامشان و اسرائیل قوم دربارہ -
 ب رخی و جاودانی زندگی ب رای ب معضی شد خواهند زنده مردگان ت مام"
 ب س یاری ب ناب رای ن (2:12 دان یال) "جاودانی خواری و شرمساری ب رای
 عنوان ب ه خداوند ب رای ر در مسؤل ب ی ت شان ب رحسب یهودیان از (هه نه)
 حقیقی خدای از کاملاً آذانی . شد خواهند مدشور ب رگ زی دگ دانش
 آذان که چرا بخ یزند ب رذمی هگ ز و اف تاده خاک ب ه" اند ب وده غافل شان
 (8:12.14 عاموس) "ن یست ت ند خداوند سخنان (یاف تن) درک ب ه قادر

ایم آموخت ب حال تا که آنچه

- 1- ده می مسؤل بیت ان سان ب ه خداوند کلام (شناخت) دانش
- 2- گ رفت خواهند قرار داوری مورد و مدشور مسؤل، اف راد ت نها
- 3- مرده حیوانات ب سان اند شناخت ت را حقیقی خدای اف رادیکه
 ماند خواهند ب اقی

امیال و احساسات گ رای بی، سانان نظریه خلاف ب ر کاملاً چ یزی چن
 غایبی حقیقت ب رای ب در واقع حوض دا شد تن اما ما ست؛ ط بیعی
 آمیخته ما خود ب بیعت دربارہ عقیده ف روت نی با اگر خداوند کلام
 بی نگاهی با می شود امر این صحت پذیرف تن ب ه منجر شود،
 می انجیل، راهنمای بی دون ح تی ان سان، ت جرب یات حقایق ب ه ت زویر
 در شده ذکر گ روه آید نده زندگی ب رای امیدی که گ رفت ی جهزت ت وان
 ن یست بال

ای ت و" . است جسورانه شکل این ب ه خداوند عمل کرد علل از ما پ ر شش
 که است صدیح آگ یری؟ می ای راد خدا از که ک یست تی ان سان،
 (9:20 رومیان) "ساختی؟ چن بین مرا چرا ب گوی د خود خالق ب ه مخلوق
 هگ ز اما ب پذیریم، (مسائل این در را) ان سان درک عدم ما است ممکن
 این . سازی م متهم ب خواهی و عدالتی بی ب ه را خداوند ن باید
 ت صویراست، خطاکار یا دشمن طریق هوبه خداوند که اس ت نباط
 که خالصی و پ در بی معنی . میدهد ب دست مقتدر خداوند از وحشت ناکی
 در ک ند می ارف ت ناعادلانه و معقول غیر طور ب ه مخلوقاتش با

مفید بسیار داد دست از را کودکش که پادشاه داود حکایت نقل اینجاست
 داود چطور که کرده نقل 24:12-15 سموئیل دوم آیات است (آموزنده)
 واقع چه اما می کرد دعای برای بود زنده هنوز کودکش هنگامیکه
 کودکم هنگامیکه "پذیرفت را مرگش یعنی او سرزشت گرایانه
 کسی چه گرفت می زی را کردم می گریه و گرفت ته روزه بود زنده وزنی
 زنده من طفتا بود خواهد من خیرخواه خداوند آید که بگوید ت و اندمی
 می آید بگیرم؟ روزه باید من جهت چه به است مرده او که حالا اما بماند؟
 "شود بزرگ راننده من به نباید که او گردانم؟ باز دوباره را او تو نام
 دیگری فرزند زودی به و داد داری را ه سرش داود اینچنین پس
 شدند صدی بشان

اصول درک با افرا داد از بسیار که شود گفته باید بالاخره
 بیدتر دانش که سبب به تمایلی خدا به نسبت پذیر می مسؤولیت
 قرار داری مورد و شده مسؤول او برادر که چرا ندارند او در باره
 خداوند به نسبت درجاتی با هم افرا این حدیثی است که رفت خواهند
 این از را آنان خداوند کلام از ایشان آگاهی زی را هست تند مسؤول
 باعث که دارد دخالت زدگی ایشان در خداوند که ساخت آگاه حقیقت
 که داشت خاطر به باید شود می خدا و آنها بین واقعی را بطله یک ای جاد
 تنها و "نیست بندگان شدن ناف او خواست" "است عشق خداوند"
 آورد ای مان او به که هر کس تا فرستاده (انسانها سویی به) را پسرش
 یوحنا اول "بپرد سر به جاودانه زندگانی با آن در و نشود فنا
 ملاکوتش در ما که خواهیم خداوند (3:16 یوحنا و 3:9 پطرس دوم و 4:8
 باشدیم

این اما آورد می سؤل یتیم ناگزیر به افرا تخاری چندین این
 دشوار و سنگین ما برای که اندن شده وضع ای بیگانه به مسؤولیتها
 که کرد خواهیم تصدیق باشدیم خداوند عاشق واقع به ما اگر باشندند
 مشخصی کارهایی برای معین پاداشی او جاذب از رسیدگی اعطای
 از بختی به (اشپنده به محبت داشتن خاطر به به لکه نیست
 به تا دهمی انجام فرزندانش برای تو و اندمی که را آنچه هست وجود
 جاودانه زندگانی آنها به اندگیزش اعجاب شخصیت از درکشان واسطه
 نماید اعطاء

طریق از خداوند صدای شنیدن و اجابت به شروع آن که محض به
 به هت وده میان در که هنگامی که داد خواهیم تشخیص کنیم، کلامش
 به و دارد نظر در را ما مش تاقانه و قاطعانه خداوند میدهم امهات زندگی
 نشانده مش تاقانه باشد، مسؤولیتیمان در ماقصور مذتظر آن که جای
 چشمان هرگز بکنمی جس تجو عشقش به را ما پاسخ از هلی

ب رابرد در شدن تسلیم خاطر به ما و بگرداند ب رذمی ما از را مهری اندش
 تواند یمذمی داریم خداوند به که مسؤولی بی تی بار از شدن فارغ و ن فس
 شانده یا و ک نیم انکار یا ف راموش او به ن سبت را (مان آگاهی) مان دانش
 نزدیک از بیاید و توانیم می ما عوض در ک نیم خالی آن زیر از
 به ک نیم توکل و باشدیم خشنود داریم خداوند به که به خصوص
 او کم تر نه و بی شد تر شناخت طلب در چندان که عشقش ب زرگی
 چه هر شد باهت امکان آنها دانستن و خداوند طریق به مان عشق باشدیم
 کند غلبه تقدسش عظمت برباید او به بی شد تر

جهنم 4-9

ب لافاصله (ب دکار) شریرواح تنبیه جایگاه جهنم، رایج مفهومی
 اند شده سراف کننده داور در که است آذابی عذاب محل یا مرگ از بعد

است گور همان جهنم که است این آموزته ما به آنرا اندجیل که ما عقیده
 روند می آذجا به مرگ از بعد را ب شراف رادت مامی جا بیکه

به و شده ترجمه جهنم به که به وده sheol عبری که لمه جهنم که لمه ری شه
 sheol شده اندگیسی صورت hell. شومی اطلاق سرپ و شیده محل
 که لمه، این یا بی می در خوانیم را هنم ج که لمه ما که زمانی اما است
 به لفظ صورت hell-met باشد شده ترجمه کاملاً که نیست ای کی که لمه
 نظر از بیده را سر بر ای سرپ و شی معنای و است helmet که لمه لفظ
 است گور همان hell یا سرپ و شیده مکان این اندجیل

ترجمه گور به sheol منشاء که لمه آنها در که دارد وجود زیادی مثالهای
 hell که لمه از بندرت اندجیل جدید هلی نسخه در واقع در است شده
 است تر در ست (grave) گور بصورت آن ترجمه و شده است فاده

است شده ترجمه گور به sheol که لمه آنها در که است زیادی مثالهای
 ارواح بر ای عذاب و آتش مکان عنوان به hell رایج مفهومی اساس بر همین
 است شده منسوخ، ب دکا

فروق برهلیه شان به خاموش و شوندد شرمنده بدکاران بدگذار" -
کشدیند خواهند فریاد عذاب از آنها (31:17 مزامیر). روند

"رهلندید خواهد داده، نجات مردگان عالم از مراجان خداوند اما"
hell یا قبری از که اوست بدن یا داود روح مقصود (49:15 مزامیر)
(49:15 داود مزامیر). شومدی محشور

به است شریرارواح تذبیه جایگاه جهنم که است براین عقیده
که حقیقت این با که یابند خلاصی آن از توانند می طوری که
در شومدی خارج دوباره و رومدی جهنم درون به نیز پرهیزگار شخص
او آی:" کندی تصدیق را امر این نیز 13:14 هوشع آیه است تضاد
برای دیدگر من بدم؟ نجاتش مرگ از آیا برهاندیم؟ گورچنگال از را
نکردن نیز 15:5 قرن تیان اول آیه در امر این "کردن خواهم رحم قوم این
هنگام در افرا شدن محشور صورت به گفته این و است شده
محشور (منظره) روی در هینطور. شومدی عملی مسیح بازگشت
وزمین و دریاب نابراین،" (کندید رجوع 5-5 بخش به) دوم شدن
مطابق تا دادند تحویل داشتند، خود در که راهلی می مرده بره،
که مرگ بین توازی به (20:13 مکاشفه). شوندد محاکمه اعمال شان
رجوع نیز 6:5 مزامیر به). کندی توجه جهنم و است برهان منظور
(شود).

می خداوند" است واضح بسیار 2:6 سموئیل اول آیه در حنا کلام
"خیزاندمی بر و بر دمی فروگور به کند، می زنده و میراند

رومی از تظار که هانطور است، قبری هان جهنم که این به توجه با
آن از جاودانه زندگانی به رسیدن و شدن محشور با پرهیزگار
از خروج سد پس وقت بری hell به ورود امکان رواین از یابند می نجات
حضرت مورد این در مثال به ترین دارد وجود کاملاً شدن محشور با آن
نخواهد بدنش و ماندن خواهد باقی قبری در او جان که" است مسیح
توازی به بود شده محشور او که زیر (2:31 رسولان اعمال) "پوسید
قبری در بدنش که جمله این کندی توجه مسیح روح و جسم بین
بوده قبری در مدتی برای نیز او که دارد این به اشاره ناماندی باقی
یا hell به مسیح این که و بود قبری در بدنش روز 3 یعنی است
که نیست مکانی آن که باشد این بر کافیی دلایل بدرفت قبری
شوندد وارد آن به بدکار ارواح تنها

براین بنا روند می قبری یعنی hell به بدچه و خوب چه از سازه
(53:9 اشعیا). شد داده قرار قبری در بدکار افراهه نیز مسیح

hell به نيز پ رهيزگار اف راد كه راب طه اين در است دي گم ثالهايي
نمي راي و سف غم مرگ م روز تا " بگ فت ي عقوب روندمي ق بري ا
پ يدايش) " گ ر ي ست مي ف رزندش غم از هچنان و ب كم ف راموش ت وانم
(37:35)

6:23 روم يان) است مرگ گ ناه، مجازات با ست خداوند اصول از ي كي اين
حالات مرگ كه داد ي يم نشان اين از ق بل (1:15 ي عقوب و 8:13 و
ف رد ك لي ناب ودي س بب معصيت در ح ق ي قت . است مط لق ناخودآگ اهي
ي عقوب و 12:9 مرقس و 22:7 و 21:41 م تي) او ا دي عذاب نه شودمي
قوم و (17:27، 29 لوقا) ر س ي نذد هلاك ت به س يل ب را ثر كه مردمي (4:12
مورد دو هو در . (10:10 قرن ت يان اول) مردن د ب ي ا ب ان در كه اسرا ئ يل
م ي ر ندمي شون د، مجازات جاودانه عذاب ب ا آن كه در عوض گ ناهكاران ب ا لا
جاودانه خودآگ اه عذاب ب ا شري ر اف راد كه است غ يرممكن ب ناب راي ن
ب كشدن رنج و شده ت ن ب يه

غافل خداوند ق وان بين از ما اگ ر شد، گ ف ته ق بل در هان گون ك
محسوب ما پ رونده در آنرا و ن داده ن س بت ما به گ ناهي خداوند ب ا ش يم،
گ ي ر ندمي ق رار د س ته اين در كه ك ساني . (5:13 روم يان) كرد ن خواه
زمان در ش ناسند، مي را خدا واج بات ك ساني كه ما نذ خواهند ب ا ق ي مرده
اگ ر . شون د مي زنده و گ ي ر ندمي ق رار و ري دا مورد مس ي ح دو ب ا ره ظهور
گ ناه مجازات اين ز ي را ب و د خواه مرگ آنها مجازات ب ا ش نند، گ ناهكار
مي مجازات مس ي ح، داوري ص نذ لي در ن ش د س تن ب عدا ز ب ناب راي ن . است
20:6 مكا ش ف ه آيات در كه است دوم مرگ اين م ي ر ندمي دو ب ا ره و شون د
ب ه ي عني م ي ر ندمي ب ا ر ي ك دم ر اين . است شده اشاره آن ب ه 2:11 و
دو ب ا ره مس ي ح دو ب ا ره ظهور در و روندمي ف رو كامل ناخودآگ اهي حالت
مي مجازات دوم مرگ ب ا و شون د مي زنده و گ ي ر ندمي ق رار داوري مورد
ه ي ش د گي مرگ اين ب كامل ناخودآگ اهي در اول مرگ هان ندمي شون د،
ب و د خواه

پ ا ي اني ز ي را شون د، مي ت ل ق ي " ي دار پ ا " گ ناه مجازات كه روست اين از
نمونه . است پ ا ي دار مجازاتي ه ي ش ه ب راي مردن ب دار د وجود مرگ ب راي
11:4 ت ن ذ نيه آيه در است ك رده اس ت فاده را ع بارت ه ي ن كه ان ذ يل
ف رعون ارت ش ب ا ره ي ك ناب و د س ازي از است ت و ص ي في آيه اين . است
ب راي گ ردي س پاه اين كه جهت آن از سرخ، در ي ا ي در خدا ت و سط
غرق را آنها سرخ در ي ا ي امواج ب ا او " . ن ياف ري د م ش ك لي اسرا ئ يل
" ك ر د ناب و د اين در را آنها خدا ... ك ر د

روز در دویاره شدن زنده به مؤمنان اولیه، عتیق عهد دوران در حتی
 اع تقادق بر، در ناپاك انسان دویاره گرفتن قرار از پس و آخر
 معمولاً به دکار آدم" بگوید میروشنی به 21:30.32 ایوب آیات. داشتند
 کس هیچ بید می در به سلام جان و است در امان مصدیت و بلا روز در
 اعمالش سزای به راوی کسی و کند می متهم رو در رورا شرور مرد
 و سپارد می خاک به احد ترام به ارا او مرگش به عذاب حتی بر ساند می
 از یکی (21:30، 32 ایوب) "بده می قرار ننگه بان ق برش سر بر
 در پدید موجودی شدن کشته داوری، و مسیح به ازگشت داسد تانهایی
 پدید موجود که عقیده این به ماسدله این (19:27 لوقا). او است حضور
 حال هو در دارد منافات کشته، می عذاب و مازمی هوشد یاری در حالات هیشه
 سال 70 به خاطر اب دی عذاب - است منطقی غیر حدی تا مجازات این
 نتیجه در ندارد؛ گناهکار افراد مجازات به تمایلی خدا - ندگی یز
 و 33:11 حزقیال). بوند خواهد هیشه گی مجازات که رود می اند تظار
 (3:9 پطرس دوم به رجوع 18:23.32)

این دانند می مر بوط عذاب و آتش به را "جهنم" معمولاً مرتدمسیدیان
 آنها" دارد منافات (قبر) جهنم مورد در اندجیل آموز شهای به کاملاً
 آنها مرگ زیراروند می پیش هلاکت سویی به که هس تندگ و سفندان ی
 دور و می شوند نیکان مغلوب شروران صد بدگاهن، کند می شباتی را
 (49:14 مزامیر) "پس و سد می مرگان عالم در اجسادشان خود، هلی خانه از
 آنکه به اسد تثناء است آرام فراموشی محل ق بر که میدهند نشان آیه این
 رسولان اعمال) نشد فاسد اما ماند جهنم در روز سه مسیح بدن و روح
 30- حزقیال آیات. شد می ممکن امر این بوند، آتش محل جهنم اگر. (2:31)
 آرامی به که ده می ارئه ملل قدرت مند جگجویان از تصویری 32:26
 و اندخفته آنچ در توبال و ماشك به زرگان" اند، آرمیده ق بر هلی شان در
 هه دل در زمانی که مردان این است ای شان گ رداگر در مردمان شان ق بر هلی
 ماند آنها مردن در سوا یی به حال کردند، می ای جاد و دشت و رعب
 باشکوه خود، سد پرهلی و شمشدیرها سلاحها، با که نامور سرداران
 عادی اشخاص مثل بلکه نشدند دفن شوند، می سد پرده خاک به فر او ان
 و رعب باعث خود حیات زمان در زیر ارف تند، مرگان بدن یایی و شده
 مرگان بدن یایی ق بر به ر سوا یی و خجالات به حال ... بوند و دشت
 (30-32:26 حزقیال) "اندگرفت قرار گان شده کشته در کنار و رفته

سرشان دادن قرار و سلاحهای شان به اندججویان دفن سنت جمله این
 است - قبر - جهنم توصیف این کند می به ازگورا شمشدیر روی
 آتشدین به اند آرمیده (ق بر هلی شان) جهنم در آرامش در مردان این ای نکه
 به نیز (شمشدیر نظیر) فیزیکی اشیاء ندارد مطابق جهنم بدن
 روحی عذابهای صدنه جهنم که ده می نشان این و رود می جهنم همان

تو با تو و پول " بگفت گناهکار مرد به پطرس رو این از بدیست این بانیز یونیس سرگذشت (20:8 رسولان اعمال) ". شد خواهد دفن از " بدو، شده بدعبده بزگ ماهی یک تو وسط که او دارد تضاد مسدوله سختی، هنگام به بگفت کرده دعا خدا خدای خداوند، نزد ماهی شکم قلب (2، 1:2 یونیس) "پراوردم فریاد مرگ عالم از... خواندم را خداوند معنی به که بدو بدو شده محل نهنگ شکم است نهنگ معده هان جهنم ن بود آتش محل آن که است روشن است جهنم آن شده ترجمه sheol که لمه خارج جهنم شکم از یونیس برگرداند، بیرون به را او نهنگ وقتی و آیه به (قبر) است "جهنم" از مسیح دوباره شدن زنده هان این شد که نیداهنگ 12:40 متی

مجازی آتش

تا است کرده است فاده اب دی آتشی ایده از مکرراً اندجیل حال این با کامل ناب و دی موجب که گناهی دهد نشان گناه به نسبت را خدا خشم 7 آیه) شد مجازات "اب دی آتش" با سدوم شود می قبردگ گناهکار شهرن امروز شد ناب و کاملاً مردمانش گناهکاری بخاطر و (یهودا است گرفتار به حرالمیت آبهای اعماق درواست ویرانه آتش با هرینطور نیز اورشلیم ندارد وجود آن در آتشی هیچگونه هادروازه این آنگاه: شد تهدید اسرائیل گناهن بخاطر خدا خشم اب دی را آنها و کند سرایت کاخهای تان به که آتشی کشید، خواه آتش به را ارمیا) "کند خاموش را آن هلی شعله ن تواند کس هیچ و ببرد بین از خواهد آید ملکوت پای تخت اورشلیم ای که به علم با خدا (17:27) مطلب این از ما که خواست نمی، (2:48 مزامیر و 2:2-4 اشعیا) شد دوم) سوختند آتش با اورشلیم بزگ هلیخانه که نیم لفظی برداشت بنماند روشن هیشه بر آتش اما، (9:25 پادشاهان

روز ادون" که کرد مجازات آتش با را ادون سرزمین خدا ترتیب بهمین نسل، اندر نسل خاست، برخواهد آن از دود اب دتا و سوخت خواهد شب و... نمود خواهند اشغال را سرزمین آن کلاغها و جغد... ماند خواهد ویران که دیدیم (9:34-15 اشعیا) "خارخواه از پوشیده هلیش قله و قصرها پس دادند، ادامه زندگی به ادون هلی خرابه درگناهن و حیوانات اشاره مکان آن کامل ناب و دی و خداوند خشم به قطعاً اب دی آتش اصطلاح بگردد قرار توجه مورد آن لغوی معنای نباید و دارد

به دقیقاً شوندمی ترجمه "هیشه بر آتش" که یونانی و عبری عبارات به عبارت این هیشه، نه اما گاه، گاه هسند "عهد این بر آتش" نایم مع

حزق ۱۵، ۱۴: ۳۲) یال هلی آیه به ملکوت عهد مثل دارد، اشاره ظاهری نهایی تیدی و شد فاف مصر آبهای پس: "است امر این هلی نمونه از ی کی ۳۲: ۱۴: ۱۵) هس تم خداوند که من را این بدود، خواهند صاف زی تون روغن مثل روان ب بین از است آن در هوانچه و ک نم ویران را مصر ههنگام بک بگ وید می (۳۲: ۱۴، ۱۵) حزق (یال) "هس تم خداوند من که دانست خواهد او آنگاه ب برم، است "اب دی آت ش" در "اب دیت" درک راهی از ی کی این

به اسرئیل و اورشلیم گ ناهن از خداوند قهر و خشم ب اره و ب اره خواهد فرور خود غضب و خشم آتش من پس: "است شده ت شد بیه آتش و ۷: ۲۰ ارم یا) "اکند خاموش را آن ت واندست نخواهد کسی و... ریخت (۲۲: ۱۷) پادشاهن دوم و ۴: ۱۱ ارم یا مرثی شامل دی گرم ثلهای

بازگشت در مخصوصاً گ ناه، در باره خداوند داوری با هچنین آتش ت نوری مثل داوری روز: "است شده داده پ بوندن یز مسیح، عیسی می گاه ماند را بدکار مغرور اشخاص هه و میرسد فرآور له شع خواهند خاک ستر و سوخت خواهند ری شه تادریخت ماند آنها سوزاند به آتش در سوختن از پس انسان جسم حتی یا و گاه (۴: ۱ ملاکی) "شد انسان، جسم مخصوصاً عنصری، که است غیر ممکن بگ ردمی باز خاک ت واند می "اب دی آتش" عبارت ب نابراین زدد سو هیشه ب رای واقعاً سوختن ب رای چیزی اگر ب باشد داشته اشاره اب دی عذاب به حقیقتاً خاطر باید باشد داشته دوام هیشه ب رای ت واند می آتش نباشد، (۲۰: ۱۴ مکاشفه) "است آتش از ای دریچه" هاند "جهنم" که کردن شان ب لکه نیست؛ "آتش دریچه" نها جهنم که معناست این به نکته این هان به مکاشفه درک تاب است کامل ناب ویدی بیاندگر نکته این شد، خواهد ویران ت مامی به گ وره که است آمده نمادین شد یوه و سد بک ب وند نخواهد در کار مرگی دی گرهاره پ این در که چرا

جهنم (Gehenna)

شود می جمهر "جهنم" به که هست ی و نادی یواژه دو جدید، عهد در اش در باره پ بیدتر که است "sheol" ع بری یواژه معادل "Hades" که اورشلیم از خارج در ست ب وددانی زب اله نام "جهنم" دادیم ت وضح در امروزه هلدانی زب اله گ ونه این سوزاند می را شهر هلی زب اله آنجا در از خارج در "دود کوه" مثل) دارد وجود ت و سعه در حال شهر هلی از بساری (ف) یل ی پین پ ای تخت ماند یل، شهر

جاي به را واژه اين - واقعي مكاني نام ي معني - خاص اسم يك عنوان به يواژه كردندمي ترجمه نبايد اصلاً ك نند ترجمه "جهنم" به كه آن است "Ge-ben-Hinnon" ع بري يواژه معادل آرامي زبان در "جهنم" در و، (15:8 ي و شع) ب و د واقع شد يماور نردي كي در "Ge-ben-Hinnon" هچ نين رفتمي كار به شهر داني زب الة عنوان به مسيح ع يسي زمان انداخ تند، مي سوختمي آنجا در ه يشه كه هلي ي آتش در را جان بيان جسد شدت بديل كامل ناب ودي و طرد نماد به جهنم رو اين از

انداخ تندمي هآتش آن در را چه آن كه كرد خاطر نشان بايد ب اريد نگر خاك ستر و خاك به اجساد واقع در - سوختنمي آنجا در ه يشه بري در (12:29 ع بران يان) "است سوزاننده آتشي ما، خدائي . شندمي تجزيه راگ ناهكاران گ ناهن، به ن سبت او غضب و خشم آتش ق يامت، روز زنده تا ك ندر ه سوختن در حال را آنها كه آن نه كرد، خواه ناب و د خداوند پ يشدين هلي داوري كه ب ياوريم ب ياد را هنگامي آن ب ماندند جسد از جهنم ه، ب اب لي پادشاهي زمان در اسرا ئيل، قومش، به ن سبت (7:32، 33 ارميا) پ ر شد قوم گ ناهكاران

در كه را هلايده اين تمامي خود اي اس تادانه اي شد يوه به مسيح ع يسي مي غالباً او آورد جمع "جهنم" يواژه يك ه ين در است آمده ع تيق عهد در " شوندمي طرد خداوند داوري و داوري مسند پ اي از كه آنها فرمود و طرد هلي ايد ه جهنم (9:43، 44 مرقس) " اف تندمي جهنم امان بي آتش اب دي آتش كه ديديم و كرد، مي زنده يهودي ان خاطر در را جسد ناب ودي ناب ودي و گ ناه به ن سبت خداوند غضب و خشم كه است ع بارت ي دهدي نشان را مرگ واسطه به گ ناهكاران جاودانه

ع بارت ه ين از ب خشي آشكارا "ميردني آنها كرم كه آنجا" به اشاره اصلاً كه با شد هلي ي كرم است غير ممكن - است كامل ناب ودي نمادين قوم اشرا و گ ناهكاران پ يشدين هلي مجازات مكان جهنم كه اين ن ميرند در مسيح ع يسي نوق و مهارت ب يان نگر پ يش از بيش است دهد و است واژه اين از است فاده

هلي رسش : 4 فصل

1- اف تندمي ات فاق ي چه مرگ از پ س

رودمي آسمان به روح (الف)

به ريدمي به سر ناناگ اهي حالت در (ب)

شودمي نذيره جايي در قه يامت روز تا روح (ج)

رودمي آسمان هب نديکان روح و جهنم به اشرار روح (د)

2- چه يست؟ جان

ما وجود نام يراي به خش (الف)

"مخلوق شخص، جسم، معنای به است ايوازه (ب)

است روح هان دقيقاً (ج)

رودمي جهنم يا آسمان به مرگ از پس که چه يزي (د)

3- است؟ به يهوشي و ناناگ اهي از حال تي مرگ آيا

به له (الف)

خير (ب)

4- چه يست؟ جهنم

اشرار جاي نگاه (الف)

دن يا اين عذاب و رنج (ب)

گور (ج)

خدا ملکوت: 5 فصل

ملکوت تعریف 5-1

به دادن پاداش خداوند هدف که اندداده نشان که تاب این قبلی فصلهای که است مسیح به ازگشت هذگام به اب دی زندگی با خودش مؤمنان در خداوند مکرر هلی وعده شد خواهد سپری زمین روی اب دی زندگی این به شت به مؤمنان که اندد کرده اشاره نکته این به گاه هیچ زمین نه این خداوند هلی وعده شکل به (4:23 متی) "خدا ملکوت مژده". رفت خواهند (3:8 غلاطیان) شد وحي اب راهیم به زمین روی اب دی زندگی در باره که است مسیح به ازگشت از پس زمان "خداوند ملکوت" بنا بر این، فرمانروای در نهایت خداوند آنکه با وجود یابندمی تحقق هلو عده این جهان بر داده اختیار به شر به است، حاضر حال در حقیقت کل باشد داشته تسلط خواهد که شکلی هو به خودش زندگی باشدمی "بشر ملکوت" صورت به جهان حاضر در حال بنا بر این (4:17 دانایال).

اومسیح و ماونددخدا از آن جهان سلطنت "مسیح به ازگشت زمان در و اراده زمان آن در (11:15 مکاشفه) "است سلطان اب دتا او و میشود این نرو از شد خواهد اجرا زمین در آشکار و کامل به طور خدا هلی خواست خواهد گردد به رقرارت و ملکوت": است عبادت ما به مسیح دستور (متی) "دشو اجرا نیز زمین به اجراست، مورد آسمان در آنچه ناکه تو و ملکوت" با که است بارتی "خداوند ملکوت" دلایل، این به (6:10) توجه (4:11 مرقس به رجوع 13:11 متی) است معاوضه قابل "آسمان خواندیم؛ نمی را "آسمان در ملکوت" عبارت هرگز ما که باشد داشته به رروی او به ازگشت زمان در مسیح توسط که است آسمان ملکوت کامل به طور آسمان در خداوند اراده چون یافت و اهدا است تقرار زمین در بنا بر این (19:103-21 مزامیر) شودمی اطاعت فرشتگان توسط خواهند پرهیزگاران تنها زمین ساکنان خداوند، آینه ملکوت زمان (20:36 لوقا) "برابر زنده فرشتگان با" که که سانی به ود،

نتیجه مسیح شت به ازگشت زمان در خداوند ملکوت به ورود بنا بر این درکی داشته تن دل به زمین نیست؛ این در ماتلاشهای تمام نهایی و 25:34 متی) است حیاتی به بسیار خداوند ملکوت مفهوم از صدیح آموزش به عنوان که مسیح مورد فریاد موعظه (14:22 رسولان اعمال "مسیح عیسی نام و خداوند ملکوت" به مربوط چیزهایی دهنده

ما به خود بخش هو در. (8:5:12 ر سولان اعمال). دشومي تو و صديف موعظه اصلي مد توای "خداوند ملکوت" چطور که ک ندمي يادآوری به ناب راين. (28:23:31 و 20:25 و 19:8 ر سولان اعمال) است به وده پ ولس حياتي به خش اي نکه به بات وجه خداوند ملکوت اصول از ما کامل درک ما". است زيادي به سيار اهيت يدار ادهمي تشکيل را به شارت پ يام اعمال) "ب گذران يم را خداوند ملکوت به ورود سخت آزمايش به ايد دارد وجود دن يا اين ت وذل پ ايان در که است نوري اين؛ (4:22 ر سولان زندگي در که فداکاري هاي ي انجام به راي اي ستانگ يزه اي نرواز و دارد وجود مس يحي واقعي.

به) شود به اخ بر دن يا آيه نده از خواستيم به ايل، پ باد شاه ال نصر، به خت از شده ساخت به زرگ اي مجسمه او به ه. (ک نيد ن گاه دان يال دوم به باب ن شان به عنوان را آن سرطلايي دان يال. شد داده ن شان مخ تلف ف لزات به و دقرار او به عدا. (2:38:2 دان يال) کرد ت فسير به ايل پ باد شاه دهنده که به ياد در ايل اس اطراف در به زرگ ام پراطوري هاي از جان شيني و پ اهلايدديد که هانطور" آن در که شود موقعي تي آن نتيجه مي ن شان اين به و دگل از ق سمي و آهن از ق سمي مجسمه ان گش تهاي مثل آن ق سمي تهاي از به عضوي و شد خواه ت ق سيم سلطنت اين که ده (2:42:2 دان يال) "به و د خواه ضعي ف گل مثل به عضوي و قوي آهن

به عضوي شود، مي نيم دو ملتها به بين جهان در حاضر در حال قدرت ت وازن به که دي در ا کوچکي سنگ دان يال س پس. ضعي ف به عضوي و قوي کوه يک به ت بديل خود و کرد وي ران را آن کرد، به رخورد مجسمه پاي ن شان سنگ اين. (2:34:35:2 دان يال) پ رکرد را دن يا ت مام که شد به زرگ و 2:20:2 اف سديان و 4:11 ر سولان اعمال و 21:42 متي) به و د مسيح دهنده دهندن شان کرد خواه اي جاد زمين ت مام در او که کوهي (4:2:8-2:4 پ طرس اول اين. شد خواه اي جاد وي دوم آمدن زمان در که است خداوند جاويد ملکوت خواه زمين در که است به رملکوتي گ واهي خود خودي به پ يشد گويي آسمان در نه به و د

است تقرار کامل به طور مسيح به ازگ شت زمان در ت نها ملکوت آيا اي نکه داوري و مسيح از پ ولس است دي گر به خشهاي موضوع يافت، خواه مي سخن "مسيح عيسي و خدا پ يشد گاه در "مردگان و زندگان به روي (4:1:4 ت يموت ائوس دوم). گويد

کوه يک به صورت خداوند ملکوت مورد در را دان يال نظر 4:1 ميکاه آيه مشهورت رين خداوند خانه کوه آخر، روز هلي در اما و": کرد ت به بير عظيم به روي ملکوت اين اي نکه از ت و صدي فسي س پس شد؛ خواه جهان کوه

داود تخت مسیح به خداوند (1:4-4 م یگانه) آید می‌باید و خواهد چطور زمین او سلطنت... و خواهد بزرگ مردی او" : بخشد خواهد را اور شد لیم در کندی ای جاب نکته این (33، 1:32 لوقا) "ایافت نخواهد پایدان هوگرتخت بر حکومت به شروع عیسی آن در که باشد داشته وجود زمانی مسیح بازگشت زمان این. شومدی آغاز اش فرمانروایی و کندی داود دان یال آیه به "ایافت نخواهد پایدان هوگرتخت او سلطنت" جمله بید خواهد واگزار او به را داود جدش سلطنت تخت و خداوند" : شومدی مر بوط 2:44 آیه "کند سلطنت اسرائیل قوم بر رهیشه براری تا کرد خواهد وضع بیت چگونگی تو صدیف در مشابیهی زبان از 11:15 مکاشفهاز آن جهان سلطنت" : کندی است تفته بازگشتش زمان در مسیح (11:15 مکاشفه) "است سلطان ابد تا او و شد او مسیح و ما خداوند ملکوت که باشد داشته وجود مشخصی زمان بید که تاس ذکر شایان بازگشت هنگام زمان این و شود آغاز زمین روی مسیح حکومت و خدا بید خواهد وی.

نویست ملکوت زمان ای نک 5-2

بطور اکنون خداوند ملکوت که دارد وجود و سیدی سطح در تصویر این نظر در راگ بیدارد در را - "کلیسا" - مؤمنان و دارد وجود کامل و اندیافت ته نجات واقعی مؤمنان اصلی، ملکوت در که بیدگیریم شکت و انندی است، شده بخشدیده آنها به بالقه بصورت مکانهای تی وجه بیداشیم، ملکوت در کامل بطور توانیم می اکنون ما که داشت کند ای جادرا آن تا است بازنگشته هنوز مسیح ای نکته به

بدن" که شومدی مشخص ای مکرده برر سی نون تا ک ما آنچه مجموع از ملکوت واردت و اندندی است، شده ساخته خون و گشت از که خاکی اول) "بید تند جاوید زندگی خور در مافانی بدنهایی این و شود، خدا به خدا که ملکوتی هستیم، خدا ملکوت وارث" ما (50:15 قرن تیان ای نکته به توجه با، (5:2 یعقوب) "است داده وعده خود دوستداران شامل که هلی وعده - سازدمی ابراهیم هلی وعده وارث را ما تعمید، (27:3-8:29 غلاطیان و 23:4 متی) باشدندی ملکوت اولیه بشارت بازگشت در زمان ملکوت وارث هلی وعده که است بیعی بنابر این تحق ابراهیم به شده داده هلی وعده که زمانی هم آن یاید، تحق مسیح و 5:21 غلاطیان و 15:50 و 6:9:10 قرن تیان اول و 25:34 متی) یاید می آید در وارثت بر حاکمی جملات از فراوان است تفته (5:5 اف سدسیان

بديست مؤمنان به متعلق حاضر در حال مؤمنان ملاکوت که دهومي نشان کردند مي فرماید که گفت که ساني راهنمايي براي تمثيلي مسيح چنين پس شد خواه آغاز موقع همان خدا ملاکوت که کردند مي تصور کرد مي زندگي ايزادهن جيب رم، ام پراطوري ايلات از يکي در فرمود به ام پراطور جاذب از تا کرد، پاي تخت به درازي و دور سد فر او روزي ضمن در "بدرگ ردد و سد پس شود منسوب ايلات آن پادشاهي مقام به وقتي" گداشت جا به مشخص ولي تهامي مسي را خدمت گزاراني ببا بپندت اخواند فرار خود سد تياران بازگشت، خود ايلات (11:19-27 لوقا) "انداورده بدست سود مقدار چه و اند کرده چه پویش

"دست دور که شور" سوي به که است مسيح دهنده نشان منبش بزگ مرد هبوط يعني داوري انزم در و رودمي خود ملاکوت گرفت تن براي آسمان خدمت گزاران که است غير ممکن ايز نرو از بگردن بازمي آن هراه مجدد شوند ملاکوت ملاک خود اخ تيار صاحب غيبت زمان در اکنون

دهمي ارائه مسدله اين براي ديگر ب رهن زي ر موارد

متعلق من پادشاهي فرمود عيسي" گويدمي دردمندان مسيح - مي اوزمان آن در حتي اينحال، با (18:36 يوحنا) "بديست دنيا اين به مي نشان اين، (18:37 يوحنا) "همدم فرمانروايك من" بگويد، ت و اند اکنون که ملاکوتي معنای به مسيح کونوي فرمانروايي که دهد بعنوان اول قرن در مؤمنان حتي بديست باشد يافت اسد تقرار اند شده و صديف (15:43 مرقس) "خداوند ملاکوت ظهور" مدنظران

نوشيدن خواه شراب دوباره هوگ ز او که گفت حواري و نش به مسيح (26:29 متي) "بنوشم پدرم ملاکوت در شما با تازه را آن که روزي تا" شود بقرار آينده در است قرار ملاکوت که دهمي نشان و ضوح به اين (پيش از اعلام يعني) بشارتها "مسيح موعظه از مردم تالقي همان که که کسي خوشاب حال" (8:1 لوقا) است "خداوند ملاکوت مورد در (14:15 لوقا) "اکند شرکت (آينده در) خدا ملاکوت در ضيافت

راملاکوتي من": دهمي ادامه را موضوع اين 30، 22:29 لوقا آيات - خواهي من سرفره بر سر من ملاکوت در تو که که نمي تعيین تو براي "نوشيد خواهي و خورد

ببان دهنمي وي بازگشت از خبر که راهلي بيشانه مسيح - اين که بپنديمي وقتي" که کردگ بريز تيج ايزگونه و کرد خواه آغاز خدا ملاکوت بزودي که بداند هس تند، وقوع حال در رويدادها

از ق بل اک نون، ملکوت اگ راست معني بي کاملاً که (21:31 لوقا) ". شد
باشد داشت ته وجود او بازگشت

- خدا ملکوت وارد سخت، تجر بيات از باگ ذشتن بايد ما"
مؤمن هر که ندارد ت عجب بي بنا راي ن (14:22 رسولان اعمال) ". شويم
ک ندمي عبادت ملکوت به رسيدن ب راي اشد ت ياق با ايک شديده رنج

- (اول) "است ف راخوانده خويش ملکوت به رات و" خداوند
ورود راه جس تجوي در بايد مقابل در ما اک نون و (2:12 تسالونيك بيان
که (6:33 متي) باشد يم معنوي زندگي طريق از ملکوت به

گذشته در خداوند ملکوت 3-5

ترتیب، این به به ود خواهد مؤمنان آید نده پاداش خداوند ملکوت
از تقلید وقف که است زندگي نوعي داشتن ب راي آنها ان گیزه
در مدت کوتاهی پذیرا احت و رنجه که چيزي - شويم مسيح الگوي
میل با آنها روز هلي تمام که رومي ان تظار اي نروان داشت ب رخواه
ب گذرد آید نده دوران از شدگفته بيهايي درک و تقدير به ايفاي نده
که است خدایي کامل قبول و آنها معنوي تلاشهاي تمام نتيجه اين
باشند داشت ته دوس تش پ در بعنوان تا اند شده آف ریده

تمام که مشابهي مقدس کتابهاي از کمي بسيار تعداد نيافت ب راي
باشد داشت ته به ود، خواه چگونه ملکوت اينکه مورد در راجز بيات
اصول ب عضوي درک ب راي راهها از يکي کرد صرف را عمر تمام بايد
گذشته در خداوند ملکوت که است مسئله اين درک آید نده ملکوت اوليه
زمان در ملکوت اين است داشت ته وجود اسرئیل ملت شکل به
انجيل از اي عمده بخش يافت خواهد اسد تقرار دوباره مسيح بازگشت
مختصراً ب توانيم ما تادهمي ما به اسرئیل ملت مورد در اطلاعاتي
شد خواه سازمادهي چگونه خداوند آید نده ملکوت که ک نيم درک

است شده تصريف "اسرئیل فرمانرواي" بعنوان مکرراً خداوند
و 89:18 و 48:2 مزامير و 43:15 و 41:27 اشعيا به رجوع 44:6 اشعيا)
آنها به ونددوي ملکوت اسرئیل مردم که است آمده آن بدنبال؛ (2:149)
از او فرار ب عذاب کوتاهي مدت سيدنا کوه در او با پيماني با بسندن
در آنها شدند تبديل خداوند ملکوت به سرخ دريامي ميان از مصر
و ... خدا ملکوت به تبديل "خدا، پيمان حفظ به اشد ت ياق شان مقابل
مردم هنگام يکه" اينچنين (6، 19:5 خروج) "شدند مقدس ملتي
مکان يهودا آمدند، ب برون ب يگانه سرزمين آن مصر، از اسرئیل

(2، 104:1 مزامير) "او سلطنت محل اسراء يل و شد خداوند عبادت
 سينا صحراي از نيل اسراملت توافق، اين به رسيدن به عدا
 خداوند چون شدند ساكن كنعان موعود سرزمين در وگذاشتند
 و جدعون يعنئ) "داوران" پادشاهان، جاي به و بود آنها فرمانرواي
 بلكه نبودند پادشاه داوران اين كردندمي حكومت آنها بر (سامسون
 سرزمين، تمام بر حكومت جاي به كه بودذد الهي شده هدايت مديران
 بوسيله اغلب آنها راننددمي حكم كشور از معيني به خشهاي بر
 و توبه بسوي اسراء يل قوم هدايت متل ويژه مقاصد براي خداوند
 وقتي شدندمي داده پرورش دشمنان شان دست از آنها رها كردن
 داد پاسخ او باشد آنها پادشاه كه خواستند داورجدعون از اسراء يل بيان
 (8:23 داوران) "شماست پادشاه خداوند... شوم نمي شما پادشاه من نه،"
 خواستندمي اسراء يل بيان وي زمان در بود سموئيل داور آخرين
 خود اطراف ملتهاي هانند تا باشندداشته انساني پادشاهي
 حقيقي مردمان تاريخ، سرتاسر در (6:5.8 سموئيل اول) باشند
 به اهيت كم داخ بار خود رواب ط نزيديكي كه اند شده و سوسه خداوند
 بكنند خود اطراف دنياي باشد باهت داشتتن فداي را آن و آورد حساب
 باست فعلي دنياي در مسئله حادثه رين حال زمان در هلو سوسه اين
 نمي ديگر آنها كردندردمرا آنها بكندي شكوه سموئيل نزد خداوند
 خداوند اي نحال با (7:8 سموئيل اول) "باشم اي شان پادشاه من خواهند
 داود او به عدا ببود بدكار شاول آنها اول بين كه كرد عطا شاهني آنها به
 رسيدند حكومت به او به عدا شاهن از كامل اي سلسله و آمدن يكوكار
 اسراء يل كه بر رنددي ببودندت روحاني ذهني داراي كه پادشاهني
 اندند پذيرفت را او فرمانروايي آنها اگر چه است خداوند ملكوت هنوز
 خداوند سوي از بلكه خود ذات به نه كه فهميدند آنها بنابر اين
 اندكردهمي حكمراني بر اسراء يل

پسر سليمان، تو صديف معناني كه سازدمي قادر را ما اصل اين درك
 اي شان پادشاهي به رات و "جمله از كردمي حكمراني بر آنجا كه را داود،
 (8:9 ت واريخ دوم) "اكني طنت سل آنان بر ان صاف و عدل به تاگمارده
 ملكوت به سليمان بزرگ سعادت و آرامش با هراه حكومت بكنيم درك
 است دل بيل به مين، (بود آن از اي نمونه يا) كردمي اشاره خداوند آينده
 هانطور بود خداوند سوي از اسراء يل فرمانرواي او شومدي تاكيد كه
 جلوس خداوندت ختبر اسراء يل فرمانرواي به عنوان نيز مسيح كه
 (12:13 و 1:49 يوحنا و 27:37.42 متي) كرد خواه

خداوند داوري

تو قسم بد بخش دوبه اسرئیل سرزمین سلیمان، ارتدادند نتیجه در از نیمی و بنیامین یهودا، قبایل بر سلیمان پسر رحبعام، شد؛ دیدگر قبیله ده بر ریب عام در حالیکه کردمی حکومت منسه قبیله افرائیم یا اسرئیل قبیله، ده این سرزمین کردمی حکمرانی این مردم اکثر باشد تند نام یهودا دیدگر، قبیله دو و شدمی نامیده که کردندی ادعا آنها - کردندی پیروی سلیمان بدالگویی از قبایل اطراف ملل بدتهای حال در عین و دارند ادعای تقاد حق پیغمبر خدای به کردندی پرستش.

توبه تا پرخداخت آنها راهنمایی به پیامبران بدو سبیله دخاوند به ازهم از راندن بدیرون بهارا آنها دلایل همین به بدداشت سودی اما کندن کار این کرد مجازات دشمنان شان سرزمین سوی به اسرئیل ملکوت بدردن اسارت به و اسرئیل به به باب لیان و آشوریان حمله طریق از توسط خود روح بدو سبیله و کردی مدارای شان با سالها": شد انجام آنها بداز پس بدکردند توجه ای شان ولی دادی، هشدار ای شان به اند بهاء (9:30 نحمیا)". شوند مسلط ای شان بدیدگر قومهای دادی اجازه

خوبی فرمانروایان وجه به هیچ اسرئیل ای قبیله ده سرزمین بداد شاهن کتاب در هگی غیره و یهواخاز اخاب، پرب عام، نام بدداشت آنها بداد شاه آخرین حکومت زمان در است شده بدت بدپرست بد عنوان بدده اسارت به قبیله ده و شد مغلوب آشورت توسط اسرئیل هوشع، بداز بدگشتند هوگ بد بدبه زمان آن از و (17 بداد شاهن دوم) شدند

و حزقیایمانند) داشت خوب بداد شاه تعدادی یهودا ای قبیله دو سرزمین مردم، مکرر گناهن دلایل به بدو بددند بد آنها اکثر اگر چه، (پوشد یا از رایهودا خداوند صدق یا، آنها، بداد شاه آخرین سلطنت زمان در خداوند به به باب لیان حمله اثر در مسدوله این کرد خارج خویش سرزمین مقام آنها. (25 بداد شاهن دوم) بدرد بدایل به اسارت به را آنها که آمد بدوجود آنها سایه در آنها از بدعضی آن بدعزاز و ماند بدایل در سال فاده بدمدت بدرگ شدند اسرئیل به نحمیا و عذرا هبری

سلطنت حت و ن شدند خود آن از بداد شاهی صاحب دوباره دیدگر آنها رومیان حکمرانی دوره در مسیح بدو دند رومیان و یونانیان بدایل لیان، در رومیان رفتند، پذیرا مسیح دعوت اسرئیل لیان چون شد زاده ساختند بدراکنده جهان سراسر در آنها و تاخ شدند آنها به 70 سال بدازگشت و کردند بدازگشت به شروع آنها گشت سه سال صددرتها (کدید رجوع 3 ضمیمه به) دادند نویدرامسح

ملت در که همانطور را خداوند ملکوت پدایان این 25:21-27 حزق یال آیات روز اسرئیل، پادشاهی تو و": کردب ینی پیش شدیده اسرئیل یدار سرت از راج و عماله است رسیده فرانی و نهایی مجازات ینی).ماندن خواهد باقی سابق ترتیب به چه یزی دیدگر پس این از ساقط، را سلطنتی سلسله این من... (پد شده تمام صدق یا سلطنت که زمانی تا کردن خواهد باندرس دیدگر و نمود خواهد ساقط ساقط، "ب خشد خواهد وی به را چه یز هه آنگاه. شود ظاهر آن حقیقی وارث خداوند ملکوت پدایان برای پد یام بران ک تاب قطع به قطع کندی سوگ واری

حمله سه به 25:21-27 حزق یال آیات در سقوط کلمه به ارسه سه تکرار دان شجوی. کندی اشاره بایل پادشاه ال نصر، بخت و سطر شده انجام ملکوت موازی رف تار چه گونگی از دیدگری نمونه هلایه در این دقیق شد ب رک نار خداوند ملکوت از صدق یا ینیندی را آن پادشاه و خداوند در که شکلی به خداوند ملکوت ب ناپراین. (ک نیدن گاه 5:2 ب خش به) برسد پدایان به ب و د اسرئیل ملت دست

این است تقلال به شکست در هم را اسرئیل قدرت بزودی خواهمی" زمانی تا ب و دن خواهد دیدگر آن" جمله (1:4 هوشع)" بدم پدایان قوم ب ر حق شخص" که زمانی ملکوت، که است مفهوم این متضمن "...که تخت" خداوند. شد خواهد ادیا "کند واگ دار او به را آن خداوند و بیاید پدایان هرگز او سلطنت... کرد خواهد واگ دار او به را داود جدش سلطنت مسیح ب ازگشت هنگام در - (1:32، 33 لوقا) "یافت نخواهد خواهد حقیقت به ملکوت ادیا وعده که است زمانی این ب ناپراین، پدیوست

اسرئیل حیات جدید

ملکوت ادیاء که دارد وجود تیق عهد سرت اسر در وسیع ای در و نمایه مریدان کندی پدیشگویی را مسیح ب ازگشت هنگام در خداوند به که دیدگر بار": ب و د آماده مسئله این برای ب خودی مسیح که است زمان همین در آی خداوند، پد رسیند او از شد، ظاهر ای شان ینی "«کرد؟ خواهی ب ر رار ب از را اسرئیل رف ته دست از حکومت "یافت؟ خواهد قتیح اکنون هم 27:21 حزق یال آیه در شده داده وعده آی" نخواهند را وی دوباره آمدن دقیق زمان هرگز آنها که داد ب اسخ مسیح او که دادند اطمینان آنها به آن ب عدا ب لاف اصله ملائک اگر چه دانست (1:6-11 رسولان اعمال) گشت ب از خواهد بزودی حقیقتاً

مسیح دوباره آمدن زمان در اسرائیل / خداوند ملکوت احیاء بنابر این در بایدهمسیح" خداوند که کرد موعظه چنین این پطرس بدو خواهد اول حال به و شود پناگ ناه آلودگی از چیزهه تا بماند آسمان". است گفته الهی این بپایه تمام دهن از خدا را موضوع این که بازگردد را خداوند ملکوت دوباره است تقرار دوباره، آمدن (21، 20:3 رسولان اعمال) داشت خواهد در پی اسرائیل قدیم ملکوت حیات تجدید انعنوبه

به وده "الهی رسولان" تمام کلام حقیقت به خدا ملکوت دوباره است تقرار است.

هنگام) نشست خواهد پادشاهی تخت بر داوود نسل از کسی آنگاه" خواهد حکومت مردم بران صاف و عدل با و (33:1:32 لوقا) - ظهور دومین (5:16 اشعیا) "بدر خواهد است تواراستی و بر رحمت او حکومت کرد

دوباره است ویران اکنون راکه داود سلطنت زمان، آن در آنگاه" - عاموس) "گرداند خواهد باز ساقش عظمت به را آن و کرد خواهد بر پنا است رسد تاخیز زبان آشکارا، عبارت، آخرین (11:9)

انها و داندگ ر خواهد باز ای شان به را گزده ته دوران کامیابی" - (20:30 ارمیا) "ساخت خواهد پادار و است توار

برکت را آن تاگزید بر خواهد را اورشلیم دیدگر بار خداوند خواهد خویشت جهانیه ملکوت پایی تخت را آن و (12:2 زکریا) "دهد (2:2-4 اشعیا و 2:48 مزامیر به رجوع). ساخت

اولش مثل رهدوبارا اورشلیم هلی کوچه و یهودا شهرهلی من" - صدای و شادمانی و سرور آواز دیدگر بار مکان هین در... ساخت خواهد این دوباره من زیرا... شد خواهد شد یه داماد و عروس شاد... ساخت خواهد کامیاب و سعادت مند اولش مثل را (اورشلیم) سرزمین شمار و چرانید، خواهند را خود هلیگ له چوپانان باریدگر (7:33-13 ارمیا) "بیافت خواهد فزونی جاهه ردگ و سفندان شان

"اسرائیل امید" همان حقیقتاً ملکوت است تقرار بر رای مسیح بازگشت شت. شویم مرتبط آن به تعمید و سیدله به بایدهماکه است

آی نده در خداوند ملکوت 4-5

ای نکه به مر بوط اطلاعات ن س بی مقدار به ف صل این 3 و 1 ب خ شهای
اب راهیم به ای مدیده ما است داده اراده ارا ب ود نخواه چ گونه ملکوت این
دن یا ق س م تهای ت مام مردم وی ذریه ب واسطه که است شده داده وعده
معنی این به ر اف وق م وضع 4:13 روم یان آیه . شد خواهند آمرید ده
ت مام وارث مسیح مان ند هس تند اب راهیم ذریه که آنها ی که ده می ب س ط
دان یال دوم ب اب در آمده اس تعاری ی پ یش گوی ب ود خواهند زمین
زمین به کوچك سنگ شکل به مسیح چ گونه که ده می ت و ضیح
گ س ترده دن یا سرتا سردر تدریجاً ملکوت س پس و گ شت ب رخواه
خلاف ب ر که معناست این به این (72:8 مزام بر به رجوع). شد خواه
سرزمین یا اور شل یم در ت نها خداوند ملکوت ای، عده اع تقادات
اصلی سرزمین مطمئناً مناطق این اگ رچه ب ود، نخواه واقع اسرئ یل
ب ود خواه آن

وکاهن پادشاه" ک نند، پ یروی مسیح از دن یا این در که ک سانی
ب ا مکانها ت مام ب ر ما (5:10 مکاشفه) "ر ساندی سلطنت به و ساختی
حکومت شهر ده ب ری کی . راند خواهیم حکم مخ تلف ت عداد و ه انداز
حکمرانی در مسیح . (17: 19 لوقا) شهر پ نج ب ر دی گری و کرد اهخو
دوم و (2:27 مکاشفه) شد خواه شریک ما ب اب رزمین خویش
ب ر (عیسی) عادل پادشاهی که رسیده خواه زمانی" (2:12 تیموتائوس
را مملکت (مؤمنان) ان صاف ب ا ره برانی و نشست خواه سلطنت ت خت
45:16 مزایر و 32:1 اشعیا) "کرد خواهند اداره

داود شده ب ر پ ادوباره ت خت ب ر ه یش ب رای مسیح که است مقرر
که را داود ف رمانروایی مقام و جاوی یعنی، (33، 32:1 لوقا) ک ند حکومت
حکم اور شل یم از مسیح چون داشت خواه اخ تیار در ب ود اور شل یم
قه منط این در ب ود خواه آی نده ملکوت پ ای تخت شهر این راند، خواه
در مردم در حال یک، (40-48 حزق یال) شد خواه ساخته مع بدی که است
این . (1:11 ملاکی) پ رداخت خواهند خدا پ ر س تش به دن یا مخ تلف ن قاط
اور شل یم به ه ساله" ملتها ب ود خواه جهان پ ر س تش مع بندگان و ن
ج شنی و ب پ ر س تند را جهان پادشاه متعال، قادر خداوند تا آمد خواهند
زکریا). نمای ند ب رگ زار اور شل یم مع بد اطراف در "ی شکرگ زار ب رای
14:16)

ب ینی پ یش 2:3 اشعیا آیات در ن یز اور شل یم سالانه زیارت این
قرار آن ب ر خداوند خانه که کوهی آخر، روز هلی در" است شده

خواهد محسوب دند یا قله ب لندت رین (2:35.44 دان یال - ملکوت) دارد، ... (ب و د خواهند ان سان ملکوت از بالاتر روی معبدو خدا ملکوت یعنی) شد خواهند آنان بگردید خواهند روانه آنجا به مخ تلف سرزمینهای از مردم و دارد قرار آن بر اسرائیل خدای خانه که خداوند کوه به ب یاید بگفت زیرا که نین اطاعت را آنها ما و دهد یاد ما به را خود قوانین او تا برویم صورت این "میکنند صادر اورشلیم در را خود دست تورات خداوند حکومت علم مردم در حالیکه است، ملکوت اولیة روزهایی از تصویب ملکوت "کوه" بسوی و کرد خواهند منقلد بگران به را مسیح در. شد خواهد گسده دند یا تمام در تدریجاً که رفت خواهند بالا خداوند داریم ذهبیم پرسد تش در واقعی شد تیاق از تصویب ما اینجا

بیشتر که اینست مازمان انسانی تراژدیهای بزرگترین از یکی و پدر بعنوان او واقعی درک بر اساس پرسیدن جای به را خدا مردم، می احساسی یا فرهنگی اجتماعی، سیاسی، دلایل به خالق، خداوند و شاهی یادگیری بر رای جهانی جذب ملکوت در پرسند شکلی به داد، خواهد مردم به زیاده اندگیزه میل این بداشت خواهد وجود بسوی خدا از بیشتر شدن اختک سبب بر رای زمین نفاقت تمام از که یک ندمی سرفر اورشلیم.

عدالت اداری و حقوقی نظامهای از ناشی عدالتی و گمراهی جای به وجود - "خداوند کلمه و قانون،" - جهانی حقوقی رمزیک ب شری، ملل تمام. شد خواهد صادر اورشلیم از مسیح سیله و که داشت خواهد شدن اخت یا فتن به آنها مشترك تمایل و آوردن می روی هلموخ ته این به هانطور داد، خواهد کاهش را ملتها بین طبعی بر خورد خدا، از واقعی می دند یا این در دانشی چنین که سبب وقف را خود که اف رادی بین که به شد به اورشلیم بسوی روان ملتهای تمام از تصویب این کند با همراه یهودیان که آنجا است شده ارائه آیه این در که است تصویب می راهی هم با "اورشلیم در خدا پرسد تش بر رای (یهودیان غیر) امتهای مطابق ملکوت از 20:8-23 زکریا پیشگویی با کاملاً این". شوند دارد:

خواهند هجوم اورشلیم به زیارت بر رای نجهامالک از بسوی یاری مردمان خواهند دیگر شهر به شهر یک مردم کند شرکت اعیاد این در تا آورد تا ب یایید ما با هم شما روی می اورشلیم به ما:» گفت خواهند رفت متعال قادر خداوند از ("سال به سال" 16:14 زکریا به رجوع) برویم بزرگ ملتهای حقیقی و مردم، زاب بسوی یاری آری،" ("که نین برکت طلب از نموده عبادت را او تا آمد خواهند متعال قادر خداوند نزد اورشلیم به به دست مخ تلف قومهای از نفرده روزها آن در... کند برکت طلب او

چون به بر خود بدان یز را ما» گفت خواهند شده یهودی نه فریك دامن
"«توست با خدا دانیم»

و توبه دل به که ده می نشان را و دیدان به از تصویری این
(28:13 تثنیه) "رهو" نه باشند می ملل "رهبر" خود فرمان برداری
تقدیر مورد همه سوی از خداوند رسد تگاری طرح یهودی اساس سد پس
معاصر مسیحیت میان در که مسئله این از ناگاهی گفت خواهد قرار
به مردم زمان آن در رسید و آهخ پایدان به دفعتاً زمان آن در دارد وجود
خواهند یهودیان به و کرد خواهند بحث مسائل این مورد در حرارت
جای به مکالمات زمان آن در. "توست با خدا که ایم شدنیده ما" گفت
مسائل پیرامون آن باشد ته، را امروز جهان تفکر که ای بیهوده خیال
کرد خواهد سیر روحانی.

که نیست آوردت عجب دیدناری، به سبتن والاته عهد این زمان در
به را خود شمشیر هلی آنان و... کرد خواهد داوری ملل بدین" مسیح
دنیا قومهای کرد خواهند تبدیل آره به را خویش هلی نیزه و گاو آهن
(2:4 اشعیا) "بودن خواهند کدیگر با چنگ فر کردید گر

باعث ثبات باح در وی اخ تیار و کالی عدالت و مسیح مطلق اخ تیار
الات باشد بین به را خود افزار هلی جنگ اش تیار با ملتها که شد خواهد
در" کندت رک را نظامی آموز شهای تمام و کندت تبدیل کشاورزی
ماه که وقت تیار و شد خواهند کامیاب خدا شناس مردم او، حکومت زمان
در - (72:7 مزامیر) "بود خواهد برقرار سلامتی و صلح باشد، باقی
خصوصیات که کسازنی تمام و شد خواهد س توده معنویت زمان آن
قرار اح ترام مورد کندت معکس را غیره و عدالت رحمت، عشق، خدای
غور، از حاضر زمان س تایش با را مطلب این گفت خواهد
کند مقایسه خود خواهند طلبی جاه و خودنمای،

یک از یخش "گاو آهن به شمشیرها" مشد تا قانده کردن تبدیل
خواهر زمین در که بود خواهد عظیم تر بسد یار کشاورزی تغذیر
شدن فرین گرفتار او به خاطر زمین آدم، گناه نتایج در داد
زیادی تیش امروزه که است این اش نتایج که (17:3-19 پیدایش)
و شود غله پراز او" ملکوت در است لازم آن از غذا آوردن بدست برای
مزرعه همچون شهرها بگرد حاصلخیزل بنان کوهایی دمان کوهس تانها
فراوانی" (72:16 مزامیر) "شود جمعیت از سرشار علف، پرهلی
دروگران که کرد خواهد شد سریع چنان غله و بود خواهد محصول
کوهایی دامنه از انگور، فراوانی از داشت، نخواهند درویدن فرصت
این، (9:13 عاموس) "دچکی خواهد فرو شیرین شراب اسرائیل

نفرین کاهش دست و پا و خواهر زمین یا فته به بود حاصلخیزی شد خواه صادر عدن از زمین

کرد خواه درگ بر را مردم از بس یاری ک شاورزی، عظیم کار این و خودک فایه به تاگ دارندمی تا اید بر مردم بر ملاکوت پیام بران به رگ رندد ک شاورزی زندگی

چیزی زیر آورد، خواه زندگی امنیت و صلح در و دخ خانه در هوس "م تعال قادر خداوند را وعده این داشت خواه وجود شود ترس باعث که (4:4 م یکاه) "است داده

پول ازاء در کار شد تعالی نظام هر در که به رخلاف هایه خودک فایه این برای کردن کار عمری زمان آن در ک ندمی غلبه است موروثی نقد به و خواه گ نشد به به مرد و ط چیزی دی گران کردن تمدن رو

باغ هرکه و شد خواه ساکن آن در خود بسازد ای خانه هرکه روزها، آن در "باغ و هلاخانه دی گری را خورد، خواه آن میوه از خودک ند غرس اند گوری درختان، ماندند ای شان اف تاد خواه دشمن دست به من قوم اند گور های لذت و شد خواهند مند بهره خود بس ترنج از و کرد خواهند طولانی عمر فرزندان شان و رفت خواه بر باد زحمتهای شان دی گری برده خواهند را فرزندان شان هم و را آنان هم زیر آید، خواه را مصدیت بت رنگ (23-65:21 اشعیا) "داد خواه بر رکت

رتغیبی چگونگی از هتایی پی پی پیشگوی 1:35-7 اشعیا آیات تقریباً شود می خوش بختی و شادی به منجر که دارد یزرع علم زمینهای زندگی ترو حانی و تر ساده روش علت به که ندمی تراوش زمین از صحرا آمد، خواه وجد به بیابان "ک ندمی کار زمین روی که ک سانی در... کرد خواه پر را جا هه شادی و سرود... شد خواه گل از پر بر که، به زار شوره شد خواهند جاری نهرط صحرا در و هچ شمه ن بیابا بر خورد ت "شد خواه تبدیل چ شمه به ت شنه و خشک زمین و خواهند با هم به و گ رگ "رفت خواه بین از حیوانات میان ط بیعی 8- و 65:25 اشعیا) ک ندن بازی هم با ت و اندمی به چه و مار و "چرید 11:6

بس یار کاهش ط بیعی بر خلقت شده داده قرار یزن فر که هانطور بیابندمی کاهش نیز مردم بر گ رفت ته قرار نفرین بیابد، می زیادی و گناه) بدی از سم بول یک زبانی به 2:20-3 مکاشفه آیات این چنین شود می محدود یا "مقید" هزاره، طی در که ک ندمی صحت بت (آن اثرات

به مبرد ساله گي صدر كسي اگر به طور ي كه شد خواهد زياد عمر طول كم تري رنج زاي مان هنگام زنان. (65:20 اشعيا) شوممي محسوب به چه گ و شهاي و به يناراكوران چشمهاي" (65:23 اشعيا). كرد خواهند احساس لال و كرد خواهد خيز و جست آه مان ندلنگ. ساخت خواهد شنواراكران كه است آميزي معجزه هاي اي اي نها (6، 35:5 اشعيا) "خواند خواهد سرود (6:5) ع بران يان به رجوع). شد خواهد داده روح به دوباره

به صورت ن بايد در خداوند ملكوت كه كرد تا كيد حد از زياده ت وان زمي نيكوكران لذت كه گرفت نظر در گ رمس بري جزيره يك در به شدي گ بزندي آف تاب حمام به بيعت شكوه ميان در كه است ك ساني هانند تا است، خداوند به راي جلال شدن قائل خداوند ملكوت ي اساس هدف مي را دريا آبها كه هانطور " شود وي جلال پ راز زمين كه زماني خداوند پ س": است خداوند غاي هف اين (2:14 ع بران يان) "پ و شانند خود حيات به ولي به خشمي اي كرده است دعا چنان كه را آنها من فرمود "ك نمي ياد سوگ نداشت پ ركرده راز زمين كه پ رجلام حضور به و راوي زمين ساكنان كه معناست اين به خداوند جلال (14:21 اعداد) از به ردارند؛ الگو وي نيكوي صفات از و كند پ رستش و تقدير اجازه نيز مادي زمين به خداوند به ود، خواه حالت اين در جهان كه آنجا به ركات از فرودن اشخاص" نين اينچ. كند منعكس را اين كه داد خواه بازندگ يشان و (شد خواهند ملكوت وارث) شد خواهند به رخوردار خود آن از به يشتر (37:11 مزامير) "به ود خواهد ت وام (روحاني) صفا و صلح ت شدنگان و گرسنگان" كه به بزند، ك ساني لذت ساده زندگي از كه وت ملك در آن با (5:6 متي) " شد خواهند سبب زياد هس تند، عدالت

"انگيزه" به عنوان اغلب ملكوت در ادي زندگي داشت تناندي شه ت نها با كند ترغيب مسيحت به علاقه به نسد بت را مردم تا روممي به كار لازم و واقعي دل برف رفوع زمان آن در آن به مادست يابي اي نحال زمان در است خداوند ت كريم هان كه - به ود خواهد ملكوت در بدن به راي مداوم به طور به ايد مسئله اين از مادرك ت عميد، به عداز ه باق يماند كمال لذت بازندگي سالده ت نها نكارنده، نظر از ياب دت وسعه اينكه ت نها دارد را زندگي اين رنجهاي تمام ارزش كامل، آگهي و مطلق تاوراي را ما و نوازدمي را ذهني يافت خواه ادامه اب دت ا جلال حالت اين به ردمي پيش انانس درك حدود

به بدن به نگریم، مسئله اين به مادي تركمي شرايط در زمان يكه حتي دنويوي مزاي اي ت حقير به راي ما به رانگيزه به ايد خداوند ملكوت در مسيح نزديك، آينده به مفرط اندي شه جاي به به اشدي راي مادي و ديگر هرچيز از به يش خدا به خود، زندگي در شما اگر " كه دهومي پند

خواهد برآورده را شما نیز به این راه او بدید، دل و دهید میتاه
(34:6-30 متی). ساخت

که نیمی تلاش آن برای و ک نیمی تصور بد تواند ایم اک نون ما که هر چه یزی
نمیست قیاس قابل خداوند ملکوت در زیر ستن نهایی وقوع با

یعنی باشدیم،" (خداوند) پر رهیزگاری" جس تجوی در که داریم نیز ما
مایعنی این که به ورزیم عشق خداوند خصوصیت به که ک نیمی سعی
تکریم آنجا در پر رهیزگاری زیر باشدیم، خداوند ملکوت در خواهیم
نه باشدیم، کامل معنوی نظر از کاملاً که خواهیم مازی را شد، خواه
راحتی زندگی ابدت او بدگریزیم مرگ از خواهیم شخصاً ای نکه
باشدیم داشته

را ان سان خودخواهی که شودمی ارائه روشی به خدا کلام در دامی اغلب
خداوند ملکوت در بدن برای ما اندک یزه آشکار، بطوریکه نمی ارضا
پیشنهاد اینجا در ما که آنچه ک نمی تغیر زیری حدت امروز به روز
دادن نشان و خدا کلام یادگریری ما اول اولویت است آرمان یک ک نیمی
اطاعت به عشق محرک یک از تعمید در آن به نسبت خود تسلیم
مادقیق دلایل و دهمی ارائه خداوند که امیدی از ما درک باشدیم خداوند
کرد خواهد شدت عمید به عذاب باشدیم، ملکوت در خواهیم ای نکه برای
رسید خواهد به لوغ به و

هزاره 5-5

خواننده، ملکوت در زندگی مورد در ما بررسی از نقطه این در
ملکوت از تصویر این تمام آیا پرسید، می خود از احتمالاً اندید شمند
می دارد چه باز هم ملکوت در مردم رسد؟ نمی نظر به انسانی خداوند،
باز هم مردم این (20:65 اشعیا). میز نمی حدی و (23:65 اشعیا) شوند
همه از و (4:2 اشعیا) نشاندمی فراموشی که داشت خواهند مشاجراتی
کار این گره که نند کار زمین روی حیات ادامه برای که دارند نیز
و عده از کم تر بسیار اینها - بود خواهد حال زمان از آسان تر بسیار
طبیعتی و ابدی زندگی به پر رهیزگاران گویدمی که است هلیی
یا ازدواج هرگز که فرشته گانی با بر او خداوند طبیعت هاندند
در پاسخ (36، 20:35 لوقا) یافت خواهند دست، ک نند نمی مثل تولید
یک - سال 1000 خداوند ملکوت اول بخش که است نهفته حقیقت این

این طی در (ک نیدن گاه 2:20-7 مکاشفه به) که شدید خواهد طول - هزاره
به و خواهند زمین روی بر مردم از گ روه دو هزاره

از دن بیان ای در ق بولی قابل به طور که ک سانی - قدی سان 1-
داده داوری به رمسند اب دی زندگی آنها به که اندکرده پیرویی مسیح
تمام به و است شده دعوت فردمعناي به قدیس سبک نید توجه . شد خواه
گردد رمی واقعی مؤمنان

خدا کلام مسیح بازگشت زمان در که فانی و عادی اف راد 2-
نویسد تند داوری مسند دارعهده یعنی - دانند می را (انجیل)

خواه اند تخاب پی کی به و، خواهند میدان در گ روه دو آیدمی مسیح وقت
که ک سانی (17:36 لوقا) ماند خواهد باقی دیدگری و، (داوری برای) شد
دست یابی با قدی سان به و خواهند دوم گ روه این در "مانند می باقی"
اهندن خود شدن دارد چه یا مردن به قادر داوری، مسند در خدا ط بیعت به
می تجرب به ملکوت در را چ یزها این که مردمی و صف بنابر این به و
بازگشت زمان در که آنها پی - رود به کار دوم گ روه بر رای به ای دک نند
"پرهیزگاران پاداش دانند می را خداوند مقررات اما اند زنده مسیح
"کرد خواهند سلطنت زمین بر رواین از و است شدن کاهن و پادشاه
بازگشت زمان در آنان که جز ک سانی مردم این و (5:10 فمکاش)
آنها بر تمامانندی زنده و نویسد تند اند، و ده جاهلی خدا کلام به نسبت
که - وی پاداش در "مسیح با" به و دن طریق از ما . شود حکومت
مشکلات بر که او" به و خواهیم شریک - است جهان فرمانروایی
قومها تمام بر تاب خشدید خواه قدرت او به ... شومدی پیروز
که هاند گونه نماید، حکومت بر آنان آهذین عصای با و کند، حکمرانی
مکاشفه) "ک نم سلطنت بر آنان تا داد من به قدرت پی چنین نیز پدرم
(2:26،27)

و فادار خدمت گزاران - یابدمی وقوع اک نون pounds از مسیح تمثیل
می پاداش ملکوت در آنها بر فرمانروایی بر رای شهر پنج یاده با
فرانگ بر سریعاً خداوند روشهای شناخت (19:12-19 لوقا) گ بزند
بر رای مردم شود؛ می اعلام فرمانروا اورشلیم در مسیح چون شدن خواه
اشعریا) کرد خواهند سفر اورشلیم به خدا به به پیشتر علم یافتن
بایدان آیات در شده ذکر کوهایی چگونه که به یاورید بیاد (2:2.3)
پراکنده زمین تمام در تدریجاً (خداوند ملکوت دادن نشان با) 2:35،44
در نتیجه و خدا معرفت که به و خواهد قدی سان وظیفه این . شدند
سازند پراکنده را وی ملکوت

آموختن کاهنان وظیفه بود، خداوند ملکوت اسرائیل وقتیکه درگذشته شهره‌ی در آنها منظور این بود. (2:5-7 ملاکی) بود خداوند معرفت شدن استوار هنگامی که گرفتند قرار اسرائیل سرتاسر در مخ‌تلف خواهند عهده به را کاهنان نقش قدیم سان ملکوت، شکوه‌تر با و مجدد گرفت.

ب: یاید امروز مسیح اگ ر

- 1- مس‌ئول زندگیان با همراه و شد خواهند زنده مس‌ئول مردگان
نشدست خواهند داور یی بر مس‌ند
- 2- به و شد خواهند مرگ به محکوم‌ئول مس‌گ ناهکاران
بر داور یی هیچ‌نین. شد خواهد اعطا اب‌دی زندگیانی بر ره‌یزگاران
شد خواهد انجام کردند، ایستادگی مسیح مقابل در که مل‌ت‌های یی
- 3- اما هس‌تند زنده که بر رک‌سانی بر ره‌یزگاران زمان آن در
بر عنوان آنها ب‌کرد خواهند حکومت ندارند خدا به نسبت مس‌ئول یی تی
م‌آموخت خواهند آنها به را خدا کلام کاهن و انرواف م‌
- 4- زمان این طی در که یافت خواهد ادامه سال 1000 مدت به این
خدا به نسبت بر ناب‌راین و شنوند می‌را خدا کلام فانی مردم‌تام
کرد خواهند زندگی شادتر و ب‌یش‌تر مردم این. شوندمی مس‌ئول
- 5- خواهد بر پا قدسین و مسیح بر رابر در شورش هزاره پایان در
کوبید خواهد درهم را آن خدا که شد
- 6- اندمده مدت این در که ک‌سانی تمام سال، هزار این پایان در
گرفت خواهند قرار ق‌ضاوت مورد و شده زنده دوباره
- 7- ما به نیکوکاران و رفت خواهند میان از آنها، میان‌گ ناهکاران
یافت خواهند جاودانی حیات و پیوست خواهند

براز زمین است شده انجام زمین مورد در خداوند تصمیم‌زمان این در
که او یی‌عنی) "الوهیم یهوه" خدا نام بود خواهد نیکوکار و جاودان اف‌راد
دی‌گر. شد خواهد تبع‌بیر (شد خواهد آشکار قادران از گ‌روهی در
مک‌وعده این بافتاد نخواهد ات‌فاق زمین در مرگ نتیجه در و بار، گ‌ناه
ت‌حقوق کاملاً زمان آن در شوندمی ناب‌ود آن سر بر کوبیدن با مار ذریه

تا" راند خواهد فرمان مسیح هزاره، طی در (3:15) پیدایش. بیافات خواهد... است مرگ او دشمن آخرین. سازد ناب و در خود دشمنان همه که زمانی آنگاه بیافات، پیروزی خود دشمنان تمام بر مسیح وقت بی سرانجام قرار خدا پدرش فرمان تحت را خود خداست، فرزند که نیز او خود علام کل بر بود، ساخت مسلط چیزه بر او که خدا تاباد خواهد (28-15:25) قرن تیان اول). "شود حاکم هستی

خود دشمنان تمام مسیح زمان، آن در رسید خواهد را آخرت آن، از پس "کرد خواهد واگزار پدر خدای به را سلطنت و ساخت خواهد ناب و در (15:24) قرن تیان اول)

مسلط چیز به ره" خدا که زمان این به عذاب که است نشده گفته ما به زندگی ما که اینست دانیم ما آنچه تمام آمد؛ خواهد پیش چه "شد کردن خشنود و تکریم بر رای و داشت خواهیم خدای بی باسرت جاوید تحقیق جای که است استنباطی این کرد خواهیم زندگی خداوند را افتاد خواهد اتفاق هزاره به عذاب آنچه به بریدن پی بر رای بیشتتر دارد.

این خوانندگان تمام رسد نگاری بر رای "خداوند ملکوت کلام" درک و فصل این به از خوانی بر رای توانیم ما است حیاتی که لمات. که نیم کمک شما به اندجیل شده ذکر به خشهای جس تجوی

بر رای خداوند خلقت طرح در بیاشدیم او ملکوت در ما که خواهیم خداوند نمایش صرفاً آنسان آفریدنش از هف و شده تعین واقعیت قشما ملکوت به مرید و طهی وعده به را ما تعید است نبوده خدا توانایی سال چند به عذاب تعید، که که نیم به اور است مشکل بدهی ارتباط و با شکوه عصر به را ما تواندمی خدا، لامک از متواضعانه پیروی محکم بایده خداوند عظیم عشق به ما ایمان اینحال باکند وارد بیدی بر رای موجهی دلایل هیچ ما مطمئناً مدت، کوتاه مشکلات به وجود بیاشدند. نداریم خدا کلام دعوت برادر در مقاومت

(8:31 میانرو) "باشند؟ ما ضربه تواندمی که سی چه ما ست، با خدا اگر"

در شویم، می تمهل حاضر زمان در که هلی بی سختی این، وجود ب" هیچ ساخت، خواهد نصیبمان خدا آینه در که شکوهی و جلال مقابل (8:18 روم بیان) "است

و آمد، خواهد سر به سرانجام نيز ما جزئي رنجهاي و مشكلات اين " گ ردد، صدي بمانن عظيم جلاله با جاويد د زندگي كه شد خواهد باعث (4:17 قرن تيان دوم) " نديست مقايسه قابل زحمات آن با هورگ زكه

هپ ر سش : 5 فصل

1- است؟ خداوند ملكوت اسد تقرار زمان زير جوابهاي از كداميك

است يا فته اسد تقرار قبلاً (الف)

مسديح بازگشت هذنگام (ب)

اول قرن در عيدگ لريزان روز در (ج)

تشان مكالمادر مؤمنان قبلههاي در (د)

2- چيست؟ هزاره

ما قبلههاي بر پسنديده خصلتهاي حكومت (الف)

آسمان در مؤمنان حكومت سال 1000 (ب)

زمين بر شيطان حكومت سال 1000 (ج)

زمين در خدا آينده ملكوت اول سال هزار (د)

3- كرد؟ خواهند چه هزاره در حال زمان مؤمنان

ك نندمي حكمراني فاني مردم بر (الف)

ك نندمي كمراني ح آسمان در (ب)

دان يذمي ما (ج)

ك نندمي زندگي ديگر ايساره در (د)

4- است شده انجام خداوند ملکوت مورد در موعظه آيا

"جدید عهد" در ف قط (الف)

حواریون و مسیح بد وسیله ف قط (ب)

جدید عهد در هم و ع ت یق عهد در هم (ج)

ع ت یق عهد در ت نها (د)

بدي و خدا: 6 فصل

ديب و خدا 1-6

مع تقدذ ادیان، از بس یاری هاندند مسیحتیت، هلیف رقه از بس یاری منشاء که دارد وجود شیطان یا ابلیس نام به هیولای بی‌موجود که مذکور موجود اعتقاد، این طبقاً ما ست زندگی و جهان مصائب تمام ما به صراحت به اندازگیل. شوی همی مرتکب ما که است گناهانی مسئول که خواندیم 4-1 بخش در است مطلق قدرت زده، خداو که گوید می مطالب این به راستی به و واقعاً اگر بکنند نمی گناه فرشته تکان بر علیه طبعی ماورای هم موجود وجود آنگاه باشدیم، داشتند اعتقاد موجود این وجود به اگر اما بنماییم غیر ممکن جهان این در توانا خدای ایم پرده سئوال زیر را خدا بدین متعال شک بدون باشدیم، مع تقدذ در حیات نظریه یک عنوان به به باید شد شیطان و ابلیس صدیح درک که است شده گفته ما به 2:14 ع بران بیان آیه در. شود گرفته نظر شناخت بدون بنابر این کرد؛ ناب و درا شد شیطان خود مرگ با مسیح بریم پی مسیح فطرت یا اعمال به توانا میزدی شد شیطان صدیح

«مسیحیت جهان» اصطلاح به در خصوص به و دنیای در طورک لی، به از بد چ بزهلی و خدا از زندگی خوب چ بزهلی که دارد وجود عقیده این حقیقتی نیست جدیدی این نظریه عقیده این بگردمی نشأت شد شیطان به مع تقدب ابلیسها مثال، براری. شوی نمی محدود هم مرتد مسیحتیان به آنان تباری کی و بدي خدای و روشنی و یخوب خدای بد و دند خدا دو هست تند جنگ دری کنی. گر ناب و دی تا خدا دو این که داشتند اعتقاد همین به داشتند اعتقاد مسأله این به نیز ایران، بزرگ شاه کورش، ... نیست خدای بی من غیراز و هست تم خداوند من" بگفت او به خدا دلایل خوب روی دادهای آورنده پدید من هست تم، تباری کی و زور آفریننده من که من هست تم (باشدمی بلا بدی از منظور اندازگیل جدیدنسخ طبق) بد (45:22 و 45:5 اشعیا) "آورمی وجود را چ بزهلی این هست تم خداوند خدا اینجاء در آوردمی پدید را بلا و بدي او خود کرده ای جاد آرامش خدا از سان اش تباها از ناشی گناه و بدي بی بین اما بدي خالق است؛ خالق خدا و است شده جهان واردان سان اش تباها باگناه دارد وجود تفاوت (5:12 رومیان) نیست آن باعث

"ذارد وجود من جز خدای بی هیچ" گوید می بابل مردم و کورش به خدا یا قدرت، "معنی به اصولاً است "خدا" آن، ترجمه که [ع بری کلمه

از غیر به قدرت‌ی مذبح هیچ که گوید می خدا. شدیمی "قدرت مذبح
شیاطین وجود راستین مومنین که است دلایل همین به ندارد وجود او
بد پذیرد و اندمی را طبعی مافوق بدیهایی یا

بلاخلاق: خدا

زندگی به را "بدی" خدا دهمی نشان که است مآلهایی از پرانجیل
در بلائی اگر که گوید می 3:6 عاموس آیه است آورده دنیا این مردم
ده، روی ای لرزه زمین اگر مثال برای خداست آن باعث ده، رخ شهر
بدبختی این و حکم فرماست شهر در آن شیطان که شودمی گفته
مسئول خدا که بداند بداید راستین مومن اما است حضور از ناشی
بضد خداوند: "گوید می 1:12 میگاه آیه این نرواز است وقایع این تمام
در." است ایشان انتظار در مرارت و تلخی و برخاسته اور شدیم
را اشداری کل صلاح، مردان ایوب، چطور که خواندیم ایوب کتاب
در بدی تجربه که آموزد می ما به کتاب این داد دست از زندگی در
زا سرپیچی یا و اطاعت میزان با متناسب مستقیماً شخصیک زندگی
(1:21 ایوب) "گرفت خداوند و داد خداوند" که فهمید ایوب بدیست خدا
گرفت خود هر سر به ایوب "گرفت شیطان و داد خدا" که گوید می او
"نرسد؟ بدچیزهایی و برسد ما به خدا از خوب چیزهایی فقط آیا"
تمام" سدب به را او ایوب دوستان کتاب، پایان در (2:10 ایوب)
رجوع (42:11 ایوب). دهنده می تسکین "آورد بر سر او داوود که بلاهلی
کند، می ای جاد را ما زندگی مشکلات که خدا بدنا بر این، (8:4 و 19:21 به
است خاص معنایی این به "بدی" منشاء خود

دارد دوسنت که است علت این به کند، می تأدی برات و اگر خداوند
صفت و پدگ زندگی آن نتیجه... کنی تحمل را تأدیبت و اگر...
(6:11-12 بران یان). شد خواهد ظاهر آن به عذاب مدت که است پس سندی ده
مرتبه ارتقاء موجب در نهایت الهی آزمایشات که دهمی نشان آیات این
را ما که است موجودی شیطان بدگویی می این که. شودمی انسان معنوی
رشد سدب لامت شک ای جاد به حال در عین اما کند، می گناه به و ادار
آورد، می بار به بر این مان "نیکوکاری محصول" و شده ما معنوی
دارد عمیق مشکلات بدی، از کلاس یک برداشت این دارد تناقض
می داده تحویل شیطان به انسان که شودمی گفته وقت خصوص به
و بدگیزد عبرت درس شاید "یا و" ایاب دنجات اور شاید "تا شود
(1:20) تیموتائوس اول و 5:5 قرن تیان اول" دن گوی که فردی گر
منفی تأثیرات و کندگ ناه انسان که شودمی موجب واقعاً شیطان اگر
نوری عنوان به شیطان از آیات این چرا پس گزارد، می مردم روی
یا شیطان یعنی دشمن، که است این پاسخ کند، می یاد مثبت

انسان زندگی در مذهب بتی معنوی تأثیرت و انذمی زندگی، مشکلات
بگذارند جا به مؤمن

وکنیم دعا تو وانی می آنگاه خداست، سوی از بدی که به پذیریم اگر
از مشکلات یعنی کند، برطرف را ما مشکلات که به خواهیم خدا از
در مشکلات این که فهم می کرد، را کار این اگر آنگاه به برد بین
معتقد اگر حال، اندهش فرستاده خدا جانب از ما معنوی دفع جهت
برمی را ما مشکلات ابلیس یا شیطان نام به به بدی موجود که باشد
انجام تو وانی می مشکلات این رفیع براری کاری هیچ آنگاه از گریز،
فقط نباید در بدختی یا ناگهانی مرگ به بیماری، ناتوانی، دهیم
گناهکار و قدرت مندایی فرشته شیطان اگر کردت لقی بدشاندسی
کشیدن رنج جز راهی ما بوده و بیرونندت را ما از او آنگاه شد، با
"هه" خدا خواست به که مطمئنیم ما که است حالی در این داشت نخواهیم
(8:28 رومیان) "رومی پیش مؤمنان صلاح به (زندگی) چیز
ندارد وجود مؤمن زندگی در "شانس" نام به به چیزی بنابر این

گناه منشاء

که ما ست از تو قصدی و شود می ناشی ما درون از آنگاه که گفت باید
که گناهی به گوید می که است آن خوشایند اندال به ته کنیم گناه
گناه آزادانه تو وانی می آنگاه نیست ما تو قصدی شویم، می مرتکب
سرزند شها و بود شیطان کار کار، که کنیم تو وجه را خود به عدوکنیم
گناهکاری شخص وقت توافقی از به ساری در نماید او متوجه را
ادعا کرده به خشش طلب دهد، می انجام را ناپسندی و شرمانه بی عمل
بنابر این است، بوده شیطان تو سخر در هنگام آن در که کنیم
و درست اصولاً دلایلی چنین اما نیست داده انجام که کاری مسؤول
گناهکار خواه شخص عهده بر گناه مسؤولیت و نیستند منطقی
بود

که دست تمزیدی تنها کند، گناه هر که" که باشد ایم داشت به یاد به باید
اگر انجم می مرگ به گناه؛ (6:23 رومیان) "است مرگ یافت، خواه
باید عادل خدای آنگاه باشد، شیطان گردن به ما گناه مسؤولیت
بر اساس ما که حقیقت این اما کند مجازات ما جای به را شیطان
مسؤول ما که ده می نشان گیریم، می قرار وقت ضاموردگ ناهندان
از خارج و حقیقی شخصی شیطان که به اور این بهس تیم خودگ ناهن
است خود از مسؤولیت برداشتن دوش از براری تلاش ما ست، وجود
فطرت حقیقت پذیرش از انسان امتناع از دیدگری نمونه این که
باش می آن، بودن پذیرگناه اساساً یعنی به شری،

آنچه ... که ندن جس را او ت و اندزمي خورد، مي ان سان که خوراکي هوگ ز"
 یک ندمي ت راوش او وجود از که است اف کاري سازد، مي نجس را ان سان
 چه يزهلي اين ت مام: حماقت و خودپسندي ... زناکاري که شي، آدم دزدی،
 مي نجس را ان سان و گيرندمي سرچشمه ان سان قلب و وجود از آور شرم
 (15:7-23 رقم). " سازد

و کرده رخنه ما درون به که دارد وجود ما بیرون چه یزی که به اور این
 مسیح صریح آموزش با شود، می مات و سطگ ناه ارت کاب موجب
 به خیزد برمی ان سان قلب از و درون از به دینها، تمام دارد ت ناقص
 طرف به کودکی از دلش: "بگوید می خدا سبیل هنگام به دلیل همین
 که دهمی شرح 1:14 یا یعقوب آیه (21:8 پیدایش) "است لم تمایگ ناه
 روزد این) ان سان که این یعنی و سوسه": "شویم می و سوسه ما چطور
 امیال و افکار مجنوب و فریفته (است یکسان ان سانها ت مام برای
 می و سوسه خود بدت مایلات از و خود هوسهای از ما". شود خود ناپاک
 دعوای و جنگ علت: "پر سدمی عقوبی بیرونی عوامل از نه شویم،
 شما وجود در که نیست ناپاک کی آرزوهای آنها، علت آیا چه نیست؟ شما
 به منحصر و خاص هوسهای ما، از یک هر (1:4 یعقوب) "دارند؟ منزل
 هس تند، ما خود شیطانی ت مایلات زایدیده هوسهای این داریم فری
 خودمان ندشم بدترین ما که گفته این فرزند به منحصر زیر
 دارد صحت هس تیم،

پروزی چه گونگی و آن منشاءگ ناه، در باره عمدتاً رومیان، کتاب
 به کتاب این در که است این مهم بسیار مسأله دهمی شرح بر آن
 گناه، منشاء مورد در: است شده اشاره ندرت به اهریمن و شیطان
 ترتیب این به است نزده حرفی اهریمن یا شیطان از پس
 موجودی اگر. شومی معرفی جدید عهد در که است تازه مفهوم لیساب
 نامی عتیق عهد مطمئناً و ادارد، گناه به را ما که داشت وجود بیرونی
 است شده پر معنی و عمیق سکوتی مورد این در اما. شدمی برده آن از
 دهمی نشان صحرا در اسرائیل بنی سرگذشت و داوران عهد مک توبات
 در مورد آنها به خدا اما کردند می گناه زیاد اسرائیل بنی زمان نادر که
 آنها درون به به تواند که بیرونی و طبیعی مافوق بیرونی یا موجود
 را آنها عوض در بداد هشدار و ادارد، گناه به را آنها و کرده ن فوذ
 مثال برای) نشوندگ همراه تادهندگ وش کلامش به که کرد ت شویق
 (5:22 ی و شمع و 10:9:27 ت نذیه آیات

که است شده ثابت من برای دیدی اگر اکون": بگوید می تأسف با پس
 ... است فاسد پاتا سراز ن فساد می، طبیعت این به خاطر من وجود

گناه وادارم نه يکواعمال انجام به را خود ت واندزمي که نمي ت لاش هرچه او. (18:7-21 روميان) "است داشته نه گناه اسد ير خود چنگال در مراهنوز ذات او که نندمي ملامت را ب يروني موجودي خود، گناه خاطر به است من درون گناه منشأ": داندمي گناه واقعي منشأ را خود شيطاني به که نمي گناه اخ تيار بي اماندهم، انجام آودي گناه کار که نمي سعيا اخ تيار بي دهم انجام نه يك کار خواهمي هرگاه زندگي در که رسدي نظر رامعنويت ضديت منشأ پ ولس ب ناب راين "زندمي سر من از ب دکار خوداگ اهي هين به معنوي و م ت فکر شخص ه. داندمي "من درون گناه" پ ولس، مانند والاي بي مسيحي ح تتي که است ذکر قابل رسيد خواهد عصمت به و نشد م ت فاوت ف طرتي صاحب مذهب ت غير ب عداز چنين زوين انجيلي چنيش. نيافت دست ب ال فعل ياب ال قوه 21- روميان هيايه در سخنش خاطر به را پ ولس نتيجتاً دارد ادعايي ت ناقصاتي هيايه اين ادداده قرار "هله شده رسد تگار" رده در 7:15 مردان از ديگر يکي داود که نندمي ايجاد اعلاهي چنين ب را ي اساسي ت ولد ب دواز من": که ندمي شماره خود ن فس گناهکاري به که است صلاح شد ب سده مادر رحم در من نطفه که ايل حظه از ب لي، ام، ب وده گناهکار (51:5 مزامير) "ام، ب وده گناه به آ وده

اگر که ندمي صديت صريح کاملاً انسان شيطاني ذات در باره انجیل، تصور به نيازي شويم، قابل ارزش انجيلي مطالب اين ب را ي انسان گناهان مسؤول که انسان ذات از ب يرون و خيالي شخصي حدي تا انسان قلب که گويدمي 17:9 ارم يا ايه ب و دن خواهد باشد، را آن گناهکاري ميزان ت واندزمي که است فريد بکار و شيطاني مي بد ذاتاً را انسان ن فس، 7:11 م تتي ايه در نيز مسيح ب پندريم بي شفاف ي تي خصوصين در (عبري متن) 9:3 جامعه ايه خواند ايه (9:3 جامعه) "است شرارت از آکنده انسانها قلب": دارد نظير ذکر طور اين را خدا از انسان ذات ب يگانگي دليل 4:18 افسدسيان و اند، خواسته روي به را خود دل و ف کر آنها که اين ب خاطر": که ندمي به هياي قل خاطر به نيست ب صير ما قلب زي را "هست تندگمراه و کور ف کر طرز خاطر به و هستند، نادان و نابينا معنوي ب عدد که ما اين ب را ساس 5:19 غلاطيان ايه بگيريم مي فاصله خدا از که ما ست جسم، اين بگويدمي سخن "جسم اعمال" بعنوان به ما گناهان از مطلب اين از هيچکدام. شومدي ما گناهان باعث که ما ست خود وجود ذات به را گناهکارانه تمايلات ما دانندمي شيطان را گناه شاعمن مطالب اساسي جزئي خصوصيت، اين و داريم ت ولد هنگام از ب يعي طور است انساني ساختار از

اب لیس و شیطان 6-2

می‌قول نقل خود اصلی شکل به و نشده ترجمه انجیل کلمات گاهی آرامی زبان در ای‌نمونه چ‌نین، 6:24 متی آیه در (Mammon). شوند که است ع‌بری ای‌کلمه شده، نامیده شیطان که "satan" واژه (است که "devil" واژه و است "دشمن" آن معنای و مانده باقی نشده ترجمه دروغ‌گو معنای به "diabolos" یونانی کلمه از شومی خوانده اب‌لیس باشد می‌معتقد اگر برگ‌یردمی ریشه "دروغ به زنت‌هت" یا دشمن یا می‌گناه به وادار را که به وده پرونی موجوداتی اب‌لیس و شیطان که به‌را آنها بای‌درسد بیدیم کلمات این به‌انجیل در هوق‌ت‌انگاه‌ک‌ند، انجیل در کلمات این از است فاده نحوه دهیم نسبت به دکار شخص آن ت‌وان‌می‌عادی شخص هر مورد در که عادی ص‌فاتی عنوان به‌را آنها کلمات ن‌توان که شومی باعث موضوع این ب‌مای‌اند ندیم ب‌رد، ب‌کار و ب‌دکار شخص انجیل، در رف‌ته ب‌کار شکل به‌را اب‌لیس و شیطان دانست ب‌پرونی موجودی یا

انجیل در شیطان کلمه

ادومی شاهزادگان از که را حداد خداوند، "بگ‌ویدمی 11:14 پ‌شاهن اول آیه سلیمان دشمنان از دید گری‌کی" "ب‌ران گ‌یخت سلیمان ب‌ر ضد ب‌ود از او داشت نام‌رزون و ب‌ران گ‌یخت سلیمان ب‌ر ضد را او خدا که گفته این (25، 11:23 پ‌د شاهن اول) "ب‌ود اسرائیل سر سخت دشمنان را ای‌فرشده یاط‌ب‌یعی مافوق شخصی خدا که نیست معناب‌دان را عادی‌اند‌سازهای او باشد سلیمان دشمن یا او شیطانی که کرد خلق ب‌ک‌ندمی مطرح را دید گری‌نمونه 16:22، 23 متی آیات بت‌اس‌آفریده ب‌مردن و اورش‌لیم به‌رفتن از مسیح که کردمی سعی پ‌طرس، از شود دور" بگ‌فت پ‌طرس به‌وگ‌شت ب‌رمسح دارد ب‌از ص‌لیب ب‌شری‌ت‌و ف‌کر ب‌اشی‌می‌من ب‌رای خطرناکی دام‌ت‌و! شیطانی‌من، این شومی خوانده‌ن شیطا پ‌طرس ترتیب، این به "الهی نه است، هیولایی یا ف‌رشته ب‌امسح که ده‌می‌نشان روشنی به‌مطلب می‌زد حرف پ‌طرس با او کرده، نمی‌ص‌دبت

خود ح‌تی یا خوب شخص است، دشمن معنی به‌فقط شیطانی کلمه چون خودی به‌کلمه، این ن‌فس در نامید (satan) شیطانی‌ان‌می‌نیز را خدا به‌حدی تا شیطانی کلمه معص‌ی‌تی‌م‌فهوم ندارد وجود معص‌ی‌تی‌خود ما دشمن یا شیطانی بزرگ‌ترین ماگ‌ناهار ذات که است خاطر این ب‌امعمولاً عمل در کلمه این کاربرد دل‌یل، همین به‌و شود، می‌ت‌ل‌قی

و آوردی ما زندگی به را مشکلات نیز خدا خود است ب و ده همراه گ ناه
سد بر ایمان نادرست یری مس در ما گرفتار قرار هنگام است ممکن یا
کردت لقی شد یطانت و انمی را خدا مواردی چندین در و کند، ای جاد راهی
می او که نیست معنی این به خواند شد یطانت و انمی را خدا ای نکه اما
ب باشد گ ناهکار ت واند

هین از مشابهی وقایع شرح ت واریخ، و سموئیل کتابهای
چهار با عیسی حضرت ی زندگی کتاب چهار که هانطور روی داد است،
سموئیل دوم آیه ۶. کندمی بازگ و را مشابهی روی دادهی مخ تلف زبان
شد، و ر شعله اسرائیل قوم بر خداوند خشم دید گربار: "بگ ویدمی 24:1
یهودا و اسرائیل تا داشت آن بر را داود ای شان ت نبیه بر رای او پس
در شد یطانت: "بگ ویدمی 21:1 ت واریخ اول مشابیه آیه ۴. "کند سر شماری را
سر شماری که "کردت حریک را داود و ای ستاد اسرائیل قوم بر ر
شد یطانت دید گرتنی در و است ک نده ت حریک خدا متن، یک در نماید
"نقش در خدا که است این معقول نتیجه ت نهاده می انجام را عمل این
ای جاد با او است کرده عمل داود دشمن نقش در عبارت بی به یا "شد یطانت
در ای وب که جای ت تا کرد را کار هین نیز ای وب زندگی در لات مشك
می آرام قدرت تمام با و ای شده رحمتی من به ن سبت: "بگ فت خدا مورد
بر شد یطانت یک ماندت و: «بگ فت ای وب واقع در (30:21 ای وب). "دهی
«کنمی رفتار من ضد»

انجیل در ابلیس کلمه

تن 12 شما آی ۱: "فتگ مسیح است هینطور نیز «ابلیس» کلمه
از او نیست؟ ابلیس شما از وی کی ای مذ کرده اند تخاب را (حواریون)
ب و دفاندی و عادی انسانی که "..." گ فت می سخن اسخریوطی یهودای
گ فت می سخن "پلید روحی" از اصطلاح به یا شاخدار موجودی از او
اول یه آ. شومی اطلاق ب کردار شخص به صرفاً ای نجا در ابلیس کلمه
پیران زنان کندمی مطرح را دید گری نمونه 3:11 ت یموثاوس
رفت به کاریونانی کلمه اصل باشدند؛ "زن ت همت" ن باید ک لیس،
ای نرواز است شده ترجمه ابلیس دید گری در جای که است "diabolos"
ت همت ن باید ک لیس پیران زنان که ده می هشدار ت یطوس به پ ولس
گ فت ت یموثاوس به ن یزو (2:3 ت یطوس) باشند "ابلیس" یا زن
(ابلیس) زن ت همت ... مردم ... آخر روز هلی در" که (3:1.3 ت یموثاوس دوم)
ت بدیل انسان فوقف به انسان که نیست معنای دان این ". شد خواهند
مطالب این از شومی ناب کار ب ی شد تر صرفاً قطب لکه شد، خواه
به شد یطانت و ابلیس کلمه که باشد شده مشخص بر رای تان باید

اطلاق ما وجود از خارج گناهکاری موجود یا او خورده شدکست فرشته
شودنمی.

اب لیس و شیطان گناه،

وصف منظور به و نمادین شکلی به اب لیس و شیطان کلمات
به شد، داده شرح 6-1 فصل در که ما درونی آمیز معصیت تمایلات
به همد تند ما اصلی ندم یا شیطان همان تمایلات این روزنمی کار
،"اب لیس" را آذان تروانمی نتیجه در و شده داده شخصیت صفات این
است اب لیس خود ما طبعی ذات خواند ناروا تهمت منشاء و ما دشمن
این در (مادرون گناه) ما شیطان تمایلات و اب لیس بین ارتباط
انسان، (ما) خدا فرزدان این که آنجا از: "است شده آشکار سطر چند
و گشت نیز (مسیح) او باشند، می خون و گشت دارایی و همد تند
می شدن انسان با فطرز را درآمد، انسان شکل و به شد خون
قدرت خود، مرگ با او بمرسد، و کند فدا ما راه در را جانش تروانست
"بود مرگ اختیار صاحب که شیطان سازد، نابود را شیطان
(2:14 ع بران یان).

گناه، مجازات" اما است، شده معرفی مرگ مسئول اینجا، در اب لیس،
هم موازات به اب لیس و گناه بنابر این (23:6 رومیان) "ست مرگ
را ما شیطان تمایلات که گویند می نیز 1:14 یعقوب آیه همد تند
آیه اما است؛ مرگ آن نتیجه که دارند، می واگناه به و کرده و سوسه
گویند می آیه همین آورد می مرگ بلیس، که گویند می 2:14 ع بران یان
بدر خوردار بشری فطرت همین از اب لیس کردن نابود براری مسیح که
خود، فرزند خدا،" که دارمی اظهار 3:8 رومیان آیه مقابل در اما بود؛
این با فرستاد، جهان این به ما بدن ماند بدنی در را مسیح عیسی
مطلب این. "بود گناه سلطه تحت ما بدن ماند او بدن که تفاوت
طبعی طور به که آمیزی معصیت تمایلات و اب لیس که ده می نشان
مسیح که مطلب این درک باشد نمی یکسان عمل در انسانی، ذات در
مفهوم صریح درک عدم است مهم بسیار می شد، و سوسه ما هاندند نیز
مسیح های نك است مسیح عمل کرد و فطرت درک عدم معنی به اب لیس
است دلیلی تهاداشت، (خود درون اب لیس عیسی) انسانی فطرت
و 2:14-18 ع بران یان) باشد ایم ایدوار رسد تگاری به تروان میمی که
همان عیسی خویش، فطری تمایلات بر آمدن فایق با مسیح (4:15
ع بران یان) بکشید بر صلیب را اب لیس تروانست انجیلی، اب لیس
آیه نداشت وجودی بگرا آن گاه و، ب شخص یک اب لیس اگر (2:14
تا کرد فدا ما راه در را خود جان" مسیح بگویند می 26:9 ع بران یان
که جمله این با 2:14 ع بران یان آیه. "سازد کن ری شه را گناه قدرت

راق بلېگفته برده، بېن از را درونش اب لیس خود، مرگ بامس یح را "گناه رمج" خویش مرگ بامس یح است داده قرار تائید مورد فطرت هانگناه جرم این که (6:6) روم بیان) برده بېن از ببالقوه ب شکل شودمی نمایان مادر جسمی شکل در که است ان سان

شیطان فرزند که دهمی نشان برده، می ب سرگناه در که ک سی اما" برابر در آوردن سرف رود نتیجه گناه زیر، (3:8) یوحنا اول) "است آن انجیل که (1:14.15) یعقوب) است ما خود طریف و شیطانی تمایلات باطل را اب لیس اعمال تا آمد خدا فرزند. نامدی "اب لیس" را تمایلات هان اب لیس که بگوید بیم درست اگر (3:8) یوحنا اول) سازد ماگ ناهن هان بد تمایلات این نتیجه آنگاه ماست، شیطانی و بد مسیح: "شودمی تائید 3:5 یوحنا اول آیه در مطلب این. هس تند دهمی نشان گفته این". سازد پاك را ماگ ناهن ب تواند تا شد ان سان از دیدگری مثال هس تند ی کی "اب لیس اعمال" و "ماگ ناهن" که است آمده 5:3 رسولان اعمال آیه در ماگ ناهن و اب لیس بېن ارتباط کرده پر معطاز را توق لب شیطان چرا": بگوید می حنانا یا به پطرس این بار خود قلب چرا": بگوید می پطرس، 4 آیه در سپس "است؟ در شیطان حضور هان قلبمان، درون در ب دی وجود "کردی؟ آوده کاره معصیت نقشه یک مثلاً بگردد، جاما دل در ف کری اگر ماست قلب شود، آب ستن زنی اگر یاب می پرورش ما درون در ف کراین آمیز، آیات یاب می پرورش او درون در ب لکه ندارد، وجود او برون در کودک ماهو سهای که بگوید نمی نماید هین از است فاده با 1:14.15 یعقوب می مرگ به متعاقباً و آورند، می ارمغان به را گناه و گرفته شکل خواندی شیطان مترادف راگناهکار ان سان 109:6 مزامیر آیه انجامند از ی کی بگذار و بس پار ظالم داوری دست به را دشمن خدا ای" به رجوع) در آید او سلطه تحت ی عنی "بای سنداوک نار ب دخوا هلتش (110:1) مزامیر

دادن شخصیت

نحوی به انجیل اما": بپرسید مس تدلانها است ممکن وجود این با درست کاملاً "است شخص یک اب لیس گوی که کندی تعریف صاحب که شیطانی" عنوان به شیطان از 2:14 ع بران بیان آیه است؛ می مشخص انجیل مطالعه اندک باحتی بکندی یاد "است مرگ اخ تیار می سخن واقعی اشخاصی چون م فاهیم از بس یاری از انجیل که شود می سخن "خرد" نام به زنی از 9:1 امثال آیه نمونه ب عنوان بگوید پرداخت مأمور به راگناه 6:23 روم میان آیه و سازدی ای خانه که بگوید

په ردازمي مرگ ته حقيق ب ارا عمر ق بوض كه ك ندمي ته ش بيه ق بوض
 ا است شده داده قرار ب حث مورد ب يش تر 5 ان حراف در وي ژگي اين
 ندمي اما. دهمي ن شان را ما ب د ت ما ي لات اغلب diabolos ي عني ما اب ليس
 ب د ت ما ي لات مچراك كرد ت صور م فهم يك عنوان به را اهي من ت وان
 اب ليس م فهم به د ل يل هين به و ن دار ند وجود او از مس ت قل ان سان
 داده اري اب شخصيت غالباً گ ناه به هان طور كه. شومدي داده شخصيت
 به كه است درك قابل پس. (7:3؛ 17؛ 16:6؛ 21:5 روم يان مثلاً) شومدي
 اشاره گ ناه به ن يز "اب ليس" زي را شود، داده شخصيت هم اب ليس
 سخن ان سان هو در موجود دو وجود از ن يز پ و لس را س تا، هين در ردا
 ان سان: (7:15-21 روم يان) ب ا شند ج سم يك در دو هو كه گ وي گ وي د، مي
 حال اين ب ا. است جدال در معنوي ان سان ب ا كه اب ليس ي عني مادي
 هم ب ا ان سان يك درون لغوي معنوي به واقعي شخص دو كه است واضح
 يك عنوان به ما ف طرت گ ناهكار عضو اين به. اندن پرداخته جنگ به
 مي داده شخصيت است، ان ج يلي اب ليس هان كه (6:13 م تي) "ب د واحد"
 "ب د واحد" كه ي و ناني ع بارت هين، 13:5 قرن تيان اول آيه در. شود
 كه دهمي ن شان و شده معني "ناب كار فر د" ب ا ر اين ب ود شده ترجمه
 يا "ب د واحد" به او خود شود، مي م ت س لي گ ناه ب ر ا در شخص وقتي
 گ ردمي ته بديل اب ليس

سياسي م فاهيم در " شيطان" و "اب ليس"

گ ناهي از پ ر و ناب كار جهان ته و صيف ب راي شيطان و اب ليس ك ل مات
 مراتب سلسله از. روندمي كار به ن يز ك نيممي زندگي ان در كه
 نوان ع تحت ت وانمي ان سان، مذهبي ش به و سياسي اج تماعي، دروغ ين
 قدرت به اغلب "جديد عهد" در شيطان و اب ليس. كر دي اد "اب ليس"
 روي ان از. دار ند اشاره رومي وي هودي نظامي اج تماعي و سياسي
 ان دازمي زندان به را مؤمنان اب ليس كه خواند يممي جديد عهد در وقتي
 به را مؤمنان كه دارد اشاره رومي مقامات به اب ليس، (2:10 مكا ش فه)
 در ك ليسايي كه شده نو ش ته راب طه هين در. انداخ ت ندمي زندان
 حكومت محل پ رغامه. است شيطان ت خت ي ا جاي گاه در واقع پ رغامه
 واضح ي. و ن د مس ت ق ر ا ن ج ا در ن يز مؤمنان از گ روهي كه به و د روم يها
 در ب ا ش د، داش ته وجود ا گ ر شيطان، خود ب گوي يم ت و ان يم ندمي كه است
 ب د م س ت ق ر پ رغامه

از اما شون د؛ مي ته عريف خدا قان و ن از ت خلف عنوان به دي فر گ ناهن
 خدا ب ر ع ليه اج تماعي و سياسي ن يروي يك عنوان به جمعي گ ناهن
 ن يروي اين از. ب ا شدمي اف راد از ت ر قدرت مند ن يروي كه شده ب رده نام
 كه است روي ان از. شومدي ب رده نام اب ليس شخصيت ب ا گ اهي جمعي

شديطان" را آمريکا متحدہ ايالات لامبياس ک شورھي ساير و ايران سدياسي و مذھبي عقايد جن به از ک شور اين زي را. اندنام يده "بزرگ در شديطان و ابليس ک لمانت بکارگيري. شومبي محسوب آندان دشمن است گراف ته صورت منظورھي چنين بانيزانجيل

به است لازم مورد اين در که بگوييم باشد درست شايد نتيجه در ظاهر به که آيه چند برپايفقط اين نکه نه و ک نيم توجه انجيل کل ک نيم بناک لي اصولي است، ابليس در باره عامي اع تقادات مؤيد انجيل دقيق و خالصانه خواني دوباره موجبات بخش اين و 6-1 بخش صديح درک راه تنها شده ياد اصل که است گفتني ک ندمي فراهم را به شدمي ابليس شديطان مورد در شده نوشده متون تمام منطقي و به موافقي در يارفته بکار عادي صفات عنوان به مذکور هليواژه بناکه معروف يمتون از برخي ک ندمي اشاره بشري گناه در روزدمي بکار عامي اع تقادات اين از حمايت در اشدت باهتفسد يري اندتھگراف قرار بررسي موردفصل هين ضم يمه انحرافات بخش

دارند، ترديد ماگ بريھي نتيجه و اسد تلال پذيرفتن در ک ساندیکه به است؟ شده داده شخصيت گناه به آيا 1- بپر سندن خود از بايد عنوان به صرفاً واندمي شديطان واژه آيا 2- استھينطور روشني به گناه، به اي نکه پذيرفتن در پس به له برود؟ کار به صفت يك دارد؟ وجود مشكلي چه شده، داده شخصيت ما، دشمن اي شديطان عنوان چه است شده داده شخصيت جهان به يودنا، هليواژه و انجيل در اغلب توانمي شخصيت اين براي "ابليس" و "شديطان" از به تر عنواني کرد؟ پيدا

دي وھا 3-6

ابليس بودن هيو لايا شخص به چرا که گفتيم قبلي فصلهاي در وجود موجوداتي چنين که بپذيريم اگر نذاريم اداعتق شديطان يا وجود واندمي نيز هستند ابليس خدمت در که دي وھا آن گاه ندارند، چيزھي تمام خدا که ک ندمي تصور مردم از بسدياري باشند داشته بدچيزھي دي وھيش و ابليس در حال يکه ده، مي ما به رازندگي خوب به انجيل کير ندمي ما از را خدادادي خوب چيزھي و داده ما به را مسئول که اوست و نبروھا ست تمام منشاء خدا که گويدمي روشني وقتي اين بنابر (45:7 اشعيا) ما ستزندگي بدو خوب مسائل

و اندامده خدا جانب از مشکلات که بدانیم باید دگرشیم، می‌سختی که شد متوجه ایوب. بندگانیم سرزنش را فرستی دیدی و ایوب لیس "باید متبارک خداوند نام گرفت (دید و هلاک و داد خداوند" (1:21 ایوب).

خدایان به مردم اگر (45:5 و 44:8 اشعیا) نیرو هست تمام منشاء خدا بزرگی خدای تو" بگویند واحد خدای به و باشند مع تقدید گری تو کنار در نیز دید گری خدایان به من اما قدرت مندی، تو هستی، حسادت واحد خدای، "نیز تندتو و توانایی به آنها اگر چه دارم، اع تقاد اب لیس یادید و وجود به توانیم می که است دل یل بهمین کرد خواه بینی که بودا شد تباهی این باشدیم مع تقدیر استین خدای کنار در تو صدیف به عتیق عهد از اعظمی بخش شدند مرتکب اسرأیل کنار در دید گری خدایان به اع تقاد با ایل اسرب نی چگونه ای نکه با است یاف تا اخ تصاص شد، او ناراحتی موجب راستین خدای آنها به مردم امروزه که "دید و هلی ی" که شویم می متوجه اند یل به مراجعه اع تقاد آنها به اسرأیل بینی که هست تند خدایانی هاند مع تقدید، داشتند.

هست تند بت دید و هلا

ن باید مدسید بیان چرا که رامس ناله این دل یل پ ولس قرن تیان، اول در زمان در دهمی تو ضیح باشند، پرست بت و مع تقد مسائل این به آنها و پنداشد تنمی کوچکی خدایان را دید و هلا مردم اند یل، روید دادی دارند نگاه دور زندگی ایشان از رابلایات ای رس تیندمی و (بت هان عبارتی به) دبودن ساخته دید و هلا از اشکالی بنابر این را "بت" و "دید" و "پ ولس که است دل یل بهمین پر رس تیندمی را آنها هیچ به": است کرده است فاده هم با بر راب ر شکل به اش و شد ته در می قربانی هلا بت این بر ای که که سانی که است این منظورم اوجه به بلکه خدا، به نه شان قربانی با همراه را خود واقع در آورند خوردن با از شما، یک هیچ که خواه نمی من و کند، می تقدیم شرایطین شما به کسی اگر اما... شوند شریک دید و هلا با هلا، قربانی این گ و شت کسی آن خاطر به صورت آن در ست، اقربانی گ و شت این که بگویند "نخورید گ و شت آن از او، حساس وجدان خاطر به و است گفته که هست تندی کی عمل در دید و هلا و پتها پس (10:20، 28 قرن تیان اول) "خدا بر ای نه و دید و هلا بر ای" آنها که گوید می پ ولس که کنید توجه وجود خدای یک فقط که آنجایی از و بودند خدا دید و هلا که نند، می قربانی وجه هیچ به و نداشت ته قدرتی هیچ دید و هلا که شویم گ بریزد تیجه دارد: است روشن کاملاً 8:4 قرن تیان اول آیه در نکته این بندگانیم خدا

که را گوشتی است صدیح آید. اگر دیدیم در می مطالب اصل به حال" که میداندیم همه مورد، این در به خوریم؟ است، شده قربانی هلبت برای یک. "بوس و هست خدا یک فقط زی را نیست، خدا، (دیدیم و مترادف) بت راستین قدرت ای خدا یک فقط ندارد موجودی تی هیچ دید و یک یابت (6 و 5 هلی آیه) گوید می ادامه در پلاس دارد وجود جهان در

زمین بر و آسمان در بسد یاری خدایان مردم، از بعضی عقیده به "دید و یک معتقدند، دیوها انواع وجود به مردم امروزه که هانطور). هستند گردد می سد ببید گردید و شده شغل تان دادن دست از باعث که دانیم (واقعی مؤمنان) ما اما، (غیره و کندت رک را ماش همسرتان را چیزها تمام که ما، آسمانی پدری معنی دارد، وجود خدا یک فقط را بدیدیم و خودی هم کردیم، اشاره قبلاً که هانطور) است آفریده (آفریده).

ما فهمیم ترادف بردال بدیش تری مدارک "عتیق عهد" به برگ شدتن با از (Septuagint) عتیق عهدی و نانی نسخه در یابیمیم "دید و" و بت مزامیر و 32:17 تئذیه آیات در "بت" برای "daimonion" کلمه شده ترجمه "دید و" جدید عهد در کلمه این است شده است فاده 106:37 می سخن اسرئیل بنیاشد تهاهت از 36:106-39 مزامیر آیات است: کندی تشد به دید و هاب را کنعان به تهای و گوید

را خودکار، این با و نمودند پرسد تش را آنها هلیبت (اسرئیل بنی) "برای را خوددختران و پسران هلا، اسرئیل یلی کردند مرگ به محکوم هلیبت برای را خود به یگناه فرزندان خون کردند قربانی هلبت (36:106-39 مزامیر) "ریختند کنعان

جدید عهد دید و هلی

به جدید عهد در که متونی تمامت کلیف پس: "بگوید ستامکن اما "شود؟ می چه اند، کرده صدبت دید و هلاز روشنی

داشته وجودت و اندمی انجیل در تضاد باشد روشن باید چیز یک که شده گفت به ما به اگر است متعال خدای کلام انجیل زی را باشد، است، قدرت گون و نه منشاء او و آورد می ما زندگی به را مشکلات خدا کوچک خدایان یعنی دید و هلا، که بگوید ادامه در ت و اندمی انجیل پس مسدله این آورد می به وجود ما برای را مشکلات این خدا، با تضاد را پرسد تبت هواره و آمده عتیق عهد در بار 4 فقط "دید و هلا" کلمه که واژه این که است حالی در این و است مهم بسد یار است، کرده ت و صدیف

مسئله این که است این ما نظر است شده ذکر ب کرات مقدس ک تب در که به و دم تداول انجیل ک تابهای نو شد تن زمان در که است ب خاطر ب دین وجود واقعاً دید و هلاک ب دانند دید و هلاک ب قصد بر را نامشخصی مرض هر ب یشری مطالب آنوقت ب و دزد، ما مشکلات و ب بیماری مسؤل و داشتند چنان به دید و عتیق عهد در اما دیدیم عتیق عهد در رهباد این شومیم مشاهده معنای ی

که است آن مثل کردند، خارج فریدی بدن از را دید و هلاک نکه گفتن یافتند فایدا شد ناخسته جسمی یا ذهنی ب بیماری از او بگوید بیم خیالی موجوداتی به فهمیدند، نمی که را هر آنچه اول قرن مردم است حدی در زمان آن پزشکی دانش سطح دادند نمی نسبت "دید و هلاک" ب نام روانی ب بیماران به نتیجتاً سازد، ممکن را روان هلی ب بیماری درک که نبود به ناپاک و بدروح عتیق، عهد دوران در بگفتند نمی "زدهجن" سموئیل اول و (9:23 یهودا) شومی اطلاق روانی نامناسب و وضعیت مبدلایان به گیزدجن و بدروح هلی واژه دید، ج عهد در (18:10 و 16:14) اینجا در بیماری دید و هلاک بین ارتباط شد اطلاق روانی ب بیماریهای آوردند، عیسی زدر را دید و انگان از زیادی عده شب هان: است مشخص تمام و کرد ب بیرون آنان وجود از ناپاک ارواح تمام خود کلام با او و نبی اشعیا پیشگویی و سدیله، این به بخشدید شد فارا ب بیماران دور ما از ما مرضهای و کرد ب رطرف را ما وضع فهای او بیافت تحقیق هان انسان وضع فهای و ب بیماریها ب ناپراین (17، 8:16 متی) ساخت یافتند، می شد فاقتی هس تند ب دروهای یا "گیدی وزدی اجن" مرقس و (8:35 لوقا) شد تند برمی "سلام روان" به که می شد گفته تو صدیف براری دید گری عبارت "زدگی جن" ب ناپراین (5:15) که شومیم گفته ب و د (نا سلام روانی داشت تن یعنی) روانی ب بیماری ؛ 12:22 ؛ 17:18 متی) یا ب ندیمی "شفا" و شده "درمان" زدهجن افراد است ب بیماری تو صدیف منظور به عبارتی گیزدجن پس (4:24)

هلی رسش: 6 فصل

مذتار و مسؤل ما مشکلات و هلسختی مورد درک سی چه نهایتاً 1- است؟

خدا (الف)

ت صادق (ب)

شديطان نام به گ ناهكاري موجود (ج)

ديو به نام گ ناهكاري موجودات (د)

مخ تار و مس نول گ ناهكاري به ما شدن و سوسه مورد در ك سي چه 2- است؟

خودمان ان ساني فطرت (الف)

خدا (ب)

به دكار روحهاي (ج)

شديطان نام به گ ناهكاري دموجو (د)

چه يست؟ "اب ل يس" له غوي معني 3-

گ ناه (الف)

به زرگ مار (ب)

دروغ بين زن ته همت (ج)

اهوي من (د)

چه يست؟ "شديطان" كه لمه معني 4-

گ ناهكار (الف)

دشمن (ب)

هيو لا (ج)

ديو هلا به اد شاه (د)

شوند؟ مي اطلاق چه به مجازاً اب ل يس و شديطان كه لمات 5-

و سوسه و گ ناه (الف)

ف ضایعی ی طانی ش ن یروھلی (ب)

اژدها (ج)

دارند؟ اشاره چه به جدید عهد در دی وها -6

گ ناهکار فر شد تگان (الف)

هلب بیماری (ب)

ب وندد مع تقد مردم می شد، اطلاق ب بیماری به که زمان آن اصطلاح (ج)
هسد تند ب بیماری مسد بب دی وها

روح نوع از موجودات (د)

مسیح منشاء: 7 فصل

درباره عتیق عهد پیدشگوت بیهای 7-1

بیح مس

اصلي و سديله را مسیح عیسی خداوند که داد نشان 3 فصل داود و ابراهیم حوا، به که هئ یی وعده است داده قرار بد شر رس تگاری می آذان نوادگان از پکی عنوان به مسیح نام در برگ پرنده هه ده، می یافت عتیق عهد سراسر در مسیح ظهور پیدشگوت بیهای ضمناً باشد بد نی قوم مسیح میلاد از قبل که موسی دوران احکام شوندمی اشاره مسیح به دائماً بدند، آنها از اطاعت به مجبور اسرائیل زمانی تا کردمی مراقبت ما از که بد و دای الله همچون الهی احکام: دارند پیدسح عید ضیافت در ای نرواز (3:24 غلات یان) "بیباید مسیح که نمایانگر این (3:12-6 روجخ) میشد قربانی بداید سلام کاملاً ای به ره فرستاده خدا که است ای به ره همان این" است مسیح گشتن قربانی (1:29 یوحنا) "شود قربانی دنیا مردم تمام گناهن آموزش براری تا قربانی حیوانات تمام براری که عیبی مرتبه (5:7 قرن تیان اول رجوع 12:5 خروج) است مسیح شخص پیدتی کمال از تمثیلی بد، لازم را عتیق عهدان بیاء و مزامیرک تاب سراسر (1:19 پطرس اول به و اندگرفته فرامسیح و صف در شمارید پیدشگوت بیهای قوم امتناع اندیدر داخ ته وی مرگ چگونگی شرح به هه از بدیشتر به آنان توجهی بی به توانمی فقطرا مسیح مرگ پذیرش از یهود پیدشگوت بیهای از نمونه چندان حالح دانست مرید و پیدشگوت بیهای ندهیمی ارائه را

مسیح در آنها ت حقیق عتیق عهد پیدشگوت بیهای

و ای ای سد تاده دور چرا ای؟ کرده ترک مرا چرا من، خدای ای من، خدای ای " کلمات (22:1 مزامیر) " شد تا بی؟ نمی نجاتم به و شوندمی را امذاله متی) بد و کلمات همین دقیقاً شد، ک شیده صلایب به ههنگام یک مسیح (27:46)

قوم نزد آوردند می حساب به انسان مرا ام، شده پست کرم مانند من اما خود سر آنها بکندمی مسخره بدیند، می مرا هوکه ام شده حقیق و خار خود

که است که سی هان این آیه: بگو وید ندمی طعنه با او دهندمی تکان را را او خدا گفتمی که ستا شخصی هان این داشت؟ آیه ات وکل بر خدا مزامیر) "ده؟ ندمی ز جاتش چرا پس دارد دوست را او خدا دارد؟ اگر دوست قرار است تمزأ و تمسخر مورد را عیسی اسرأیل، بی نی قوم (6:22-8 و (27:39 متی) دانددمی تکان را سرخود آنها (35:25 ، 53:8 لوقا) دادند (27:43 متی) گفتمی چنین بود صلایب بروی مسیح هنگامیکه

تو. چسبیده کامم به زبانه و شده خشک گلی ظرف همچون گلویم" مردم اندگرفته مرادورسگمانند دشمنانم. ای که شانده گور لب به مرا "اندکرده سوراخ مرا پاهلی و هلدست. اندموده احاطه مرا شرور و بدکار بروی مسیح تشدگی زمان پیشگوئی این (16، 15:22 مزامیر) به پاهل و دستها شدن سوراخ (28:19 یوحنا). یافات ت حقق صلایب دارد اشاره کشیدن صلایب به نحوه

انداخته قرعه منردای بر و اندکرده ت قسیم خود میان در مرارخت" متی آیه در پیشگوئی این عینی ت حقق (18:22 مزامیر) "اند شودمی یافات 27:35.

آیه جملات 2:12 بران یانع آیه مطابق که باشد یاداشته خاطر به دارد اشاره مسیح به صراحتاً 22:22 مزامیر

می مدسوب بیگانه خود خاواده در و هسد تم غریب خود برادران نزد" ملامت مورد جهت این از دارم، هیجان و شور ت و خانه در خدمت برای. شوم به پیشگوئی این (9، 8:69 مزامیر) "امگرفته قرار دشمنانیت نمایان یهودیش قوم و خاواده از را مسیح بیگانه گی احساس و ضوح 2:17 یوحنا آیه در موضوع این. (47:12-49 متی و 3:7-5 یوحنا) ک ندمی است آمده.

"ذو شاندد سرکه آب جای به و اندداده زهر من به خوراک جای به" مسیح که است مانی ز پیشگوئی این عینی ت حقق (21:69 مزامیر) (34:27 متی). بود صلایب بروی

و مسیح مرگ پدیش گوئی به مرد و ط اشعیا 53 باب سراسر از نمونه دو خطا هوگ و نه از عاری است ایونو شد ته به وده رس تاخیز است شده آورده ذیل در شده گفته به خش

شکایت به زبانه و کردت حمل او اما کردند، رف تارحمی بی با او با "ا" گوس فندی همچون او و بدزدند؛ ک شد تارگه به به ره ماندر او بدگ شود سخنی و ای سد تاد خاموش است، زبانه بی اش بد زنده پشم نزد که نزد در قربانی به ره هان منزله به که مسیح (53:7 اشعیا) "نگفت (27:12، 14 م تی) بدود سکوت در محاکمه مدت مام در بدو، پ روردگار

مردی ق بر در را او ک نند دفن خطاکاران اهر را او خواستند هنگام یکه" حرف هیچ و بدو زنده سر او از خطای بی هیچ اما گدا شد تند؛ ژ روت مند به مسیح (9:53 اشعیا) "بدو نیامده بیرون دهندش از نادرستی مزار در اما، (8:27 م تی) شد که شیده صلیب به شرورگ ناهکاران هراه (27:57-60 م تی). شد دفن تو انگری مرد

عهد" پیامبران و قوانین" که مبنی بر این جدید عهد وری های ادا رومیان) بدیست عجیب اصلاً هستند، مسیح از مادرک مبنی عتیق، خود نیز مسیح (26:22 و 28:23 رسولان اعمال و 3:1، 2 و 16:25، 26 نداشت ته "فرستادگان و موسی" از مناسبت بی درک ما اگر راست مع تقد؛ 47-5:46 ی و دنا) داشت نخواهیم نیز او درک تو انای بی باشد یم (16:31 لوقا)

سخن آینه زمان در مسیح از صحت در موسی قوانین که نکته این خود ک نندمی پدیش گوئی را او آمدن پیامبران که این و گوی ندمی حیات تولدش از قبل مسیح که مدعا این بر اثبات است محکم دلیلی فیزیکی بوجود نیمنادرست عقیده این است نداشت ته دیگری نزدیک مسیح گوید می که خداست وعده ناقص وی تولد از پیش مسیح مسیح عقاید این روایت زمان در اگر است داود و ابراهیم حوا، فرزند به دهه را فرزند وی تولد قول مردم به تو انست نمی خداوند داشت، وجود سوم و یمت اول هلی پ ناب در که مسیح نامه شجره شود نامیده مسیحا که که است مردمی هان زو ادگان از وی که دهمی نشان است، شده آورده لوقا بدو داده را هلو عده آن آنان، به خداوند

فیزیکی وجود دهد، می داود به مسیح در باره پ روردگار که ای وعده تو وقت "سازدمی غیر ممکن زمانی نظر از راهنگام آن در مسیح

و تاج وارث را پسران از ی‌کی من شوی، ق‌ملح اجدادت به و ب‌میری
 پسر او و او پسر من یک‌نمی‌ت‌د بیت را او حکومت و سازمانی ت‌و تخت
 خواه مجازات سخت را او شود، گ‌ناه مرت‌کب اگر اما ب‌ود، خواه من
 مذکور جمله زمان که باشد پدیداشده ت‌وجه (7:12، 14:1) سموئیل دوم) "کرد
 ب‌ود، خواه مسیح پسر خداوند که و دش‌می‌گ‌فته ت‌در آن و است آید نده زمان
 فرزند این" جمله ب‌اشد نمی‌ممکن وعده زمان در خداوند پسر وجود پسر
 داود مسلم و واقعی فرزند وی که ده‌می‌نشان "ب‌ود خواه شما درون از
 فرزندانش از ی‌کی هر ی‌شه که فرمودی وعده داود به ت‌و" است ب‌وده
 "کرد خواهی عمل ات‌وعده به ت‌و و خواهند شد، او تاج و تخت وارث
 (132:11 مزامیر)

حیات در وعده زمان در خود وی اما ب‌ود وعده ت‌حقوق اول نمونه سلیمان
 (5:14 سموئیل دوم) ب‌ود

پسر که شد خواه فرزند داری که داود به شده داده وعده پسر
 لوقا) باشد داشته مسیح ت‌ولد به اشاره ب‌اید ب‌ود، خواه پسروردگار
 از را عادل‌ی شخص من که رسیده خواه فراروزی ای‌نک" (1:31 – 33
 شخص آن که (23:5 ارمیا) "نمود خواه منسوب پادشاهی به داود نسل
 ب‌اشد می‌می‌چاهان

آید نده زمان اف‌عال از ن‌یز مسیح به مرید و ط‌دی‌گر پ‌یش‌گوئ‌ی‌های در
 ماند پ‌یام بری (اسرائیل) آنها میان از من" . ش‌ود می‌است ت‌فاده
 آیات در که (18:18 ت‌ذنیه) "فرستاد خواه ای‌شان برای (موسی) ت‌و
 . ش‌ود می‌معرفی پ‌یام بر عنوان به مسیح 3:22، 23 رسولان اعمال
 را نامش آورد خواه بدنی پ‌سری شده، حامله (مریم) ای‌ب‌اکره"
 وعده این ت‌حقوق که است واضح (7:14 اشعیا) "گ‌ذاشت خواه امان‌وئیل
 (1:23 متی) ب‌اشد می‌مسیح ت‌ولد همان

مقدس ب‌اکره زایش 7-2

که نظریه این باوی ت‌ولد عنوان و مسیح به مرید و ط‌موجود اطلاعات
 که مردم از عده آن ندارند ت‌طابق است ب‌وده حیات در ن‌یز قبلاً مسیح
 در که است این باورشان معتقدند، گ‌انگ‌ی‌سه و ت‌ذلیت به غلط به
 غالب در آنها از ی‌کی پسر اند ب‌وده بهشت در ن‌فرسه زمان، ی‌ک
 بهشت در دیدگر ن‌فرد ت‌نها و گ‌ردد ب‌از می‌مریم رحم به ج‌ذنی
 – خدا وجود ح‌تی – وجودی هر که ای‌مدیده مقدس ک‌تب در اند ب‌از مانده
 نتیجه "قبلی وجود" ت‌ثوری از ب‌اید پسر است فری‌زی‌کی

رحم وارد و کرده نزول بهشت از نوعی به مسیح جسم که به گریه م
است شده مری م

می مقدس که تابت عالیم از خارج کاملاً پیچیده مذهبی ایده این اما
هیچوجه به مسیح پیدایش به مربوط شده گردآوری اطلاعات باشد
مدارک وجود عدم که نذمی اشاره مری م بدن به او ورود و بهشت ت رک به
گمشده حلقه منزله به تثلایت عالیم در زمینه، این در کافی
بگشت ظاهر مری م بریامپ این با جبرئیل فرشته است بزگی
عیسی رانامش آورد خواهی بدنیا پسر شده، باردار بزودی ت و"
مریم ... شد خواه نامیده پسر خدا و بدو خواه بزگ مردی او نهاد خواهی
هیچ دست دارد؟ امکان چیزی چنین چگونه اما پرسید فرشته از
جواب فرشته (است باکره وی یعنی) است نرسیده بمن هرگز مردی
خواهد سایه تو بر خدا قدرت و شد خواه نازل برتوالقدس روح داد
" شد خواه خوانده خدا فرزند بده، مقدس نوزاد آن رو این از باف کند
(1:31-35 لوقا)

مسیح که است شده تکرار دوباره آیه این در که است ذکر به لازم
که است بدیهی پس بدو خواه خداوند پسر شود، متولدوقتی
به باید بازم است نداشت پسر مسیح تولداز قبل خداوند
کنیم اشاره آیه این به مثال عنوان به شود توجه آینه زمان غالب
بر مری م جبرئیل فرشته زمانیکه در اگر "بدو خواه باشد کوه او"
قید در نیز مسیح گردانید، نازل مری م به را پیام این و شد نازل
مسیح باشد بده باشد کوه زمان همان با ایست می سپ بده می حیات
نیز "genos" یونانی واژه (22:16 مکاشفه) بود داود "نوادگان" از
است بده مسیح "جد" داود که است این از حاکی

مسیح چنین پیدایش

بدون تو وانست (خداوندت وان / نفس) القدس روح معجزه با مری م
واقعی پدرویوسف بر این بنا شود باردار جنسی رابطه داشته تن
فصل به) نیست شخصیک القدس روح که کنید توجه بدو مسیح
طریق از القدس روح پسر نه بود، خدا پسر مسیح (کنید رجوع 2
خدا فرزند بده، مقدس نوزاد آن رو این از "مریم، در خدا روح دمیدن
این در "بنا بر این" که لمه از است فاده (1:35 لوقا) " شد خواه خوانده
یعنی مسیح مری م، رحم بر القدس روح اثر بدو که دهمی نشان جمله
بدو حیات به قادر خداوند پسر

ب راث باتي خود (1:31 لوقا) مريم رحم در مسيح جنين "گيري شکل" ندا شده جسماني حيات مسيح زمان آن از قبل که است موضوع اين هم طوره بين و است آن پيدایش شروع هرچيزي گيري شکل است اب تداردي گري انسان هومثل و يافت پيدایش مريم رحم در مسيح اين بيانگر انجيل آيه معروف ترين 3:16 يوحنا آيه بود جنين يك ميل يونها است بده پوردرگ ارم تولد فرزندت نهاد مسيح که است آن معنای مورد در اينکه بكون کند برمي از آيه اين نفر تولد اين باشد، "م تولد" مسيح اگر نديکن درک و بياندي شدند اگر و گرفتار شده شکل مريم رحم در او جنين که است زمانه به مريم و از مسيح پدر که است واضح باشد او پدر خدا و خداوند متولد مسيح (2:90 مزامير) ندا شده آغازی خداوند که آنجا واز دارد بيشتر تری سن وي بيشتر 8 فصل رد) باشد پوردرگ ارم خودش ت و انذمي مسيح پس (شودمي بحت مورد اين در

مانند که اين نه و است پوردرگ ارم تولد مسيح که است توجه قابل و نذدي کي ميزان خود موضوع اين باشد شده آفریده آدم حضرت که است اين ما پيغام". دهدي نشان مسيح پرا خداوند پيوس تگي خواند نامي فرابا خود آشتي به رادم و بود مسيح در خدا (5:19 قرن تيان دوم)". نمايد پاك را آن آثار و ببخشيد دراگ ناهن شان اين و نشده آفریده گل از خدا توسط است، پوردرگ ارم تولد مسيح خداوند فرزند عنوان به مسيح ت و انانئ يهاي نشاندهنده خود موضوع است.

کندي ت و صديف جهان نور را مسيح 49:5.6 اشعيا آيه پيشگوئي داد رحم در را من" که است شده معرفي خدايي نمايد نده او (8:12 حنايو) از و پوردرگ ارم توسط مسيح بنا بر اين "باشم او خدمت گزار تا نتيجه در است گرفتار شده شکل "مريم" رحم در اله قدس روح قدرت طريق است بده مسيح جسي اوليه گيري شکل محل مريم رحم

ب روي را مسيح افرکار يرمزام 22 باب که ديديم 7-1 بخش در مادرم رحم از مرا ت و "خداوند که گزردمي ذهن در کندي بازگ و صليب مراقبت من از تو بودم، مادرم آغوش در هنوز که وقتي... آوردي دنيا مزامير) "اي کرده حفظ مرا و ايده وده من خداي تو و مادرم شکم از نمودي (10،9:22)

يعني نگردد، مي اشگيري شکل زمان هب دوباره مرگش زمان در مسيح ت و صديف از کرد آغاز را زندگي خدا اراده به مريم رحم در که زمانه زاده از قبل وي که فهميم "مسيح مادر" عنوان به انجيل در مريم

خانداده از و عادي ان ساني مريم است ن بوده حيات ق يد در مريم از شدن
 دهنده ت عم يدي ح يي ف رزندش لك داشت اي عموزاده او ب و د معمولي اي
 عادي ان سان يك مريم كه اندد عق يده ب راين كات و ل يكها .(1:36 لوقا). ب و د
 خداوند ف رزند هم و ب شرف رزند هم ت و اندمي مسيح ن ت يجه در ن بود
 هس تند جديد عهد در وي م تداول عناوين واژه دو اين در حال يكه باشد
 ب شرف رزند ب و دان انس صدر صد كه مادرش دل يل به را او ت و انمي
 ب ر ال قدس روح طري ق از پ رور دگار خواست ت ح قق ب دل يل و دانست ،
 است معني ب دان اين و (1:35 لوقا). دانست خداوند ف رزند را او مريم ،
 ب شرف نوع از معمولي زن يك مريم اگ ر اما ب اشدي وي پ در خداوند كه
 ماندمي خنثي و ن ت يجه ي زي با، مراتب اين ن باشد،

آيد؟ ب بيرون پاك ي چ يز ك ثيف چ يز يك از داري ت ظاران چطور"
 كه باشد خوب و پاك آن قدر ت و اندمي ان ساني كدام زمين ت مام ب رروي
 كار در ست و پاك او ب راب ر در كه ك يست هس تي؟ كه ك ني مي ادعا ت و
 موضوع اين واقع در (25:4 و 15:14 و 14:4 اي وب) "ب ياي د؟ ب حساب
 سازدمي مذ ت في مسيح و مريم مورد در راحت ت ن قص ب ي ت ولد امكان

ف طرت داراي قطعاً داشت، والدي ني و ب و د "زن يك زائ يده" خود كه مريم
 از زن يك زائ يده كه مسيح به را خصلت اين و ب و دان ساني ناپاك
 آمدن ب وجود ب ر اشاره .(4:4 غلاط يان) كرد مذ ت قل است ب شرف نوع
 شده نهاده (مريم) او ب ردوش كه مأموري تي ب ناپ ر مريم ت و سط مسيح
 ب دون ت و انسد تغمي مسيح كه ب راين دال است مدركي خود است،
 بگ وي دمي 4:4 غلاط يان آيه ب باشد داشته حيات مريم، ت و سط ت ولدش
 "است گ ريد ده م تولد زن يك از او"

مجبور مسيح يك ندمي ت أك يد مريم ب و دن ب شري ب ر دائماً مقدس ك تاب
 معنوي ادراك قوه داشت تن دل يل به مرت به سه حداقل را مريم ت تاب و د
 هليگ ف ته ت مامي درك از او (2:49 لوقا و 2:4 ي و دنا) ك ند سرزندش
 ب شريك از كه است چ يز ي هان دقيقاً اين (2:50 لوقا). ب و د عاجز مسيح
 به نسد بت نتيجتاً و ب و ده خداوند پ شرف رزندش كه زني رود، مي ان تظار
 خود رچه اگ است، ب ر خوردار ب الات ري معنوي ادراك قوه از خودش
 پ س ي و سف ب اشدي دارا ب شرف خصوصيات نوعي به ن يز ف رزند
 دل يل ي هيچ و (1:25 م تي) است داشته مروده مريم ب مامس يح ت ولد از
 نداشت ته آميزش راب طه دي گري زوج هومانند آن از پ س كه اين ب ر م بني
 ندارد وجود اند،

مي توان (12:46.47 م تي آيات در مسيح "ب رادران و مادر" موضوع ذكر از
 داشته ن يز دي گري ف رزندان مريم مسيح از پ س كه گ رفت ن ت يجه

که مع تقدذد کات و لیک مراجع بد و دوی فرزند اول بین مسیح ولی است، این که است کرده معراج به هشت به سه پس و مانده باقی باکره مریم فانی از سانهایی دیگر هاندند. شونمی تأیید اندجیل و توسط موضوع این، از جدای است گ ریده دچار بشری مرگ به و ه شد پذیرنیز مریم "رودمی آسمان به اندسانی هیچ" که خواندیم 3:13 یودنا آیه در ما رجوع) بد و بد رخوردار بشری طینتی از عیسی که واقعبیت این که است معنی این به (8:3 رومیان و 14:2-18 ع بران یان به ک نید چنن چراکه باشد اراد را خصوصیت این با عیسی می نیز مادرش باشد رسیده ارث به او به پدرش از توانستیم یقیناً خصوصیات ی

3-7 خداوند بر نامه در مسیح نقش

اهدافش مورد در تصادفی و ناگهانی بطور خداوند که است واضح او هلی بر نامه در بشری تاریخ گذشت با و گ یردمی تصمیم آفرینش آغاز از منظمی و ملکا طرح خداوند. شونمی حاصل تغیری وی اهداف در ابتدای سریک داشتند بنا براین (1:1 یودنا) دارد بر نامه از متفاوتی اب عاده تیق، عهد سراسر در است داشته قرار می آشکار مسیح طریق از بشری در مبنی پروردگار گردد.

و ام بران پی پیشگوند بیهی، هوعد طریق از که شونمی دیده کرات به آفرینش پروردگار ع تیق، عهد و موسی فرامین چون مخ تل فی احکام خواهد پسری که این از آگاهی با خداوند. سازدمی آشکار را مسیح به توجه با خداوند، (1:2:1 ع بران یان) کرد خلق راهستی داشت متعاقباً و (پروانای) 2:1 ع بران یان) نهاد بنا را بشری تاریخ مسیح اشاره مسیح به کرات به ع تیق عهد سراسر در خداوند که بدینی می نزد وی اساسی و عظیم اهیت و مسیح برتری کامل درک بنامی می که داشت اذعان مید توان بنا براین است دشوار ما براری پروردگار ولی بدوده آغاز از پروردگار تدبیر و اندیشه در مسیح موجودیت ع بران یان آیات شد، آغاز مریم از تولد هنگام مسیح جسمی پیدایش این و نبود فرشته یکه هرگز مسیح که دارد تکمیل 13:14 و 7:14 نیست تری پاد بین مقام در خود فانی زندگی در وی که در حال نیست به را خود که این از پس و (2:7 ع بران یان) داشت قرار فرشته یکه به از ریالات بسیار درجه به شناخت "م تولد فرزند نه" عنوان کتاب بق که دادیم نشان قبلاً (3:16 یودنا) گردید نازل فرشته تگان از قبل مسیح بنا براین است جسمی وجود هان وجود نوع نه مقس اول آیه باشد داشته وجود روح یکه عنوان به توانستیم تولدش

از پیش را او خدا" که ک ندمی ب ندمی جمع خلاصه ب طور 1:20 پ طرس جهان به را او آخر زمانهای این در اما کرد، ع یینت جهان آف ری نش " فرستاد

می مورد این در که نحوی به به باشد، می مقدس ک تاب اصلی محور مسیح به را او انجیل مؤده تا است فرستاده و ب رگ زیده مرا" خدا: بگ وی ندمی عیسی ما خداوندی عنی خدا، فرزند در باره مؤده این ب رسانم هگان اما آمد؛ ب دنیا بی داود نسل از نوزادی رتب صوت که باشد می مسیح و خدا نبرومند فرزند که کرد ثابت مرگ، از پس شدنش زنده با (1:4-1 رومیان). است الهی مقدس ذات دارای

است شکل این به مسیح تاریخ از ای خلاصه

- 1- خداوند در برنامه ی عنی - عتیق عهد های وعده
- 2- داود زریه عنوان به مقدس، ب اکره زایش با ج سمی آف ری نش
- 3- زندگی در که (قد است روح) وی شخصیت کمال با مطابق است ب ارز او فانی
- 4- به مجدداً حواریون الهام تحت موعظت در و شده رس تاخیز او گ رید معرف ی پ سر خدا عنوان به هگان

خداوند آگاهی پیش

در که اتفاقاتی بر تمام خداوند که موضوع این به به بتوانیم اگر کنیم درک توانیم بی تراحت شویم، آگاه است واقف آند، می آید نده اندازه تاچه نداشت، هم خارجی وجود مسیح حتی هنگامیکه آغاز در که در بر ره چیه پیش از او است داشت ته جای پروردگار ذهن و تدبیر در چیه یی مورد در ت و اندمی خداوند پس دارد آگاهی آید می پیش آید نده گوی که نماید اندیشه و صحبت آن گونه ندارند، قی قی وجود که خدا است حد کمال این در آید نده از خدا آگاهی سطح دارند خارجی وجود هستی به نیدستی از موجودات او، دستور به و ک ندمی زنده را هلمرده" (4:17 رومیان). آید ندمی

اظهار وی بداد خواهد رخ چه آید نده در بگوید شما به" ت و اندمی ب نابراین خواهد انجام به که نم اراده چه هر و شد خواهد واقع بگوید که آنچه: «داردمی مرگ ان مورد در ت و اندمی خداوند دلایل این به (10:46 اشعریا)» رسد

که گویید انذ شده متولد هنوز که اف رادی مورد در و زنده اف راد چون
گ وید سخن دارند، وجود

مسیح بود کرده پیشگوئی را مسیح آغاز از خدا کلام یا "تدبیر"
که بود مسلمان است داشت که جای خداوند هلی برنامه و اهداف در هیش
را بطه در که راهی حتماً خداوند یابد می جسمی تولد بالاخره مسیح
خداوند کلام قطعیت پیشدیدی تحقق بود، کرده عنوان مسیح یا
افعال از برخی بربری لاندی در کندی منعکس را او آگاهی پیش
زمان در افعال این یعنی هستند، "کامل پیشگوئی زمان" دارای
قاعده بر این کندی بیان آید در را خدا هلی وعده تحقق گذشت
بنا خداوند خانه باید که است جایی همان این "گ وید می داود که است
در تنها کورمز معبد زمان آن در که در حالی، (22:1) ت واریخ اول). شود
که داشت خدا هلی وعده به ایمانی چنان داود داشت جای خداوند هلی وعده
کتاب کرد می است فاده حال زمان افعال از آنان تحقق تو صیف برای
خداوند دارد در برپ رورنگ آگاهی پیش از فراوانی مثالهای مقدس
خدا بتدانش ایمان هلیش وعده تحقق به ابراهیم که بود مطمئن قدری به
نسل به فرات رود تا مصر مرز از را سرزمین این من": گفت او به
هیچ ابراهیم که بود زمانی در این و (15:18) پیدایش). "بخشم می تو
مسیح و اسحاق میلاد از پیش یعنی زمان همان در و داشت اولادی
ساز می بسیار قومهای در رات و من": داد وعده ابراهیم به خداوند
را موضوعات از برخی چنان" خداوند که راستی به (17:5) پیش پیدای".
افتاده اتفاق قبلاً راستی به آنها گویید که کرد بپیش قبلی از
بودند"

قرار او اختیار در را چه بزه" خدا که این از خلاف تنش دوران در مسیح
ای نظور هنوز که در حالی گفت می سخن، (3:35) یوحنا). است داده
ندیده به حال تا ما آوردی در (مسیح) او فرمانت تحت را چه بزه". بود
(2:8) ع بران بیان). باشد آمده در انسان فرمانت تحت چه بزه که ایام

از چنان که گفت مسیح تو و سطرستگاریش تدبیر در باره خداوند
(1:70 لوقا). داد می وعده خود مقدس انبیا زبانی از دور هلی گذشت
که بود وند نزدیک خداوند اهداف و برنامه به حدی به افرا این
مسلماً که در حالی اند، داشت وجود آغاز از آنان که شومی است تباط
از جزئی آغاز از پیامبران که گفت تو انمی در عوض نیست ای نظور
او به خداوند است براری ای نمونه ارمیا اند وده پ رورنگ بر تدبیر
ان تخاب رات و بگریل شك مادرت رحم در آن که از پیش": گفت
و برگزیدم رات و، بگشای جهان به چشم آن که از پیش کردم

(1:5 ارمیا) "بأشني من أور في يام جهان مردم میان در تا کردم تعیین دانستمی ارمیا مورد در را چیزه خلق از قبل حتی خداوند پس نام به یایران پادشاهان از یکی در باره خداوندی بگری مشابه در مورد زمان آن در او گوید که گوید می سخن نحوی به تولدش از قبل کورش از دید بگری مثال نیز 7:9، 10:7 عبرانیان آیات (1:45-5 اشعیا) دارد وجود شکلی به نه شده م تولد هنوز که شخصی مورد در که است نمونه این وجود دارد گوید که که نمی صحت

پ روردگ ارتدبیر از بخشش مکدی بگری یام بران و ارمیا که هانطور مؤمنین اند، شده واقع مخاطب نیز تولدشان از قبل حتی هستند، واضح اما گریزنده می قرار خطاب مورد شکلی چنین به نیز واقعی ای مدوده خدا ذهنی در قطع و نداشت جسمی وجود زمان آن در ما که است

بدلیل نه، برگزید خود خدمت باری و داد نجات را ما" پ روردگ فرموده اراده جهان آفرینش از پیش این که سبب به بلکه، مالیقت دوم) "دهد نشان ما به مسیح عیسی بد و سبب را خود محبت و لطف بد و آنکه از پیش حتی، دور بسیار زمانهای از خدا" (1:9 تیموتائوس در مسیح که فدکاری آن اثر در تاب رگ زی در ما، بیافری ندر جهان خدا که بد و این فقط تصمیم این علت بگردیم او آن از، کرد ماراه (1:4، 5) اف سس بیان) این که بد و کرده اراده

ب رای آذان که این و شناخت می آغاز از اف راد خداوند که اصل این از آذان که معناست بدین اندیشه وده خداوند خاص نظر مورد رسد بگاری بد نابراین (9:23 و 8:27 رومیان) انددا شد که وجود پ روردگ ار ذهنی در آغاز از شود می خلاصه او در خداوند اهداف که کسی مسیح که نیست عجب باشد، داشت که وجود خدا ذهنی و برنامه در و بگری قرار اشاره مورد آغاز آغاز از" او باشد داشت که جسمی وجودت و اندست می هنوز که در حالی 4000 او نمرود، زمان آن در مسیح اما (8:13 مکاشفه) "بد و دره آفرینش (7:5 قرن تیان اول و 1:29 یوحنا) "خداوند به ره" عنوان به بعد سال اند تخاب آغاز لحظه هان از مسیح که هانطور شد قربانی صلیب روی بد وند شد اند تخاب نیز مؤمنین (1:20 پطرس اول) باشد شده معنایی به یونانی که لمانه نیز آیات این در (4:1 اف سس بیان) مطالب این درک (است گریزته قرار است فاده مورد "شده اند تخاب" ممکن چطور که کنیم تصویرت و اندیم می زی را است دشوار ما باری بدینش توان هان "ایمان" کند عمل زمان چارچوب از خارج خداوند است است زمان هلی محدودیت بدون خداوند دیگه از جهان

3-1:1 یوحنا ، "بودن کلام آغاز در" 4-7

خدا نزد و داشت وجود کلمه ، آید دید چ یزید آن که از پیش ، ازل در " او بود و سوله ، هست چه هر . خداست او خود بود و ده ، زنده هواره او . بود (3-1:1 یوحنا) "باشند یافیده را آن که نیست چ یزید و شده آفریده

می قبیل بخشند تا بیج سطب و تأیید سبب آیات این صدیح درک اعتقاد در اشد تباہ و سوءتفاهم بیشترین آیات این لیکن و گردد درک . اند شده باعث را تولدش از قبیل بهشت در مسیح وجود به این متن در "کلام" واژه از ما برداشت به بسبتگی آیات این صدیح یک زیراکند ، نمی اشاره خاص فریدیک به مشخصاً کلمه این دارد آیات که "logos" یونانی کلمه باشد "خدا هم" و "ببخدا" هم تواند می فرین این ندارد همراه به خود بار مسیح است ، شده ترجمه "کلام" اینجا زیر هلیواژه به موارد بعضی در اما شود ، می ترجمه "کلام" معمولاً کلمه است شده ترجمه نیز

علت اهیت

تعلیم ارتباط

موعظه نیت

سخن دلایل

خبر

یونانی زبان در (logos) کلمه زیر را رود ، می بکار مذکر شکل به "کلام" معادل کند اشاره مسیح به که نیست بر این دلیل اما باشد می مذکر فرانسوی زبان در و خدائی جنسیتی نظر از آلمانی زبان در کلمه این ندارد اشاره مذکر شخصیک به ضرورتاً "کلام" پس باشد می مؤذث

"آغاز در"

دیگر و کلمات توسط که درونی افکار به را "logos" توان می و داشت کلامی خداوند آغاز در . ساخت معطوف شود می بیان ارتباطات روح که ای داده نشان بود کرده متمرکز مسیح در را خود واحد هدف این کلام و روح نتیجه درگ دارمی اجرا به را او درونی افکار خداوند

ب شریعت بر را خود طرح پروردگار هزنگامیکه اندمرت بطب اهام خداوند نمود، نازل الهامت وسط آغاز همان از را مک توب کلام و بخشیدت حقق کلام مسیح کرد اظهار خویش اعمال و کلام در ن بیز را مسیح اندی شه تمام در را مسیح تدبیر پروردگار روح بنابر این بدود پروردگار تا چراگ ردمی مشخص ترتیب بدین نمودمی بیان پروردگار اعمال شوندمی مرد و ط مسیح بدوعی به هه عتبق عهد سخنان حد این به نه بوده، "کلام" مسیح شخص که نمود شمار بی تا کید باید هرچند "کلام" مسیح طریق از بشر رسد تگاری بر مبنی خداوند هف بلکه مورد در مقدس کتابت های شار بر رای "کلام" واژه از است فاده اوست 3:16 کولس بیان) "مسیح کلام" مثل است متداول بسیار مسیح اول و 19:10 رسولان اعمال و 5:24 یوحنا و 13:19 متی به رجوع در باره "کلام" که باشد پیدا شده توجه (غیره و 1:8 تسالونیکیان "کلام" مسیح تولد هزنگام نیست مسیح خود شخص و بدوده مسیح انسان خدا که له" گرفت خود به اس تخوان و گ و شت شکل به مبدل کلام" بلکه نبود "کلام" شخصاً عیسی (1:14 یوحنا). شد به تبدیل مریم از شدن متولد از پس او بدود "اس تخوان و گ و شت آن از قبل نه و شد "کلام"

ولی بدو مشخص مسیح مورد در پروردگار تدبیر آغاز، زمان از همان کتابت در او به مرد و ط هلی موعظه و مسیح شخص در او تدبیر سرانجام طریق از را کلامش پروردگار ای نرو از بگردید دفاش اول سده در مقدس موضوع بر این باره و باره (1:2) ع بران بیان) رساندمی ما به مسیح و خداوند اذن به و گ فت می را خداوند کلام مسیح که است شده تا کید و 7:16 و 3:34 و 2:22 یوحنا) کردمی معجزه ما بدی را او شناساندن بر رای 10:32.38 و 14:10.24).

راجع مقدس کتاب مطالب موعظه بر مبنی مسیح دست تورط بق پر و اس: پرداخت مسیح بدین ترتیب به "جهان سرا سر مردم" بدین در او به که، غیری هودی ان شمانجات بر رای که خداست نه قشه همان اندجیل این در پیغام این اکنون بدو، اما مخفی رازی بصورت تهمگ دش زمانهای در ایمان مسیح به جهان سرا سر مردم تا... شومی اعلام جاهه اب دی زندگی (2:7 قرنتیان اول به رجوع 16:25.26 رومیان) بدی اورند خداوند (6:53 و 3:16 یوحنا) شد میسر مسیح توسط نهاب شر بر رای و فداکاری از و داشت شراب دی زندگی بر رای تدبیر آغاز از این خداوند دروهین از داشت اطلاع پیشاپیش مسیح شدن قربانی این وعده: "نمود آشکار مسیح مرگ و میلاد از پس تنهارا خود هف به رای و بدو، داده جهان آفرینش از پیش حتمی خدا را جاوید زندگی

ای مدیده (1:2،3 تا یطوس) "بگ وید ندمی دروغ هرگز خدا که است مسلم ما می تعریف آنان از نحوی به خدا پ یام بران از گ فتن سخن هنگام که مورد "کلام" که چرا (1:70 لوقا) انددا شد ته وجود ه ی شه گ ویدی که گ ردد است داش ته وجود خداوند نزد آغاز از آنان ت کلم

او . سازدمی آشکارا موضوعات این از بسد یاری مسیح ت م ثیل حکایت و م ثل بامن" ک ندمی محقق را خود به راجع پ یشد گوئ یهای آفرینش زمان از که نمود خواهم بیان را اسراری و گ فت خواهم سخن است ترتیب بدین (13:35 متی)". است مانده پ و شیده بحال تا دنی یا به م بدل" مسیح ت ولد زمان در تا "بود خداوند با کلام آغاز در" که . شود "اسد تخوان و گ وشت

"بود کلام پ روردگ ار"

ر سیممی "بود کلام پ روردگ ار" جمله م فهم بد ررسی مرحله به اک نون م ثال عنوان به که ای جمله . هس تیم خود هی اندید شه و اف کار واقع در ما را من هدف که است من پ یام یا کلام "رومی ل نندن به من" : شده آورده ورتد بی . است من هدف عیناً کلام این دیدی گرع بارتی به بک ندمی بیان کرد درک ت وانمی ترتیب هین به نیز مسیح مورد در را خداوند هدف هان گونه او ک ندمی ف کر او در باره قل بش در (انسان) او که هان گونه" خداست اف کار هان نیز خدا ب ناپ رای ن (23:7 امثال) "باشدمی خداست خداوند، اندید شه یا کلام که گ فت ت وانمی ب ناپ رای ن ب بین نزدیک ارت باطن نیز دل یل هین به "بود م کلا پ روردگ ار،" می دید ده زیاد و اژه دو این ت رادف . است ب رقرار کلامش و پ روردگ ار صحرای و آوردمی در ل رزه به را د شد تها" : 29:8 مزامیر آیه مانند شود ار میا) "بندادیدگ وش شما ولی" چون جملاتی "دهمی ت کان را قانش به شما" گ ویدمی خداوند در عمل . است م تداول رسولان آیه در (25:7 کلام داود "اید نداده فراگ وش شده، ن قل پ یام بران از که من کلام ضمناً و (105:119 مزامیر) دهمی قرار خود راه ب خش روشنائی را خداوند روشنی به مراتب کی ت و ، هس تی من زورت و خداوند، ای " بگ ویدمی تراند نمایان گر این که (22:29 سموئیل دوم) " . کنی می تبدیل کلام که است درک قابل کاملاً . باشدمی وی کلام و پ روردگ ار سخن شخص یک عنوان به آن از ی عنی . دارد را او خود ن قش پ روردگ ار اصل" 5 انحراف به) نیست شخص یک در حال یک شومدی گ فته (ک نید مراجعه "ساز ی شخصیت

پس، (5:10 یوحنا اول و 8:26 و 3:33 یوحنا). است حق یقت خود خداوند درجائی. (17:17 یوحنا) نیست حق یقت جز چ یزنی ن یزوی کلام شناساندمی را خود کلامش کمک به خوبی به چنان مسیح ن یزدید مگر که کسانیی تمام وی " دارد وارانسان موجودی تی وی "کلام" گ وی که از من کلام به وسیله قیامت روز در، پذیرند نمی مرا سخنان و مرا سخن کلامش از چنان او (12:48 یوحنا) ". شد خواهد بازخواست ای شان وی کلام. است خودش یعنی حقیقی شخص یک گ وی که گ ویدمی است پیوسته او به زی را دارد، شخصی موجودیت

یاد شخص یک عنوان به 1:1-3 یوحنا آیات در ن یز پروردگار کلام از شده آفریده او بوسیله هست چه هو". (خداوند خود عنوان به). شومدی اش فرموده کلام طریق از را چه یزه خداوند ولیکن (1:3 یوحنا). "است شومدی یاد نوحی به خدا کلام از دل یل همین به (1:1 پیدایش). آفرید خدا کلام وجود به زمینه این در پرستش نکته و اوست خود گ وی که گ رددبازمی دشوومی بامانزید کی سبب ماقبل در که

کلامش بوسیله خداوند که براین دال است مدرکی پیدایش اول باب به پروردگار کلام یعنی مسیح شخص بوسیله نه و است خالق به (1:1-3 یوحنا) مسیح شخص نه و شومدی و صیقل خالق عنوان س تارگان و خورشید و دادستور او؛ آمد وجود آسمانها خداوند فرمان در و بدارید حرمت را خداوند، زمین روی مردم هه ای. دشندن آفریده آفریده دنیا و دادستور او زی را! آورید فرودت عظیم سر او بر رایتی و (9، 6:33 مزامیر) "آمد وجود هستی عالم و فرمود امر او شد، خداوند". پزداندمی خود وظائف به او کلام به کائنات ن یزاکنون هم بر ف او. شومدی عملی فوراً فرماید می چه هو و میدهد و ردمین به همچون را شد بنم و گستراندمی زمین سطح بر لحاف ماند را سنگ ماند را تگرگ هلی دانه خداوند. کندی پخش جا هه خاک ستر باشد؟ داشت ته آذرا سرمای ت حمل تاب که کیست و ریدمی فروریزه آبها و فرستدمی باد، شوندمی آب یخها و دهمی دستور س پس (15:147-18 مزامیر). " شوندمی جاری

برای قدرت این از خداوند. اوست آفریدنش قدرت پروردگار کلام پروردگار تدبیرهان کلام کرد است فاده مریم رحم در مسیح تولد همین و (1:35 لوقا). است یافا ته ت حقیق ال قدس روح طریق از که است در خود العمل باعکس مریم و است کرده متولد را مسیح خداوند کلام مریم" است کرده اعتراف حقیقت این به مسیح تولد خبر بر رابریل کمال با، خواهد او چه هو و هستم خداوند خدمت گذار من: گفت

آن گاه بـ شود همان گـ فـ تي چه هر که خواهـ مي خدا از . دهمـ مي انـ جام
(1:38 لوقا) " شد ناپـ دید فـ ر شد ته

در نـ يز او هـ ف و او ست هـ ف بـ از تـ اب خداوند کلام / روح که ایـ دید ده
تـ رادف، 13:27 رسولان اعمال آیه . است شده اذعان عـ تـ یق عهد سرا سر
این صحت میزان مسیح، با عـ تـ یق عهد انـ بـ یاء پـ یشـ گوئـ بیـ های
او که نـ بردند پـ یـ و نـ پذیرفـ تـ نـ در را او ایـ شان" :دهمیـ نـ شان را مـ وضـ و
کرده پـ یشـ گوئیـ اش در بـ اره ایـ نـ قدر پـ یـ غم بران که است کـ سی هـ ان
مسیح عـ یـ سی شخص در خداوند روح کلام تـ مام مسیح، تـ و لـ د بـ ا " انـ د
مسیح در خداوند هـ ف شدن نمایان از الهم تـ حت حواری یـ حیـ ی . شد اظهار
دید هـ شخصاً را مسیح حواری و نـ گـ فـ تـ سخن ابـ دیـ زندگی بـ ر مـ بنی
کلام داشت ته خود روی پـ یشـ آنچه که فـ همـ ید هـ نـ گام آن یـ حیـ ی اما بـ و دند
اول) بـ و د مسیح طریـ ق از ر سـ تـ گاری بـ ر مـ بنی او هـ ف یـ عـ نی خداوند،
اما بـ نـ یم مشاهده چشم بـ هـ را مسیح تـ و انـ یـ زمی ما اگـ رچه . (1:1-3 یـ و دنا
هـ ف بـ هـ کاملاً تـ و انـ یـ می و یـ از صـ د یـ حیـ شد ناخت داشت نـ بـ انـ یـ ز ما
اول) یـ مـ آور ایـ مان ابـ دیـ زندگی بـ هـ نـ تـ یـ جـ در و بـ رده پـ یـ پـ رورنگار
می را مسیح اندازه تـ اچه که بـ پـ ر سـ یم خود از بـ ایـ د (1:8.9 پـ طرس
زمانی که نـ یـ کوکار مرد یـ ک فـ قـ طـ عنوان بـ هـ مسیح شد ناخت شد ناسیم؟
بـ ا شد نمی کافـ یـ داشت، وجود

بـ هـ را مسیح سرعت بـ هـ تـ و انـ یـ می دعا، بـ ا هـ راه انـ جـ یـ ل مداوم مطالعه بـ ا
بـ پـ یـ و دیم او بـ هـ تـ عـ مـ ید غـ سل طریـ ق از و کرده درک خود ناجی عنوان

پـ ر سـ شـ ها : 7 فـ صل

1- داشت؟ مادی حیات تـ و لـ دش از پـ یش مسیح آیا

بـ له (الف)

خیر (ب)

2- تصور قابل تـ و لـ دش از قـ بل مسیح بـ رای وجودی نوع چه
است؟

فـ ر شد ته یـ ک عنوان بـ هـ (الف)

ت. ژلا پټ از بڅشي عنوان به (ب)

روح پك عنوان به (ج)

خداوند ت د ب يرو ذهن در ت نها (د)

است؟ صادق مريم در باره زير هلي ف تهگ از كدام يك 3-

ب و د معصوم و كامل زن پك او (الف)

ب و د معمولي زن پك او (ب)

صورت ال قدس روح ت و سطر او رحم در مسيح جنين گ بري شكل (ج)
گرفت

ك ندمي مسيح ت قديم را ما دعا هلي او اكنون (د)

4- كرد؟ خلق را زمين مسيح آيا

ب له (الف)

خير (ب)

مسيح ف طرت: 8 ف صل

مقدمه: مسيح ف طرت 8-1

راسد تاي در بر رگ ناهن غلا به سد بيب به مسيح كه موضوع ادين
نكرده، دريافت را مقه تضي ت مجيد و سد تاي ش كمال، به دسد ت يابي
رايچ نظريه است مسيحيت تاريخ ف جايع بزرگ ترين از پكي
نظر در باك ندمي قلمداد خدا را عيسي (پنداري گانه سه) "ت. ژلا پټ"
رقرا اغوا و وسوسه مورد ت واندنمي وند خدا كه نك ته اين گرفتن

در صورت ب ناب رای ن کنده، نمی ن یز گ ناه و (1:13 ی ع قوب) گ یرد نداشت ته، گ ناه بام بارزه به لزومی عیسی ت ثلیث فر ضیه ق بول و ب شری ت جری یات و رای در ت ظاهر نوعی وی زمینی زندگی ای نرو از و ذویات مع ب ین ان تخاب هذ گام ان سانی جدالهای واقعی درک از عاری است ب وده مادیات

ی هوه شاهین و مورمون فرقه هچون اف راطی هلی ی فرقه مقابل در درک را خداست متولد پ سرت نهاد مسیح که واق عیت این شد گ ف تی واقعی فرزند ی اف رشد ته یك ت وانسد تخمی وی متعاقباً اندذ کرده در طول عیسی فرطت که کنذمی ادعا ن یز گ روهی ب اشد ی و سف ب ه نزول از ق بل آدم حضرت فرطت شد بیه زمین در وی زندگی نانی ت ای ید در انج یل در مناسب شواهد وجود عدم از جدای است ب وده زمین از آدم حضرت خلقت که نک ته این گ رف تن نظر در بامسد نله، این خواست بامری م حضرت رحم از عیسی ت ولد در حال یکه ب وده گل شودمی مشکل منظری این پ ذی رف تن است، گ رف ته صورت خداوندی رحم در ماهگی هان نداما نداشت، ب شر نوع از پ دری عیسی که هچند رانک ته این ت وانذنذمی مردم از ب س یاری شد متولد و کرده رشد مادر هین و باشد کمال دارای ب تواند جائ زال حظا ان سانی که ب پذیرد است مسیح ب ه حقیقی ای مان عمده موافع از ی کی

هلی و سوسه بر هواره ولی ب وده ماهان نذ عیسی که ق ضیه این ب اور ب یست ای ساده کار جسته، می دوری گ ناهن از و شدمی غالب مخ تلف کامل زندگی از مقدس ک تاب در شده ت بت مسائل ب ه توجه با ف قط ب ودن خدا که انج یل شواهد از ب س یاری گ رف تن نظر در با و وی ای مان و اس توار و ح یحص درک یك ت وان می کنده، می رد را عیسی ب وده خدا عیسی که ت صور این ب کرد پ یدامس یح ب ه واقعی دور ن یز باشد می گ ناه و خطا از فرغ و متکامل خود ب ناب رای ن ب شری ن فس و گ ناه بر عیسی غل به ارزش ن گرش، این است ذهن از دهد می جلوه کوچک را

وی وجود در ن یز ب شری تمایلات تمام داشت ب شری فرطت او از مدجویی و خداوند بر ات کاء ب اولی، (4:15 ع بران یان) ب وده نهفته خدا" و داد یاری را او خویش اراده به خداوند آمد فایق آنها ت مامی ب روی گ ناهن شان تا خواندمی فر خود با آ شد تی به را مردم ب ودمس یح در (5:19 قرن تیان دوم) "بمای دپ اگ را آن آرا و ب بخشاید را

مسئله و خداوند تفاوت‌های 8-2

که آنها و ک‌نند می‌دلالت "مسیح در خداوند وجود" بر که شواهدی بین مناسب‌ت و از نی‌دهند، می‌قرار تا که یدمورد را عیسی‌انسانیت "خداوند خود" عیسی‌بودن خداوندی‌ل شواهد دوم س‌ری‌است بر قرار می‌کن‌غیرمم‌کن‌ند، می‌عنوان‌غلط‌به‌ت‌ثلیث‌نظریه‌که‌آن‌گونه‌را می‌لادی 325 سال در بارن‌خست‌تین‌برای "خداوند خود" ع‌بارت). شمارد‌عنوان‌ت‌ثلیث‌نظریه‌ت‌رویج‌ب‌اه‌زمان و (Nicea) ن‌ی‌سا‌شورای‌در که‌لمه‌(ب‌ودن‌ناشناخته‌ن‌خست‌تین‌مسیح‌یان‌برای‌نظریه‌این‌شد، این‌نهم‌فصل‌در‌خوردن‌می‌چشم‌به‌ان‌ج‌یل‌جای‌هیچ‌در "ت‌ثلیث" مهم، این‌انجام‌در‌خداوندن‌قش‌و‌ب‌رگ‌ناه‌یح‌مس‌غلط‌به‌مورد‌در‌ک‌تاب‌به‌ب‌ایست‌می‌م‌باحث‌این‌شروع‌از‌پیش‌شد‌خواهد‌ب‌حث‌ب‌یش‌تر‌واق‌عبیت‌از‌صدیح‌فهم‌یک‌به‌رس‌ت‌گاری‌که‌باش‌یم‌داشته‌خاطر‌(17:3 و 6:53 و 3:36 ی‌ودنا). ب‌اشد‌می‌م‌ت‌کی‌و‌واب‌سه‌ته‌مسیح‌عیسی‌مسیح‌یا‌سه‌ت‌یلا‌مورد‌در‌دقیق‌ادراک‌این‌به‌ب‌ایست‌می‌ن‌خست‌به‌رس‌یدن‌هدف‌بات‌وان‌یمی‌آن‌گاه‌فقط‌شویم، ن‌ایل‌مرگ‌و‌ب‌رگ‌ناه‌ی‌اب‌یم‌ت‌عم‌ید‌مسیح‌وجود‌از‌رس‌ت‌گاری

2:5 ت‌یموت‌ا‌وس‌اول‌آیه‌در‌زید‌ب‌ای‌به‌عیسی‌و‌خداوند‌بین‌رابطه‌دارد‌وجود‌ان‌سانی‌مردم، و‌خدا‌میان‌و‌است، واحد‌خدا": است‌شده‌ب‌یان‌ن‌تیجه‌این‌به‌راما‌فوق‌شده‌ص‌مشخ‌ک‌لمات‌به‌ت‌وجه "مسیح‌نام‌به‌سازد‌می‌نزدیک‌ه‌لگ‌یری

عیسی‌بودن‌خداوند‌صور‌خدا، یک‌ت‌نها‌وجود‌به‌بات‌وجه - شود، ق‌لمداد‌خداوند‌عیسی‌و‌باشد‌خدا‌پ‌در‌اگر‌است؛ غ‌یرممکن‌خدا‌یک‌فقط‌که‌میدان‌یم‌ما‌اما". م‌یرسد‌دوب‌به‌خدا‌یان‌ت‌عداد‌ب‌نا‌پ‌راین‌خدا‌ی" ب‌نا‌پ‌راین (8:6 قرن‌ت‌یان‌ولاً) "ما‌آسمانی‌پ‌در‌یعنی‌وجود‌دارد، عنوان‌ت‌حت‌دی‌گر‌خدا‌یک‌وجود‌ای‌نرواز‌است‌واحد‌خدا‌ی"، پ‌در‌در‌است‌غ‌یرممکن‌شود، می‌رض‌ت‌ثلیث‌نظریه‌در‌که "پ‌سر‌خدا‌ی" است‌شده‌معرف‌ی‌پ‌در‌و‌واحد‌خدا‌ی‌عنوان‌به "پ‌هوه" ن‌یز‌ع‌ت‌یق‌عهد‌وجود‌ن‌یز‌ای‌سطه‌واحد، خدا‌ی‌ب‌راین‌علاوه (63:16 و 64:8 اش‌ع‌یا‌مثلاً) و... در "و" که‌لمه‌است‌مسیح‌عیسی‌آن‌و‌ب‌وده‌ب‌شروع‌از‌که‌دارد‌ا‌شاره‌خدا‌از‌مسیح‌بودن‌م‌ت‌فاوت‌به‌و‌ب‌وده‌رب‌ط‌حرف "و...واسطه‌یک‌ک‌ندمی

نوعی‌وی‌که‌است‌معنی‌این‌به "واسطه" ب‌عنوان‌مسیح‌وجود - و‌جا‌ت‌زال‌خط‌ب‌ش‌ر‌ب‌ین‌ای‌واسطه‌شود‌می‌م‌حسوب‌دهنده‌ارت‌باط

می باشد؛ گناه از مبرا خداوند یک خودت و اندنمی پاك خداوند
ب شری گ ناهکار فطرت دارای ولی گ ناه از پاك ب شری ب ایست
صحت". است مسیح عیسی ب شر آن و "جمله به دق یق ت وجه باشد
ای نکه با پ ولس هلی ذو شد ته. ده می قرار تائید مورد را تفسیر این
عیسی خداوند" از ولی ب وده، یسی ع عروج از پس زمان به مربوط
است. نیاورده میان به صد ب تی "مسیح

هوشع) "باشند می ب شر نوع از خداوند" که شده نشان خاطر ما به بارها
که هانگونه است، "ب شرف رزند" قطعاً مسیح ولی (19:23 اعداد؛ 9:11
خداوند وجود. "مسیح عیسی نام به ب شری": شده عنوان جدید عهد در
و کرده تا یکید صفت این در او یگانگی بر "ترین رفیع" ب عنوان
که ده می نشان (1:32 لوقا) "ترین رفیع بر سر" ب عنوان عیسی وجود
پس رو پ در الفاظ اطلاق باشد خداوند شخصی به ت و اندنمی عیسی
ی کی دو این که ساز می مشهوران که ت این عیسی و خداوند به
خود پ در به زیادی هلی شد با هت و ان می پسریک که هر چند یس تند
مذسوب پ در ی عنی شخص، هان دقیقاً ت و اندنمی ولی باشد، داشد ته
کند بر اب ری وی با قدمت و سال و سن نظر از یا گ ردد

دارد وجود عیسی و خداوند ب بین تمایز وجه زیادی شمار زمینه این در
باشند می خدا عیسی که دهند می نشان ب وضوح که

عیسی خداوند

موارد ت مامی در "مسیح (1:13 ی عقوب) "شود می و سوسه خداوند"
(4:15 ع بران یان) "گرفت قرار و سوسه مورد ما هانند

اول؛ 2:90 مزامیر). است ف نانا پ ذیر فطرتاً او میرد، می خداوند
16:21 م تی) رفت دنن یا از روز سه ب رای مسیح (6:16 ت یموتائوس
و 12:40)

خروج و 6:16 ت یموتائوس اول) ک ندرویت ار خداوند ت و اندنمی ب شر
1:1 ی و دنن) کردند لمس را وی جسم و دیدند را عیسی مردم. (20:33
(دارد تا یکید ن که ت ب رای ن)

گناه بدين از تخاب به را مان بيروي در واقع شوي ممي و سوسه زمانه يکه عدم مان تخاب اغلب بک ندمي و ادار خداوند از فرمان برداري و را از تخاب شرايط هان نيز مسيح است؛ داوندخ از فرمان برداري وي ب ناپ راي ن بکرد اخ تيار را خداوند از فرمان برداري هواره اما داشت داده نشان ن شد آوده گناه به هيچ گاه که هرچند داشت، راگناه امکان نزيه هان قطعاً 7: 12-16 سموئيل دوم روايت بر اساس مسيح که ايم ايد نگونه مسيح بر راي گناه امکان وجود مورد رد 14 آيه است بوده داود سخت را او شود، نام شروعي عمل مرتکب او اگر " بک ندمي عنوان "کرد خواه مجازات

مسيح و طرت 3-8

دلالت داريم بر طبعي بصورت و ذاتاً ما که شرايطي به "فطرت" که لمة برده نام فطرت نوع 2 از انجيل که داديم نشان يک مطالعه در ميکنند مرگ، خداوندي، فطرت بر راي ب شري فطرت و خداوندي فطرت - تاس در مسيح که است واضح نيست تصور قابل آن نظير و سوسه ب ناپ راي ن است، نداشت ته خداوندي فطرت خويش زندگي دوران طول "فطرت" که لمة از ما تعريف به باتوجه است بوده ب شري وي فطرت هزمان بصورت رارت فطرت نوع دو ت و انسد ندمي مسيح که است واضح است گرفت تهمي قرار و سوسه مورد ما هان ندم مسيح لاجرم ب اشده نداشت ته خود ن فساني هليو سوسه بر کامل غلبه باولي (4:15 ع بران بيان) هليو سوسه پايه که بيجايي اميال است داده هديه ما به مغفرت مرقس) است بوده ما ذات از برخاسته ده، مي تشکيل را مان فساني (13:1-15 يعقوب) گيرن ندمي نشأت ما ب شري فطرت از و (7:15-23 اين ت و انسد ته اي نرو از و بوده ب شرنوع از مسيح لزوماً ب ناپ راي ن ب شود چيره آنها بر و کرده تجربه را هلو سوسه

شده گنجانده که لمة چند در 14:2-18 ع بران بيان آيات در نکات اين تمام است:

طبعيت) است تخوان و پست از اي مجموعه (ما) کو دکان که هان گونه " طريق از که است؛ صورت هين به نيز (مسيح) او هس تند، (ب شري طبعيت ب واقع ب ناپ راي ن ... شود تخريب است ممکن مرگ ابراهيم نزيه از را وي خداوند اما شود؛ ندمي ما حال شامل فرشتگان سلطان هم شده بيه موارد مامي در وي که است دل هين به بداد قرار رفيع مقام بامقدس فرديک را وي ب توان شايد دکه بوده، خويش ميگوشزد آنان به را مردم گناهن که ... کرد قلمداد مع تقد و مهربان

که به ود قادر منتها گرفت می قرار اغوا و وسوسه موردن یزوی کرد.
"نماید غلبه هوسوسه این تمامی بر

دارای عیسی که کز ندیمی بدت اُک واقعیت براین شدت به جملات این
(2:14 ع بران بیان) "هچنین یز او خود": است بوده به شری فطرت

سه هو و بوده معنی هم اندر فته به کار جمله این در که ای که لمه سه
برای نکه است تا کیدی "هین" که لمه دارند واحد نکته یک برت اُک ید
نای به 2:14 ع بران بیان آیه در است به شری فطرت دارای نیز مسیح
نمی فرشتگان فطرت نوع از مسیح فطرت که شده اشاره نکته
رسد نگاری بر رای که کسی یعنی بوده، اب راهیم نریه او چرا که باشد
بوده آمده پیوست، خواهند اب راهیم نریه به که مومذینی و پیروانش
از" بایستی مسیح داشت به شری فطرت الزاماً مسیح دلایل این به
خداوند تا (2:17 ع بران بیان) "گردد خلق برادرانش ماند نظر هو
این پس دهه قرار ما به خشایش و سپله را او شدن قربانی بتواند
ذو عی به نبوده، بر خوردار به شری فطرت از تماماً عیسی که نظریه
شود می محسوب وی به شارت از غفلت

تواند می شود، مرتکب گناهی یافته تعمید مومنان از یکی هوگه"
خویش گناه به مسیح دادن قرار واسطه با آمده خداوند سوی به
هانند دقیقاً مسیح که است آگاه خداوند. (1:9 یوحنا اول). "نماید اعتراف
می سبب وی کمال اما است، گرفت می قرار و وسوسه مورد افرا به قیه
به و کرده پیاداری گناهن این برابردر اند سانهادیگر به خلاف شود
ع فوراً "مسیح خاطر به خداوند" دلایل همین به بیاید فایق آنها
نیز مسیح که موضوع این درک بر ناپراین. (4:32 اف سس بیان) کز ندیمی
ما به شری فطرت تنها ای نکه و گرفت می قرار و وسوسه مورد ما ماند
است بر خوردار به سپاری اهیت از ساخت می ممکن او بر رای را و وسوسه
از طبعی مسیح که است شده اشاره به وضوح 2:14 ع بران بیان آیه در
او بر این یزگناه امکان بر ناپراین و داشت ته، "اسد تخوان و پیوست"
او و (4:24 یوحنا) "است معنوی خداوند" طبعی است بوده فرام
فاقد که گزندی سبب او "معنویت" ولی است جسم دارای اگر چه
پیوست از طبعی مسیح که نکته این باشد اسد تخوان و پیوست
دوران طول در وجه هیچ به او که معناست بر این داشت ته "اسد تخوان و
است نبوده بر خوردار خداوندی فطرت از خود زندگی

بر مطلق غلبه و خداوند کلام به کارگیری در به شرف بلی کوششهای
خدا" بر ناپراین بوده شده روبرو شد کست با هواره نفسانی امیال
این به ما انسانی بدن ماندند بدنی در را مسیح عیسی خود فرزند

سلطه تحت ما بدن مثل او بدن که تفاوت این با فرستاده جهان
ماتا کرد، قربانی ماگ ناهن آموزش راه در را جانش و آمد او. بز بود گ ناه
(8:3 رومیان). "شویم آزاد گ ناه سلطه از نیز

می اطلاق خطا امری انجام جهت بشرط بیعی میل به "گ ناه" ای نجادر
و باشد می میسر نیز آن ادامه و است بز از گ ناه مانجا برای راه. شود
کمک یک به به بشرمخصه این از رهلی برای. "است مرگ گ ناه تاوان"
ط بیعت و نداشت که کمال خود خودی به ان سان دارد اد تیاج بیرونی
بنا بر این ندارد، را مادیات بنداز شدن رهلی برای نهایی به به شری
سوی به به و دب شری ط بیعت دارای ماهانند که را خویش پسر خداوند
اما به و دب از ماهانند نیز او برای گ ناه به مبادرت راه و فرستاده ما
بشرنوع سایر برخلاف و، جائز خطای نکه وجود با مسیح
که شده داده و ضیح 8:3 رومیان آیه در. شد غالب هلو سوسه برت مامی
آیه چند دب اش می جائز خطا و مادی جسمانی، مسیح بر شری فطرت
مادی جسم که است کرده صحت مسئله این در باره پولس تر، پیش
بافطرتاً مادی جسم این آیه نکه و نبوده خوبی چیز هیچ جایگاه بر شر
رابطه این در (18:7-23 رومیان). است مخالف خداوند از فرمان برداری
و مادی جسمی دارای 8:3 رومیان آیه ط بق مسیح که مطلب این مطالعه
وی غالب به سبب به و دلیل این به است توجه غالب به و، زال خطاجای
مادی بندهای از رهلی برای راهی نیز ما خویش، ن فسان می امیال بر
آگاه خویش فطرت ب و دن جائز خطا از حتم طور به به مسیح داریم
دلالت عنوان این و شد، خطاب "پاک مولای" او که براریک است ب وده
چرا "گفت پاسخ در ب و، او براری امک و پاک فطرتی تصور بر
مرقس) "نیکوست واقعاً که خداست ف قطگ وی؟ می نیکو مرا
معجزات از ای مجموعه به توجه با مردم دیگر موقعی تی در. (18، 17:10
مسئله این از مسیح بی و نداد داده قرار تمجید مورد را وی عظمت مسیح
نبود لازم و ب و، گاه مردم قلب از او" ن بردای بهره خویش نفع به
ی و دنا) "دهند می عقیده تغیر زود چقدر مردم که بگوید او به کسی
(پیوندانی متن 2:23-25)

می را چه یزه) بر شری فطرت به ن سبت وی والای درک همین سبب به
قرار ستایش مورد را او شخص مردم که خواست نمی مسیح، (دانست
تواند می حد چه تا اش بر شری فطرت که دانست می او که چرا دهند،
باشد پست.

مسیح از ساز بیت 4-8

اراده عیسی به شری فطرت مورد در زیادی مآلهای مقدس کتاب م تون می زمین روی بایستی و بدود خسته وی که است آمده در جای بدهندمی ای لعازر مرگ هنگام عیسی . (4:6 یودنا) بنوشد آب چاه از تان شدست مسیح رنج آخرین بپشد ترهه از . (11:35 یودنا) "ریخت اشک" بای به و مرگ آغوش به وی زمانیکه نماید ثبات را او ب شری فطرت کرد عنوان چندین و دهذجاتش که خواست خداوند از رفت، صلیب دورتر کمی پس" او . (12:27 یودنا) "بیدنمی آزار من جان اکون" جام اینت، اس ممکن اگر بدر، کرد دعا چندین و اف تاد بر زمین و رفت خواست به به لکه من خواهش به نه اما برادر، من مقابل از را عذاب و رنج موارد از ای پاره در که سازدمی روشن ع بارت این . (26:39 متی) "ت و است ب وده متفاوت خداوند خواست بامسیح میل یا اراده

در و خداوند خواست بر منطبق زندگی پیش دوران تمام در مسیح خواست و" : است ب وده صلیب بر نهایی آزمایش این ب برای آمادگی ای راست می مشورت پدرم بان نخست نمایم، محاکمه را کسی آنکه از پیش من اما جهت این از میدهم، انجام را همان دهد، دستور من به خدا هرچه کنم اراده و میل مطابق زی را است، عادلانه کاملاً کنم من که محاکماتی این (5:30 یودنا) "خودم میل مطابق نه فرستاده، مرا که است خدای کندی ثبات بوضوح خداوند خواست و مسیح خواست بین تفاوت نیست خدا عیسی که

از خود معرفت بر خویش زندگی دوران طول در که رودمی ان تظار ما از کنیم، می تجربه زندگی در که هلی آزمایش از و بیافزایم خداوند یاشدمی ما برای بارزی نمونه عیسی زمین، این در بدگ پیری درس از نبود خدادادی و نهایی شکلی به خداوند از وی شناخت و معرفت معنوی، بلوغ کرد می رشد قامت و حکمت در عیسی "کودکی، دوران لوقا) "ب ودمردم و خدا پسندمورد و ، (4:13 اف سدسیان به مراجعه ب وده حکمت از سرشار او شد بزرگ و دکرر شد عیسی آنجا، در" (2:52) ر شدت وازن آیه دو این (2:40 لوقا) "داشت قرار او بر خدا فیض و به عیسی در ر شد روند دهند؛ نشان را عیسی معنوی و فیزیکی نظرت بق اگر رفت صورت معنوی و طبیعی شکل دو خواهد ممکن چیزی چندین، "باشد خدا پس"، ت ثلیث به معتقدین دقیق زمان از که داشت اذعان مسیح زندگی، پایان در حتی و دب مرقس) . دارد اطلاع آن از "پدر" که هرچند ندارد، اطلاع بازگشتش (13:32).

خویش زندگی دوران در ما که است چیزی خداوند از فرمان برداری پسری همانند بایستی نیز مسیح بدگ پیریم فراتر باید

به ود، خدا فرزند عیسی که این بنا به یاموزد را خویش پدر از اطاعت را اطاعت معنی تجر به به تا که شدیدی عذاب و درد عملاً به ای ستمی اما که به ود تجر به این گزندان از پس، (معنوی به لوغ به معنی) به یاموزد آذانی نصیب را ابدي نجات و اندي و رسیده کمال حد به داد نشان فریاد پیمان آیه در. (5:8،9) بران بیان) "نمای ندمی اطاعت او از که سازد معنوی شده بین نیز (27 انحراف در پیشترت و ضیحات) 2:7.8 است شده عنوان میرسد، اوج به وی شدن مصلوب لحظه در که عیسی و درآمد بنده یک شکل به و گزاشت کنار را خود جلال و قدرت" او تا اختس فرودن را خود نیز این از بیش حتی و شدان سانهها شد به به "شود اعدام صلیب روی برت به کار یک مانند شد حاضر که جای عیسی که دهمی نشان روشنی به رف به کار به ای نجادر که ال فاضی به تدریج به و کرده طی را خویش معنوی تکامل راه خوداگاهی روی از گشته خداوند خواست "مطیع" نهایتاً ای نکه تا شده افزوده وی توضع پاسخ با وی بنابر این است نموده اختیار را صلیب بر مرگ و "یافت تکامل" خویش هیزنج و درد به در ست

پارسی به رسیدن برای عیسی که شومدی مشخص مطلب هین از خداوندت وسط وجه هیچ به وی کند؛ تلاش خوداگاه و شخصاً به ای ستمی چیزی، به ود انطور اگر چرا که به ود، نشده روش این انتخاب به وادار بدین و داشت دوست را ما واقعاً عیسی شدند ت لقی به از چه یک جز کرده وادار را وی خداوند اگر کرد فدا صلیب بر را خویش جان علت عشق برت آید آنگاه نماید، انتخاب را صلیب بر مرگ تا به ود و 5:2.25 اف سد بیان) کردمی جلوه واهی ای مسئله ما به نسد بت مسیح می لاجرم پس به ود، خدا عیسی اگر. (2:20 غلاطیان و 1:5 مکاشفه دیگر از انتخاب و سپاردمی جان صلیب روی و به وده کامل به ای ست او عشق به که دهمی را امکان این ما به عیسی به ودن مختار. زداشت پیداوی با شخصی رابطه نوعی و به نهیم ارج به شرب نه نسد بت کنیم.

روی از و داوطلب بانه وی ملک به ود دلایل بدین عیسی از خداوند در ضایات دوست مرا پدرم قطعاً بنابر این: "نمودف دارا خویش جان رغبت و میل هیچ...دهم می قرار او اختیار در را خویش جان من که چرا داشت، خواهد می فدا آنرا خودم من ولی به سناندمن از را جانم ت واند نمی به شری یک قالب در او ندگی ز و به ود خدا عیسی اگر. (10:17،18 یوحنا) "کنم به ود، جائزاً خطا به شرب ارتباط ای جاد جهت نامیدن حرکتی انسان و 3:17 متی) نمودمی مشکل وی ارادی اطاعت از خداوند در ضایات درک او فرمان برداری از پدر در ضایات به معنی مسائل این (5:17 و 12:18

اما داشت، را سرپ بچی تو ان عیسی که است این بر دال کافی مدرک کرد اند تخاب را خدا از اطاعت راه آنگاه

رسد تگاری به مسیح نیاز

بیماری، دچار ما هاند خودپش بشی فطرت خاطر به عیسی عنوان تو ان می بدحت این ادامه در بنابر این می شد غیره و خست تگی طریق قی به داد، نمی دست از را خود جان صلایب بروی اگر که کرد می عیسی بنابر این. (پیری لب دلی مثلاً) رفت می دنیای از دیدی اگر این پذیرفتن با یابدنجات مرگ از خداوند به وسیله بایست خداوند درگاه به شدیداً و شد مشغول نیایش و دعا به "عیسی حقیقت، ای منی مرگ از را عیسی بدوقادر (خدا) او که چرا ریخت می اشک یحسب تو و سل. (5:7 ع بران یان)" آورد نظر در راوی پارسی و بدخشد این با ارتباط در بدحتی هیچ مرگ، از نجات براری خداوندی درگاه به رسد تاخیز از پس بگزارد نمی باقی با شد، خدا خود مسیح که اتمال این از و، (6:9 رومیان) "نداشت او برتسلطی دیدی اگر" مرگ مسیح، موضوع این خلاف مسیح رسد تاخیز از قبل که شود می اسد تباط آیه است دهد و صادق او به راجع

است عیسی مورد در هلی گوی پی پیش مزامیر هلی و شد ته از بسدیاری عهد در مسیح مورد در مزامیر جملات از بدعضی قول نقل به ته وجه با این دیدی اگر آیات از بسدیاری که که نیم فرضاست منطقی جدید، به مسیح نیاز موارد از بسدیاری در با شد می وی مورد در نیک تاب است گ رفت ته قرار تاکید مورد و نخدات و سطر رسد تگاری:

قول نقل 4:6 متی آیه از عیسی مورد در 91:11، 12 مزامیر - را خداوندت و سطر مسیح رسد تگاری نحوه 91:16 مزامیر است کرده خواهم (جاودانی عمری یعنی) دراز عمر آنها به "است کرده گوی پی پیش شدن بمصلو واقعه به 69:21 مزامیر "داد خواهم نجات شان و بدخشد تشریح به مزامیر که تاب کل؛ (27:34 متی) کندی اشاره عیسی مشکلات طوفان این از مرا خدایا" پردازدمی صلایب بر مسیح افکار ده نجات مرا خدایا... پدید پرداز را آزادیم بهایی و بیامن نزد... به نجات (29 و 18 و 1 آیات) "فرما سرافراز و

مورد در داود به خداوند دموع بر است تفسیر 89 مزامیر - مرا (خدا) او": کندی گوی پی پیش اینگونه 89:26 مزامیر آیه مسیح "خواند خواه خودپش نجات صخره و خدا و خودپ در

شد؛ پذیرفته‌رسد تگاری منظور به خداوندی درگاه به مسیح ادعیه
 یک در وی جایگاه نه‌است، مسیح معنوی مرتبه پذیرش این دلیل
 و خداوندتوسط عیسی‌رسد تاخیز (5:7) بران یان) "تثلیث"
 ترین عمده از یک‌ی او، به جاودانگی اعطایی به واسطه عیسی از تجلیل
 است جدید عهد در شده مطرح مسائل

را او ما اجداد خدای اما که شد تید، صلیب روی به را عیسی شما" -
 نجات و پادشاه تا فرمود سرفراز را او خود، قدرت با او کرد، زنده
 و کزندتوبه که باشدنداشته فرست اسرائیل قوم و باشددهن
 (5:30،31 ر سولان اعمال). "شود به خشدیده گ ناهلن شان

با که ما ست اجداد خدای و یعقوب اسحاق، ابراهیم، خدای این " -
 اعمال) "است کرده سرافراز را عیسی خود خدمت گزار معجزه، این
 (3:13،15 ر سولان

به شد، تجلیل خواهن خداوند از زمانیکه شخصه به عیسی -
 (8:54؛ 13:32 - 17:5 یوحنا) بر دپی مسائل این

چرا که کرد، می جلوه مورد بی تأکید، همه این بود، خدا عیسی خود اگر
 نداشت رسد تگاری به نیاز بود، خدا عیسی اگر بر میرد نمی خداوند
 خدا برتری بیانگر ساخت، متعالی را عیسی مرتبه خداوند ای نکه
 مسیح دارد خداوند از عیسی شخص بودن جدا برتاکید و بده او بر
 مقاله 39 از مقاله اول بین مندرجات طبق توانست نمی عنوان هیچ به
 و خداوندی... فطرت... نوع دو (با) ابدی خدای" از گس تان کلیسای
 نوع یک تواند می فقط تعریف به نام موجودیک باشد "بشری
 مورد را مسئله این فراگیر، شواهد به میاتوج باشد داشته فطرت
 بده بشری فطرتی دارای ماهانند مسیح که دهیم می قرار پذیرش
 است.

مسیح با خدا را بطله 5-8

مورد در تفکر بسوی را ما خداوندتوسط عیسی رسد تگاری به توجه
 فرضیه که هانگونه اگر بده می سوق عیسی و خداوند را بطله
 باشدند، "ابدی هودو... مساوی دو هو" آنه کندی عنوان تثلیث
 باشدت راز هم دورا بطله مانندنیز شان را بطله بایست می آنگاه
 را بطله چنین بده می نشان که ای مکرده اراده به یاری مثالهای تان
 شوهر و زن یک را بطله به شد به خداوند و مسیح را بطله ندارد وجود ای

مسیح از نریز شوهر و ک ن د اطاعت خود شوهر از ب ای د زن هر : است (11:3 قرن ت یان اول) "ک ن د می اطاعت خدا از هم مسیح که هان طور مسیح رأس نریز خداوند ب اشند، می ه سران شان رأس مردان که هان گونه یک که و ضعی هان ی عنی دارند، مشد ترك اهاف ی آنان ای ذ که حال است، "است و ن د خدا به م تعلق مسیح" ب ناب رای ن ب اشند د شد ته ب ای د زوج دارد ت تعلق شوهرش به زن یک که هان گونه (3:23 قرن ت یان اول)

ت ع بیر است شده معرفی ی مسیح خدای ب عنوان اغلب پ در خدای پ طرس اول) "مسیح ع یسی ما پ ی شوای پ در و پ روردگ ار" ب ه خداوند که ده می ن شان مسیح، عروج از پس ح تی (1:17 اف سسیان و 1:3 زندگی طول در ع یسی که است ای راب طه هان هنوز آنها ب بین راب طه ای ن گونه ت ت ل یث نظریه طرف داران داشت خداوند ب خویش دن یایی ب شریک هان ن د زمین بر که هان گامی ت نها مسیح که ک ن د می اس ت دلالت که جدید عهد هلی نامه شود می ت لقی خداوند از ت مرمت به کم زی ست، می خداوند از کماکان د، شدن ن گارش به شت به مسیح عروج از پس سالها پ در هنوز ع یسی واقع در ب ر ن د می نام مسیح خدای و پ در ب عنوان ک ن د می ت لقی خویش پ روردگ ار را خویش

و صعود از پس سال 30 حداقل که جدید عهد ک تاب آخرین مکا شد فه، او خدای و پ در" عنوان به خداوند از شده، ن و شد ته مسیح معراج ی اف ته عروج مسیح ک تاب، این در (1:6 مکا شد فه) ب ر د می نام " (مسیح) من خدای نام ... من خدای خانه" مورد در وی ب ه می پ یام پ یروانش به و ت اب ت موضوع این ک ن د می صد بت (3:12 مکا شد فه) "من خدای شهر... ب ناب رای ن و کرده ت لقی خداوند را خویش پ در هنوز ع یسی که ک ن د می ن د یست خدا (ع یسی) او خود

ب ا م شابه ای راب طه نریز خویش فانی زندگی ان دور طول در ع یسی ب سویی و ت و؛ پ در و من پ در سویی به" عروج مورد در او داشت خود پ در بر ع یسی (20:17 ی و دنا) است کرده صد بت "ت و خدای و من خدای مرا چرا من، خدای من، خدای" :داد ن شان کاملاً را خویش ب شری ت ص ل یب ا ن د معنی ی خدای دهن از ال فاطمی چ ن ی ن (27:46 م تی) "ای؟ گ ذاشد ته ت نها "ف راوان اشک و گ ری به ب" خداوندی درگ اه به ع یسی که واق عیت این و 5:7 ع بران یان) ک ن د می ت و ص یف خوبی به را آنان راب طه کرد، می دعا ح تی ک ن د می دعا خود درگ اه به خداوند که است و ا ضح (6:12 لوقا و 8:26.27 روم یان) ک ن د می عاد خداوند درگ اه به ما ب رای مسیح نریز اک نون (3:18 قرن ت یان دوم به رجوع

با اساسي تفاوت ي خداوند با مسيح فعلي رابطه كه داديم نشان
 خداوند با مسيح ندارد مسيح دن يوي زندگي هنگامي كه آنان رابطه
 كرد؛ مي دعا او درگاه به و بده ارتباط در پروردگارش و پدر به عنوان
 هان به مسيح معراج و تاخيزرس از پس نيز اكنون وضعيت اين
 زمين، روي خويش زندگي طول در مسيح است مانده باقي شكل
 (53:11 و 42:1 اشعيا و 3:13، 26 رسولان اعمال) بود خداوند خدمت گزار
 باوجه هيچ به و كندي عمل خويش ارباب خواست به خدمت گزار يك
 توان كل كه بود کرده تا كيد مسيح (13:16 يوحنا) نيست برابراو
 ميل به من: "نيست او خود آن از است خداوند جانب از اخت ياراتش و
 مي خود پدر از كه را كارهيي ف قطب لكه .دهم نمي انجام خودكاري
 (5:30، 19 يوحنا) "آورممي عمل به به ينم،

هپ ر سش :8 ف صل

- 1- است؟ شده گ داشته صحه خداوند گانگي سه به انجيل در آيا
 ب له (الف)
- خير (ب)
- 2- بود؟ متفاوت ما بانظر چه از عيسي
 ن كردگ ناه هگ ز (الف)
- بود خدا شخص متولد پدر (ب)
- ك ندگ ناه ت وان ست ندي هگ ز (ج)
- ك ند پدر شه ت قوي كه كرد وادار را او خداوند (د)

3- داشت؟ شد باهت خداوند به نظر چه از عیسی

داشت خداوندی فطرت خویش ز مینوی زندگی در او (الف)

ب) و در کمال دارای داوندخ ماند او (ب)

ب) و در خداوند اندازه به او دانش (ج)

ب) و در برابر خداوند باکاملاً او (د)

4- داشت؟ شد باهت ما به نظر چه از عیسی

ب) و در امان فسانه‌ی هلی و سوسه و بشاری تجر بیات تمام (الف)

گ) دیدگ ناه مرت کب ب) و، جوان زمان یک (ب)

ب) و در نیازمند رسنگاری به (ج)

د) داشت بشاری فطرت (د)

5- است؟ درست زیر از جملات کدام یک

ب) و در کامل شخصیت و فطرت دارای عیسی (الف)

داشت کامل شخصیت و، جائ زل خطا فطرتی دارای عیسی (ب)

انسان بسیار هم و در خدا بسیار هم عیسی (ج)

به وی ارت کاب از قبل آدم حضرت فطرت هاند عیسی فطرت (د)
ب) و در گناه

مسیح سوي به ت عميد: 9 فصل

ت عميد حياتي اھيت 9-1

کردیم؛ اشاره ت عميد اھيت و ضرورت به به ارھاگ نداشتہ فصول در ک تاب به شارتهاي از فرمان برداري جهت در گام نخستين ت عميد از يکي به عنوان ت عميد مورد در 6:2 ع بران بيان آيه در است مقدس به حث اين ما است شده صحت پايه و به نيادي هلي دک تزين مهم ترين از پس ف قط صديح ت عميد زي را داديم، قرار خود مباحث اند تهاي در را اک نون . شوممي ميسر مقدس ک تاب به نيادي واقعايات دقيق فهم از به خواهيد اگر رايم؛ هر سانه پايان به را مقدس ک تاب مفاھيم به ررسي به ره ک ندمي ارائه مسيح عيسي طريق از انجيل که به شارتهاي ت عميد به رکات از بايد ت ردي دي کوچک تزين به دون به برید، شوي دمست ف يوض .

وعده چراکه (4:22 يوحنا) "ر سدمي دنيا اين به يهود به وسيله نجات" طريق از ف قط ما . شد داده وي ذريه و ابراهيم به ت نهار س تگاري گرفتہ ته قرار ابراهيم ذريه زمرة در ت وان يممي مسيح سوي به ت عميد (3:22-29 ان غلاطي) شوي م به رخوردار موهبت اين از و

سفر دنيا ت مام به " است داده فرمان پيروان شان به صراحتاً عيسي - است آمده ابراهيم به شده داده هلي وعده در که) انجيل ت عميد و ک نيد اين مان که آنان زماني بدت بلوغ مخلوقات ت مامي به راي را (3:8 غلاطي بيان ان ايم که که ساني شد خواهند رس تگار اند، شده ت عميد و داشتہ (16:16 مرقس) "يا به ندمي نجات به گيرند، ت عميد غسل و به ياورند مقدس ک تاب ت عميد به ايمان که دهمي نشان "و" به طحرف به ت وجه صرفاً مسيحي ف رد به راي ت عميد نيست؛ کافي رس تگاري به راي اين است رس تگاري نياز پيش و واجب به لکه نبوده مس تحب عملي شود، مي مار رس تگاري موجب هلي تين به ت عميد که نيست معني به دان جهت نيز زندگي طول ت مام در خداوند کلام از مس تمر اطاعت که است کرده ت اکيد مس نله به راي عيسي . است لازم رس تگاري نيابد ت ولد روح و آب از کسي تا است حقيقت عيني گويد مي آنچه" (3:5 يوحنا) " . شود خداوند ملکوت وارد ت وان ندمي

مي به يرون سر ت عميد آب از که دارد شخصي به شماره "آب از" ت ولد رونديک اين . شود م تولد روح از مجدداً بايد ف رد عمل اين از پس آورد؛

ب رای خدا زنده ه پشه پ یم از ... شدن م تولد دوباره": است مداوم کلام به مداوم پ اسخ طریق از ب نابراین (1:23 س پ طر اول) "انسان (ک نید مراجعه 2-2 ب خش به) شویم می م تولد روح از که است روح

و، (3:27 غلاطیان) "گر رید می می مسیح از جزئی و شویم می م عمید" ما داشته ت وجه. (28:19 م تی و 8:16 و 19:5 ر سولان اعمال) او نام سویی به و Carelinks ب سویی نه شویم می م عمید مسیح سویی به ما که با شدید مسیح حمایت تحت مات عمید ب دون دیگری ب شری مجموعه هیچ نه ما حال شامل ب شریست تگاری ب رای او از خودنگ ذشتگی و ب ودن خواهیم تمثیل واقعیت این مورد در پطرس. (4:12 ر سولان اعمال) شدن خواهد کشتی که هانطور است، نوح کشتی هانند: ده می اراده زیبایی جانتن شدن نازلگ ناهکاران سر بر که جزایی از راشخانواده و او نوح ایدی مرگ از را عیسی پیروان نیز مسیح سویی به عمید داد، به ما ورود به کشتی به نوح ورود. (3:21 پطرس اول) ب خشمی رهایی کسانیکه تمام است شده ت شد به عمید غسل راه از مسیح آغوش ک ناردر ایستادن سپردند؛ جان طوفان در ب و ذذکشتی بیرون راه ت نهان شد ک سی رهایی و جانتن مایه نوح با دوس تیباکشتی ب ود (مسیح آغوش) کشتی در گرفتن جای رستگاری و جانتن شد به نوح طوفان به که مسیح ب ازگشت که است روشن. (هست) آغوش به ورود دلایل به است نزدیک، (17:26، 27 لوقا). است شده از ب شری کلمات است فوری و واجب عمید راه از (کشتی) مسیح و اندیل بیان هس تند؛ عاجز و قاصر ضرورت این هیتا بیان تر مسد تدل و تر قوی ب سبب نوح زمان در کشتی به ورود روایت است.

نقاط اقصی به نهاده، گران مسیح فرمان به نخستین مسیحیان به و کرده ت رویج و ت بلا یغرامقدس ک تابتعالیم کرده، س فردنیامورد در ر سولان اعمال ک تاب در پرداخ تند؛ عمید غسل مراسم اجرای از ت عمید حیاتی اهیت است شده صحت فصلیل به مسذله این از پس بلافاصله مردم ک تاب این طبق که شومی آشکار آنجا ر سولان اعمال مثلاً) شند می م عمید مقدس، ک تابتعالیم پذیرش هب که شویم می موضوع م توجه زمانی. (8:12، 39-36، 9:18، 10:47، 16:15) مقدس ک تاب از ماهی آمخته ت عمید ب دون که برسیم نتیجه این رستگاری راه در حیاتی گامی ت عمید است؛ فاید بوی و بیهوده که است شده بیان الهام تحت مک توب روایات از در بعضی است انداختن تعویق به ب رای ب شری دلایل از ب سبب یاری علیرغم چگونه اهیت آنجا ت عمل این آن، جرای راه بر سر ب سبب مشکلات و ت عمید،

خداوند، کمک با ال به ته آن، انجام بر رای ت لاشی هیچ از مردم که داشت کردند نمی دریغ

خود زندگی در بحران بزگ ترین با روزیک فیلایی زندان بان هم از وفور ریخت راوی هلی زندان شدید زلزله یک شد، روبرو به آنان فرار حالیکه در کردند پیدافرار فرست زندان بان باشند مقدس کتابتعالیم به وی ایمان می شد تمام زندان بان جانقیمت... یافتتعمید شب از ساعت هان" که تاحدی شد، اس توار آنگاه به برای راهانه به ترین قطعاً او. (16:33 رسولان اعمال) "بلافاصله 3000 دریونان زلزله بدترین داشتتعمید غسل انداختن تعویق و زندان از خطرناک زندانی به ی شماری تعداد فرار اذتعالی، سال عذروظیفه، انجام درانگاری سهل سبب به زندان بان اعدام امکان متعاقباً عنوان به تعمید غسل به اولی بود، تعمید غسل تعویق جهت وی بدو برده پی خود ابدی سرنوشتحتی و زندگی کل عمل مهم ترین هان یعنی اطرافش دنیا ای لحظه مشکلات بر تمام او بنابرین و کرده غلبه خود عصبی وضعیت و روزانه کاری فشارهلی، (زلزله در دلیلی به که که سانی از بس یاری گرفت قرار تعمید غسل مورد این انجام بدگیرند الهام مرد آن از توانندمی دارند، شك شدن تعمید است، مقدس کتابتعالی درک و اربسی ایمان نشاندگر او توسط عمل کلام شدنیدن از آنها محکمی و راستین ایمان چنین که دانیم می (17:11 رسولان اعمال - 10:17 رومیان) گبردمی نشأت خداوند

حکومتی مسئولین از یکی مورد در 26:8-40 رسولان اعمال آیات در غولمش ارابه یک با کوپرازگ ذر هنگام که شده صحبت ایوپیک کتابتعالیم که شد روبرو فیلیپ با او بود خود انجیل مطالعه از کرد اشاره تعمید ضرورت به و دادتوضیح او به مفصلاً را مقدس از اطاعت آبدی و خشک کوپران در که رسد می نظر به به شری دید بعضی که فرمانی خداوند ولی باشد محال امری شدن، تعمید فرمان یک به خود راه در آنها" بزمایند می صادر کنند، اطاعت نتوانند مردم از بود پذیر امکان آن دریافتن تعمید که ایواحه" رسیند آب برکه خاص یافتن تعمید که میبدهنشان مسئله این. (8:36 رسولان اعمال) هر پشه خداوند نیست دارند، کافی و زیاد آب به دسترس که اماکنی فراهم خویش بندگان برای فرامینش از اطاعت جهت عملی راهی یک آورد می.

او و گرفت ته قرار مسیح از وحی تأیید تحت قویاً بی پولس وجدان (9:18 رسولان اعمال) "یافتتعمید و برخواست" ممکن لحظه اول بین در به را خویش تعمید و گرفت ته قرار و سوسه مورد توانست می نیز او

داشت یهودیان به بین که شرایطی و او اجماعی موقت اندازد، تا آخر
 اما دهده جلوه ناخوشایند برایش را مسیح سویی به تعمیدت و انستمی
 ترین سرپوش و ترین صدیح یهودیت آسمان فروزان ستاره این
 شایه علناً و پادتعمیدتاگرفت را خویش زندگی تصمیم
 تصمیم مورد در بدها و نمایدن فی را خویش زندگی گزیده
 هه اکنون اما: "دهمی تو صدیح این نگونه شدن تعمید بر مبنی خویش
 دور بود، به ارزش به سربار بر ایم روزگاری که را امتیازات این
 چیز هه ولی، به بینم مسیح به را امیدم و ایمان به توانم تاربختم،
 است ارزش پی، مسیح عیسی خداوند شدن ناخست نعت مقابل در
 ندارند، ارزش پذیرش من ای در چون گزاشتم، کنار راه به نابراین
 هنوز من عزیز، به راداران ولی به اشم داشتم که راه به نابراین
 می کار این صرف را خود بیرونی تمام اما نیستم، به اشم باید دان که
 آنچه به امید و انتظار با و کنم فراموش را گزیده ای نکه آن و کنم،
 اثر ردای نه هه و خوانده می فرادوزم، چشم است پیش در
 فیلیپیان) "است داده انجام ما بر ای مسیح که فداکاری ست
 3:7،8،13،14)

شدت به پایدان خط از شدن رد جهت که است ورز شکاری زبانی این
 و ذهنی تلاش با پادتعمید از پس نیز ما زندگی بکنمی تلاش
 تعمید که شود درک باید به باشد همراه آن نظیر متمرکز جسمی
 تغیر نماید صرفاً تعمید است خداوند ملکوتی و سب به راهی ابتدای
 زندگی یک به ورود معنی به حال عین در و نه بوده اع تقادیا ف رقه
 کلی اصل چندم بهم تفسیر اطاعت از که در سرب و راحت
 و شدن مصلوب به را ما تعمید نیست شود، منجر مسیحیت
 از شارس نظر هواز (3:5-6 رومیان) زده پیوندم مسیح رسد تاخیز
 به اشمی پیوایی لحظات

این گونه والا معنوی مرتبه دارایی و خست به پیرمردی به عنوان پیولس
 آسمانی رویایی آن از من حضرت ا، علی بنابراین، بکنمی تعریف
 پیولس بر ای هم که مطل بی (19:26 رسولان اعمال) "امز کرده سر پیچی
 است این کنمی صدق اند شده تعمید در ست کسانیکه تمام بر ای هم و
 طول تمام در شدن خواهد پذیرش شدن تعمید از هرگز کس هیچ که
 کم تر معمولاً این نموده صدیح اند تخابی که به و خواهیم آگاه زندگی
 به اشد مطمئن آن صحت از انسان که یافتت و ان می را به شری تصمیم
 چرا: "که این نیست شود داده پاسخ جدی به طور باید ستمی که سؤالی
 "وم؟ نش تعمید

ب شویم؟ ت عمید غسل چ گونه 9-2

در ب ویژه ت عمید، ک ندمی عنوان که دارد وجود فر اگ یر ن گرش یک صورت آنان پ یشانی روی آب پ اشیدن با ت واند می نوزادان، مورد ت لقی ضروری ت عمید مورد در انجیل که آنچه ب اروش این ب گ یرد دارد مغایرت ک ند، می

است، شده ت رجه " شدن ت عمید" پ لانج در که "baptizo" پ ونانی واژه شدس تشوی معنای به ب لکه نیست؛ آب پ اشیدن یا ریختن معنی به ه ه رست به) است مایع یک درون در جسمی ساختن مس تغرق و کامل واژه این (نمایید رجوع اس ترانگ ج یمز و یانگ رابرت معنی لغت آنه رفتن فر و و هک شتی شدن غرق مورد در قدیم پ ونانی زبان در یال باس بردن فر و مورد در هچ نین واژه این م یرود کار به آب در شود می اس ت فاده آن رنگ تغ یر منظور به مایع رنگ در ای پ ارچه کامل ب طور آنرا ب ای ستمی مسلماً باس، یا پ ارچه رنگ تغ یر پ رای اذ ر قطعاً آن روی بر رنگ پ اشیدن و کرد و ر غوطه مایع یک درون در فر و که دهند می نشان زیر هلی آیه داشت نخواهد ن بال د به را لازم است ت عمید صدیح روش آب در رفتن

اوپس ب و دن یاف تاده زندان به هنوز هنگام این در ی حیی - داد می ت عمید غسل را مردم عینون ب نام محلی در سالیم نزدیک ن یز که ده می نشان مسئله این (3:23 ی و دنا) "ب و د زیاد آب آنجا در چون قطره چند پ اشیدن با اگ ر که چرا ب ود؛ لازم زیادی آب ت عمید ب رای ت عمید ران فر صدهم میشد سطل یک با آن گاه ب ود، م یر عمل این آب و شوند، ت عمید تا آمدند می اردن رود ساحل از ن قظه این به مردم داد رفت ته آنها سراغ به آب ب طری یک با ب ت واند ی حیی که ن بود ای نظور دهد انجام را ای نکار و

از پس " شد ت عمید اردن رود در ی حیی ب و س یله ن یز عیسی - ت عمید که است واضح (16:3-13 متی) "آمد ب یرون آب از عیسی ت عمید آب از" و " شد ب لند" او که چرا ب وده آب در رفتن فر و ب صورت وی ال گوی ی ای جاد عیسی یاف تن ت عمید دلایل از ی کی " شد خارج ب دون ت واند می کس هیچ ب ناب رای ن ب ود، شپ یروان ب رای مناسب ب اشد او از پ یری مدعی (مسیح از ت قلید) شدن ت عمید

ا ت یوپی حکومتی مسؤل آن و ف یل یپ مشاب ه، شکلی به - را او ف یل یپ ورف تند آب داخل دو ه داشت تند ن گاه را کال سکه پ س

وجهت (39، 38:8 ر سولان اعمال) "...آمدند ب یرون آب از ولی داد ت عمید درخو است کرد، مشاهده را آب واحه زمانیکه مرد آن که باشدیداشد ته ت عمید غسل حالاً دارد امکان آیا! آب هم این بکن نگاه: بمود ت عمید مرد آن که ب و دمظن تقریباً ت وانمی (36:8 ر سولان اعمال) "ب گ یرم؟ زدنمی دست کویر در سد فر به (ب طری یک مثلاً) آب کمی حداقل ب دون مرد آن ب و د، میسر آب قطره چند باشدیدن با شدن ت عمید اگر پس کردنمی پ یدا واحه به ن یازی

پ و شش با پس، (2:12 کول سیدان) است ت دفین نوعی ت عمید -
یابدمی انجام کامل

اعمال) شومی پادگ ناهن "شستن" عنوان به ت عمید از -
2:22 طرسپ دوم و 3:5 تیطوس و 1:5 مکاشفه آیات در. (22:16 ر سولان "شستن" به حقیقی کیش تغیر غیره و 10:22 ع بران یان و آب باشدیدن به که آن از ب یش شستن از صحت است شده ت ش به به دارد ش باهت آب در رف تن فر و به باشد، ش به نزدیک

به مقبول راه دهندمی نشان که دارد وجود مخ ت ل فی شواهد ع تیق عهد در است شستشوی ذوع خداوندی درگاه به ت قرب منظور

مراسم اجرای طریق از خدا به قربت از قبل بایست می هک شیش خروج؛ 6:8 لایه ان) کردنمی شستشوی خاص "وان" یک در مذهبی، مثلاً) هلاک ای ب رخی از خود ت طهر بر رای اسرائیل ب نی قوم. (32:40 شستشوی خود بایست می ب و د، آنان گ ناهن نماد که (11:23 ت ت نیه بدادنمی

به شفا ب رای ب ردمی رنج جذام ب بیماری از که ن عمان نام به مردی ب و دگ ناهکاری فر د نماد او جست ت و سل اسرائیل ب نی خداوند درگاه کردمی تجربهرامرگ دن یاهین در خویش گ ناهن سبب به که اب تدار او شد میسر اردن رود آب در رف تن فر و باوی به بودی و کند، ب ر طرف راوی مشکل ت و اندنمی ساده کار این که کردمی ت صور یادده، انجام خداوند ب رای عجبی بی و دشوار کار باید حتماً کردمی ف کر به ن یز ما رود فر و ابانه همچون معروف و ب زرگ رودی در آب حداقل نمی ای ساده کار چندین که که نیم ت صور است ممکن مشابه شکل ت صور که ای نست ما ب رای ت رجذاب ب شود ما رس ت گاری موجب ت و اند به و داده انجام ب زرگی کارهی باید رس ت گاری ب رای که نیم نجات ت اب پیوندیم (ابانه رود به ت ش به به) معروفی ک ل ی ساهنی می پ یمان هم اسرائیل ب نی بار اما که ساده عمل هین ولی یابیم

ف رورفت اردن رود آب در ن عمان جسم ای نکه از پس است کافی سازد،
 (دوم) " شدت ازه و ت ره نوزاد، یک بدن پوست مانند و دندش و ستپ" و
 (9:5-14) پاد شاهن.

که باشد مانده باقی ن باید دای شد بهه و شک جای هیچ بنابر این
 درک از پس ال بدته شود، می اطلاق آب در کامل ف رورفتن بدنه "تعمید"
 به ای اشاره هیچ تعمید از انجیل تعریف مقدس کتاب بنیادی پیام
 آب در رفتن فروتعمید یک نذمی تعمید دهنده فر دمقام و جای گاه
 دیدگاه از بنابر این است، مقدس کتاب تعالیم بدیه ای مان از پس
 که آنجا اول یکن باشد می نیز خودتعمید به قادر شخصی هر نظری
 به تعمید زمان در تعمید شونده واقعی ای مان سبب به فقط تعمید
 شومی تو صیه قطعاً است، ارزش دارایی مسیحیت را ستن نظریات
 به قادر چیزها از قبل که دیدگری را ستن مومن تو وسط تعمید که
 باشد، مقدس کتاب تعالیم از شونده تعمید آگاهی سطح ارزیابی
 بدگیرد صورت.

با اشخاص تعمید از قبل که است رسم Carelinks بین سبب بدین
 که چنان نظیر سوالات، سری یک بدپردازند فصلی بدحت به آنان
 راهی بدحت چندین محور تو انذمی آمده، کتاب این فصل هو پایدان در
 شخصی به کمک جهت Carelinks که افتاده اتفاق بارها دهت شکیل
 حتمی یابی دست اندپ بموده راه مایل هواران شود، تعمید خواهی که
 به و است ارزشمند حد این تا اب دی زندگی بدشارت به فر دیک فقط
 ما ندارد چندان ای اهیت مابرای کیشان ازه تعداد که است سبب این
 دهیم می اهیت کمیت از بدیش کیفیت به برخورداران در

تعمید معنای 3-9

که است شباهتی تعمید هنگام آب در کامل رفتن فرود لای از یکی
 را ما عمل این دارد وجود قدر در انسان گرفتار و عمل این بدین
 آکنده قبل زندگی به "مرگ" نوعی با وزده پیوند مسیح مرگ با
 رس تاخیز به را ما آب از شدن خارج دهیمی خاتمه ماگناه و جهل از
 بازگشت هنگام که بدخشمی را میداین مابه وزده پیوند مسیح
 در ک نیمی آغاز را ای جاودانه زندگی و کرده رس تاخیز نیز ماوی،
 پیروزی سبب به و کرده شروع را جدیدی زندگی ما مرحله این

برترتوانیم بیافت، تحقوقی رس تاخیز و مرگ توسط که مسیح
کنیم پیدادست والای معنوی مرتبه به و کرده غلبه گناه

غسل و آوردیم ایمان مسیح به وقتی که دانید نمی مگر! هوگ ز"
طبیعت او، بامرگ و شدید او پاك وجود از جزئی گرفتیم، تعمید
است، شده نابود مادرگناه قدرت که حال پس مرد؟ نیز مالوداگناه
دهیم؟ ادامه خود سابق آلودگناه زندگی به بازتوانیم چه گونه
داشت، می دوست را گناه که هم ما که نه طبیعت مرد، مسیح هذگام یک
پرجلال قدرت با پدر خدای که زمانی و شد، دفن تعمید آب در او با
وتازه زندگی آن در نیز ما با از گرداند، زندگی به راه مسیح خود،
به ایم شده مسیح وجود از جزئی ما بنا براین. شدید شریک عالی
نیز ما در واقع مرد، صلای روی بر مسیح که هذگامی دیگر، عبارت
در نیز ما است، شده زنده مرگ از پس او که اکنون و مردیم، او با
خواهیم زنده مرگ از سپ او ماند و هستیم شریک او تازه زندگی
شد (6:3-5 رومیان)."

میسر مسیح رس تاخیز و مرگ طریق از تنهار رس تگاری که آنجا از
این به را خود که است ضروری شدن رس تگار جهت بنا براین است،
طریق از که مسیح نمادین رس تاخیز و مرگ بی زنی می یوندمور
می است مهم این انجام برای ممکن راه تنهاگ بریمی صورت تعمید
رانمادین وجه این آب باشدیدن که سازیم خاطرنشان مجدداً ایست
می مصلوب (زندگی روش) ما قبل زندگی" تعمید در ده نمی شکل
خداوند (6:6 رومیان) شد که صلای به مسیح که هذگونه "شود
بیاد (2:5 اف سسیان) "ساخت همراه مسیح با ما" تعمید بوسید
می باقی بی شری ما فطرت هنوز نیز تعمید از پس که اشد بدبداشته
روند تعمید از پس ماندمی باقی ما جسمانی امیال بنا بر او ماند
عیسی بیاد می ادامه روند این ولی شود، می آغاز ما جسم شدن مصلوب
بکشند خود دوش بر روز هرا صلای که است گفتی پروانش به
و 23:9 لوقا) شوند مصلوب بنا است که گوی کنند پروی او از و
به پیوستن ولی نیست، ساده مسیح همراه به شدن مصلوب (14:27)
بدراد در او و صفی غیر قابل آرامش لذت مسیح رس تاخیز

ارمغان به "بشریت برای را صلح صلای بر خودش دادن با" مسیح
به قادر انسان فخر که آرامشی خداوند، آرامش" (1:20 کولسیان) آورد
دهمی وعده مسیح را بظن در (7:4 فیلیپیان) "نست آن درک
است دل و فخر آرامش هیه، این رومی و گدارمی شما نزد ای هیه من"
زودگذر و دوام بی ذی یا های آرامش ماندند همی شما به من که آرامشی
آرامش و صلح این معنوی لذت و ارزش (14:27 یوحنا) "نست

مسیح به په یوسه تن هلي سختي و مشکلات از ید شترت به سيار زحمت به یدشتر مسیح بر اي هوقدر که به داريد قين": است مصلوب دوم) "یافت خواهیم به یدشتر ي دل گرمي و تسلي او از به یدنیم، (1:5 قرن تیان

به نابراین و مرده ما ط به يعي ن فس که مسدله این به به ردن پی کنده، می هراهی را ما به وده ما کنار در هلازمايش تمام در و هواره عیسی سالهای از پس نبی پولس دارد بدن بال بر ایمان آزادی احساس نوعی بر روی مسیح وقتي": بنمود عنوان چندین زیاده، تجارب و ماجرا بر پس شدم مصلوب او بانیز من در حقیقت شد، مصلوب صلاب من در که است مسیح بلکه کنم، می زندگی که نیدست من دیدم دارم، بدن این در ای نك که واقعي زندگی این و اکندمی زندگی بر ای را خود و نمود محبت مرا که خداست فرزند به من ایمان نتیجه ساخت فدا من) (2:20 غلاطیان)

مسیح، شدن زنده به وسیله که دهیم می نشان گبرم، می تعمید وقتي" سویی به واقع دریافتن تعمید با... ای می افت ته نجات هلاکت و مرگ از پاک ناهلن از راهایمان که خواهیم می او از و گردید می به از خدا به سویی مسیح رسد تاخیز با ما پیوند زیا (3:21 پطرس اول) ". سازد این در شدن سهیم با به خشمی جاودانگی نیز ما به ابدي زندگی به ارا مطلب این عیسی. شویم می رسد تگار نهایتاً که است رسد تاخیز خواهید نیز شما زنده من چون": است کرده عنوان چندین ده ساکلماتی خود دشمنان هنگامیکه": بگفت نیز پولس (14:19 یوحنا) ". زیست اکنون پس داد، آشتی خود به ارا ما فرزندش مرگ به وسیله او به دیدم، کنده، می زندگی ما قلب در هم مسیح عیسی و ایم شده خدا دوستان که رومیان احیا،) ". کرد خواهد اعطاء ما به پرشکوهی و عالی برکات چه (5:10)

رنج و مرگ به پیوند و تعمید طریق از که است شده تاکید به ارها پرشکوه رسد تاخیز در حتم طور به مان، زندگی نوحه متعاقباً و مسیح، به و خواهیم سهیم مسیح

شویم، کشته او راه در به یدنیم زحمت مسیح خاطر به اگر" -
مرا واقعبیت این بگرفت خواهیم سراز او به ارا زندگی آسمان، در دنیا، این در که کنیم می فکر اگر به خشمی تسلی و تقویت یادآوریم به به یایید خوب است، دشوار به سيار او به کردن خدمت او به اوندست خواهیم او در کنار که رسد خواهد را روزی که (2:11,12 تیموتائوس دوم) ". بنمود خواهیم سلطنت

خطر در هواره نیز ما شد، روپ رو مرگ با مسیح که هان گونه" -
 مرگ را پس را عیسی ما خداوند که خدا هان دانیم... داریم قرار مرگ
 هراه به تا کرد خواهد زنده مسیح، عیسی ماندن نیز را ما کرد، زنده
 (14، 11، 10:4 قرن تیان دوم) "ب. برد او حضور به شما

با مردن و کشیدن رنج که که نم درک و اهرم می من": بگفت پولس -
 در که که سانی مانندب تواند شده، که قیامتیهی هوبه تا چه یعنی او
 و تازگی در و بیا بدم جدیدی کاملاً زندگی شوند، می زنده قیامت روز
 (6:14 غلاطیان به رجوع 11، 10:3 فیلپیان) "سربرم به آن خرمی

رسد نگاری و تعمید 9-4

که است معنی بدین زندگی پبوند مسیح مرگ به را ما تعمید ای نکه
 دست گناهنان به خشایش به توانیم می تعمید طریق از فقط
 کهنه طبعیت واقع در اید، گرفتارته تعمید غسل که زمانی" اما بیا بیم
 و شدید زنده مسیح با سپس شد، دفن و مردم مسیح با گناهارت ان و
 کلام به که بود این رات در اینها تمام کردید آغاز انوین حیاتی
 کرد زنده مرگ از پس را مسیح که خدای آوردید، ایمان تانا خدای
 به وجودت ان آلودگناه هوسهای و بودید مرده خودگناهنان در شمار زمانی
 هه زیر را گرداند، سهیم مسیح حیاتی در را شما خدا اما بود مسلط
 شدست تشومسیح نام در" ما (13، 12:2 کولسیان) "آموزید را گناهنان
 عیسی نام به تعمید یعنی، (11:6 قرن تیان اول) "شویم می داده
 آیه در مسئله این از تمثیلی است ما گناهنان شدست تشوی راه مسیح
 در مردندمی بایست می تظهر آب فاقدان که شده عنوان 19:13 اعداد
 گناهنان شدن شدست به باعث تعمید چگونه که دادیم نشان 10-2 به خش
 گناهنان شدن شدست به وصف بنابر این (16:22 رسولان مالاع) شودمی
 اشاره شدن تعمید راه از گناهنان به خشایش به مسیح خون با مومنین
 به عنوان مسئله این از 3:5 تیطوس و 7:14 و 1:5 مکاشفه) کندی
 هذگام که موضوع این به و کرده یاد "دوباره تولد شدست تشوی"
 (3:5 یوحنا) ارددا اشاره شویم می "آب از متولد" تعمید

به پطرس پاسخ که است درک قابل مسائل این تمامی به باتوجه
 شما از هویک" جمله "بکنیم؟ بایچه (شدن رسدنگار باری)" سؤال
 نام به و بازگردید خدا بسوی کشیده، دست گناهنان از بایده
 به خدا آن گاه به بخشد را گناهنان خدا تا تعمید بگیرید عیسی،

رَسُولانِ اَعْمَالِ) "بمؤد خواهد اعطاء الہ قدس روح یہ عینی ہدیہ، این نہ یز شما است؛ گ ناهلن بخشش منظور بہ مسیح نام بہ ت عمید باشد (2:37،38) ت عمید کہ کسی ای نرو از ونہ بوده ممکن گ ناهلن بخشش آن بہ دون ک ندمی دریافت را - مرگ یہ عینی - خویش گ ناهلن جزای نہ یاف تہ اعمال) است ممکن مسیح نام بہ ت نہارسد تگاری (6:23 رومیان) می مسیح نام بہ یاف تن ت عمید صورت در ف قطما و (4:12 ر رسولان معنی بہ دین واقعیت این بہ اشیم سہیم اورسد تگاری در ت وانیم بہ ت وانہ ندمی وجہ ہیچ بہ مسیدیت غیر ادیان بہ مع تقدین کہ است ندمی انجیل بہ واقعے مع تقدین از یک ہیچ یاب ند دست رسد تگاری ک لیسای و کات و لیک کہ این بہ پذیرند در اچیزی چندین ت وانہ اند آنان بہ ارتساف بہ رداشت و بہ خورد در دارند، اع تقادی چندین آن جہادی دارد رید شہ مقدس ک تاب از

ب روي غلہ بہ نہ شانہ ابدی زندگی سوی بہ مسیح رسد تاخیز زندیم، می پیوندد پیروزی این بہ را خود مات عمید یاب و دگ ناهلن ش ما برگ ناه و کردہ رسد تاخیز مسیح بہ اکہ گ فت نہ وامی بہ نابراین نہ داشت سلطہ دیہ گر مسیح بہ ر کہ ہانطور داشت، نخواہ سلطہ پس، این از تا ای دشدہ آزادگ ناه بہ رنگی از" ت عمید یاب نابراین نہ باشد، شما ر بہ اب دیہ گرگ ناه پس بہ اشید صداقت و پاک ی بردہ اسد پیرا شماگ ناه تا نہ یستید شریعت قید در دیہ گر اک نون زیر ا مادرگ ناه امکان ہنوز ت عمید از پس ول یکن (6:18،14 رومیان) "کند روی صورت در تا است در کمین گ ناه (1:8،9 ی و دنا اول) دارد وجود حال در ما بہ نابراین بہ کشد بہ رنگی بہ را ما مسیح، از ما بہ رنگ رداندن در را مات عمید و ہستیم شریک مسیح رنجہای و مرگ در حاضر دہمی امید ما بہ ت عمید یہ عینی کند، می شریک نہ یز مسیح یزر سد تاخ یباشیم شریک اورسد تاخیز در مسیح بہ ازگشت ہنگام کہ

ایمان کہ ک سازی" ہستیم امان درگ ناه از بہ الہ قوہ صورت بہ ف قطما کہ (16:16 مرقس) "یاب ندمی نجات بہ گ یزند، ت عمید غسل و یاورند زمان ہان از نہ نہای یی رسد تگار است مسیح بہ ازگشت ہنگام منظور قیامت روز در داوری و قضاوت سند بہ رابرد بہ لکہ ت عمید، غسل در زمان رسد تگاری اگر واقع بہ (3:15 قرنہ تیان اول) می شود حاصل در داوری و قضاوت بہ نہ یازی نہ دیہ گر می شد، حاصل ت عمید غسل (10:22 متی) مرگ بہ نہ یازی نہ و بہ ود، قیامت

مجبور (مسیدیان تمام و) پ و لس نہ یز ت عمید غسل از پس حتی 13- فیل ی پیان) ک نند ت لاش رسد تگاری بہ رسیدن بہ رای بہ و دند 1:2 تیطوس) جاوید زندگی انی بہ امید از او؛ (9:27 قرنہ تیان اول و 3:10

وارثان" ما که این و (8:24 روم بیان و 5:8 تا سالوند یک بیان اول و 3:7 و روز در است گفته سخن (1:14 ع بران بیان) هست تیم، "رسد تگاری (25:46 م تی) یافت خواهند دست جاوید زندگی از به نیکان قیامت، 13:11 روم بیان آیه سراسر در پد و لاس آسمانی و اندگیز شد گفت منطق دادیم می تعمید غسل از پس که که ند می اسد تدلال چندین او - درخ شدمی در ک نیم، می تحمل را مشقات و سد پری را زندگی از روز دو وقت می که این به و شویم، می نزدیک مسیح با زمان به روز یک واقع ترپیش چه آن از اکون" که که نیم ف کر چندین تو اندیم می تر ریب از هنوز بنابر این "شدیم نزدیک رسد تگاری به کردیم می ف کر به است؛ مشروط رسد تگاری ایم نشده مندبهره رسد تگاری نعمت که نیم ظحف را حقیقی ایمان که شویم می رسد تگار شرطی ع بران بیان)

داشته خاطر به را مقدس کتاب اساسی و اصلی هی آموزه، (12:3-14 با اعمالمان و، (15:1.2 قرن بیان اول و 4:16 تا پموتائوس اول) باشدیم (1:10 پطرس دوم) باشد داشته تطابق رسد تگاری والای امید

درگاه شده ترجمه "شدن رسد تگار" که یونانی فعل آن بنابر این این بنیانگر موضوع این و رود، می کار به نیز اسد تمارای حال انزم اطاعت واسطه به که است مسد تمارای ندی رسد تگاری که است به مؤمنان از رهین از. دهد می رخ مادر مقدس کتاب از ما مسد تمار در حال" عنوان به مقدس، کتاب پیام به نسد بت شان واک نشی واسطه از دیدگری مآلهای و (1:18 قرن بیان او) شود می یاد "شدن رسد تگار می یافت 2:15 قرن بیان دوم و 2:47 رسولان اعمال آیات در موضوع این زمان فعل شکل به فقط "رسد تگار" معادل یونانی واژه. (شود عظیمی رسد تگاری هان آن از منظور و است شده اسد فاده گذاشته هذگام ما ساخت، ممکن بنابر ایمان خویش شدن مصدلوب با مسیح که است 1:9 تا پموتائوس دوم) شویم می نزدیک رسد تگاری آن به تعمید غسل (3:5 تا پطوس و

رف تار مبنای که است اسرائیل بنی با خداوند در تار امر این نمونه دنیای نماد که را مصر اسرائیل بنی قوم یهود قوم این مؤمنان خدا، پیش که یزدیای هان رود، می شمار به دروغین مذهب و جسمانی و مادی احمر دریای از آنها کردت رک که نیم، می زندگی آن در تعمید غسل از سرزمین به و کردند عبور سینا صحرائی میان از سد پس و گذاشته اند نمودند مس تقر خداوند ملکوت در را خود آن جاد و رسد پند موعود قرن بیان اول) ما تعمید غسل تمثیل احمر دریای از آنها گذاشته تن تمثیل کنعان و ما؛ کنونی زندگی تمثیل صحرائی سفر؛ (10:1.2)

قوم از تعداد چه که دارد آن از حکایت یهودا 5 آیه است خداوند ملکوت که آن از پس خداوند شدند ت لف صحرا در س فرشان در اسرئیل ب نی که را ک سازی ت تمام بخشدید، رهلی ی مصر سرزمین از را اسرئیل قوم " ساخت هلاک کردند می سر پ یچی خدا از و بدند شده ای مان بی "ر س تگار" و یاف ته نجات مصر از اسرئیل ب نی قوم ب ناب رای ن می "ر س تگار" و یاف ته نجات گ ناه از شدگ ان ت عم ید که هانطور شد، نجات آی ا" پ ر س یدند می اسرئیل ب نی مردم از ی کی از اگ ر . شون د که ن یست معنا آن به این اما داد، می م ژ بت پ اسخ حتماً، "ای د؟ ی اف ته اند ر س یده مط ل ق ر س تگاری به آنها

اعمال) آوردند روی مصر به دوباره ب اطن در اسرئیل ب نی که طورهان پ یش را دروغ بین آموزه و شهوانی زندگی ب یاردی گ ر و (7:39 ر سولان ممکن ن یز اند یاف ته نجات" گ ناه از ت عم ید غسل با که آنها گ رف تند، ن یز ما که این امکان ک نند س قوط خود م بارک و والا جای گاه آن از است اول آیات در ب گ یریم پ یش را ب یابان در اسرئیل ب نی قوی کردار شده ب ر ر سی 21-11:17 رومیان و 4:1،2 ع بران یان و 12-10:1 ق ر ن ت یان غسل با که شده اشاره اف رادی از ف روانی هلی نمونه به اند ج یل در است که کردند ت نزل جای گاهی هب بعداً اما، "یاف تند نجات" گ ناه از ت عم ید آیات م (ت ل) ب و د مس یح ب ازگ شت زمان در شان محکوم بیت معنای به حرارت و پ ر شور اعظان و آموزه (29-10:20 و 6-4:4 و 14-3:12 ع بران یان یاف ت، ب اردن جات ی ک که آن" که این ب ر م ب نی "ان ج یلی" اصطلاح به "است ر س تگار ه یش به رای

اط فای جهت در کمال و تمام ای س فسطه شواهد و هلمونه ه بن مطاب ق ب رای ن یز ای نجا در امور، ت مامی در هچون است ن فسانی هلی خوا س ته است "ر س تگاری" ب اعث حد چه تا ت عم ید غسل شوی م مطم ن که این ف راهم ن باید در ات عم ید غسل داریم شواهد منطقی ب ر ر سی به ن یز ت عم ید که ن یست ای نظور دانست ر س تگاری جهت ف ر ص ت ی آورنده اف زایش را ر س تگاری احد تمال و ب وده ت عم ید از به تر صرفاً یاف تن شوی م؛ می ر س تگار آی نده در، "مس یح آغوش در" ت عم ید غسل با ده ت عم ید غسل هذ گام که هانطور دهیم، ادامه مس یح از پ یروی به اگ ر به ورود به ت وان یم می قطعاً ای م، کرده اطاعت او از واقع در یاف تن ب ای د ت عم ید، غسل از پس زمانی ه در ب ا ش د یم مطم ن و ن د خدا ملکوت به ت وان یم می مس یح ب از آمدن هذ گام که ب ا ش د یم دا ش ت ه ای مان خال صانه دا ش ت ه قطع ی اط م ی نان ت وان یم می اما شوی م پ ذی رف ته خداوند ملکوت شوی م، منحرف راست راه از ب عد روزهان است ممکن چرا که ب ا ش د یم، خوداگ اهی معنوی آی نده از ت وان یم می دن یا این در که است مشخص ب ا ش د یم دا ش ت ه

هنگام که نیکویی وجدان همان تا بکنیم را خود تلاش مامی باید
 تعمید غسل نماید. فطرا داشتیم خداوند به نسدبت تعمید غسل
 تعمید؛ (ی‌ن‌ا‌و، 3:21 پطرس اول) است "نیکو وجدان به‌التزام"
 نگاه روشن و زلال خداوند قابل‌لم‌در را وجدانش که ده‌می قول شونده
 دارد.

که عظیمی رس‌تگاری به‌ما یا فتن دست در تعمید غسل اگر چه
 باشد ایم‌داشته‌توجه‌باید اما دارد، اساسی نقشی کند، می‌ممکن مسیح
 پیش‌تر. شوندمی ما رس‌تگاری باعث تعمید غسل عمل صرفاً که
 زم‌لا مسیح تصدیق مس‌تمر یا‌ادوری زندگی در که ایم‌داده‌نشان
 می‌نشان 1:23 پطرس اول آیه‌با آیه‌این مقایسه (3:5 ی‌ودنا) است،
 توسط ما تدریجی نوزایی به‌تعمید غسل از پس روح تولد که ده
 تعمید غسل به‌منوط قطرس‌تگاری دارد اشاره کلام یا و روح
 رومیان) ایمان، (2:8 افس‌سدیان) الهی فیض حاصل رس‌تگاری نیست
 نظریه این‌گامگه است دیدگر عواملی و (8:24 رومیان) امید، (1:5)
 بنابر این است، ایمان به‌منوط قطرس‌تگاری که شوندمی مطرح
 آیات اما ندارد، رس‌تگاری به‌ربطی تعمید غسل همچون "عملی"
 تمایزی بر م‌تکی‌اس‌تدلای چ‌ن‌که ک‌ندمی روشن 24-2:17 ی‌ع‌قوب
 ک‌تاب به‌مثلاً ق‌ی‌د‌ق‌ی‌ایمان به‌شوندمی منجر عمل و ایمان میان‌نا‌درست
 شوندمی نمایدان (تعمید غسل مثلاً آن عملی‌ن‌تایج با واقع در (م‌قدس
 نیز خود اعمال ب‌وس‌پله‌ایمان، بر علاوه انسان که ب‌یندمی پس"
 تعمید، غسل مورد م‌ثال چ‌ندر (2:24 ی‌ع‌قوب) "گ‌ردمی رس‌تگار
 به‌پاسخ؛" ب‌کند" ب‌اید چه شدن رس‌تگار ب‌رای که پ‌رس‌د‌می مؤمن
 و 2:37 ر‌سولان اعمال) ب‌رداشته‌در را تعمید غسل هواره پ‌رسش این
 لازم نشانی تعمید غسل "عمل انجام" بنابر این (16:30 و 10:6 و 9:6
 و خدا توسط ما شدن رس‌تگار عمل نهایتاً است رس‌تگاری به‌ما ایمان
 و توبه جهت عملی" هم‌ما که است لازم اما پذیرد، می‌انجام مسیح
 به‌رجوع 26:20 ر‌سولان اعمال). ده‌یم انجام آن به‌ایمان و "اس‌تغفار
 مرقس 16:15.16)

از ما بخشش به "گ‌ناهن شدن ش‌ده‌ته" اصطلاح که گ‌فتیم پیش‌تر
 متون، از ب‌رخی طبق دارد اشاره ما تعمید غسل دل‌یل به‌خداوند طرف
 اعمال) شوندمی می‌سرتوبه و ایمان کم‌که به‌گ‌ناهن شدن ش‌ده‌ته
 در و؛ (1:16 اشعریا و 4:14 ارمیا و 7:14 اش‌فهمک و 22:16 ر‌سولان
 ماگ‌ناهن ش‌ده‌تن به‌قادر ت‌نهایی به‌یک‌تا خداوند دیدگر ف‌نونی
 (6:11 قرن‌ت‌یان اول و 51:2.7 مزامیر و 16:9 حزق‌یال). گ‌ردمی معرفی
 خود نقش تعمید غسل با ما اگر که ده‌می نشان خوبی به‌ن‌که این
 عمل بنابر این ش‌ست خواهد را ماگ‌ناهن نیز خداوند ک‌نیم، ای‌فارا

که (نامس تحقق به لطف) الهی موعود فی بیض به دست تریابی ت عمید غسل دارد حیاتی نقشی شده، پ یش نهاد ما به خدا کلام در

دوباره ت عمید غسل: انحراف

می "ت عمید غسل" نوعی که چه آن انجام از پس اف راد از برخی ک لیسایی در املک غسل یا کودکی هنگام در آب پاشیدن) دانستند، دهند نمی نشان چندان ت مایل مجدد ت عمید غسل به دیگر (دیگر انجیل به واقعی ایمان و توبه بایده ت عمید غسل از پیش و یکن فقط ت عمید غسل (16:15.16 مرقس و 2:38 رسولان اعمال) شود حاصل از پیش امور این که است حقیقتی و پذیرفتنی هنگامی متی آیات در. شود انجام صحیح رتیب ت به و آب در فرورفتن هلی آموزه تفسیر شنیدن با هرچیز از پیش ت عمید غسل 28:19.20 انجیل درک یاتوبه به قادر کودک یک. شود می دانست مرتبط مسیح رود نمی شمار به ت عمید غسل اصلاً آب پاشیدن هرحال در نیست؛ ت عمید غسل نای اما رود، می فرو آب در شبرجه از پس شناگر یک هین است نداده پاسخ حقیقی انجیل به آگاهانه فرود که چنان نیست، دروغین ای آموزه به اما رود، می فرو آب در که اف رادی مورد در نکته ت عمید غسل اما اند، فرورفتن آب در آنها است؛ صادق نیز دارند ایمان اندنیافتن

که هلی آموزه از واحد ای مجموعه یعنی دارد، وجود "ایمان یک" تنها غسل نوع یک" ت نهان نتیجه در دهند، می تشکیل را حقیقی انجیل ایمان "آن کسب از پس که ت عمیدی غسل همان دارد، وجود نیز "ت عمید یک یعنی) بدنی یک اعضا هی، ما" پذیردمی صورت "واحد ایم، شده امید دعوت یک به رسیدن بر ای ماهه... (واقعی ک لیسایی یک فقط ما بر ای است دیده ت دارک ما بر ای خدا که جلالی آن به هی عن بر خلاف (4:4-6 اف سس بیان) "دارد وجود ت عمیدی یک و ایمان یک خداوند، در خدا پادشاه دریافت به اع تقاد ای نکه بر مبنی اف راد برخی عقیده مخ تلف راه دو است، یکسان عمل در و اهیت بی بهشت در یا وزمین مسیح پس دارد، وجود "خدا یک" فقط ندارد وجود رسد نگاری بر ای راستین هلی آموزه ت عمید غسل هنگام اگر نتیجه در نیست خدا درک را غیره، و مسیح، و خداوند ماهیت خداوند، ملکوت به مربوط است بوده با قدا ت بار ما "ت عمید غسل" آن باشدیم، نکرده

توبه خواست می آنها از کرد، می فرو آب در را مردم دهنده ت عمیدی حی لوقا و 1:4 مرقس) آموخت می مسیح یاره در مطالب بی آنها به و کزند، 19:1-5 رسولان اعمال آیات ن بود کافی این حال این با (1:77)

ب و د، داده ت عم يدي ح يي كه اف رادي از ب رخي كه است اين ب يان گز
 ناقص را هآموزه از ب رخي كه چرا شدند، مي داده ت عم يدي دوباره ب ايد
 غسل اول بين از پس است ممكن اف راد آن مان ندمان يز ب و نذد ف هم يده
 را اي دوباره زندگي و كرده ت و به واقعاً كه ك نيم ت صور خود ت عم يدي
 يك" به نياز عمل اين اما باشد، هم ينطور است ممكن. اي مكرده آغاز
 ايمان" اجزاي ت مامي درك از پس ت نها كه را "(حقيقي) ت عم يدي غسل
 ك نذمي رف ع گ برده، مي صورت "حدوا

هپ ر سش: 9 ف صل

1- شد؟ رس تگار ت وان مي ت عم يدي غسل ب دون آيا

ب له (الف)

خ ير (ب)

2- معناست؟ چه به ت عم يدي غسل" يواژه

ت عم يدي (الف)

آب پاشيدن (ب)

ايمان (ج)

آب در رف تن فرو (د)

3- شوي م؟ ت عم يدي غسل ب ايد د وقت چه

ت و به و انجيل آموختن از پس (الف)

نوزادي زمان (ب)

انجيل به شدن مند علاقه از پس (ج)

ك لپ سايي ف رقه يك به پ يوس تن هذ گام (د)

4- پښو نډېم؟ مې که به ته عميد غسل د با

دهمي غسل را ما که ک لې ساږي (الف)

خداوند کلام (ب)

مسديح (ج)

القدس روح (د)

5- افند؟ مې اذ فاقې چه ته عميد غسل از پښ

شوي مې ته بدیل ابراهيم ذريه به (الف)

شدن خواهيم گناه مرتکب ديگر (ب)

رسد مې مطلق رسد تگاري به مطمئناً (ج)

شود مې به خشوده مانگ ناهن (د)

6- شوي د؟ داده ته عميد غسل خواهيد مې آيا

به له (الف)

خير (ب)

مسحیح آغوش در زندگی: 10 فصل

انجیل مطالعه 10-1

زندگی هان یا "تقدس راه در رشد" صحبت با ایدمات عمید از بعد و 8:1 و 6:22 رومیان) به کشیم پیش را جسم جایی به روح تأثیر تحت راه در رشد ما که است خدا کلام به وفراطریق از (5:16.25 غلاطیان ما راهنمای روح که ایم دیده (15:7.8) یوحنا) به خشمیم تحت حق را تقدس از زندگی تمام در بایداست کلام در خداوند روح که معنا بدین است. به ماندید کلام به مقدس کتاب دائم مطالعه و پیررس طریق

و به فهمد را تعمید لزوم انسان که شود می باعث کلام دقیق بررسی را ما اعمال کلام، بگذاریم که فرآیند این بدهد انجام آن نتیجه در داشته ادامه باید به بخشد جهت را زندگی بمان و ده قرار تأثیر تحت می خداوند کلام از اطاعت راه در قدمین اول فقط تعمید ولی باشد در را خطر این انجیل اولیه تعالیم و مقدس کتاب با آشنایی باشد قرار تأثیر تحت را مادیه مگر کلام، شود باعث است ممکن که بر دارد ما روی عملی اثر این که بدون کلام توانیم می حالات این در بدهد عاقلاً نه دلایل به (کندید مراجعه 2 ضمیمه به) بخوانیم بگذارید، چشمانم": بخوانیم کوتاه دعایی مقدس کتاب مطالعه از قبل که است مزامیر) "ببینم را و کلام انگیزش گفت حقیقت تا بگشارا (119:18)

و آن به اتکاء البته و باشد ما روزانه غذایی مانده باید خداوند کلام واقعی غذایی به مازیزی میل از حقیقتی بایدان به ما طبعی باشد تیاق سرپیچی او فرامین از": یوداین ایوب احساس باشد بیدتر هم ارمیا (23:12 ایوب)". امزموه حفظ سینه در را او کلمات و امز کرده که توست کلام ده، می تحمل و تاب من به آنچه": داشت را احساس بین می خرم و دشامرا اندوهگین دل تو کلام است من گرسنه روح خوراک خواندن برای خاص زمانی تخصص باین (15:16 ارمیا)". سازد باشد می روزمره زندگی برنامه در حیات عوامل از یکی مقدس کتاب باعث صبح روز هودقیقه 30 مدت به مقدس کتاب وقت فیه مطالعه عادت هاگ و نه این زمانیم شروع سلام روانی باراروزمان که شود می برابر ارزشی داور روز در شود، می ایمان گرفتار تن شکل باعث که داشت خواهند طلا

از قسماً تهايي ت نها خواندن در ما ط ب يعي ت مايل از ج لوگ بري ب راي اي ب رنامه christadelphians با شد، مي جالب ما ب راي كه مقدس ك تب ت ه يه قاب ل آن نا شران از ك تاب اين) "مقدس ك تاب ه راهي" نام ب ه ب خشهاي از مشخصي ت عداد ب رنامه اين در .اند كرده ت ه يه (است اين طي در جدي د عهد ن ت يجه در و شود مي خوانده روز طي در ان ج يل ما در حال يكه . شونذ مي مرور سال در ب ار 1 ع ت يق عهد و ب ار 2 خواندن هزاران اي نكه دان س تن ب امان رود يه خواند يم، مي را ب خشهاروز ب ه روز . شومدي ت قويت ب اشدنمي ب خشها ه بين نذنخوا در حال هم دي مگر مؤمن ف وري ارت با طي ك ك نيم مي ملاقات راي كدي مگر موقع ه ب ناب راي ن ما مكالمات اساس ب اي د خواند يم اخيراً ما كه ب خشهاي ي .ك نيممي احساس دهند ت شك يل را

دعا 10-2

مي كردن دعا شود گ رف ت ه پ يش ب اي د كه دي مگري ح ياتي ت مري ن دارد وجود ان ساني مردم و خدا ميان" آيه ي ادوري طري ق از پ ولس ب اشد ب ه "كرد ب شريت ت مام ف داي را خود جان كه مسيح ع يسي ب نام خدا ر سول ب عنوان من": ياب دمي دست مسيح اعمال درك عملي ن ت يجه اي شان ب ه و ب ر سانم يهودي ان ب غير را ح ق يقت ت ام شده ان تخاب (اول) "ب خشمي نجات ي مان راه از را ان سان خدا چ گونه كه دهم ت علم يم نيست، ب يخر ما ضع فهاي از اعظم كاهن اين" (2:5-8 ت يموت ائوس در زانو ب ه هم ي ك بار ح تي اما . شد و سوسه امور ه بين در خود او زي را خدا پرف يض تخت حضور ب ه ب ياي يد پس ن كردگ ناه و ن يامد را ما خود، لطف ب ه و سازد ما حال شامل را خود رحمت او ت اب روي م (4:15، 16 ع بران يان)" ف رماي دي اري ن ياز ب ه ن گام

شخصي اعظم روحاني ي ك هان ندمس يح كه ب اور اين واق عي ت ح سد ين دعاي ان گ يزه ت و انذمي مير سانذ، خداوند ب ه را ما دعاهاي كه ما ست صرفاً ن باي د ما دعاهاي حال اين ب ا .ك نذ اي جاد ما در را خال صانه و مس تمر غذا، از ق بل خدا شكر ب ا شد خداوند از ما در خوا س تهاي از ف هرست ي ك را ما دعاهاي از مهمي ق سمت ب اي د غ يره و سلامت س فرب راي دعا دهند ت شك يل

ب ه ب اي دنماي يم مطرح خداوند ب ا را مشكلات مان دعا طري ق از ما كه ه بين وجود در دن يا چ يزي هيچ) ك نيد دعا چ يز ه ب راي": بده آرامش احساس ما

دارید لازم هرچه و (کرد دعا آن به رای نیتوان بدون كوچك به خاطر كه ندارد او از دعاها، جواب به رای كه نكندید فراموش و بگوئید خداوند به شد، خواهید مندب بهره خدا آرامش از كنید، چنین اگر بنمائید تشكر به الهی آرامش این نیست آن درك به قیادانسان فر كه آرامشی آسایش و راحت تیاید، آورده ان ایام مسیح عیسی به كه شما دل و فر کرد (7،6:4 فیلپ بیان) "ببخشید خواه

خواهیم حاجت مان به حتماً باشد، خداوند اراده مطابق ما دعاها اگر خداوند کلام برر سی طریق از تیرانیم می ما (14:5 یوحنا اول) برسدید بفهمیم را خداوند اراده سازد، می آشكار بر ما را وی روان كه دعا چگونه كه دهته علم ما به به ای دمقدس كه تاب همطالع بنای این خواهد وی دعا مان نتیجه در و خواهیم چه یزی دعاها مان در و كنیم هرچه كنید اطاعت من کلام از و بمانید من در اگر " بنای این بد دعاها از زیادی مثالهای (7:15 یوحنا) ". شد خواه داده شما به به خواهید چند (10:6 دانایال و 164:119 مزامیر). است آمده سمقدك تب در عادی دعاها حداقل واقع در شب و صبح دعاها و شکرگزار ی کوتاه دعاها بداشد می لازم

موعظه 10-3

ممکن واقعی خداوند شناخت اثر در كه ها و سوسه بزرك ترین از یكی رابطه از تیرانیم می ما بداشد می روحی خودخواهی بیاید، پیش است مطالعات در چنان و شویم خرسند قدری به خداوند با مان شخصی کردن سهیم از كه شویم غرق معنویات و مقدس كه تاب شخصی خودداری آن در اطراف مان، دنیای هم و مؤمنان دوستان هم دیگران، شود می یافت آن در كه واقعی انجیل های گفته و خداوند کلام بنماییم شده تیشد به كنند می نورافشانی تاریکی در كه پرتوی یا چراغ به كه كسی است شده متذکر عیسی (18:4 امثال و 105:119 مزامیر) است به را آن بدلكه كند، نمی مخفی سطل زیر را آن دارد را نوری چنین چون "باشید می جهان نور شما" (15:5 متی) بگدارد می عموم دید معروض در و شده به نا هلت به بر كه هست تید شهری همچون شما" اید شده تید (14:5 متی) "ببندید می آن در هه و درخشید می شب

كنیم، زندگی ایام کرده درك كه ایواقعی انجیل طبق بر واقعاً ما اگر ما شد خواهد هودا كنند می زندگی ما با كه بر كسانی ما تقدس

راهبانی از و ملکوت شوق به که را واقعه بیت این ت و اندست نخواهیم
نماییم پنهان ایم شده جدا دنیوی

ت ماس در آن اند که با را واقعه بیت آنها معرفت صدیح روش با با ای دما
معنوی، صد بیت های به مکالمات بر گرداندن نماییم تقسیم هست تیم
ر ساله پخش دیدی، کلیسای اعضای با تعالیم مورد در کردن به حث
راهبانی تیمی محلی عمومی هلی رسانه در کوچک هلی آگهی دادن حثی و ه
کنیم فکرنه باید دما به خدشیم پرت و رانورمان ت و اندیم می که هست ت ند
هر ما به گذاریم مؤمنان دیدی گره عهده به را شهادت وظیفه ت و اندیم می که
هلی گره به با مقایسه در باشد می شخصی مسؤل بیت یک دارای یک
دید ت دارک را بر زنگ مقیاس در موعظه Carelinks از کمی ت عداد دیدی،
آید بر می دستمان از که همکاری خودمان شخصی بیت با و هوی یک ما اند
میدهم از جام

در آن اند که و مان خان واده به به اور هلی مان ت و ضدیح طریق از موعظه
باشد می روشها کارا ت رین از یک هلی ت ند ما با مس تقسیم ارت باط
را با اور هلی شان واضح بطور با ای دندارند ایمان دوستان شان که آن اند که
دادن ادامه شد از جام عمل این وقت ت ال به ت دهند ت و ضدیح آنان بر رای
خداوند باشد نمی ای عاقلانه کار شخص گ داشت ت ف شار ت حث و به حث
که است این ما وظیفه به یاورد ایمان ف شار ت حث کسی که نمی خواهد
واقعه بیت بر به دهیم ال عمل عکس میزان به زیادی اه بیت ای نکه به دون
داریم شهادت این انجام بر رای بر زنگی مسؤل بیت ما دهیم شهادت
نیز ن فر دو" به از گ ردد ما حثیات زمان در مسیح اگر (17:3-21 حثق یال)
لوقا) "مانند خواهد دیدی گری و شده، بر رده یک می کند، کار مزرعه در که
به از گ شنت به راجع ما اگر و به یاف ت، اتفاق این اگر ال به ت (17:36)
شدیم بدان کرده صد بیت هلی مان و مان خان واده با سرورمان مجدد
باشد می عجب

کلیسای آغوش در زندگی 10-4

شخصی معنوی مسؤل بیت های به راجع مطالعه این در تاک نون
در که دیدی گران با که داریم وظیفه حال این با ای مکرده صد بیت
موضوع این هم به از و باشد تیم داشت ت ملاقات هست ت ند سهیم ما امید هلی
ما باشد تیم داشت ت نه آن به طبعی داشت ت یاق ما که باشد چیزی هان با ای د
طرف به و به یابان در س فر و اردت عمید به عداد که ایم داده ن شان

هر اهنگمان با با شديم مايل كه است طبعي امر اين . شوي م مي ملكوت مسيح بازگشت از قبل آخر روز هلي در ما با شديم داشته ارتباط اين در كه اي پيچيده آزماي شهاي بر غلبه بر راي :ك نيم مي زندگي هان در كه اف رادي با داريم احد تياج شوي م، مي مواجه آن با دوران حضور از برخي، مانده چنين" :ك نيم دوستي دارند قرار و ضعيت راي كندي گر بلكه نشويد، غافل كليسا يعبادت مجالس در نزديك مسيح بازگشت كه روزهاي ندر ب خصوص كنيد، تشويق مؤمنان با نابر اين (3:16 ملاكي به رجوع 10:25 ع بران بيان) . شوي مي و نامه طريقي از پي كندي گر با تاگيرند بكار را خود تالاش بايد در هدي گر كردن سه يم بر راي وي كندي گر ملاقات بر راي مسافرت كردن، موعظه فعاليتهاي و مذهبي مراسم اجراي مقدس، كتاب مطالعات با شدند ارتباط در

كلمه شديم و اندهفراخ دنيا از ملكوت والاي اميد بر راي شخصاي كه هوما به ران توان مي و مي باشد شده فراخوانده انسان معناي به "روحاني" در مطرح مؤمن چندينه متعلق فقط و داد نسبت واقعي مؤمنان تمام ترجمه كليسا به مقدس كتاب در كه يوناني كلمه باشد نميگذاشته گان فراخوانده انجمن معناي به كه باشد، مي ecclesia انكليسي شده گروه معناي به به يشدتركليسا با نابر اين است مؤمنان هان يا مي ملاقات راي كندي گر آن در كه ساختماندي نه و باشد مي مؤمنان و اژه اين از است فاده در سوء تفاهم از جلوكيري بر راي نمايند است فاده ecclesia كلمه از كليسا كلمه بجاي كه دارند تامل Carelinks نمايند

باشد، داشته وجود خاص محله يا شهر يك در مؤمن ديته عدا هركاه تعريبندي كندي گر مس ترملاقات يبرامحلي كه است منطقي شده اجاره سالن يك يا مؤمنان از يك منزل تواندمي محل اين نمايند قبيل از اماكني در دنيا سراسر در Carelinks هلي ecclesias باشد منازل يا مشخص هلي سالن ها، هتل كنفرانس سالنهاي اجتماعي، مراكز كه است اين ecclesia يك هدف كنند مي ملاقات راي كندي گر شخصي به جمعي شهادت و مقدس كتاب جمعي مطالعه طريقي از اعضايش آوري جمع موعظه، بواسطه نورشان پرتوافشاني طريقي از دنيا نمايند

ذيل شرح به بايد Carelinks ي ecclesia يك بر راي معمول بر نامه يك باشد :

نان تقسيم بر نامه صبح 11 يك شدن به

عمومي موعظه في عا ل ي ته اي ع ص ر 6

مقدس ك تاب مطالعه شب 8 چهار شذ به

عضو هو منسجم، جامعه هو در ب ا شد مي خدا خاد واده از ب خشي ecclesia مثال مسيح خود ب ا شد ف روتن و حساس دي گران به ن س بت ب ا ي د آشكارش معنوي ب و دن ماف وق غمر علي ب و در ف تار اين از آشكاري در هنگام يكه را حواريون پ اهلي و كردي رف تار عموم خدم ت گزار مان د مي مجادله است اي شان به ترين ك سي چه اي نكه ب ر سر خود شان ب ين خود ال گوي روش اين در را وي كه خوا س ته ما از مسيح . شستمي كردند (28-20:25 م تي و 13:14.15 ي و دنا) دهيم قرار

كلام پ ايه ب ر آشكارا ب ا ي د شود مي داده ecclesia در كه مي ت عا ل ي از واقع در ك نند مي سخنراني ecclesia در ك سان يكه ب ا شد خداوند اين از . ك نند مي منعكس را خداوند وي، طرف از كردن ص د بت طر يق ب رادران ف قط كه شوم ي ب ردا شت مي ب ا شد مذكر خداوند كه مطلب اول آيه . دهند ان جام خداوند ك لام طاب قم را مردم هدايت ب ا ي د مسيحي جلسات در زنان": است گ ف ته را اين سادگ ي به 14:34 ق ر ن تيان اول آيات " ب گوي ند سخن ن با ي د آنها ب ا شدند ساكت ب ا ي د ن س بت به شت با غ ات فاقتا به را اين دل يل 15-2:11 ت يموت ائ وس به كاي ن ن با ي د زنها پ س آموخت، را گ ناهكاري آدم، به حوا چون . ميده آف ري د حوا از ق بل را آدم خداوند كه اصل اين ب دهند ت عا ل ي مي مردط ق ر ن تيان اول) " . ك نند اطاعت خود شو ه از با ي د زن ه" كه ميده ن شان ره بري رازن ب ا ي د مرد روحي و معنوي نظر از ب ناب راين و (11:13 ي د عكس نه و نما ي د

به كامل اعتا ط ب ا و س كوت در ب ا ي د زنان": بمسائل اين ت مام ب خاطر مردان به زنان دم نمي اجازه ب پردازند روحاني مسائل ف راگ بري ك لي سا جلسات در ب ا ي د زنان . شوندم س سلط آنان ب ر ي ا و دهند ياد چ يز ب عد و آف ري د را آدم ن خست خدا كه است آن امر اين علت ب ا شدند ساكت ف ريب حوا ب لكه خورد، را شيطان ف ريب كه ن بود آدم اين و . را حوا ساخت، دچار زاي مان درد به را زنان خدا جهت، اين از . كردگ ناه و وردخ پ يش در ر ا پ اكي و م د بت ب ا و آرام زندگ ي و آورند ايمان او به اگ ر اما (15-2:11 ت يموت ائ وس اول) " . داد خواه نجات را ا ي شان روح گ ب ر ذ د،

را جدا ي ي و خاص ن قشهاي مقدس ك تاب كه شوم ي مشخص امر اين از زن به خاصي موارد در . است ك رده مشخص مرد و زن و نمانم ب را ي

اول). که نداری خانه و شود دارد چه کند، ازدواج که شده داده دست تور خانه آنها معنوی تلاش میده که میدهند نشان این (14:5) تیموتاوس باشد می مرد عهده به ecclesia عمومی کارهای بنا بر این و باشد می زن یک آن طی که مرد، وزن برابر ری مورد در شری تئوریهای با این گرفتار خانواده بدوجه مدیریت از نظر، هو از تو اند می شاغل متعهد تضاد نماید، را شوهرش با برابر ری ادعای مردانه، لباس پوشیدن تا اسباب یک بصورت بدچه کردن متولد که آید می نظر به دارد زیادی از سطحی اهداری بگ لزوج بصورت که است شده تبدیل زحمت می نگاه آن به خودخواه و مادی کاملاً بیای یک در اساسی بهداشت ولی کرد، خواهند اجتناب روزگار جنه این از واقعی مؤمنان که نند باشد می لازم توازن نوعی برقرار می باشد مثل

داشتند دوست را و باید بد لکه باشد، همسرش سرورن باید شوهر ای شما و" (25:5) اف سدس بیان) داشت دوست را محمسی که هانطور باشد، اد ترام بات و ام و ملاحظه با باید ده سران تان بارف تارتان شوهران، فراموش ضمن در هس تند شما از ترضعیف ای شان چون باشد، "باشد می الهی برکات و روحانی زندگی شریک ای شان که نکند (3:7) پطرس اول)

نمای می مساوی رازن و مرد سدیح نام به تعهد روحی، نظر از اصل این حال، این با (11:11) قرن تیان اول به رجوع (28:27:3) غلاط بیان) (3:11) قرن تیان اول) "که ناطاعت خود شوهر از باید دزن هو" که واضح نمی قرار تأییر تحت، ecclesia و خانواده در روانی و عملی مسائل در برگیرد

هنگامیکه باید مؤنث مؤمن یک اصل این تشخیص دادن نشان بر ای این به پوشانند را موهبتش باشد می خداوند کلام تعالیم در حال برادری یا کلاه یک ecclesia جلسات تمام در باید دزن که معناست بدان عمل در از باید مرد و زن بدین نقش تفاوت باشد بر سرداشته روسری تا یک بدک نند، می درست را موهبتش شان مردان و زنان که ای نحوه طریق با ای، جلسه در زنی اگر هچنین" (15:14:11) قرن تیان اول). شود آیه به وجه با شوهرش یعنی سرش به کند، نبوت دعای سرب رهنه را خود اطاعت سرخود، پوشاندن بازن زی را است، کرده اد ترامی بی (3) باید بد پوشاند، را سرخود خواهد نمی زن اگر بدهد می نشان شوهرش از باید بدس کشد، می خجالت عمل این از اگر و بد تراشد، رارش موی دهد تان شان بد پوشاند را سرخود باید دزن پس بد پوشاند را سرخود (10، 6، 5:11) قرن تیان اول) "باشد می شوهرش مطیع که

ذنان شدک سد تن 10-5

یاد به شراب نوز شدیدن و ذنان تقسدیم در مسیح دس توران از اطاعت می حیاتی امری مقدس ک تاب خواندن و کردن دعا ک نار در فداکاریش من بید آوردن ب خاطر را عمل این": با ست داده دس تور عیسی ب باشد تا طرف دارانش که ب و د این وی آرزوی (22:19 لوقا). "دهید انجام آنها با شراب و ذنان در ت و اند می وی زمان یک و مسیح مجدد ب ازگشت لوقا و 11:26 رن تیانق اول). دهند انجام مرتباً را کار این ب باشد، سهیم (18-22:16)

شراب و شدک شیده صل یب به که است مسیح ب دن دهنده نشان ذنان که میاید نظر به (27-11:23 قرن تیان اول) است وی خون دهنده نشان (2:42.46 ر سولان اعمال) دائم طور به را کارها این اولیه آوردن ذنان ایمان ما اگر (20:7 ر سولان اعمال) میداند انجام باریک ای هف ته قاعدتاً و ک نیممی اطاعت را وی دس تورات باشدیم داشت ته دوست واقعا را مسیح داشت ته وی با راستی نی شخصی رابطه ما اگر (14-15:11 ی و دنا) خودش که همان طور فداکاریش که ب و د خواهیم شد تاق باشدیم، باریابطه در را خودمان نتیجه در و باشدیم داشت ته یاد به ب و د خواست ته تشویق یافت، دست آن به که بزرگی رسد تگاری آوردن یاد به که شیده صل یب روی وی که عذاب می مرور و سکوت ای لحظه نماییم و ارزش بی که شیده وی که هلی می سختی مقابل در را ما آزمایشات میدهد جلوه کم رنگ

ال عاده خارق ات فاق هیچ و است یادآوری ب رای عملی اساساً ذنان تقسدیم ضد یافت همان ماند کار این داد نخواهد رخ عمل این انجام چند تی در ای این (5:7.8 قرن تیان اول و 22:15 لوقا) می باشد موسی دس تورات از خدا که مصر از اسرئیل ب نی بزرگ رهائی یادآوری ب رای ضد یافت مراسم باشد می فرستاد، نیرو سرخ دریای در و موسی طریق مسیح طریق از گناه از رهلی یمان به و گدشت ته به را ما ذنان تقسدیم می مرید و آن به ته عمید طریق از و شود می ممکن صل یب روی که ما که باشد عملی باید امر این از اطاعت ب نابراین ب ردمی شویم، دهیم انجام ب خواهیم طبیعتاً

تمام ال به ته و مسیح عشق فیزیکی نظر از شراب و ذنان از اسد ت فاده ب نابراین ب یوندمی واقعبیت به را ما رسد تگاری به مرید و طمسائل

و ضعیفیت از ما که دهیمی نشان ی که بار ای هف ته صورت به زبان تقسیم
 همراه کار این ت و اندنمی فردی اگر. هس تیم به رخوردار سالم روحی
 که چرا دهه انجام ت نهایی در را عمل این به ای ددهه، انجام مؤمنش دوستان
 اطاعت امر این از که به گ یرد ار ماجلوی تان یست ای بهانه هیچ
 هیشه مراسم این به رای که به کنیم را ت لاشمان ت مام به ای دما بنماییم
 نداشتن حتی خاص شرایط در ال به ته به ایم داشت ته شراب و نان
 مسیح به یاد به روش به ترین به ما که شود این مانع نه باید داینها
 ما پس کرد، اسد ت فاده (22:18 لوقا) "میوه شراب" از مسیح به ایم
 کنیم اسد ت فاده سرخ اندگور شراب از به یاد

به بزرگترین گذشته تگیش خود از و مسیح عذابهای از عبرت گرفتار
 از بردن بهره. شود مردی از یک نصیب ت و اندمی که است اف تخاری
 نهایت میدهند نمایش آنچه به نسبت نادرست ت وجهات طریق از آنها
 نان این که هوبار ب، ترتی به دین": است ای نظورآمده و باشد می که فر
 اعلام را حقیقت این واقع در نوشید، می پیلاهی این از و خورید می را
 ... است کرده دارا خود جان شما، نجات به رای مسیح که کنیم
 از و خورد نان این از ناشایست رفتاری به کسی اگر به ناپراین،
 بی مسیح عیسی خداوند مان خون و بدن به بنوشد، پیلاهی این
 اول) "است شده گناه مرتکب آنها به نسبت و کرده رامیاحت
 و زمان در به یاد نان تقسیم عمل به ناپراین (27، 26:11 قرن تیان
 منقطع و گسیخته نظر هیچ از اف راد اف کار که گ یرد انجام مکانی
 اتاق در شب یازود صبح را عمل این به یاد کار این به رای بنگردد
 که شده پییشنهاد ما به و ددا انجام دیگری مناسب مکان یا خواب
 تا که ندامت تحان را خود وقت به آئین، این در شرکت از پیش شخص"
 اول) "نه یا دارد ران در شرکت به رای شاید سگی آیا به بیند
 نگاه طریق از مثلاً راف کرمان به یاد ما به ناپراین (28:11 قرن تیان
 از قبل انجیل، در شدن مصلوب مورد در شده تبت موارد به کردن
 کار این انجام به نماییم متمرکز مسیح فداکاری به رکازها این انجام
 آزمایش مورد را مسیح به نسبت خودمان وجدان مسلماً مسیح روش به
 داد خواهیم قرار

میباشد ذیل شرح به زبان تقسیم انجام به رای مناسب ترتیب یک

ما ساختن متوجه جلسات، در خدا از آموزش ت قاضی - کردن دعا 1-
 مؤمنان، دیگراحتیاجات آوردن به به وی، کلام درک به بار اب طه در
 به که ای علاقه خصوصاً ما، به اش علاقه سبب به وی ستایش
 دیگراخص موضوع هو مورد در کردن دعا و داد، نشان مسیح فرستادن

2- ک تاب هراهي " در که آنطور روز طي در مقدس ک تاب خواندن
است شده مقرر " مقدس

3- مطالعه - ن صحت يک خواندن يا آنها ع برت درس به مرکزت
يا خدمت مان نيات طرف به را ما که به خشهاي ي با راب طه در مقدس ک تاب
ک ند مي راهنماي ي مسيح، ي ا آوردن به هان

4- 29-11:23 قر ن تيان اول آيات خواندن

5- سکوت مدتي ي با خود آزماي ي

6- نان ي راي کردن دعا

7- آن از کوچکي ت که خوردن و نان ت قس يم

8- شراب ي راي دعا کردن

9- شراب نوشيدن

10- پايان ي دعاي

انجام يده خواهد طول به ساعت يک از به ي شد تر کمي کارهاي ن تمام

ازدواج 6-10

تعميد زمان در که اف رادي موقع بيت گ رفتن در نظر با راب خش اين
از م تلاهاي ي شامل که م تعددي هلي ن و شد ته ک نيمي آغاز هس تند مجرد
مجرد که را اف رادي که دارد وجود باشد، مي دي گران و پ و لس مسيح،
م تعهد ي راي را مان دن مجرد مس ن له حداقل که ک نند مي ت شوي ق هس تند
قر ن تيان اول) ي گ يرن دن نظر در سرور شان کارهلي به خود کامل کردن
و 19:11.12.29 م تي و 2:4 ت يموت ائوس دوم به رجوع 38-7:32 و 9-7:7
مرت کب گ ناهي ک نيد، ازدواج داريد ت ص يم شما گر الم" (9:9 جامعه
اول) ي و ندم تاهي حواري ون از به س ياري (7:28 قر ن تيان اول) "اي دن شده
هلي سود آوري ي راي دارد نظر در خدا که آن گونه ازدواج و (9:5 قر ن تيان
و عهد به و خود ازدواج به" است شده ري زي طرح روعي و ج سمان ي
از راتان زنا شوي ي پ يوند و باشد يدا روف اي دب س ته که پ يمان ي
انسان ... که ن يست شاپ سه" (13:4 ع بران يان) "داريد دن گاه آلودگي
حالات از بالا اي مرحله به را خود به تواند که اين مگر" ي ماند ت نها

(18:24-2) پیدایش). نهاد بد نارا ازدواج خدا بد ناب رای ن بد رساندد، روحانی زن آن یابدمی نعتی کندیم پیداهسری مردی وقتی" بد ناب رای ن خداوند بد خشش عاقل زن... خداوند جاذب از است بد رک تی (14:19، 22:18 امثال) است.

بد یوزد از خارج جنسی تمایلات در افراط که است این هآیه این مفهوم جنسی روابط) زنا مقابل در تذکر. شومی محسوب زنا زنا شوی، محسده زنا، (تیس تند زنا شوی پ یوزد دارای که اف رادی بد بین هو و اندکرده ازدواج دیگری فر د با که ن فر 2 بد بین جنسی روابط) است شده مشاهده زیادی میزان بد جدید عهد در غیر اخلاقی کار نوع این از بد رخی نیل هآیه بد شد می تذکرات این حاوی هنامه تمام تقریباً اول و 1:29 روم بیان و 15:20 رسولان اعمال: بد شد می تذکرات و 5:19 غلاط بیان و 12:21 قرن تیان دوم و 10:8 و 9:6-18 قرن تیان اول و یهودا هفتم آیه و 4:3 سالوند یک بیان اول و 3:5 اف سد بیان (21:2 مکاشفه و 4:3 پطرس)

. شومی تذکر رابی هجنس گناه 2:24 پیدایش آیه اساسی اصل. شوندی گانه هم با او ک نند ازدواج هم با زن و مرد که بد وده این خدا نیت. ک ندمک آدم بد که (کرد خلق را دیگر مردیک نه و) زن یک خداوند گرفت ته قرار نهی مورد مقدس ک تاب در مکرراً مرد ه بد بین جنسی روابط و 18 هلی بد اب پیدایش) رفت بد بین از گناه هین بد خاطر سدوم. است اعمال این بد راصرار که است گف ته واضح خیلی نبی پ ولس. (19) می ن صیب بدی خداوند ملکوت از فر د آن و دارد هراه بد هرا خدا غضب ماند.

(10:9:6) قرن تیان اول و 18:1-32 روم بیان)

دیگر که ن یست معنای دان باشد بیم زده کار این بد دست زمانی ما اگر آنا که و است بد خشنده خدا. ماند خواهیم ن صیب بدی خداوند کمک از اح ترام خداوند بد ای دب نمای ندمی تجریه راوی بد خشایش هم زیادی تعداد دارای corinth در واقع ecclesia (4:130 مزامیر). بد گذارند گ نشد ته، در شما از بد عضی". بد وندد کرده توبه که بد و بد از جنس شد سته گ ناهلن تان اک نون اما داشتید، آودی گ ناه زندگی چن بد شده او پ سندنورد و خدا وقف شما و، (تعمید بد و سیدله) شده روح قدرت و عیسی ما خداوند کار اژ در این و، (تعمید بد و سیدله) دای (9:6-11) قرن تیان اول). " شد میسر القدس

مشارکت 7-10

و ضعیت اساساً شدند ت ترجمه "هدلی" و "رفاقت" به که یونانی کلمات
نمایند می تو و صیف را مشد ترك ات حاد هان یا مشد ترك چ یزی داشت تن
و دانستن طریق از است مرت بطردنك مكالمه ك لمه به مشد ترك ات حاد
طریق از که دید گری اف راد ت مام و وی با ما خداوند ك لام به کردن عمل
گرفتند نادیده هس ت بمر ف بقی میدهند ان جام را اعمال این "مسیدیت"
آسان داریم دید گران با رفاقت با رابطه در ما که مسؤل یتهای ی
غافل (اقترف یعنی) نیازمندان به كمك و نیکوکاری از: "است
در رفاقت" به راجع 1:5 فیل ی پ بیان آیه (13:16 عبرانیان) "نشوید
تعالیمی مرفاقتهای زیر بنای بنابر این كند می صحتبت" انجیل
که رفاقتی دلایل هین به دارند بر در واقع انجیل که هس تند
كلیسای ی یا مؤسسه هر از فراتر می برند لذت آن از واقعی مؤمنان
که كند می طی را زیادی مسافتهای رفاقت هین به خاطر باشد می
باید ممکن جای هر دو كند ملاقات را ت نه مؤمنان دید گری و یكدیگر
در پولس بنمایند نگاری نامه و تلفنی تماس از را است فاده نهایت
هان یعنی (2:1 فیل ی پ بیان) كند می صحتبت "روح رفاقت" مورد
در که هان طور خداوند روان و روح از ام اطاعت هان پایه به رکه رفاقتی
باشد می است، شده مشخص كلامش و روح

به نان تقسیم مراسم اجرای رفاقت هلی نشانده بزرگترین از یکی
و دادند می رسولان که تعالیمی در "اولیه مؤمنان است گروهي صورت
کردند می شرکت مرتب داران ایمان سایر با دعا، و خداوند شام آن در
با او شدند، می جمع خداوند شام برای هخانه در مرتب روز هر و
اعمال) "خوردند می هم با داشت تند هر چه شکرگزار ی و خوشحالی
کزی محور نمایان گری که هلی نشانده در شراکت (2:42، 46 رسولان
پایله" میدهد پیوند هم به "قلل بها ات حاد" در را ما باشند، می ما مید
می بركت دعای آن برای و ذو شیم می آن از خداوند شام هنگام به که ای
در نو شد، می آن از که هکس که نیست معنی این به آیاک نیم،
می با هم کرده، قسمت که نانی و شود؟ می شریك مسیح خون بركات
شریكیم؟ مسیح بدن بركات در هم با ما که دهند می نشان آیا خوریم،
که دهیم می نشان و خوریم می نان هان زا هه باشند، که هم هوقدر ما تعداد
قرن تیان اول) "مسیح بدن یعنی باشد شیم، می بدن یك عضو هه
با ما مسیح فداکاری هلی نشانده که موظفیم ما بنابر این (17، 10:16
"نان قرص يك آن در" و برزند می سود وی اعمال از که اف رادی ت مام
تعمید مسیح نام به آنان که فقط اما نماییم، تقسیم هس تند، سهیم

کردن سهيم و هس تند موقعيت اين در حقيقت دريافت با شدند،
باشدمي عبت زحمت هان شانه اين در ديگر افراد

مشترك پذيرش به مؤمنان ديگر و مسيح و خداوند با ما رفاقت
شودنمي محدود باشدمي "واحد ايمان" شامل كه تعالى واقعي تهامي
شده بپايان آنها در كه باشداصولي اب مطابق بايد ما زندگي روش
اگر پس بدارد وجود او در تاريكي ايذره است نور خدا" است
و روحاني و تاريكي در اما داريم، نزديك ايراب طه خدا با كه بگويم
مسيح مانندنيز ما اگر اما بگويم دروغي نيممي زندگي گناه در
نزديك ايراب طه بگويي كه بگويي گناه از را ما خدا، فرزند عيسي، خون داريم
اول) "سازدمي پاك گناه از را ما خدا، فرزند عيسي، خون داريم
(7-1:5) يوحنا

مؤمنيك كه ياددمي پايان هنگامي رفاقت كه است مشهود آيات اين از
كه كند زندگي روشي به يابو بكنند مخ تلف عقايد بول به شروع
لذتهاي دنبال به "باشدمي مقدس كتاب اشكار تعالى يم خلاف مشخصاً
انها بر شما نور بگذاريد بلكه نرويد، تاريكي و گناه ارزش بي
بايد (5:11 اف سديان) "شود اشكار همگان بر آنها شدت تاب تاب
چوپان كه هانطور بگذارند پارسا است راه به مردم تمام كه شود سعبي
(7-15:1) لوقا) بود خودگ شده گوسفندت نهادن بال به

دوم آيات در رفاقت با ايراب طه در هانوشد ته ترين واضح از يكي
و پيوند ايمان با "شودمي يافت 14:6-18 قرن تيان
پيوند گناه و پاكي بينت و اندمي آيا بكنيد ايجاد بس تگي
از... دارند؟ ارتباطي كديگر با تاريكي و نور آيا باشد؟
از را خود! شويد خارج كارانگناه ميان از» فرمايديم خدا كه اينروست
بپذيرم را شما تا نزنيد دست ناپاك چيزهلي به! سازيد جدا ايشان
"«امن دختران و پسران شما بودخواهم شما پدريمن آنگاه

هلايه اين باشدمي نور هان خداوند كلام چگونه كه ايم داده نشان ما
اشد تباه اليمتع كه كليساهلي با نبايد ما چرا كه ميدهندت و ضريح
نميدانند را واقعيبت آنان كه با نبايد چرا كه نيم، رفاقت ميدهند
هنگاميكه ورزيم اجتناب دنويوي روهي از بايد چرا و كنيم ازدواج
دختران به شدن تبديل و حساب حدي اف تخار شويم مي جدا دنيا از
را ايراب طه هين كه جهاني خانواده يك از قسم تي و خداوند، پسران و
"جسميك" فقط. شومني نصد يمان خواهانمان، و برادران هراه، دارن
ببراساس كه (1:23 اف سديان) دارد وجود واقعي كليساييك يعني
باشند، مي ايمانيك و تعمديك خداوند، يك اميد، يك داراي كه آذان

در بر را ایمان یک که واحدت عالم ایم همان یعنی است شده گزاری پدیه
 یک" این از قسمتی فردی که ندارد امکان (4:4-6) اف سدسین) دارد
 ایمان دارایی که مذهبی هلی انجمن دی گری باحال درعین و باشد "جسم
 تارپی کی با نور آن جای یک از باشد داشته رف باقت نیدستند واقعی
 کنیم، ان تخاب را تارپی کی با رف باقت ما اگر ندارد، رف باقتی هیچ
 ایم مذموده بحدسو تارپی کی پیروان زمره در را خود پیس

که است مشهود ای نک باشد یک کرده دن بال دقت با را مطالعات این اگر
 از یا ما بداشت نخواه وجود خداوند با را بطه در ناتمامی موقعبیت هیچ
 با یا ما بنیدستیم یا وهستیم او هراه مسیح نام به تعمید طریق
 ویم هست نور در آن از عملی اطاعت و درستت عالمیم به دادن فراگوش
 داشته قرار وضعیت دوه در ت واند نمی فردی هیچ تارپی کی در یا
 باشد

مسئولیت از مشخصی درجه ما به مسائل این به نسبت ما معرفت
 خیابان در عادی انسان یک مانند ای نک ما بکندمی اها را خدا به نسبت
 تدق با خداوند نماییم نمی دن بال را مانروزانه زندگی و روییم نمی راه
 می واقعی مؤمنان تمام و مسیح و خداوند بکندمی دن بال را ما اعمال
 نمایم اتخا در درستت صمیم که سازند متقاعد را انسان ت واند
 شما به تا کنیم می را ت لاشمان هه خدا، اندازه همان به هم، ما و مسیح
 پی سرش تنهاگ داشت که خداوند مانند حد این درحتی - کنیم کمک
 در تاخذ تارپی تصمیم به شمارستگاری نهایتاً - ب میرد ما برایی
 بدستگی شده شمارا نه به ای نک که بزرگی امید بقول با را بطه
 دن بال را روش این و شوید تعمید که بگریید تصمیم لطفاً پیس دارد
 بنویسد نامه شده ذکر کتاب این اول در که آدرسی به اگر نمایید
 نمایم فراموش راه برایتان را موقعبیت این که شد خواهیم خوشحال ما

هلی ر سش: 10 فصل

1- معناست؟ چه به تقدس

مؤمنان غیر با ارتباط نداشته تن (الف)

خداوند مسائل با شدن مرتبط و گناه از جدا شدن (ب)

کلیسا به رفته تن (ج)

دیگران به کردن نیکي (د)

می صدیح زنان تقسیم به ارابه طه در زیر جملات از کدام یک -2
باشد؟

دهیم انجام را عمل این هفته هو باید ما (الف)

دهیم انجام را عمل این عید در یک بار سالی باید ما (ب)

شوند می مسیح حقیقی خون و بدن به تابدیل شراب و زنان (ج)

هستند می مسیح خون و بدن دهنده نشان شراب و زنان (د)

باشد؟ می صدیح ازدواج به ارابه طه در زیر جملات از کدام یک -3

کنیم ازدواج واقعی مؤمنان با ای د ب ف قط ما (الف)

بگردد صورت مجوز با ای د مؤمنان با رای طلاق (ب)

باقی ه سرش با ای د نیست مؤمن ه سرش که متألی مؤمن یک (ج)
بماند

است مؤمنان نمایان گر زن و مسیح نمایان گر مرد ازدواج در (د)